

بهار ۱۳۷۰

صافی : ۸۰-۱

« ویژه نامه نظامی گنجوی »

وایلیق

سیزده ساله

مجله فرهنگی فارسی و ترکی

سال سیزدهم

اون اوچ یاشیندا

تور کجه و فارسجا فرهنگي مجموعه

او چونجو ایل

شماره امتیاز ۸۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر جواد هیئت

قیمت : ۷۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

ایچینده کیلر

(فیتیرست)

صفحه

۳

۱- کنگره بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی

۴

۲- وازه‌ها، مفاهیم و ضرب‌المثل‌های ترکی در آثار حکیم نظامی : دکتر جواد هیئت

۱۷

۳- از تاریخ بررسی نظامی گنجوی : ی. ا. برتلس. ترجمه از دکتر حمید محمد زاده

۴۲

۴- سنسین : مصطفی قلیزاده (مهاجر).

۴۳

۵- نظامی نین خسرو و شیرین منظومه سینده اساس صورتلرین تحلیلی: پرفسور غ. بیگدلی

۴۴

۶- خسرو و شیرین باشلانغیجی : ترجمه اندهن: رسول رضا

۴۵

۷- نظامی حقیقده سؤز : پرفسور یاشارقاریف.

۶۲

۸- نظامی نین یاشاریجی باره ده تحقیقات : میرهدایت حصار

۷۶

۹- تحفه حسام : طیبه عسکراوا، جمیله صادق اوا

۸۳

۱۰- قرآن و اسلام : دوکتور جواد هیئت

۹۲

۱۱- نامه‌ای از آمریکا بقلم د.تونصرت خاقانی استاد سابق دانشگاه تبریز.

۹۵

۱۲- بختیاردان شهریارا : حسرت

۹۶

۱۳- باکی دان بیرمکتوب. یازان : پرفسور نجف ناظم

۱۰۲

۱۴- سوروجو آقای رضایا. نریمان حسن زاده

۱۰۲

۱۵- هاردا نالدین : حسن منصور

۱۰۳

۱۶- مشاهیر آذربایجان ۱- میرزا محمد حسن زینوی : حسن علیزاده پروین

۱۰۷

۱۷- شعر : یعقوب نامی - تبریز.

۱۰۸

۱۸- طنطنه‌لی گؤزهل بیر شعر گنججه‌سی.

۱۱۰

۱۹- تبریزدن بیرمکتوب : حسین‌تقای سلیمی

۱۱۲

۲۰- خوی دان بیرمکتوب : م. زمان.

۱۱۳

۲۱- ارومیه دن بیرمکتوب : شامیل عبادی

۱۱۶

۲۲- وجدان سؤوینه : ح. م. ساوالان

۱۱۷

۲۳- گؤندرین منی : محمد علی مصدق.

۱۱۸

۲۴- بئنی تور کجه. فارسجا سؤزلوک.



- ۱۱۹ ۲۵- گنچن آيلاردا بايبلان كتابلار دان : م. ع. فرزانه دن اوچ كتاب
- ۱۲۲ ۲۶- نه گۆزهل دى : ابو الفضل روزى طلب (شاهين)
- ۱۲۳ ۲۷- بنى چيمخان كتابلار : ع. م. گرچك
- ۱۲۷ ۲۸- بيزه گلن مکتوبلار : وارليق.
- ۱۲۹ ۲۹- ايکي بويۇك ايئگی.
- ۱۴۰ ۳۰- بيچاق و قلم : بختيار وها بيزاده دن جواد هيئته
- ۱۴۱ ۳۱- ندينه گولگونوم لايلاى. روشن خياوى
- ۱۳۲ ۳۲- جناس بايانيلار : عطاء اميرى - آتش بيگك
- ۱۳۳ ۳۳- آنالارسۆزى : تورك ادبياتيندان : آتش بيگك
- ۱۳۴ ۳۴- آذربايجان ملي آكادمياسى تين بيلديريشى : آكادميك نظامى سليمانوف
- ۱۳۶ ۳۵- غروب آفتاب فضيلت : درگذشت دكتور غلامحسين صديقى. دكتور جواد هيئت
- ۱۳۹ ۳۶- ميرزا على اعلى : صمد سردارى نيا.
- ۱۴۶ ۳۷- قوى چيچك آچسين : نبي حزرى

اطلاعيه

از مشترکين محترم مجله تقاضا دارد هر چه زودتر آبونمان سال جارى را بمبلغ ۲۵۰۰ ريال به آدرس : بانك ملي ايران شعبه داريوش خيابان بهار حساب شماره ۲۱۶۳ دكتور جواد هيئت و اريز و فتوكي قبض آنرا به آدرس مجله ارسال دارند تا شمارههاى بعدى نيز ارسال شود.

وارليق





وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی
آهلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه

۱۳۷۰ شمسی

اؤن اؤجۆنچو ایل باهار صایبی سی

کنگره بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی

کنگره هشتصد و پنجاهمین سال تولد شاعر و حکیم بزرگ ایران و آذربایجان نظامی گنجوی از طرف دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی از ۱ - ۴ تیرماه در تبریز برگزار خواهد شد. در این کنگره که دبیران دکتر منصور شروت استاد ادبیات دانشکده ادبیات تبریز میباشد اساتید نظامی شناسان ایران و کشورهای خارج شرکت خواهند کرد و نتایج تحقیقات خود را در باره آثار نظامی به شکل سخنرانی و مقاله ارائه خواهند نمود. بقرار اطلاع از آذربایجان شمالی یعنی زادگاه شاعر و حکیم بزرگ تعداد قابل توجهی اساتید و نظامی شناس برای شرکت در این کنگره دعوت شده و قرار است پنجاه دانشجوی دانشگاه باکو نیز به دعوت دانشگاه تبریز بعنوان مهمان دانشگاه در این کنگره شرکت خواهند نمود. مجله وارلیق ضمن تقدیس و اظهار خوشوقتی از این کار علمی و خدا پسندانه دانشگاه تبریز و ارج نهادن به کوششهای شبانه روزی آقای دکتر شروت موفقیت کنگره حکیم نظامی را از درگاه ایزدیکتا خواهد ان است.

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

جناب آقای دکتر جواد دهشیت

در کنگره بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی
دانشگاه تبریز . دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

واژه‌ها، مفاهیم و امثال ترکی در آثار حکیم نظامی گنجوی.

حکیم نظامی گنجه‌ای یکی از بزرگترین شعرای ایران و بلکه تمام جهان است. او بعد از فردوسی بزرگترین مثنوی نویس و داستان‌ساز است ولی با رنگ و اسلوب غنائی خود در داستان سرائی از او نیز فراتر رفته است. شاعر روح عرفانی را با کسوت و اسلوب رومانستیک درآمیخته و با هنر سحرآمیز خود آثار جاودانی ادبی آفریده که نه تنها در حیطه زبان و ادب فارسی بلکه در تمام جهان اسلامی بویژه شعرای ترک زبان نیز از او پیروی کرده و بر آنها نظیره‌ها و شرح و تفسیرها نوشته اند که در میان بزرگترین آنها امیرعلیشیرنویسی شاعر جغتائی و محمد فضولی (شاعر آذری) و احمدی و خیالی را از آسیای صغیر میتوان بعنوان نمونه نام برد.

آثار نظامی به زبانهای (انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، فرانسه و روسی) ترجمه و شرح‌هایی برای آنها نوشته شده است. خمسه نظامی به نظم و نثر در آذربایجان شمالی و ترکیه، ترجمه و چاپ شده است. در این مقوله سخن بسیار است من در اینجا بگفته دوسه مؤلف بسنده میکنم:

مرحوم وحید دستگردی که بقول خودش آثار نظامی را بیش از صد بار خوانده و در هر بار برای تابلوهای مرگ‌دارا، خسرو و یزولبلی گریسته است او را بالاتر از سده می‌داند و میگوید: در اخلاق، یاک و تقوا حکیم نظامی در میان همه شعرای جهان بی‌نظیر است. مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان مینویسد: نظامی اشعر شعرای ایران و افسح فصیح آذربایجان است.

پرتلس ایرانشناس مشهور شوروی در مونوگرافی خود که در ۱۹۴۱ نوشته شده میگوید منظومه خسرو و شیرین از نظر کمال در ادبیات جهان بی‌نظیر است. بنظر او در این منظومه برای اولین بار در ادبیات خاورمیانه شخصیت انسان با تمام ارزشهایش نمایانده شده است بگفته پرتلس شخصیت‌های داستانی نظامی در ادبیات عامیانه ترک، فارس، تاجیک، گرجی، ارمنی، اوزبک و غیره وارد شده و تاثیر آنها

در شرق بیش از قهرمانان هومر در اروپا بوده است .
 نظامی ضمن تأثیر در ادبیات عامیانه ، خود نیز در آثارش از فولکلور ،
 ادبیات و ضرب المثل های مردمی بهره گرفته و همین امر به آثار ادبی اوزند-
 گی جاودانی بخشیده است . توجه و علاقه این شاعر موحد مسلمان ایرانی به
 موطن خود آذربایجان بویژه گنجه واران موجب شده که ضمن الهام گرفتن
 از طبیعت زیبا و محیط زندگی و فولکلور و ادبیات مردمی بسیاری از واژه های
 ترکی آذری را عیناً در اشعار خود بکار برده و بسیاری از تعبیرات و ضرب المثل های
 ترکی را به فارسی برگرداند . در این مقاله سعی شده بدون هیچ پیش داوری و
 جهت گیری پنج منظومه یعنی خمه نظامی از این نقطه نظر بررسی شود و بعد
 نسبتاً فراموش شده او نیز برای ما روشن گردد .

بر کسی پوشیده نیست که حکیم نظامی شاعری موحد و مسلمانی انسان دوست
 و دانش اندوز است او ضمن داشتن علائق ملی و محلی در فکر سعادت بشری است
 و عدالت اجتماعی را شرط اساسی سعادت جامعه میدانند و آنرا بر مبنای اخلاق
 اسلامی و همکاری و هماهنگی اجتماعی پیاده میکند . برای تحقق آرمان خود
 اسکندر مقدونی را به کموت قهرمان اسلامی و شاهنشاه و حتی پیغمبر خیالی خود
 در آورده است .

نظامی حکیمی موحد با تمایلات عرفانی و وحدت وجودی است . او همه چیز
 را از خدا میدانند و فنا فی الله است . خود خواهی را مغایر خدا پرستی میدانند .
 او فرد را عضوی از جامعه و ارزش او را در خدمت بخلق و همکاری و همیاری میدانند
 و برای جامعه فداکاری می طلبد : فنا فی الله و فنا فی المله ، (خلق و امت)
 هست بر هر کسی زملت خویش کفر نعمت ز کفر ملت خویش
 نباید خویش را شمع کرن بکار دیگران دل جمع کردن
 چو دارد خوی تو مردم سرشتی هم اینجا و هم آنجا در بهشتی
 نه بینی آفتاب آسمان را از آن خندد که خندان دجها را
 بعد میگوید :

سگ بر آن آدمی شرف دارد که چو خوردیده در علف دارد
 گوش تا خلق را بکار آیی تا بخدمت جهان بیار آیی
 نظامی مدارج عالی تحصیلی زمان خود را طی نموده و در حیات خویش حکیم
 نامیده شده ، آثار او دایره المعارف عصر اوست . ضمن داشتن تمایلات عرفانی
 و زندگی زاهدانه شاعری با نشاط و خوشبین به زندگی بوده ، او عشق را اساس
 عالم هستی میدانند و میگوید :

جهان عشق است و دیگر زرق سازی همه با زیمت الا عشق بازی
 به نظر او عشق در طبیعت و همه موجودات حاکم است .
 گراندیشه کنی از راه بینش بعشق است ایستاده آفرینش

عشقی گه نه عشق جا ودانی است با زیجه شهوت جوانی است
 با چنین عشق یا کجا ودانی به عقل هم توجه مخصوص داردا و عقیسل را
 نخستین آفریده الهی میداند. در اقبال نامه بعد از ذکر عقاید حکمای یونان
 در آفرینش ذخمت و خرد چنین میگوید :

○ نظامی بر این درمجنبا ن کلید	که نقش ازل بسته را کمن ندبید
بزرگ آفریننده هرجه هست	زهوج آفریدست بالا و پست
نخستین خرد را پدیدار کرد	ز نور خودش دیده بیدار کرد
بر آن نقش کز کلک قدرت نگاشت	ز چشم خرد هیچ بینهان نداشت
مگر نقش اول کز آغاز بست	کزان پرده چشم خرد باز بست
جوشده بسته نقش نخستین تراز	عصایه (دستمال) ز چشم خرد کرد باز

به نظر او آب حیات چنین است :

○ آب حیوان نه آب حیوان است	جان با عقل و عقل با جان است
عقل با جان عطیه احد است	جان با عقل زنده ابد است

در ادبیات ایران ترک بمعنی زیبا بکار رفته مثلاً "حافظ در غزل خود از
 "ترک شیرازی" صحبت میکند؛ اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
 بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

در اینجا غرض از ترک شرازی زیبای شیرازی است اگر چه برخیها ترک قشقا -
 شی را منظور نظر حافظ دانسته اند. شعرای دیگر نیز ترک را بمعنی زیبا یکسار
 گرفته اند. مثلاً خاقانی به اخستان شیروانشاه ممدوح خود چنین میگوید :

○ خسرو خاقانی عذرا سخن هندوئیست هندوئی را ترک عذرا دادی احسنای ملک
 با وجود این هیچکس از شعرای فارسیگو با اندازه نظامی با واژه و مفهوم
 ترک و ترکی با محبت و ستایش برخورد نکرده و تعبیرات و ضرب المثلهای ترکی را
 بکار نگرفته است. بطوریکه در زیر شرح آن خواهد آمد : نظامی واژه ترک
 را گاهی بمعنی حقیقی و در بسیاری موارد در معانی مجازی یا کی، زیبائی، بلند -
 بی عادل، دانا، دلیر، و جنگاور و سمبل قوت و قهرمانی بکار برده است. شاعر
 در موارد بسیاری بجای دلبرواژه ترک را بکار میبرد و میگوید : ترک دلستان ،
 ترک طنناز، ترک نازنین اندام.

وقتی از چشم زیبا سخن میگوید (چشم ترکی) بکار میبرد و او را برابر چشم
 آهو قرار میدهد و وقتی از شیرینی خنده دلبری صحبت میکند (خنده ترکی) میگوید
 خنده ترکی بقدری شیرین است که شکر بر او رشک میبرد : خسته دل از خنده تر -
 گان شکر .

در داستان هفت پیکر زیبا رویان و داستان سرا بیان را ترک میخواند شاهزاده
 زیبای رومی از نظر او ترکی است از نسل رومیان : ترکی از نسل رومیان نسبش
 وقتی از زیبائی چشمان دختر کردی سخن میگوید او را ترک چشم میخواند .

کرد را بود دخترى بجمال
 لعبتى ترك چشم- و هندو خال
 پدزيبا رويبا طرف ليلي تركان
 عرب نشين خطاب ميكنند و تركان
 عرب اندام مرا ميستا
 تركان عرب نشينشان نام
 خوش با شد و ترك تازی اندام
 همه زيبايان را چه چيني و چه هندی به ترك تشبيه ميكنند .
 بدان ترك چيني چنان دل سپرد
 كه هندوي غم رختش از خانه برد

به قمر زيبا رويان و خرم پادشاه (تركستان) خطاب ميكنند . در داستان خسرو
 و شيرين فرستادن شيرين را به دربار از زبان شاپور چنين تعريف ميكنند :
 وز آن چون هندوان رفتن براهش
 فرستادن به تركستان شاهش
 در هفت پيكر نام ملكه باريك اندام
 ترك در حكايت (قمرسياه) تركنا زاست
 گفت من ترك نازنين اندام
 از پدر تركناز دارم نام

در اسلوب نظامي كه مجاز در آن بسيار بكار رفته تركي سمبل قوت و قهرمان -
 ني است مثلاً " در جنگ خسرو و بهرام كه هردو سرداران ايراني هستند اگر چه
 ارتش خسرو رومي و ارتش بهرام ايرانيان اند ولي هنگام تصوير جنگ و ستيز
 ميگويد در جنگ ميان اين تركان از زبانك كرنای ، شيبور تركي صدای تركان
 گرفته بود .

فرو بسته در آن غوغای تركان
 زبانگ نائی تركي نای تركان
 در قسمت دوم اسكندر نامه وقتي از كاردانی ، عقل و تدبير و اراده قهرمان آر -
 مانی خود اسكندر صحبت ميكنند اسكندر را ترك رومي كلاه ميخواند و چنين
 ميگويد :

به تدبير كار آگاهان دم گشاد
 ز كار آگهي كار عالم گشاد
 و گرنه يكي ترك رومي كلاه
 بهندو به چين كزدي با رگاه
 وقتي حمله جنگاوري را از قلب سپاه به ميدان نبرد تصوير ميكنند آنرا ترك
 وار ميخواند

ز قلب سپه پيش آن تندمار
 فرو رفت جوشن دري تركسوار
 وقتي لشكريان اسكندر و دارا روبرو ميشوند باز از يورش و جوش و خروش تركان
 سخن بميان ميآيد :

چنان آمد از پای تركي خروش
 كه از نای تركان بر آورد جوش
 وقتي دارا به اسكندر خطاب ميكند او را با سربازان ترك خود ميترساند و ميگويد :
 مگر تير ترکان بيغمای من
 نخوردی كه تندي به بيغمای من

اسكندر نيز در رويارويي خاقان هند چنين ميگويد :
 غلامان تركم جوگيرند شست
 ز تيري رسد لشكري را شكست

اگر حمل بر مبالغه نشود در نظامی ترک سمبل همه تعالی مادی و معنوی است .
 او آفتاب است که از دریای چین طلوع کرده و گوهساران را روشن می‌سازد ؛
 دگر روزگین ترک سلطان نیکوه ز دریای چین کوه بر زد بکوه
 (نهیب و حمله ، بتل)

وقتی می‌خواهد بزرگترین پیغمبران و فرما ندهان و امیرا طوران را توصیف
 و تشبیه کند صفت ترک را بکار می‌برد . وقتی در خسرو و شیرین پیغمبر اکرم (ص) را
 می‌ستاید چنین می‌گوید :

زهی پیغمبری کز بیم و امید	قلم راند به افریدون و جمشید
زهی سرخیل سرخیلان اسرار	سخن را تا قیامت نوبتسی دار
زهی گردون زنی کز بیم تا جش	کشد هر گردنی طوق خراجش
زهی ترکی گه میرهفت خیالات	ز ماهی تا بماه او را طفیل است

در قصیده (سلطان کعبه) نیز صحبت از ترک تازی اندام میکند :

ترکی است تازی اندام و ز بهر دلستان بر عارض سپیدش خال سیمز عنبر
 یارب بود که گرده چشم دل نسیظامی از دیدن جمالش بیتل ز اجل منور
 تا در حریم کعبه یا (رب کعبه) گویند این شکرها که دارد از شاه عدل گستر

در نظر نظامی دولت ایده آل برپا به عدل استوار است و دولت ترکان مسلمان
 نمونه‌ای از آن بشمار می‌رود . بر مبنای همین اندیشه در مخزن الاسرار که یک اثر
 تعلیم و تربیه‌وی است در مقاله مربوط به وظایف پادشاه در برابر اتباع خود
 حکایت پیرزن مظلوم و سلطان سنج را نقل میکند . در این داستان پیرزن دامن
 سنج را می‌گیرد و به او از سحنه شکایت میکند و داد خود را از او می‌خواهد ، برای
 نمونه مطلع بود و بیت آخر منظومه خوانده میشود :

○ پیرزنی راستمی در گرفت	دست زد و دامن سنج گرفت
دولت ترکان که بلندی گرفت	مملکت از داد پسندهی گرفت
چونکه تو بیدادگری پروری	ترک نه‌ای هندوی غارتگری

با توجه به دوبیت آخر آشکار است که در اینجا نظامی ترک را بمعنی مجازی
 عادل و دادگر بکار برده است . باید گفت که در آثار نظامی دوبار نیز با تحقیق و
 تخیل از ترک یاد شده : یکی در مقدمه لیلی و مجنون در نامه‌ای یکی آخستار
 شیروانشاه برایش فرستاده می‌گوید :

○ در روزی و تازی	این تاز و عروس را طرازی
ترکی صفت وفای ما نیست	ترکانه صفت سزای ما نیست
آن کز نسب بلند زاید	اورا سخن بلندی باید

نظامی ضمن گله از سخنان شیروانشاه در آخر داستان جواب تحقیقاً می‌زاد و چنین

میدههد: ○ زمیننا صحبت الهی بشنودومه حرف صبحگاهسی

بیدار شهی به کار دانی بیدار ترک شو ار توانسی

دادو دهدت گران نه آرد گربیش کنی زیان ندارد

در جای دیگر وقتی اسکندر که از طرف نظامی پادشاه ترک نامیده شده به خاقان چین خطاب میکند، عتاب آمیز است: خاقان ترک حین برای بسیج ارتش جنگوران و پهلوانان زرین کمر فرغانه، قیرقیز (خرخیز)، چاچ (تاشکند) و کاشغر را بخدمت میخواند و این ترکان را بجنگ با قهرمان محبوب نظامی یعنی اسکندر می کشاند ولی قبل از تسلیم با پیشنهاد خاقان گاربه آشتی می کشد اما خبر ادامه بسیج خاقان بگوش اسکندر می رسد. اسکندر خاقان ترک چین را به دورویی و ریا متهم میکند ولی خاقان با و جواب میدهد که پیشنهاد آشتی نه از ضعف و سستی بلکه از خواست دل و صلحجویی بوده است.

نظامی غیر از ترکان چین از ترکان قباچاق و خوارزم نیز با محبت سخن میگوید. بد معمولاً" وقتی از ترک صحبت میکند مقصودش ترکان آذری و ایرانی است و گرنه برای دیگر ترکان کلمه ترک را با صفت ترکان قباچاق، ترکان چین، ترکان خرخیز، (قیرقیز) و ترکان خلج یا خلخ، ترکان چینگیل و غیره..... خطاب میکند (رستم علیف). شاعر در اسکندرنامه عصمت زنان قباچاق را می ستاید. اسکندر در جواب نامه پادشاه هندوستان میگوید از زیبا رویان هند سخن میگوئی و لسی در خوارزم زیبا تر از آنها هستند.

○ گرم هست بخوبی رویان شتاب به خوارزم روشن تراست آفتاب
در خصمه نظامی اغلب قهرمانان زن داستانها مانند شیرین، نوشابه مهین بانو، ترکاناز و همسر محبوبش آفاق (آپاق = سفید سفید) آذری و بیبا ترک آذربایجانی هستند. وقتی از زیبایی و پاکی و وفاداری دیگر قهرمانان زن هم صحبت میکنند آنها را زیبایی ترک می نامند. ولی بیش از هر چیز پاکسی، محبت و صداقت، روح مبارزه و وابستگی به خانه و خانواده دختران ترک او را مفتون خود ساخته است. شاعر همه این صفات و فضیلت های نیکورادر همسر محبوبش آفاق دیده و او را مثال فضیلت و پاکدامنی و زیبایی زنانه معرفی کرده است. در توصیف شیرین و خودکشی او بر روی جنازه خسرو او را به آفاق تشبیه میکند و میگوید:

○ سبک رو چون بست قباچاق من بود گمان افتاد خود کافاق من بود.

در داستان خسرو و شیرین شمیرامی (مهین بانو) ملکه ازان موطن نظامی و قتیکه به شیرین برادرزاده و ولیعهد خود توصیه میکند که در برابر خسرو با تمکن و محتاط باشد با و چنین میگوید:

○ گزاهما هست ما هم آفتابیم گرو کیخسرو است افراسیابیم
در این داستان از قول شیرین به خسرو چنین میگوید:

○ من آن ترک سیه چشم برایم بام که هندوی صفیدت شد مرانام
بغمزه گرجه ترک دلستانم بپوسه دلنوازی نیز دانم
نظامی برای نجات ارانو ملکه نوشابه از اسارت روسها اسکندر را به قفقاز
میاورد. اسکندر با سپاه ترکان با روسها می‌جنگد و آنها را شکست میدهد و
اران و نوشابه را آزاد میسازد، در این داستان از قول اسکندر چنین میگوید:
○ ز کوه خزر تابه دریای چین همه ترک بر ترک بینم زمین

در این بیت کوه خزر بجای کوههای قفقاز بکار رفته است. نظامی حتی در تصویر
زیبائی طبیعت در تشبیهات خود واژه ترک را بکار میبرد:

ترک سمن (بیاسمن) خیمه بصحرای زده

اوبعضی از واژه‌ها و تشبیهات افسانه‌های ترکی را وارد ادبیات ایران نموده
مانند آبیخان، قاراخان (از داستان اوغوزخان) آبیخان خوبان، طفل شاه سخن،
قاراخان قلم، خاتون، سنجق، بیرق، اگدش و امثال آنها.

○ تمنای شهان خاتون توران دلاشوب جهان بانوی ایران
در اینجا خاتون بمعنی ملکه بکار رفته است.

گرامی اگدش است این نقشه مساز بدرهندو و مادر ترک طناز
در مدحیه ای که برای اتابک محمد جهان پهلوان نوشته ضمن توصیف هدایای او
به صاحبان قلم، واژه ترک را بمعنی صاحب بکار برده است.

○ به ترکان قلم بی حکم تاراج یکی میمش کمر بخشد یکی تاج
- رجا شیکه از مردم زمانه شکایت میکند چنین میگوید:

○ عقل داند که من چه میگویم زین اشارت که رفت چه میجویم

نیست زین بددلان شکست مسرا که ز آن کس که نیست هست مسرا

ترکییم را در این حبش نخرند لاجرم دوغبای خوش نخرند
در اینجا منظور از حبش جهان است و تعصب مردم است و واژه ترکی بمعنی افکار
بلند و حکیمانه و بقول زبان ترکی است.

دوغبایا دووغا سوپویا شوربای ترکی است که با ما ست ساخته میشود که در آن
ذربایجان هنوز هم متداول است.

در توصیف بازشکاری که از طرف خاقان ترک چین به اسکندر تقدیم شده او
را مانند طفل (سلجوقی) سلطان کامل میخواند.

ٲطغان شاه مرغان وٲطغرل بنا م بسطانی اندرچوٲطغرل تمام .
 طغان (قبزبلقوش) وٲطغرل در ترکی قدیم بمعنی باز و شاهین میباشد
 بکارگیری این کلمات در معانی مختلف و قوف نظا می را به ترکی زمان خود نشان
 میدهد .

اینک چند نمونه از واژه های ترکی را که در خمسه نظا می بکار رفته ذکر
 می کنیم :

آلاچوق (الاجیق)* : به سرای ضرب همت به قراضه ای چه لافم
 چه کندبه پای پیلان آلاچوق ترکمانی

آماج : (در فاصله یک تیریرتاب شده هدف) .

ستاده قیصرو خاقان و فغفور یک آماج ز بساط پیشگه دور

آکدش (مخطوط) : در بالا مثال آن ذکر شد .

بیرق : پروین زحریرزد و آزرق برسنجق زرکشیده بیــــرق .

سنجق یا سنجاق یا سانجاق : (بیرق)

هزار و جهل سنجق بهــــلوان روان دربی رایت خسروان
 در نظا می گاهی سنجق به تیر و بیرق به پارچه آن گفته شده است .

ببُسراک : (یک نوع ستر)

هزار نخستین ازین ببسراک بگردن کشی کوه را کرده خاک

تُتُق یا توتوق (سایه بان ، چتر ، پوشش) :

تا کرمش در تتق نــــور بود خار زگل نی زشکر دور بود .

توتماچ (یک نوع غذای ترکی) :

آری آنرا که در شکم دهــــل است برگ تتماچ به زبرگ گل است .

چالیش یا چالش (حمله و جولان ، جنگ و کشتی) :

بفرمودشه تا دلبران روم نمایند چالش در آن مرز و بوم

چرگین یا چیرکین (زشتی) :

بسیاهی بصرجهان بینند چرگینی برسپاه نه نشینند

داغ (کوه ، مهر و طمغا ، داغ) :

آنچنان گورخان بکوه و برآغ گورکو داغ دید رست زداغ

ایلاق یا بیلاق (کوهستانی) :

برون شدا ز ایلاقیان سرکشی سواری شتابیده چون آتشی

بزرگ (زینت) :

خردم بزرگ فرستد بوٲاق خیلتاشی ادبم طلایه دارد به بیتا قپا سبانی

در این بیت چهار واژه ترکی بکار رفته . بزرگ که هنوز هم در فارسی بکار میرود و نایق بمعنی اطاق است ، خیلناش کلمه مرکب بمعنی هم خیل ، همقطا راسته‌تاش و داش بموند ترکی بمعنی هم میباشد . بیتاق یا بیتاق بمعنی قراول و رختخواب است .

نظامی در جای دیگر میگوید: چو مهدی گروچه شد مغرب و نایقش گذشت از سرحد مشرق بیتاقش

ساو (تکلیف ، خراج):

چنان گشت مستغنی از ساو و باج که برداشت از کشور خود خراج
قلاووز: سب جو آرایش ، دگرگون ساخت کُحلی (سرمه) اندوخت قرمزی انداخت

وشاق ، اوشاق (بچه ، غلام):

'جنیبت کش (جلودار) و شاقان سرایی روانه مدد از هر سوجداشی
بیرقی یا آریقی (اسب تندرو ، لاغر اندام): شتابنده را اسب صحرا خرام
 بیرقی داده زان به که با شد جمام

بیزگ (پیشدار و جلودار):

بیرون شد بیزگ دار دشمن شناس
بیغلق ، بیغلیق (تیرو تیردان): هنوزش پریغلیق در عقاب است
 بیتاقی (قراول) کمر بست بر جای پاس
 هنوزش برگ نیلوفر در آب است

طفان ، دوغان: (باز ، مرغ شکاری)

طفرل: (شاهین ، طفرل)

قرنجه ، قارینجا: (مور):

آلانی سواری قرنجه بنام هنرها نموده بشمیر و حمام
 قرنجه چو دید آنچه ن دست زور سپهر کتیف دوخت چون پرمور
اوزان (بمعنی سا زرن خواننده و داستانگو ، عاشق):

نوا ساز خنیا گران سسگرف به قانون اوزان بر آورده حرف
خان خانان (شاهنشاه):

خان خانان روانه گشت زجین تا شود خانه گیر شاه زمیمن
مُنْجَق (مهره): ز موج خون که بر میزد به عیوقی پرا ز خون کشته طاسکهای منجق

گردک (حمله داماد):

در این گردگ نشسته خسرو چین و آن دیگر افتاده شور شیرین
طپانچه (سیلی ، طپانچه):

در چشم رسیدگی که هستم شد چون تور سیده ای زدستم
 شد چشم زده بهار با غم زد باد طپانچه بر چراغم

معنا چشم رسیدگی یعنی چشم - زخم ، زخم چشم ترجمه گوزه کلمک ، گوزه کلمک
توکی است .

طمغا وطمغا چیان :

گمندی چو ابزوی طمغا چیان بخم چون کمان گوشه چا چیان
همچنین واژه‌هایی مانند چابک ، چادر ، چتر*، سرمه ، بیغما ، یاغی و امثال آنها
که امروز هم در فارسی رایج است بدفعات زیاد در اشعار نظامی بکار رفته است

نظامی غیر از پسوند تاش (بمعنی هم) خواجده تاش ، خیل تاش از دیگر پسوندهای
های ترکی مانند لاق (پسوند مکان) مانند سنگلاخ ، دیولاخ ، جی ، جی (پسوند
فاعلی و شغلی) مانند میانچی نیز استفاده کرده :

بسی راند برشوره سنگلاخ گهی منزلش تنگ وگا هی فراخ
آن بیبا نکه گرد این طرفست دیولاخ می هول و بی علفست
بیرون از میانچی و از ترجمه بدانست یک یک زیان همسه
عتابی گریبودما را از این پس میانچی در میان نه موی تو بس

نظامی گاهی هم بجای واژه مصطلح فارسی ترجمه ترکی را بکار برده است
مثلا وقتی از عدالت زمان هرمز (اوشیروان) پدر خسرو پرویز صحبت میکنند و از ز-
مان خود شکایت دارند چنین میگوید :

داد در این دور بر انداخته است در بر سیمرغ وطن ماخته است
شرم در این طارم ازرق نماند آب درین خاک معلق نماند
خیزن! می ز حدافزون گسری بردل خونآب شده خون گسری
در اینجا نظامی آغلا (گری) را عینا بفارسی ترجمه کرده است و گونه در فارسی
گریه کن گفته میشود .

در آثار نظامی علاوه بر واژه و مفاهیم ترکی تعبیرات ، کلمات قصار
و امثال ترکی نیز دیده میشود که اغلب ترجمه فارسی و بعضا هم مضمون آنها
بفارسی آورده شده تعداد این قبیل تعبیرها و امثال زیاد است ، در اینجا
بذکر چند نمونه از آنها بسنده میشود :

مرغ زبانی (قوش دیلی) :
دام نه ای دانه فشانی مکن با چومنی مرغ زبانی مکن
در ترکی وقتی بخواهند با چرب زبانی کسی را مجاب و با از موضوع منحرف کنند
میگویند قوش دیلی او خورویا طرف میگوید مننه قوش دیلی او خوما یعنی مرغ
زبانی مکن .

به افسون از دل خود رست نتوان که دزدخانه را در بست نتوان
مصرع دوم ترجمه ضرب المثل زیرا است : اشو او غروسونوتو تماق اولماز
بیا تا کج نشینم راست گویم چه خوارها کزونا مدبرویم

مصرع اول بیت بالاترجمه ضرب المثل (کل اگری اوتوراق دوز دانیشاق) میباید -
شد . نگشتم ز آتشت گرم ایدل افروز بدودت کور میگردم شب و روز

بیت فوق ترجمه ضرب المثل قدیمی زیر است :

ایسینمه دیم ایمتی سینمه کورا ولدوم توستوسونمه
در ترکی وقتی فرزند دانشمند و حکیمی بی‌عمرزه و نالایق باشد بمصداق آیه شریفه :
"أَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَأَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ" میگویند (اوددان کول تاور -
کول دن ده اوت) یعنی چه بما از آتش خاکسترمی‌زاید و از خاکستراش نظامی
نیز درباره خسرو پرویز و شیرویه چنین میگوید :

از این ناخوش نیاید خلعت خوش گه خاکستری بود فرزند آتش
در جایی دیگر میگوید :

گریه بود کز سر هم پوستی بجه خود را خورد از دوستی
در این بیت نیز از ضرب المثل (پیشیک با لامینی ایسته دیگیندن بییر) استفا -
ده شده است .
باز میگوید :

نه هرتیغی بود با زخم هم پیشست نه یکسان روید از دستی ده انگشت
در اینجا نیز مضمون ضرب المثل (بتش یا رما غین بیثی ده بییر اولماز) بکار
گرفته شده است .
باز میگوید :

نبینی مرغ چون بی وقت خواند بجای پرفشانی سرفشانند
در بیت بالاتر مفهوم ضرب المثل (واقتسبز یا نلایان خوروزون با شینی کسرلر)
بفارسی بیان شده است .
در مصرع : گل آرد بیدلیکن برنگیرد . معنی (سویود آغاجی بار و نرمز) نهفته
است .

نمیخواهی که زیرافتی چوسایه مشوبر نردبان جز پایه - پایه
در ترکی میگویند : نردبانی پله ، پله جیخارلار . امروز هم بین مردم فارس زبان
میگویند : آهم بییر - بییر .

گرافتادی سربک سوزن از میغ نبودی جای سوزن جز سوتیغ
در ترکی میگویند : ایگنه آتسان یثره دوشمز .

هرکس ده ، سها نه تیز هوشست کس نگوید گه دوغ من ترش است
در ترکی میگویند : هتچکس اوز ایرانینا ترش دشمز .

مغزی استخوان ندیده کسی انگبینی کجاست بی مگسی
در ترکی میگویند : سوموکسوز ایلیگ اولماز چیبین سیزبال (چیبین بال آر -
بی)

چو از دست تو ناید هیچ کاری بدست دیگران میگیرماری

در ترکی میگویند: ایلانی اوزگه ایله توتور.

یکی زان مگس کانگبین گربود به از مدفگی کانگبین خوربود

در ترکی میگویند: بیربال وئرن آری یوزبال بیه ن آری دن پاخی دیر.

به خوان کسان برمخورنان خویش بخورنان خود بر سر خوان خویش

در ترکی میگویند: اؤز چوره گینی اؤزگه صفره سینده بیتمه .

توما در مرده راشیون میآموز .

در ترکی میگویند: ننهسی اولنه اوخشاماق اؤرگه دیر.

نخندد زمین تا نگریده هوا (سما) .

مثل ترکی: گوی آغلاما سا بیتر گولمز.

مکن با سربزرگان سربزرگی

مثل ترکی: بیویکلرایله باش باشا قویما .

در دیوان لغات ترک که ۹۲۰ سال قبل بوسیله محمود کاشغری نوشته شده

همین ضرب المثل بالجه کاشغری آمده است:

آلپلار بیرله اوروشما (ووروشما) بگلربیلله توروشما (دوروشما): با

قهرمانان مستیز در برابر بزرگان نه ایست .

که مرگ خربود سگ را عروسی

مثل ترکی: (آت اولوب، ایتین بایرامی دی)

پس از اینهمه مناقب خلم خلم پشیمان که شنای خویش گفتن بود از تهی میانی

مثل ترکی: اوزونر اویه نین بیئنی بوش اولار

کلاغی تک کیک درگوش کرد تک خویشتن را فراموش کرد (تک: دوبدن)

مثل ترکی: قارغا ایسته دی کهلیک بیئریشی بیئریسین اؤز بیئریشینسی ده

ایتیردی (اؤنوتدو) .

اینها نمونه های استاز و اژه ها، مفاهیم و ضرب المثل های ترکی که

حکیم نظامی گنجهای شاعر بلندی پایه ایران و آذربایجان در شاهکار جاودانی

ادبی خودپنج گنج معروف به خمسه نظامی آورده است. بنظر ما این

نظامی نیز مانند دیگر ابعاد وی بسیار گسترده و عمیق تر از آنست که بشود

در این مقاله ومدت کوتاه شرح داده شود منظور سرنخ و شاید کلیدی است

بمنظور فتح الباب برای مشتاقان و پیوندگان آثار نظامی. یادش گرامی باد.

منابع

۱ - دیوان، قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، بکوشش استاد سعید نفیسی، انتشارات

فروغی ۱۶۳۲ - تهران

۲ - خمسه نظامی بکوشش محسن امضائی، انتشارات پدیده - ۱۳۶۰ - تهران

۳ - آذربایجان شاعری نظامی ، محمد امین رسولزاده ، ملی گیتیم با سیم ائوی
۱۹۵۱ - آنکارا

۴ - نظامی ، اسلام انسیکلوپدییسی جلد ۹ - احمد آتش - ۱۹۶۴ - استانبول

۵ - نظامی نین دوغما خلقینه محبتی ، پرفسور رستم علیف - ادبیات و اینجه
صنعت / ۲۹ می ۱۹۸۱

۶ - نظامی ده خلق سؤزلری ، خلق افاده و ضرب المثللری ، حمید آراسلی - س
رری . علملر آکادمیسی آذربایجان فیلیالی نین خبرلری شماره (۸) ۱۹۴۲

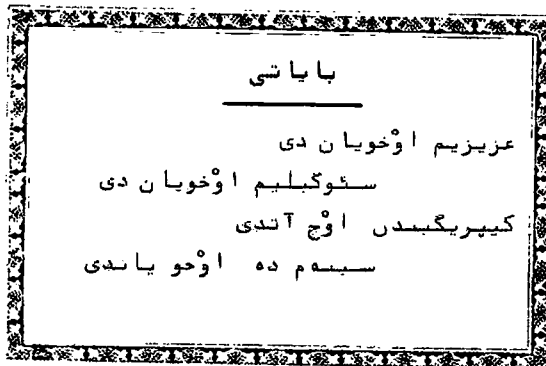
۷ - نظامی خمسده سینده تورکیزم لر ، پرفسور واقف اصلانوف - ۱۵ اینجی ملتئر
آراسی تورکولوژی کنگره سی استانبول ۲۸ - ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۵ .

♦ در مورد واژه های چابک ، چادرو چتر نیاز به توضیح است که این واژه ها هم
ریشه ترکی وهم ریشه فارسی (آریائی) دارند .

چابک از ریشه چا پ و چا پماق بمعنی تند تاختن ، اسب تاختن ، یا پسوند
واژه ساز اوک ، ایک ، در مقام اسم صفت و صفت بکار می رود ، و بآخر کلمه وقتی
در برابر حرف صدادار قرار گیرد مطابق دستور زبان ترکی تبدیل به ب میشود .
چادر و چتر در ترکی چادیر و چتیر گفته میشود و یا جاتی ، چا تماق از

ریشه چات بمعنی بر روی چیزی نهادن ، رسیدن ، بهم رسیدن ، بیوستن است .

چاتی بمعنی سقفی است که بیشتر بشکل گنبد و چادر است . دیر ، تیسراز
پسوندهای واژه سازند و نقش اسم فاعل را ایفا میکنند . در ضمن چاتی بمعنی
معنی طناب و ریسمان میباشد که در ضرب المثل ترکی ایلان ووران آلاچاتی دان
قورخار یعنی مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد . بکار رفته است
واژه آشنیز در ترکی قدیم به معنی غذا است و در ترکی آنالتائی که
در طول تاریخ تماسی با آریائیها نداشته اند هنوز هم بکار می رود .



از تاریخ بررسی نظامی گنجوی.

سخنی چند درباره مؤلف این مقاله :

دانشمند فقید، خاورشناس شهیر، عضو وابسته آکادمی علوم شوروی یوگنی ادواردویچ برتلس (۱۸۹۰ - ۱۹۵۷) در رشته پژوهش و نشر آثار ادبی فارسی خدمات بسیار ارزنده ای انجام داده است. حاصل تحقیقات خستگی ناپذیر این شیفته علم و ادب که از سال ۱۹۲۴ شروع گردیده بود افزون بر دهها کتاب و صدها مقالات علمی، در سه جلد با عنوان آثار برگزیده برتلس در طی سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۴ در مسکو به زبان روسی گردآوری شده است. در این برگزیده ها آثار شعرائی همچون فریدالدین عطار، باباکوهی شیرازی، سنائی، عبداللّه - انصاری، نجم الدین کبریا، اسدی طوسی، فردوسی، نظامی، فضولی مورد بررسی قرار گرفته است. عرفان و ادبیات عرفانی، نظامی و فضولی، منابع داستان - لیلی و مجنون، تاریخ ادبیات فارس - تاجیک، خلاصه تاریخ ادبیات ایران و دهها تألیف تحقیقی برای برتلس شهرت جهانی ارمغان آورده است. خدمات برتلس در سازماندهی و رهبری علمی تهیه متون انتقادی شاهنامه فردوسی و متون انتقادی خمسه نظامی و ترجمه های آنها به زبان روسی شایان تمجید است. این مقاله فصلی از کتاب "نظامی" است که چکیده بررسی های برتلس پس از سالها تحقیق در آثار نظامی بوده و در سال ۱۹۵۶ یک سال قبل از فوت دانشمند نامدار از طرف نشریات آکادمی علوم در مسکو به چاپ رسیده است.



برای ترسیم خطوط اساسی زندگانی و آثار شاعران و اندیشمندان خاور - نزدیک، معمولاً تذکرها مآخذ اصلی را تشکیل می دهند. این نوع ویژه ادبیات تفریبا در تمام زبانهای عمده خاور نزدیک برپا می آید و برگزیده ها به وجود آمده است.

در قرون وسطی به علت گرانی کتابهای خطی، اکثریت کتاب دوستان توانائی گردآوری دستنویسها را نداشتند. کسانی از آنها که به کتابخانه اشخاص معروف و ثروتمند دسترسی داشتند و یا با شاعرانی آشنا بودند، معمولاً برای خودشان مجموعه هایی ترتیب می دادند و در آنها بیتها، غزلها و یا قطعاتی از منظومه ها را بر حسب ذوق و سلیقه شان انتخاب کرده و می نوشتند.

از این مجموعه‌ها که در سده‌های مختلف رتیب یافته است، در تمام گنجینه‌های کم و بیش معتبر یافت می‌شود.

گردآورندگان برگزیده‌ها در مورد گوینده‌شعرها در اغلب موارد اطلاعی بدست نمی‌دهند، گویانکه به حافظه خود اتکا کرده و یا به شهرت وسیع آن شعر بسنده نموده‌اند. با مرور زمان نارسائی این قبیل منتخبات "گنگ" بیشتر به چشم خورد. نخستین تکامل منتخبات با قید نام کامل هر شاعر در فبوق بخش‌ها به نظر می‌رسد. معمولاً "متعاقب نام شاعر معرفی مختصری نیز دیده می‌شود این معرفی از ارزشیابی انتقادی بسیار دور است. این تنها عبارت از یک سلسله تعارفات مربوط به اسم و یا تألیف شاعر است. متأسفانه این معرفی تقریباً هیچ گونه ارزش تاریخی ندارد.

گام بعدی در تکامل گردآوردن منتخبات ارائه اطلاعاتی درباره هر یک از گویندگان در ابتدای آثارشان بود. گردآورندگان در پی نظم و ترتیب کار نبودند. آنها هر چه به دستشان می‌افتاد به قلم می‌آوردند؛ بعضاً سال ولادت را ذکر می‌کردند، گاهی سال وفات را (هر دو تاریخ در یکجا به ندرت دیده می‌شود)، روایتی لطیفه‌گونه از زندگی شاعر و نامی از آثار مهم وی والسلام. در صورت در دست داشتن این قبیل نوشته‌های نسبتاً وسیع باید آنها را به شکلی نظم و ترتیب داد. به علت عدم توانائی شاعر برای تأمین هزینه زندگی با هنر خود، اکثراً در حمایت دربار قرار می‌گرفتند، از اینرو مطالب قسمت اعظم تذکرها به ترتیب تاریخی سلسله‌ها پی‌ریزی گردیده است. روش دیگر دیگر آن بر اساس تقسیمات جغرافی است. هر فصلی به چند باب تقسیم شده و هر باب با نام شهر و یا روستائی نامیده می‌شود و در زیر آن نام اسمی شاعران و علمای تولد یافته، زیسته و وفات یافته آن محل ذکر گردیده است و بالاخره در بعضی از تذکرها ملاحظات درباره شاعران بطور ساده به ترتیب الفبا - با حرف اول تخلص شاعران ردیف شده است.

تذکره (ابتداء از زمینت عربی) از قرن نهم میلادی به وجود آمده و از آن زمان تا قرن بیستم ادامه داشته است. بر حسب عادت معهود قرون وسطائی خاور زمین مؤلفین تذکرها از نوشته‌های پیشینیان بدون ذکر نام آنها بطور وسیع بهره‌گیری کرده‌اند. از اینرو تنها تذکرها قدیمی که تا روزگار ما رسیده است. دارای ارزش منابع اصلی را داراست. مؤلفان واپسین نوشته‌های پیشینیان خود را نقل کرده‌اند و منتخبات آنها را با آثار معاصرین به تکمیل پرداخته‌اند.

تذکره‌ها حاوی اطلاعات ارزشمند زیادی هستند، اما در بهره‌گیری از آنها باید بسیار محتاط بود. گردآورنده آنها همواره برخورد انتقادی با مطالب را نداشته و در اغلب موارد ادعای آنها با گفته خودشان در ضمن آثارش مبنایت دارد. تنها در شرایط برخورد انتقادی دقیق با اطلاعات تذکره‌ها امکان ترسیم خطوط اصلی زندگینامه‌شاعران امکان پذیر است. اما تحقیقاتی که در سالهای اخیر در مورد متون اصلی اشعار به عمل آمده است، اطمینان به تذکره را خدشه‌دار میکند و باید اعتراف کرد که اطلاعات آنها بعضاً لطیفه‌ای ظریفی از زندگانی شاعران است. ضمناً بخش اعظم آنها خیالی است و از دیدگاه تاریخی نه تنها زیاد معتبر نیست، حتی از لحاظ کروئولوژی غیرممکن می‌نماید. قدیم‌ترین تذکره‌ای که تا زمان ما رسیده است تذکره‌الباب‌الباب (۱) است که در ربع اول قرن سیزدهم میلادی به قلم محمد عوفی ترتیب یافته است. عوفی همزمان کوچک نظامی بود و اصولاً می‌بایستی درباره زندگانی این شاعر بزرگ که آوازه شهرتش در تمام خاور نزدیک انتشار داشت، اطلاعات ارزشمندی داشته باشد. معذک وی در مورد زندگانی نظامی چیزی به دست نمی‌دهد. سطوری که در این تذکره برای نظامی اختصاص داده شده است، عبارت از یک عسده کلمات پر طمطراق است و نتیجه‌ای که بدست می‌آید این است که نظامی شاعر بزرگی است (۲). شهرت نظامی در این زمان به طور قطعی تثبیت گردیده بود. در سال ۱۲۰۳ میلادی راوندی تاریخ سلجوقیان آسیای صغیر را بقلم آورده و ۲۴۹ مصرع نظامی تألیف خود را تزیین داده است. راوندی اشعار فردوسی و نظامی را بدون ذکر اسامی آنها آورده است. از اینجا به این نتیجه می‌توان رسید که هر دو شاعر معروف خوانندگان وسیع بوده‌اند و نیازی به ذکر سراینده اشعار نبوده است.

زکریای قزوینی جغرافیدان قرن سیزدهم میلادی نخستین متن مفصل عجائب المخلوقات را در سال ۱۲۶۳ میلادی به اتمام رسانده است (۳). پس از تعریف شهر گنجه ذکری از نظامی به میان می‌آورد، تاریخ فوت شاعر را درست نشان نمی‌دهد، می‌نویسد که دیوان نظامی عمدتاً حاوی موضوعات الهی است (۴) و از چهار منظومه نظامی اسم می‌برد، درباره آخرین منظومه خمسه چیزی ذکر نمی‌کند. به نظر می‌رسد که منظومه اخیر در آن زمان در عراق به شهرت نرسیده بوده است. بدین ترتیب تألیف قزوینی نیز چیزی بیشتر از تذکره عوفی بدست نمی‌دهد. از قرار معلوم قزوینی نیز درباره زندگانی نظامی اطلاعاتی نداشته است.

دولت‌شاه سمرقندی یکی از اشرافیه فقر گراشیده سمرقند که در سال ۱۴۸۷ میلادی در هرات می‌زیست، از علیشیر نوای معروف خواهش کرده که او را در مورد کوشش‌های ادبی از رشته‌های ادبی راهنمایی نماید. نوای برای او مصلحت دید که تذکره شعرا را گرد آورد. دولت‌شاه مصلحت‌وی را بکار گرفت و کتابی تألیف کرد و همان‌طور که در خاور شهرت وسیع کسب کرد، در باختر نیز به ویژه مورد توجه قرار گرفت (۵) دولت‌شاه بدون تردید دارای استعداد ادبی برجسته‌ای بوده کتاب‌وی به طرز زنده نوشته‌شده و سرشار از لطایف است. اما متأسفانه ارزش علمی آن در سطح بسیار پائین است. ما آن‌گونه برخی از دانشمندان اروپایی در زمان ما نیز به ارزش دادن به اطلاعات دولت‌شاه تمایل نشان می‌دهند، لیکن تحقیقات سالهای اخیر به انبساط رسانده است که دشوار می‌توان منعمی به اندازه سستی آن پیدا کرد. دولت‌شاه لزومی ندیده است با آثار کسانی که از آنها ذکری به میان آورده است آشنایی داشته باشد. تاجایی که او حتی "لیلی و مجنون" نظامی را که در آن زمان در تمام خاور نزدیک شهرت داشت، نخوانده بود. ابن‌انحایب است که وفات نظامی را سال ۵۷۶ (۱۱۸۰) به حساب آورده است (۶) در حالی که شاعر در "لیلی و مجنون" به صراحت می‌گوید که آنرا بسال ۱۱۸۸ به آخر رساند. دولت‌شاه منظومه "ویس و رامین" را به نظامی منسوب می‌دارد در حالی که از مقدمه آن معلوم می‌شود که این منظومه تقریباً صدسال فیصل از تولد نظامی نوشته شده است. حکایت مورخ ابن بی دربارۀ ارج نهادن بهرامشاه به نخستین منظومۀ نظامی "مخزن الاسرار" در دولت‌شاه به یک افسانه سحرآفرینی شاعر تبدیل شده است. از نام اینها می‌شود به این نتیجه رسید که دربارۀ زندگی نظامی، دولت‌شاه اطلاعات قابل اطمینانی در دست نداشته است. لیکن این نتیجه‌گیری هم نباید قطعی شمرده شود، زیرا دولت‌شاه در مورد زندگی‌نامه دیگر شاعران نیز نظیر ابن‌اشتباه را مشاهده می‌کنیم. مثلاً اینکه دوستدار ادبیات هراتی کوشی در دقیق بودن به خرج نداده است. اگر معروفیت غیر عادی این تذکره در میان خاورشاسان گذشته نبود، ما در مورد این "منبع" به تفصیل سخن نمی‌گفتیم. بعضی از محققین حالا نیز تحت تأثیر دلربایی کتاب دولت‌شاه قرار می‌گیرند.

چنانچه در فؤاد گفته شد، رشته تذکره که از عوفی شروع شده بود، تقریباً تا قرن بیستم ادامه داشت. در تمام منتخباتی که بعد از قرن

شازدهم میلادی نوشته شده است، درباره نظامی مطالبی موجود است، لیکن متأسفانه در هیچیک از آنها اطلاع قابل توجهی به چشم نمی‌خورد. مطالب تازه‌ای بعدها به ظهور می‌پیوندد، مانند دوستی نظامی با خاقانی و همراه یکدیگر به زیارت مکه رفتن، اما تحقیقات آثار نظامی نشان می‌دهد که تمام اینها تصورات بی‌پایه است و با واقعیت هیچگونه ارتباطی ندارد.

عبدالرحمان جامی شاعر معروف هرات، تقریباً در یک زمان با دولت‌شاه "بهارستان" خود را بقلم آورده است فصل هفتم این کتاب که مخصوص فرزند نوجوانش می‌باشد، درباره شاعران بزرگ است. البته، از نظامی نیز سخن رفته است. اما در اینجا نیز درباره زندگانی نظامی هیچگونه اطلاعی داده نشده است. جامی می‌گوید، نظامی بقدر کافی معروف است و مقام وی در نزد همه تا آنجا شهرت دارد که نیازی برای شمردن آنها نیست.

دشوار میتوان گفت که جامی واقعاً این طور می‌اندیشید، یا بطور ساده درباره زندگانی نظامی اطلاعاتی در دست نداشت.

بدین طریق دانش قدیمی خاور زمین با آنکه به نبوغ خلاقه نظامی اذعان داشت، به روشن کردن حال وی یا نتوانسته به پردازد و یا آنرا نخواست است.

جای انتظار بود که در سیاحتنامه‌های جهانگردان متعدد اروپائی مربوط به خاور زمین، ما درباره نظامی مطالبی پیدا می‌کردیم. لیکن آ. ی. کریمسکی پس از مطالعه آنها (۷) به این نتیجه رسیده است که هیچ یک از سیاحتان اروپائی از نظامی حتی اسمی نبرده‌اند. (۸).

برای نخستین بار نام نظامی در اروپا، با آنکه به صورت حریف شده، در کتاب "بیبلیوتک اوربا نتال" خاورشناس فرانسوی دریلو (۱۶۹۷ میلادی) ذکر شده است. از طرف روسو (۱۷۷۵-م.م) و اسکوت اورینگ (۱۸۱۳ م.س) از شاعر بزرگ در چند جا یادآوری شده است.

اولین اطلاع نسبتاً وسیع را، با وجود اشتباهات زیاد، اروپا در انتشار دهنده خستگی ناپذیر ادبیات خاورها مرپورگشتال می‌باشد که در ۱۸۱۸ میلادی، "تاریخ داستان نویسی فارسی" را در وین به چاپ رساند.

ها مرزندگینامه نظامی را از دولت‌شاه نقل کرده است و با حفظ اشتباهات وی مقداری نه قلیل از خود نیز به آن افزوده است. لیکن او برای نخستین بار در باره نظامی در اروپا به بحث پرداخت و از منظومه‌های نظامی قطعاتی به نظم ترجمه کرد. با آنکه ترجمه‌های او دارای ارزش ادبی نبود و در موارد بسیاری با عدم دقت مواجه است، با زهم آثار نظامی در این شکل در خوانندگان اروپائی تأثیر نیکویی داشت. گوته در "دیوان غرب و شرق" خود به شعر نظامی ارزش والائی قائل است.

قسمتی از متن آثار نظامی برای نخستین بار در ۱۸۲۶ م. در شهر قازان به چاپ رسیده است. ف. اردمان پروفیسور دانشگاه قازان با آشنائی با کتاب‌ها مر اطلاع یافت که در یکی از منظومه‌های نظامی حکایتی درباره جنگ اسکندر-مقدونی با روسها موجود است. اردمان با در نظر گرفتن امکان ارزش‌آیین حکایت در مورد تاریخ روسیه، با آنکه در منظومه جوانب غیر واقعی مشهود است قسمتی از منظومه را با پیشگفتاری مشبع و ترجمه لاتینی آن منتشر ساخت. برای زندگینامه نظامی باز هم دولت‌شاه بکار گرفته شد. در ۱۸۲۹ م. این قسمت را در بطربورگ ف. ب. شارموآ به زبان فرانسه ترجمه کرد و انتشار داد. ترجمه بر پایه کار خاورشناسی زودمرگل. شبیتسناگل قرار گرفته بود. این ترجمه در نزد خوانندگان روسی توفیق بزرگی بدست آورد و چندین بار به فرانسه و به روسی تجدید نشر داشت. شایان ذکر است که شارموآ هنگام تحریر زندگینامه نظامی با اتکا به نوشته دولت‌شاه از دومنبع دیگر نیز بهره‌جویی کرده و مهم‌تر از همه اینکه ترجمه احوال یازده شاعر معاصر نظامی را نیز به آن افزود و بدین ترتیب نخستین گام برای نشان دادن محیط ادبی دوران نظامی برداشته شد.

در سال ۱۸۴۴ م. اردمان در قازان از منظومه "هفت‌سکر" من و ترجمه آلمانی حکایت شاهزاده خانم روس را انتشار داد. این ترجمه، با آنکه پراز اشتباهات بود، به خوانندگان در باره نظامی نسبت به اسعار کج و کوله‌ها مر تصور کاملتری داد.

در سال ۱۸۶۴ م. آوزلی کتاب "سادداشت‌های درباره بیوگرافی شاعران فارسی" را در لندن به چاپ رساند. این کتاب بر پایه تذکره دولت‌شاه نوشته شده است. لیکن آوزلی متون اصلی را نیز مطالعه کرده بود. او برای اولین بار در مورد تعلق "ویس و رامین" به نظامی اظهار تردید کرد و متذکر گردید که اسلوب آن هیچگونه رابطه‌ای با اسلوب نظامی ندارد. در میان قطعات ترجمه شده از طرف آوزلی قسمت‌هایی هست که می‌توانست در آن زمان دقت خوانندگان اروپائی را به موضوعات اجتماعی آثار نظامی جلب نماید.

"تاریخ عمومی ادبیات" ای شَرّ (۱۸۵۱ م.) که شهرت وسیع داشت و دوبار به روسی ترجمه شده است ضرر کلی آن در مقابل نفع بسیار ناچیزی که میتوان از آن اخذ کرد، آشکار است (۹).

بدین ترتیب در اواسط قرن نوزدهم با آنکه دانش به بررسی نظامی اقدام کرد، اما دانشمندان با چشمان دولت‌شاه به او نگاه میکردند و در پی انتقاد تذکره وی نبودند.

نقطه عطف در بررسی نظامی در سال ۱۸۷۱ م. بود. چند سال قبل از این تاریخ خاورشناس مشهور روس ن. خانیکوف "ملاحظاتی درباره خاقانی (۱۵) را انتشار داد. خانیکوف نخستین بار اظهار داشت که برای تحقیق زندگینامه نظامی بهترین منبع، همانا آثار خود شاعر است که به کمک آنها امکان نقد آنچه تذکره نویسان گفته‌اند بدست می‌آید. این پیشنهاد در آن موقع بسیار جسورانه بود.

در این راه دانشمند جوان مجارستانی و. باخرگام نهاد. او در سال ۱۸۷۱ مونوگرافی خود را با عنوان "زندگی و آثار نظامی" منتشر کرد. (۱۱) باخرکار تحقیقی خود را برپایه اطلاعات بدون تردید منتخبات گوناگون و آثار خود نظامی، منظومه‌های وی که در آغاز آنها اطلاعات ارزنده‌ای درباره زندگی ایشان بدست می‌آید، قرارداد. و از دولت‌شاه هم بهره‌مند گردید، منتها در همه جا او را درست درک نکرده است.

با آنکه باخر از دست‌نویس نه‌چندان مرغوبی استفاده کرده و در فکر برخورد انتقادی با متن منظومه‌ها نبود و از متنی که فهم آن برای وی بسیار مشکل بوده و نتوانسته همواره از آن سردر آورد، باز هم بهره‌گیری از منابع اصلی فرآورد مثبت داشته است.

چهره نظامی برای نخستین بار از پشت پرده مه‌آلود دولت‌شاه بیرون شد. ما درباره خانواده نظامی در مورد فاجعه خانوادگی شاعر، درباره مهر لطف وی نسبت به یگانه فرزندش به اطلاعاتی دست یافتیم. بدون ارزشیابی همه جانبه کتاب باخر (۱۲)، باید متذکر گردیم که لغزش اساسی مؤلف در تصویر نظامی به عنوان یک فرد عزلت‌طلب که به محیط اجتماعی خود بی‌اعتنا است، می‌باشد نظامی تحت تأثیر عوامل دوران خود نسبت به عرفان بیگانه نبود؛ لیکن او از مردم دوری نجسته و برعکس، از گفته‌های آشکار است که با اخلاقیات خود در صدد کمک به محرومان بوده، سعی داشته است راه تأسیس نیک بختی با دوام بشر را در روی زمین پیدا کند.

شش سال پس از انتشار کتاب فوق‌الذکر، مؤلف "شعر در ایران" (۱۳) باربیه دمینار عقیده داشت که ترسیم خطوط اصلی زندگانی نظامی امکان‌پذیر نیست، سیمای حقیقی وی برای همیشه در پشت پرده افسانه پوشیده خواهد بود (۱۴). به زعم باربیه دمینار در سیمای نظامی دو جنبه شاعر مدیحه‌سرا که در صدد اخذ صلح در مقابل زحمت خود می‌باشد و صومی بریده از علائق زندگی جمع است. به عبارت دیگر محقق به هیچ یک از تأکیدات نظامی باور ندارد. این

شکاکیت مختص برخوردار انتقادی مبالغه آمیز با منابع شرقی است که در اواخر قرن نوزدهم در اروپا به وجود آمده بود.

تهیه کننده فهرست کتاب خطی فارسی موزه بریتانیا در لندن چ. ریویسک سلسله اصلاحات درباره باخر به عمل آورد. ریو بعضی از تاریخ تحریرها را دقیق تعیین نمود، برای زندگی نامه نظامی فهرست منابع شرقی را ترتیب داد، لیکن در جریان علمی اشتباه تازه ای را مرتکب شد که دانش غرب تا امروز نتوانسته است به اصلاح آن توفیق یابد. ریو با تکیه به یک دستنویسی که در اختیار داشت زادگاه نظامی را از گنجه که خود شاهزاده در این مورد بارها تأکید دارد، به حوالی شهر قم، بدون رعایت اینکه خود نظامی درباره قم در جایی اسمی نبرده است، نقل داده است و توجهی نداشته است که این بیست افزوده شده در دستنویس های قدیمتر وجود ندارد.

در سالهای نود قرن نوزدهم برای نخستین بار خلاصه های از تاریخ

ادبیات ایران در اروپا انتشار یافت. "تاریخ شعر فارسی" پروفیسور ای پیزی در سال ۱۸۹۴ م. در تورین چاپ شد. پیزی با آنکه به کتاب باخر استناد میکند، لیکن کوشش وی را در مورد تحقیق بعضی مطالب بیهوده می شمارد. او می نویسد: "زیاد مهم نیست بدانیم که نظامی کدام منظومه اش را به این ویا آن یکی والی اهدا کرده است. تلاش کردن سراین مسئله و با جستجوی هزاران برگه و نوشتن دهها ورق، چنانکه باخر به عمل آورده است، به نظر ما به هدر دادن زحمت و وقت است (۱۵) به گفته دیگر، پیزی عقیده دارد که لزومی ندارد که محل و تاریخ تحریر آثار نظامی مورد تحقیق قرار گیرد، آنها را در بیرون از جارجویه تاریخ نیز میشود مطالعه نمود. در مورد بی معنی بودن این عقیده لزومی به توضیح نیست. معلوم است که تحقیق آثار ادبی در "ماوراء زمان" کار بیهوده و زحمت بی حاصل می بود. در سابقه طرح مسئله به این روال بود که پیزی را به این نتیجه رساند که گویا نظامی "شخص گوشه نشینی بوده و دور از تکاپوی زندگی و علائق دنیوی به افکار و آمال خود اکتفا میکرد". این طرز نتیجه گیری نشان می دهد که پیزی با آنکه باخر را مورد انتقاد قرار داده است، اما از "زحمت بیهوده" وی بهره جست و گامی از وی فراتر ننهاده است.

در سال ۱۸۹۶ ایران شناس مشهور هرمان اته "تاریخ مختصر ادبیات - معاصر فارسی" را انتشار داد. این تألیف به منظور کسب اطلاع نوشته شده است. مطالعه آن به علت ویژگی افاده مطالب بسیار مشکل است.

به قول کریمسکی (۱۶) ملاحظات هرمان آسته درباره نظامی برای آن زمان آخرین حرف دانش اروپای غربی بود.

در سال ۱۸۹۲ آ. ی. کریمسکی نخست مقاله "نظامی" را در "فرهنگ. دایره المعارف" بروکسگاوز و یفرون نوشت و سپس آنرا برای "تاریخ ایران" خود توسعه داد (چاپ اول ۱۹۰۰، چاپ دوم ۱۹۰۶، چاپ سوم ۱۹۱۲) و با ماخذ فراوان و ترجمه‌هایی از قطعات مختلف آنرا تکمیل نمود. با آنکه جنبه عمومی کریمسکی از پیشینیان غربی وی تفاوت چندانی ندارد، لیکن موقعیت تاریخی وی در هر صورت به طور چشمگیر قوی است و این کتاب برای دانش‌روس‌گام‌بزرگی به پیش بود.

کتاب‌ها و روشناس‌آلمانی پ. هورن با (۱۷) زبان زنده و اسلوب جالب برای متخصصین نوشته شده است. ولی آن برای کسانی که با زبان‌های خاورزمین آشنائی دارند پراز لغزش‌های ناخوشدنی است.

اکنون ما به تألیفی رسیدیم که محققین در زمان حاضر نیز آنرا بسیار ارج می‌نهند، آن کتاب چهارجلدی ادوارد براون موسوم به "تاریخ ادبیات - ایران" می‌باشد. (۱۸)

با مطالعه فصل مربوط به نظامی معلوم میشود که براون کلاً به باخر استناد کرده و با تکرار اشتباهات وی لغزش‌های خود را نیز به آن افزوده است برای توضیح برخورد برون با آثار ادبی کافی است به این مطلب اشاره شود که درباره منظومه اول نظامی "مخرن الاسرار" تنها یک صفحه از کتاب خود را به آن تخصص داده و آنرا اینطور معرفی کرده است: "به نظر من آن هم در سطح پایین کیفیت قرار دارد، لیکن شاید این از آن جهت است که وزن آن خوشایند من نیست..." (ج ۲، ص ۴۰۳). درباره نواقص فصل مربوط به نظامی در کتاب براون را آ. ی. کریمسکی بطور مبسوط در تالیف خود که در فوق چندین بار به آن اشاره کردیم، شرح داده است.

در سال ۱۹۲۲ م هوتسما نشان داد که دیوان نظامی که براون اظهار می‌دارد تا زمان ما سرسیده است، در کتابخانه اکسفورد دستنویس آن موجود است و این دیوان خطی در سالهای ۱۸۵۴، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹ در فهرست قید شده است از شاگردان براون ر. لوی نیز در تاریخ مختصر ادبیات ایران چند تصحیح نظیر آن را به عمل آورد (۱۹). نخستین کوشش برای ترجمه علمی یکی از منظومه‌های نظامی در سال ۱۹۲۴ صورت پذیرفت. خاورشناس انگلیسی ویلسن ترجمه منظومه "هفت پیکر" نظامی را در دو جلد به چاپ رساند. جلد اول آن

حاوی ترجمه منظومه است و جلد دوم به شرح و تفسیر آن اختصاص یافته است. متأسفانه زندگینامه نظامی را ویلسن مناسب دید که بطور ساده از بسراون نقل کند و نتوانست تعیین کند که این منظومه به چه کسی اهدا گردیده است و نوشت که نظامی آنرا به خوارزمشاه تکش^(۲۰) هدیه کرد، درحالی که منظومه نام حاکم مراغه علاءالدین کرپه ارسلان ذکر شده است. باید گفت که توضیحات ویلسن با تمام حجم قطورش ارزشی ندارد. در ترجمه اشتباهات انبوهی به چشم میخورد.

اشتباهات خاورشناسان که به بررسی نظامی پرداخته اند، ناشی از این بوده که با متون اصلی آثار نظامی آشنائی نداشتند. و باید خاطر نشان کرد که در راه آشنائی خاورشناسان با متون اصلی آثار نظامی مانع بزرگی قرار داشت که آن نیز نبودن چاپ انتقادی آنها بود. در بررسی نظامی یا از چاپهای سنگی آثار وی و یا از دستنویسها استفاده میشد. ضمناً بخش اعظم چاپهای سنگی، به ویژه چاپهای هند به حدی مملو از تحریفات است که استفاده از آنها تقریباً غیر ممکن است. در مطالعه دستنویسها نیز باید بسیار محتاط بود. زبان (طرز گفتار - ح. م.) نظامی برای بسیاری از کتابان نامأنوس بود. هنگام عدم فهم بعضی کلمات آنها سعی داشته اند "تصحیحات" خودشان را بکار بندند، بدین طریق یا معنی بیت را کاملاً از بین برده اند و یا آنها را تحریف کرده اند. به ویژه باید در نظر داشت که دستنویسهای قرن پانزدهم میلادی و بعد از آن سرشار از افزودنهاست (۲۱)

متن کم و بیش مطمئن را دستنویسهای قدیمتر قرن چهاردهم بدست میدهند، لیکن عددهای آنها بسیار قلیل است و در کتابخانههای جهان پراکنده شده است. اولین کوشش برای تهیه چاپ انتقادی یکی از متون منظومه‌های نظامی از طرف ن. بلاند بعمل آمد (۲۲) او بود که در سال ۱۸۴۴ متن "مخزن الاسرار" را در لندن به چاپ رسانید. بلاند دستنویسهای خوبی در دست داشت، ولی برای فهم این منظومه بسیار مشکل دانشوی، به نظر میرسد کافی نبوده بهزه گیری از این چاپ در حال حاضر امکان پذیر نیست.

تا اندازه‌ای بهتر از این نشر در سال ۱۸۵۲ از طرف آ. شپرنگر بعمل آمد. در کلکته قسمت دوم "اسکندرنامه" را به چاپ رساند. متن این نشر در اغلب قسمتها برای مطالعه مناسب است، لیکن برای نزدیک کردن آن به اصل کوششی به عمل نیامده و از اینرو با بعضی از چاپهای غیر انتقادی شرقی چندان تفاوتی ندارد.

اقدام جدی برای برطرف ساختن تحریفات و افزودنها از متن یکی از منظومه‌های نظامی در پراگ از طرف خاورشناس چک پروفسور یان ریپکا (۲۳) صورت

گرفت. نشر انتقادی "هفت پیکر" که به اهتمام وی به چاپ رسید بر اساس دستنویس‌های متعددی ترتیب یافته، تعدادی از آنها برای مقابله جالب شده و تعداد دیگری تنها برای برطرف ساختن اشکال بعضی کلمات و مصرعها مورد بررسی قرار گرفته است. با آنکه در بعضی موارد با تفسیر ناشر نمیتوان توافق داشت، لیکن با اطمینان کامل باید گفت که این نشر یک گام بسیار جدی در بررسی نظامی بوده و با بظهور پیوستن آن برای تحقیق این منظومه پایتختی اساسی مهیا گردید. ضمناً یادآوری می‌کنیم که پروفسور بیان ریپکا ترجمه منشور این منظومه را به زبان چک به عمل آورد و از روی آن شاعران چک به ترجمه منظوم آن همت گماشتند. انتشار این ترجمه منظوم مورد پسند خوانندگان چک قرار گرفت. پروفسور بیان ریپکا در کتاب خود مرسوم به "یادداشت‌های سفر ایران" اطلاعاتی درباره نظامی برای گروه وسیع خوانندگان ارائه داده است (۲۴).

در سال‌های بیست‌قرن حاضر عده‌ای از جوانان خاورشناس‌لنینگراد تحت تأثیر یوری نیکولایویچ مار به بررسی آثار نظامی از روی دستنویس‌های موجود در کتابخانه‌های روسیه پرداختند. تقریباً در یک زمان از منظومه "هفت پیکر" دو ترجمه منظوم و منشور به عمل آمد، ترجمه منظوم از آ. ا. گروزینسکی (مسکو، ۱۹۲۲) و ترجمه منشور از حکایت چهارم از مؤلف این سطور بود (لنینگراد، مجله "وستوک"، کتاب ۳، ۱۹۲۳).

از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ یک سلسله نوشته‌های مختصر از یوری مارانتشار یافت (۲۵). "خلاصه‌ای از تاریخ ادبیات ایران" مؤلف این سطور (جانبه لنینگراد، ۱۹۲۸) نیز وهم‌چنان ملاحظاتی درباره نظامی در مجموعه "وستوک" نشردوم (مسکو، ۱۹۳۵) اکنون کهنه شده است. درباره ترجمه "نوم" لیلی و مجنون" آ. گلوبوی نیز گفتگویی خواهیم داشت زیرا اکنون در نظر خواننده روس نیست. آکادمی علوم اتحاد شوروی در سال ۱۹۳۵ به انتشار یوری مار مجموعه مقالات "خاقانی - نظامی - روستاویلی" را منتشر کرد. در این مجموعه درباره نظامی تقریباً چیزی گفته نمی‌شود (این مطلب در جلد دیگر در نظر گرفته شده بود). لیکن از اسم مجموعه این اندیشه ذهن‌خطور می‌کند که درک آثار خاقانی و نظامی تنها وقتی امکان پذیر است که در زمینه فرهنگ مردم ما و آفاقاً ز بررسی گردند. این اندیشه از طرف آلکساندر نیکولایویچ برلیدی در مقاله "آثار تاریخی عصر روستاویلی" در همان مجموعه ذکر شده است.^{۲۶}

کوشش هیئت علمی موزه ارمنستان به مناسبت بزرگداشت روستا ویلی در ایمن مجموعه منعکس است و ضمناً نشانگر روابط درونی آن فرهنگ بالنده ایست که از سده دوازدهم میلادی در میان ملل ما و راه قفقاز به وجود آمده بود.

در پائیز ۱۹۳۹ در مسکو کتاب مفصل "منتخبات شعر آذربایجانسی" به زبان روسی (زیر نظر صدورغون) که شامل قطعاتی از آثار نظامی بود با مختصری از تاریخ ادبیات آذربایجان به چاپ رسید. در همان سال در باکو کتاب ته چندان بزرگ میکائیل رفیعلی موسوم به " نظامی . زندگی و آثار " منتشر شد. این کتاب نخستین کوششی در زمینه آشنا کردن خوانندگان روس با زندگانی و آثار نظامی بود. این تألیف با وجود یک سلسله لغزش‌هایش، به قبول کریمسکی در خواننده تصور مساعدی ایجاد میکند.

در سال ۱۹۴۰ دبیرخانه جشن هشتمین سالگرد نظامی کتاب مؤلف ایمن سطور را تحت عنوان "شاعر بزرگ آذربایجان نظامی" به زبانهای روسی و آذربایجان انتشار داد. این کتاب با "سا" در ۱۹۳۸ تحریر یافته و در مجله "آذربایجان ادبی" (۱۹۳۹، ش ۵، ۶) چاپ شده بود. اکنون هنگام مطالعه این کتاب در بیرون از جو شتابزده جشن نواقص زیادی در آن به چشم می‌خورد ادعاهائی در آن پیش کشیده شده است که، تحقیقات بعدی آنها را تأیید نمی‌کند، اشعار غنائی نظامی نیز در حد خود مورد ارزیابی قرار نگرفته است. در تعیین تاریخ منظومه آخر نظامی نیز ضدونقیض راه یافته است (و باید افزود که تعیین قطعی تاریخ فوت نظامی در این اواخر امکان پذیر گردید).

در پیشرفت بررسی نظامی و حیددستگردی ناشر مجله ارمنستان در تهران نقش بسیار بزرگی دارد. و حیددستگردی با جمع آوری در حدود سی نسخه از دست‌نویس‌های آثار نظامی از سال ۱۹۳۷ به نشر کلیات آثار وی پرداخت و در سال ۱۹۴۰ به اتمام آنها توفیق یافت. در دو جلد آخر قصاید و غزلیات نظامی و زندگیتان مه مفصل شاعر جا گرفته است. و حیددستگردی میتواند متن انتقادی آثار را تهیه کند. لیکن او اصل رعایت تاریخ را به کنار گذاشته در راه دیگری قدم نهاد. و حیددست‌نسخه‌های مورد استفاده را معرفی نکرده و اختلاف نسخه‌ها را فقط در مواقعی که به نظر وی اهمیت داشت، نشان داده و در آنجا نیز از مأخذ اختلاف اطلاعاتی بدست نداده تا معلوم شود که آن نسخه متعلق به کدام قرن است و از اینرو چاپ وی برای تحقیق پایه اطمینان بخش محسوب نمی‌شود. با این وجود، کارمتامدی در روی متون نظامی، تبحر کامل در زبان کلاسیک، ذوق طریف فطری برای وحید امکان دستاورد بهترین نشر آثار نظامی

را تا آن زمان ارزانی داشت. به ویژه تعلیقات وی شایان توجه است و برپایه بهره‌گیری از منابع بسیار غنی قدیمی قرار گرفته است. فقط متد مسورد استفاده و حید امکان پیشبرد کار تحقیق با اطمینان را نداد.

با نشر جلد‌های جداگانه از طرف وحید برای کسانی که در شوروی مشغول بررسی نظامی بودند، آشکار شد که مسئله متن انتقادی آثار شاعر حل‌نشده مانده است. دبیرخانه جشن‌ها با همکاری آکادمی علوم هئیتی برای تهیه متن انتقادی تمام منظومه‌های نظامی تأسیس کرد. با کمک مقامات دولتی فتوکپی تقریباً تمام نسخه‌های قدیمی دنیا جمع آوری شد. بررسی این نسخه‌ها نشان داد که دستنویس‌های متعلق به قرن پانزدهم پراز افزوده‌ها و تحریف‌ها است. از اینرو چند نسخه متعلق به قرن چهاردهم پایه‌کار قرار گرفت و اختلاف نسخه‌ها که درپاورقیها نشان داده شده، نمایشگر سیر تاریخی متون می‌باشد.

در اوایل سال ۱۹۴۱ متن انتقادی تمام منظومه‌ها آماده گردید (۲۷). همزمان با تهیه متون، گروه دیگری از متخصصین ترجمه علمی تمام منظومه‌ها را به اتمام رساندند. این ترجمه‌ها برای ترجمه‌های منظوم آثار نظامی به زبانهای مختلف خلقهای شوروی و تحقیقات علمی پایه قرار گرفت. "شرفنامه" که قسمت اول اسکندرنامه می‌باشد، از طرف راقم این سطور به روسی ترجمه شد و در ۱۹۴۰ در باکو به چاپ رسید. در سالهای ۱۹۴۰، ۱۹۴۱ دبیرخانه جشن‌ها سه مجموعه مقالات به زبانهای آذربایجانی و روسی درباره نظامی منتشر کرد. این مجموعه‌ها برای تاریخ ادبیات قرن دوازدهم آذربایجان و باستان‌شناسی و تاریخ آن زمان حاوی اطلاعات ارزنده‌ای است. گزارشات اولیه در مسورد کاشهای گنجینه قدیم بسیار جالب بود.

جشن تولد نظامی مطابق تاریخ تولد وی در سال ۱۹۴۱ در نظر گرفته شده بود لیکن با شروع جنگ کبیرمیهنی این جشن برای چندین سال به عقب افتاد. بالاخره در بهار سال ۱۹۴۷ کنفرانس مقدماتی تشکیل گردید و جشن بزرگداشت از ۲۲ تا ۲۷ سپتامبر همان سال برگزار شد. در زادگاه شاعر در شهر گنجینه و در شهر باکو مجسمه‌های با عظمتش در طی مراسم ویژه برافراشته گردید. در باکو موزه تاریخ ادبیات بنام نظامی دارای اهمیت بزرگ علمی است. در سالن‌های زیبای این موزه که با اسلوب هنرهای زیبای آذربایجان تزیین یافته‌اند فرآورده‌های نمایشی حاکی از تاریخ فرهنگ دوران نظامی مردم آذربایجان از زندگانی و آثار وی می‌باشد. سالن موسوم به "نظامی و ادبیات جهانی"

شاید آن دقت است، در آنجا نقشه بزرگی است که متجاوز از پنجاه شهر مختلف جهان را که آثار نظامی در آن شهرها ترجمه و یا چاپ شده است دربرمیگیرد. در روزهای جشن دریاکو ترجمه منظوم روسی سه منظومه از چاپ درآمد. در مسکو منتهی از خمسه بزبان روسی به نظم انتشار یافت و کتاب جداگانه‌ای حاوی اشعار غنائی به روسی چاپ شد. اغلب این ترجمه‌ها قابل قبول است، اما باید اذعان داشت که تاکنون هیچ یک از مترجمین حفظ کامل زیبایی و عمق اشعار نظامی میسر نگردیده است. خوانندگان ترجمه‌های اشعار نظامی باید در نظر داشته باشند که در موفقترین آنها با واریانت پیاپی یک سمفونی که برای یک-ارکستر نوشته شده است سروکار دارند. ترجمه تصوری محدودی در مورد اصل بدست می‌دهد و به ندرت می‌تواند مانند اصل مهیج و شور-انگیز باشد.

آثار علمی که در جشن هشتادمین سال به چاپ رسیده عبارتند از: متن انتقادی هر دو قسمت آخرین منظومه نظامی "شرفنامه" و "اقبالنامه"، مجموعه مقالات کنفرانس علمی که در ژوئن ۱۹۴۷ در باکو تشکیل گردید. بود جلد چهارم مجموعه "نظامی" در سلسله کتب "زندگانی مشاهیر" یک جلد مخصوص نظامی چاپ شد. در روزنامه‌ها و مجله‌ها در باره زندگانی و اخلاقیت نظامی مقاله‌ها درج گردید.

در اینجا درصدد معرفی آنچه در رابطه با جشن چاپ شده است، نخواهیم بود. این موضوع جداگانه و بسیار وسیع است. طبیعی است که همه آنها بدون نقص نیستند. با این وجود باید اذعان داشت که آثار به وجود آمده در این جشن دانش ما را غنی ساختند و این رشته را به بله بالاتر ارتقا دادند. این عقیده را بهترین متخصص آثار نظامی در کشورهای اروپا، خاور-شناس حک پروفسور یان ریپکا تصدیق میکنند. یان ریپکا در سال ۱۹۴۷ در مسکو ولنینگراد بوده و درباره مسافرت خود در مجله "خاورنو" پراگ خاطرات خود را منتشر کرد. در آنجا می‌نویسد: "من شاهد بزرگداشت خلق‌های شوروی از فرزند بزرگ خود را بودم این بزرگداشت نه تنها در گفتار، در کردار نیز بود... بررسی نظامی یک مثال زنده است از کارهای بسیار شرفشاسان شوروی که با چه شوق و شوری مشغول فعالیتند".^{۲۹}

در بررسی نظامی دانش شوروی ورق تازه‌ای را گشوده است. من به هیچ وجه نمی‌خواهم بگویم که تمام مصائب مربوط به بررسی زندگی و تحقیق آثار شاعر را دانش شوروی حل کرده است. هنوز برای سالهای دراز کار در پیش است. لیکن اکنون با کوشش‌های پژوهندگان شوروی پایه مطمئنی ایجاد گردیده است که بر اساس آن میتوان کارهای آتی را با اطمینان کامل انجام داد.

- ۱- متن آن از طرف ادوارد دیراون چاپ شده است (لیدن ، ۱۹۰۳-۱۹۰۷). آ. ی. کریمسکی ، نظامی و بررسی آن (به روسی) ، مجموعه "نظامی گنجوی" ، یکو ، ۱۹۴۷ ، ص ۱۴۲ . ۳- تصحیح ثانوی در ۱۲۷۵ به پایان رسیده است . ۴- چنانکه در پیش خواهیم دید ، این نیز درست نیست . ۵- متن فارسی از طرف ادوارد دیراون چاپ شده است (لیدن ، ۱۹۰۴) . ۶- رقم اول هجری قمری است . ۷- آ. ی. کریمسکی همان تألیف ص ۱۴۶ . ۸- آ. ی. کریمسکی بطور کامل "صحیح احتمال میدهد که در آدام اولثاری (۱۶۳۶ - ۱۶۳۹) تحت نام نسیمی اسم نظامی مستتر است . ۹- آ. ی. کریمسکی ، همان تألیف ، ص ۱۶۷ . ۱۰- " ژورنال آزیا نیک" ، ۱۸۶۴ و ۱۸۶۵ . ۱۱- W. BACHER, NISAMI'S LEBEN UND WERKE - لیبزیق ۱۸۷۱ . ۱۲- اشتباهات وی از طرف اینجانب در مقاله "نظامی و بررسی آن" ، مجله خاورشناسی شوروی ، ۱ ، ۱۹۴۰ ، ص ۹۵ - ۱۰۶ و در مقاله "دیدهای سیاسی نظامی" اخبار آکادمی علوم شوروی بخش ادبیات و زبان ، ۱۹۴۱ ، ش ۵۸ ، ص ۷۳ نشان داده شده است . *LA POÉSIE EN PERS* ، پاریس ، ۱۸۷۷ . ۱۴- معلوم نیست چرا به گفته خود نظامی باور ندارد؟ ۱۵- *P. PIZZI. STORIA DELLA P.P.* تورینو ، ۱۸۹۴ ، و به مقاله "دیدهای سیاسی نظامی" رجوع شود . ۱۶- آ. ی. کریمسکی ، همان تألیف ، ص ۱۶۵ . ۱۷- *P. HORN. GESCHTE DER P. LITE* لیبزیق ، ۱۹۰۱ . ۱۸- *E. C. BROWNE. A LITER. HIST. OF PERS.* لندن ، ۱۹۰۲ - ۱۹۲۴ . ۱۹- *E. LEVY. PERS. LITERAT. AN INTRAD* اکسفرد ، ۱۹۲۳ . ۲۰- این اشتباه را آ. ی. کریمسکی تکرار کرده است به همان تألیف وی زیرنویس ص ۱۶۳ . ۲۱- افزوده ها از طرف کاتبان بوده و ارتبا- طی با متن اصلی ندارد . ۲۲- *N. BLAND. MAKHZANUL ASRAR* THE TREASURY OF SECRETS, BEING THE FIRST. THE FIVE POEMS OR KHAMSAH OF SHEIKH NIZAMI . ۲۳- *N. PITTERLUND - J. RIPKA. HEFTPEYKE* . ۲۴- یوری نیکلایویچ مار . مقالات و معروضه ها . [] ، مسکو ، ۱۹۳۹ ، ص ۲۶۵ و بعد (به روسی) . ۲۵- پراگ ، ۱۹۴۶ . ۲۶- آثار دوران روستاویلی ، نشریات ارمیتاژ ، لنینگراد ، ۱۹۳۸ (به روسی) ۲۷- در مورد روندکار در روی متون رجوع شود: ف. بابایف . روندکار در روی متون نظامی ، اخبار آکادمی علوم شوروی ، بخش ادبیات و زبان ، ۱۹۴۱ ، ش ۸۵ ، ص ۸۵ و بعد

مقدمه متن چاپی "شرفنامه"، باکو، ۱۹۴۷. ۲۸ - درباره معرفی بعضی از آنها رجوع شود به مقاله ب. ن. زاخودر "ادبیات جشنواره نظامی" (به روسی)، "سوتسکا یا کنیگا"، ۱۹۴۸، ش ۱۴، ص ۹۷ - ۱۱۲. ۲۹ - "نووی وستوک" (NAVY OSTOK) سال سوم، ش ۷ - ۸، ص ۱۵۳.

• • •
 ❖ ❖ ❖
 سنیر ❖

ایراق سندان، منه آوز دوندرب دود بلا سنیر	اولوب کونوم، نگالارد، دهجره تملاسنیر
بوحنفت خانه دن حاشا اولام، بیرکون، مانا سنیر.	لال بحرین ایلیسیدیر، منه دینانی غمخت
دانا بونداندا خوج قومسایانان کونوم، مانا سنیر	یانیب باغیرم کباب اولدی بواه سینه سوزمیدن
طیسیم داویمه عیت، دریمه اولمک اردوا سنیر	روایله بو بحرین دردی اولدو درسون منی ناکام
تاو طور بو خریب میزده، منه بیر آشناسنیر	منی ترک انیله میب اغیار طیه سن اولوسان بدم
شیب کتیم فالیب باغلی بوتون راه رجاسنیر	حوادث موجی بحر خنده ایلیسیدی منی مایوس
عیتیر بو جانمه هر آن، عشم دود بلا سنیر.	فرادم سنسن ای جانان، منه قوربان اولوب جان
اچم در ساقی دوران منه جام فنا سنیر	دولوندور جام سینه باده غدن، آمان ساقی
دانا منده عیتیدیم جانه، مشکل دیر بها سنیر	عیتیش فریادیمه جانان، منی بوغده اولدو دردی
خیال دصلسن اولوب شیخ زمان مندین جدا سنیر	اگرچه سندان آیری دوشموشم ای نارنسن امانا

نندن دیر ال کلنیر سن، زنها برلی وفالردن
 نوز: مصطفی قزلباش "مهام" گنیدر بریانه، قوی گتیسین اولیاری وفا سنیر خجده محمد رضا حاج آقا
 بوز:

○ نظامی که در رشته گوهر کشید
قلم دیده‌ها را قلم در کشید

نظامی

○ نظامی‌نین "خسرو و شیرین" منظومه سینده اساس
صورتلرین تحلیلی

نظامی یارادیجیلیغی و اونون اثرلرینده محبت مسئله‌سی، انسان‌پرور-
لیک فلسفه‌سی، دوستلوق و صلح ستوه‌رلیک و اجتماعی عدالت، حقوق برابرلیگی
دوغروندا غموم بشری اهمیتته مالکدیر. هئچده تصادفی دگیل دیرکی بؤیوک
آلمان شاعری و متفکری گوته (GOETHE JOHAN WOLFGANG) بیرسیرا شرق
مشهور شاعر و متفکرلری باره‌ده فکیر سؤیلویه‌رکن داھی نظامی‌نین بیله
سبعیه‌لندیریر:- "... فردوسی کئچمیش اوچون، انوری اوز دورو اوچون،
نظامی ایسه گله‌جگ اوچون یا زیب، یا راتمیشدیر."

گوته‌نین و بیرسیرا گؤرکملی عالم و شرقشنا سلاربن نظامی‌یه بسله‌دیک لری
بودرین حسن رغبت لری، وئردیک لری حقیقی وجدی قیمت‌الته بؤیوک گنجیه
اوستا‌دینین شخصیتینی، اوزاق گؤره‌نلیگینی، عموم بشری موقعینی، نیک‌بین
دوینا گؤروشونون معاصرلیگینی، نواتورلوقونو ثبوت ائتمک اوچون محکم
سپردلیلدیر. شاعرین قلمه آلدیغی موضوعلار بوگونده یینی‌دیر، فعال دیر، زامان-
نین طلبی ایله سرله‌شیر.

نظامی یاخین و اورتا شرقده بزمی (غنائی) شعر ساحه‌سینده، نواتور اولوب،
یعنی بیرادیی مکتب‌ین بانئسی کیمی تانینمیش دیر. شاعر اوزونده‌ن اولکسی
قدیم شرق مدنیت‌نین نائلیت لری و عنعنه‌لری اوزه‌رینده اوچالیمیشدیر. او
رودکی، فردوسی، قطران، فخرالدین اسعدگرگانی، خیام، سنائی و دیگر شرق
کلاسیک لرینین اثرلرینی درینده‌ن اؤیره‌نیب قیمت‌لندیرمیشدیر. اوزوده شعر
و ادب تاریخینده او واختا قدر مثلی، نظیری تئورونمه‌میش یئنی بیر صنعت نمونه-
لری یارادیب، هم بدیعی فورما، همیده مفکوره و مضمون جهتینده، دولقون و
مکمل بیر "خمسه" میدانا چیخارمیش دیر. او، ایلیکین "خمسه" یارادان شاعر
اولموشدور. آنجاق بوتون یارادیجیلیقیندا احترام علامتی اولراق تکجه بؤیوک
فردوسی‌نین آدینی آپا رمیش دیر.

بؤیوک صنعتکار اوزوده دفعه‌لرله قید ائدیرکی، اونون اثرلری کئچمیش
عنعنه‌لرین ادبی زمینیه اوزه‌رینده یوکسلمیشدیر. او دفعه‌لرله بؤیوک
سلف‌لری اولان بیر چوخ شرق عالم و فیلسوفلارین علمی و ادبی میراث‌لاریندان
بهره‌لنمه‌سینده‌ن اؤیره‌نجه‌سینده‌ن سوز آچیر. هند و یونان و اسلام فلسفه‌سینده

استناد ائتمه‌سیندهن ،یهودی ،نصرانی و په‌لوی دیل لرینده یازیلیمیش آبدہ۔
لردن و شفا‌هی خلق ادبیا تیندان گئنیش صورتده فا‌یدالانما سیندان دانیشیر۔
لیکن طوسا وستا دیندان باشقا دیگرنین آدی جکمیریا راتدیغی اثرلری یلدهده
تک یاخین واورتا شرق دگیل ، دوسیا ادبیا تی سیما سیندا تما میله ینی صنعت
و هنر دوها سی کیمی پارلاییر۔

نظامینین یاراتدیغی "بئش‌خزبنه" ایجریسینده بیرجه ان بدیعی وگؤرکملی
یئری توتان "خسرو و شیرین" منظومه‌سی‌دیر۔ بو اثرهم نظامی یارادیجیلیقیندا
همده دونیا ادبیا تیندا مستثنی بیر بدیعی آبدہ‌دیر۔ نظامی بورادا عشق و
محبت موضوعونو تما میله‌ینی شکل ده ایشله‌میش دیر۔ "خسرو و شیرین" منظومه‌سینده
نظامینین یاراتدیغی محبت و سئوگی مسئله‌سی ،قادین صورتی و عشقین تصفیسه
اشدیجی قدرتی بؤیوک صنعتکارین دونیا ادبیا تینا گتیردیگی ینی وان اساس
و قیمتلی کیفیت لردیر۔ صداقت وانما ن پرورلیک مسئله‌سی اثرده مستثنی یئر
توتور۔ محبتین فداکارلیقا روحلاندیران ویؤنله‌دهن الهام وثریجی قدرتی
منظومه‌نین اساس مسئله‌سینی و آپاریجی قیزیل خطیننی تشکیل ائدیر۔

نظامی یاخین واورتا شرق منظوم داستانینا ایلک دفعه اولارق فرهاد
صورتی کیمی جوخ ماراغلی و جا‌ذبه‌لی بیر قهرمان گتیرمیش دیر۔ او، گئنج
صحنه‌یه گتیریب ،تئز میداندا چیخاردیغی داش‌چایان فرهاد صورتیننی ابدی -
لشدیرمیش دیر۔ نظامی‌دان صونرا بو موضوعدا محبت داستانلاری یازان بیر جوخ
صنعتکارلار بؤیوک گنجہ استادینین ادب و هنر خرمنیندن سونبول لر قوپاریبه
یارادیجیلیق و صنعت با‌فیندان چیچک لر درمیشلرو فا‌یدالانمیشلار۔

نظامینین "خسرو و شیرین" منظومه‌سینین ادبی تاثیر مسئله‌سینه گلد۔
یگده بو اثرین درین وجدی تاثیر ،شا‌عربین یا شادیغی دوردهن بو گونه‌قدر
جهانشمول اولوب دونیا ادبیا تشنا سلازینین دقت مرکزینده دایانمیش ،مترقی
بشریتین جدا نظر دقتیننی جلب ائتمیش دیر۔ شا‌عربین یارادیجیلیق دوها سی،
درین تفکر، فلسفی قدرتی ، یوکسک صنعتکارلیق مهارتی و افاده قابلیتی،
اورتایا چیخاردیغی مثل سیز اثرلری و ادبی میراثی انمان حیاتینین دومانلی
یوللارینا سونمز بیر مشعل کیمی متمادیا" ایشیق سا‌جمیش ،بش‌ریته ،بو مرکب
وارلیقین آغیر و دولانبا‌جلی مرحله‌لرینده یول گؤستریمیش ،لیا قتل خوشبخت و
دوشون انمانلارا حقیقی طرزده یا‌شاماق فا‌یدالاریننی اؤرتمیش دیر۔

بیز نظامینین "خسرو و شیرین" منظومه‌سی و اونون یاخین واورتا شرق
ادبیا تیندا تاثیر باردهده اثریا‌زیب ،گنیش و درین صورتده گنجہ دوها‌سینین
بو مثل سیز منظومه‌سی باردهده تدقیقات ایشی آپاریب ، اؤز ملاحظه‌لریمیزی
سؤیله‌میشیک(۱) ایندجه‌بو مقاله‌ده اختصارلا بعضی اساس صورتلرین تحلیلینہ
گئچریک۔

۱- غلامحسین بیگدلی - شرق ادبیا تیندا "خسرو و شیرین" موضوعو علم‌نشریا تی-

○ خسرو صورتی : گنجلی نظامی اؤز "خسرو شیرین" منظومه سینده دشمک اولارگی خسروون تاریخده نه کیمی موقع توتما سبحدان اولقدیر سوز آحما میشدیر . چون بولیشی شرقین بؤیوک دوها سی فردوسی طوسی قابا قجادان گؤرموشدور . نظامی آنجاق خسرولا شیرینین عشق و محبت احوالات و ماجرا سینی پارا تمیشدیر . حکیمی کان حکایت شرح کرده است حدیث عشق اینان طرح کرده است

« نظامی »

بودورگی "خسرو و شیرین" منظومه سینین مرکزینده تمیز عشق و پاک محبت مسئله - سیدورور . نظامی ، محبتی چوخ علوی ، درین و کنیش معنادا یعنی اولدوغو کیمی گوتورموشدور . شاعرین قناعتینه گؤره اؤزونو انسان آدلانديران ، هربیر آدام بوتون انمانلاری ستومه لی ، هابیمیا درین محبت سلمه لی ، بوکسک صداقت و قایغی گؤسترمه لی دیر . محبت مسئله سینده دار ، محدود جرحوده ده یوخ ، گنجیش دایره ده و بؤیوک مقیاس دا باخیلمالی دیر . نظامی عائله شخصی محبتی ده عموم بشری و آلهی محبت سلمه سینده داخل ائتمیشدیر . ستویب - ستویلمه گی انسانین ان مقدس وظیفه سی آدلانديرمیشدیر .

نظامی بو اثرینده منظومه سینین اساس قهرمانلاری اولان خسرولا شیرین صورتلر - بینه ایکی مختلف سببه لی و گؤرولشو انمان صورتینی و ترمیش دیر . خسروون طمطراقی خارجی گؤرونوشو ، منشاء نین بوکسک لیگی ، دوتدوغو اجتماعی و سیاسی موقعی بؤیوک اولسادا ، اونودا خلا " ضعیف ، معنویا تچه چوخ کاسب جلولندیرمیش ، مردم - خیال ، دوشگون حقیقی عشق و ستوگی عالمینه یاد اولدوغونو ترمم اتمیشدیر . اونون ایلنجه وذوق و صفا دوشگونو اولان لایالی سیر شاهزاده اولدوغونو قلمه آلمیش دیر . او ایلك باشلانغیجان بوالهوس اوره گیننی وفالی شیرینه و ترمیش اولسادا ، حادثه لرین گدیشتیندا اوشاق کیمی شیلتا قلیق ائدیر . عشقینه ایلقارینا صادق قالا بیلیمیر . اوله مداین دهن قاچیب آذربایجانا گلدیگی دورده بیله ، کبیر سیز ، مراسم سیزتله سیک نجیب شیرین دهن کام آلماق ، اونونلا اوتری یاشاماق فیکرینه دوشور . چیرکین و نالایق مقصدینه ناپیل اولابیلمه دیگینه گؤره ، کوسوب روم اولکه - سینه یولا دوشور . اورادا ایلك محبتینی و گویا حیاتی قدرستودگی نجیب شیرینی اونودوب مصلحت روزگار خاطرینه مریمه وورولور و ائونه نیر . مریمین آنا سینین یاردیمی ایله ایرانا قایدیب تختی تاجینی الهه ائتدیگده ن صونرا دیمک اولارگی ، عفتلی شیرینی تامایله اونودور . اؤز عهدو ایلقارینا صادق قالماق خاطرینه ، سلطنت و تخت و تاجینی بوراخیب خسروون آردینجا مداینه گلیب چیخان شیرینله چوخ عا طفه سیز و عدالت سیز رفتار ائدیر . مریمین قورخوسوندان نه اینکه گؤزله شیرینین گؤرولوشونه بئله گئتمیر . حتی واسطه ایله اولسادا اونونلا هئچ جور رابطه و علاقه یاراتماق ایسته میر و کیممه نین یانینا گؤنده رمیر . شیرین اوزون بیرمدت تک و آغیر شرایط ده حیات سورور و طالعین نه اولاجاغینی گؤزله میر .

مریمین و فاتیندان صورنا بینهده اوشیرینه صمیمی و صادقانه محبت له دگیل، ایله نمک مقصدی ایله اونا یاخینلاشیرلیکن بو دفعهده شیرینین جدی مقامتینه راست گلیر. شیرینین غربتده اولما سیندان استفاده ائده رهگ، اونا تفضیق گؤستر- سین دبه گئدیپ معلوم الحال و اؤزونه ایق اصفهانلی شکرله ائوله نیر، کئچمیش پالاق اولمایان بیر لالایلی قادیننی نجیب، عصمتلی و آغیر سینا قلازدا ن چیخمیش شیریندن اوستون توتور. معین مدت شکرله یا زاماز دوران سوردو کده ن صورنا، اورهگی اوندان دوپاندان صورنا، بینهده ن شیرین هوسی باشینا دوشور. دوروب قهر شیرینه ساری یولادوشور....

أصولاً "خسرو ساری دبدسه سی، زادگان محیطینده دوغولوب بوی آتدیقینا گؤره عادتاً مغرور و خودخواه دیر. نده ن سه سانگی او ذاتاً مغرور، ظلمکار و غدار یارا- نمیشدیر. آنجاق اؤز شخصی منافعینی و خط نفسینی گودور و دوشونور. باشقالارنین حقوق و مقدساتی اونونچون اویونجا قدیر. او هله ایلک گنجلیگینده ن، هئج بیر قایدان قانون و اخلاق فورم و اولمولرینه تابع اولماق ایسته مییر. حیاتینین باشلانقچیندن: اؤوا چیخاراق اهالی نه ظلم ائدیر، کندلینین باغینی یوزدوروب، اکینینی غارت ائتدیریر.... بو دارانیشتی، عمرنون صورنا قدر داوام ائدیر.

خسرو جسامت سیزلیکه ده قورخا قدیر. هئجده ن آتاسیندان قورخوب آذربایجانا قاچیر. اوزون بیر مدت آذربایجاندا و بیژانس (روم) دا ویلان و سرگردا ن دیر. صورنا دا بهرام چوبینه اؤزه اوز گلدیکده هئج بیر جسامت وجدی مقاومت گؤسترمه ده ن، اولکهنی بوراخیب، تخت و تاجی قویوب، بینهده ن آذربایجانا قاچیر. آنجاق بیوتله سیک قاچماقدان مقصد، آذربایجاندا لازمی قوه توپلاییب، حربی بییرا لجو گؤتورمک غضبکاری ورقیبی جزالاندیرماق یوخ، او بینهده شیرین هاواسی ایله، لالایلی حیات سورمک مقصدی ایله بوسودایه دوشور. گؤرونور خسروون بوالهوس قلبینده وطن دردنی، مملکت دردنی، خلق دردنی، ناموس و غیرت دردینده ن بییرا جز، بییرنشا نده بیوخدور. او آنجاق عیش و عشرت و اگلنجه دوشگوتودور. نه اولورسا اولسون دونیانی سئسل آپارسین آنجاق خسرو کیفینده ن قالما سین، حالبوکی خسرو مهین بانوما راینایا، بیژانس (روم) قیصری بانینا گئدیپ باشینی ایلن دیرمک عوضینه، ائلییه بیله ردی سا ساننی سلاله سینه و فادار اولان سرکرده لری باشینا توپلاییب آذربایجان انسان و مادی قوه لرینده ن استفاده ائدیب، غضبکاری اولکهدن قووب، اوزا قلاشدیرایدی، حاکمیتی گئری قایتارامدی. تخت و تاجینا صاحب دورایدی.

بیله سمر ملاحظه ایزلی سوروله بیله رکی، بلکه ده خسرو گنج دیر، بوکیمی دوشو- نجلر اونون بیننده ن گئچمیر و ذهنیندن خطور اتمیر آنجاق آخی عقلی و کمال لی شیرین سوباره ده او زمان اونا آچبقدان آجیقا یول گؤستریب، سؤیله میش دیر: . . . جوانسان شرکیمی جسامتینوار تا جدارا ولما غالیا قمتینوار قدرتینی گؤستر بیرد قعه گؤره ک گوجله غضب ائتمیشدیرا ختیارینی اؤلکهنی فتنه ده ن خیلاص ائده رک آلمیشدیر او اوغروتا مام وارینی

○ قلنج آل، میداندا اوزونو گۆستر محو اولسون قوردوغو بوتون حیللر...
 لیکن لایالی خسرو بوتونجا عقللی مصلحت دهن ویا رارلی تکلیفدهن دوزگون
 نتیجه جا خارما بیب قطعی قرارمگله بیلمیر. بوتون قاچیرر، بوتونجا صمیمی مصلحتی
 اوزونده بیر نوع تحقیر کیمی حساب ائدیر. کوسور وشیرینی ترک ائدیر. بیزانسا
 طرف یولادوشور... .

نظامینین تصویرا بیتدیگی خسرو کندیب، قیصرین یاردیمی ایله حاکمیتی کثری
 آلدیقدان سونرا دا عیاشلیقیندان ال گۆتورمور، عیش وعشرت قورشانیر، جدی بیر
 ایش گۆرمگه، اولکهنین وخالقین طالعی ایله مشغول اولماغا واخت تاپمیر. نهایت
 شیرینله ائولندیگدن سونرا دا هله بیرمدت اوزونو بیغیشدیرا بیلمیر، عیاشلیقدن
 ان ظولمکارلیقدان ال گۆتوره بیلمیر. هجده تصادفی دگیلدیرکی، احوالاتی بشله
 گۆروب، یاخندان مشاهده ائدن شیرین آچیقدان - آچیق خسروون عدالتسزلیگینه
 اعتراض ائدیرک سؤیله مییر :

○ دنیا دا ظولما ائتمک توچا قلیق دگیل رعیت بسله مک چوخا خشی دیر بیل...
 | تاریخی منبع لره اساساً خسرو اوزون بیرمدت یعنی ۳۸ ایل (۵۹۰-۶۲۸ م)
 حاکمیت باشیندا دورموش دور. عمومی بیرقان اولراق، تجربه ده کسریرکی،
 اوزون بیرمدت حاکمیت سورن حکمدار لار نهایت عموم و حاکمیت لرینین سون ایل لرین
 ده داها دا غدارلاشیب، قودورموش بیر ظولمکارا چئوریلرلر. آرتیق اوللاردا
 رحمدهن، انصافدان مروت و عدالتدهن ایز - ائرده قالمیر. تاریخ بویو بو حادشه
 بو عمل هر یئرده و هر شرایط ده اوزونو گۆستریب و گۆسترمکده دیر.

خسرو پوزنده اوزون ایل لر حکمدار، مستبد، و مقتدر بیر شاهنشاه اولدوقونا
 گۆره، اودا حیاتینین و حاکمیتینین سون ایل لرینده داها دا غدارلاشیب، آغیر
 و شدتلی جنایتلر توره دیب، ظولمکارلیغینی شدتlendirمیش دیر. اونون قارازندانلار -
 یندا عمورلرینی چورودوب، ائده نلرین، ائله جهده ناحق توکولن قانلارین سائیگونو -
 گوندهن آرتعیش دیر. بودوزولمز تضیق و ظولملر نتیجه سینده، نهایت بوتون اولکله،
 حتی، بلطنتا کمیت و اصول و اداریه سی نین دایاغی سا بیلان زادگان و اعیان و اشراف،
 ائله جهده بوتون فئون سرکرده لری، بیرسؤز لر حاکم طبقه نین اوزوده آیاغا قالخیب
 خسرو و سختدهن سالیب زنداندا اؤز دوغما اوغلونون ال ایله اولدورموشلر.
 لیکن داهی متفکر و شاعر نظامی بو تاریخی حقیقته باشقا جوریا ناشاراق اونا اؤز
 روما نئیک فکرا دیره سینده دیگر بیردون گتیدیرمک، دیگر بویا و نرمله مشیت،
 تربیتی و اصلاح ائدیجی نتیجه الده ائتمک ایسته میش دیر.

نظامی اؤز روما نئیک منظومه سینین اساس و باش قهرمانی اولان شیرینین رولونو
 داها دا بویوتسون - دیه، اونون خسروا گۆستردیگی مشیت تا شیرق داها دا قاریق
 نماشتن ائیدیرمک مقصدی ایله خسروون ماجرالی حیاتینین سون دورونده توره تدگی
 جنایتلر، ظولم و فاجعه لرین ایضا حینا گۆز اورتوب، فکرینی شیرینین مشیت تا شیر

سایه‌سینده گویا خسرودا عمله‌گلن دکشمیک لیک لر ، انکشاف ویا خشیلیغا طرف صرف ائتمیشدیر . بئویوک نظامی بیونولادا گؤسترماک ایسته‌میش دیرکی ، دنیا‌دا هر شئی دگیشیر ها مینن انکشافا ، تکامله ، یا خشی لیغا ، کمالا دوغرو یونه‌لدنک اولار . بودورکسی شیرینین عقلی و مثبت تدبیر و تاثیرلری سایه‌سینده حتی خسروکیمی بیرغدار ، پشه‌کار ، ظولمکار و لایالی بیرشخص‌ده دگیشه‌بیلر و اوز حیاتیندا ، سیاست و داورانیشیندا گوکلو و اساسلی سیر دؤنوش یارادا بیلیر . عدالتلی بیرحکمدار ا جئوریله‌بیلیر ... بیزجه اساساً "نظامی خسروو منفی مجیه‌ده گؤتوروب ، سطرلر آراسی‌دا همیشه اونون نقصانلارینی قلمه آلمیشدیر . شاعر "خسرو و شیرین" منظومه‌سی‌نین تکجه اسکجه بئربین ده خسروون صورتینی مثبت ترنم اتمیشدیر . بیریمی ایلک دفعه خسروون ارمن زمسه گتدیگی زامان اونو چشمه‌ده جیمین شیرین‌له اوزبه اوز گتیره‌نده ، لیاقتلی حرکت ائدیب ، آرخاسینی جئوریمک‌له ، شیرینه گئشمک امکانی ویرمه‌سی‌دیر . بیریمی‌ده خسروون اولوم قاجعه‌سی صحنه‌سینده گؤتوردیگی حرکت دیر . یارالی و چوخ قان ایتیرم حسروا سوزلوق دوزولمز عذاب‌درسه ده ، لیک او ، اؤز یورغون بیسینی ، بارخا ایدموش و قالی ویریشان شیرینینی بوخودان اویا تماقا قیمییر اوره‌گی کلمیر ، سهایده اویا و ایسمادان جان و نرسر و حیاتلا بداع‌لاشیر و دونیادان گتدیر .

○ شیرینی بوخودان اویا سادی او

بئله اولوب گتدی و قالی خسرو

* * *

شیرین صورتی

نظامی‌نین یاران تدبیلی شیرین صورتی ائله مثل سبزیبیر قهرمان چهره‌سی دیرکسی اونون وفا و صداقتی ، اراده و قدرتی عشقی و غفتی ، اخلاق و معنویاتی ، ناموس و عصمتی قریبنه‌لردهن بری دلیلر ازبری ، حقیقی سئوگی و محبت رمزی اولموشدور . شیرین "خسرو و شیرین" داستانین اساس قهرمانی دیر .

نظامی‌نین ترنم ایتدیگی شیرین دنیا ادبیاتی تاریخینده ، اورژینال و اصیل بیرقادین صورتی دیر . غربی آروپا ادبیاتیندا سیربئله یوکسک سویه‌لی ، عقلی ، پراشیک ، دؤزولم قادین صورتینی آنجا ق شکمبیر تراژدی‌سینده دانته‌نین "تاریچا-سیندا" "BEATRICE" گؤروروک ، و تکجه اوبیر چوخ خصوصتلی ابله مقایسه ائده بیلریمک .

نظامی‌نین "خسرو و شیرین" منظومه‌سینده شیرین اوبرا زینین تصویر و تحلیل‌ندهن قاباق ، بیر قدر اونولا فردوسی شیرینی آرا لاریندا اولار اوخشار جهتلره ، همیسه ، آشکار فرقلره و نظامی اثرینده شیرین صورتینن انکشافنا دقت یتتیره‌ک .

نظامی شیرینی ، بیرسیرا اوخشار جهتلری ایله سراسر ، اوزنون بپرچوخ مثبت ، سجه‌لری ، عالیجناب‌دا و رانشی ، حتی منشا ، سوی اعتساری ایله فردوسی شیرینیندهن فرقله‌نیر . "ثاهنامه" ده فردوسی سلف‌لری جا حظ و با شقالاری کیمی شیرینی سوی و منشا

اعتباری ایله آشاغی زومرهیه منصوب اشدیر. اونو، بیر کبارین ائوینده جاریه اولدوغو زمان شاهزاده خسرولا گوروشدورور. شیرین اؤز فوقالعاده گوزه لایگی ایله گنج شهزاده نین دقتینی جلب اشدیب، اونا تسلیم اولوب، کام وئرمه سینسه اشاره اشدیر. بئله کی بیرقدر صونرا شیرینله ائولنمک مرحله سینده کبارلارین سرکرده لرین جدی اعتراضلارینا معروض قالان خسرو، بوباره ده "خما" گناهکار اولدو. غونا اعتراف ائده ره ک سوئیویور

زمن گشت بدنام شیرین نخست

زهرما یگان دوستداری به جست

فردوسی اؤز شیرینینی هله ایلیک گنجلیک دورونده، یعنی چه بلوغ حدینه، بیتیشدیگی زمان دان بئله اؤز عصمتینی قوروماق متانتیندن محروم اشدیسه خسروون هوسینه تسلیم ائتمیشدیر. دشملی فردوسی شیرینی خسروون احتیاص وشهو-تینه قربان اولان ایلیک قادینلاردان بلکه ده ایلیکینی دیر. بو اخلاقی مسئله نظامی-نین "خسرو و شیرین" اثرینده فردوسی "شهنامه" سینین تامیله عسینه قویولموشدور. نظامی شیرینی برینجی نوبه ده بو حصول زومرهیه یوخ، زادگان طبقه سینسه منصوب دور. جاریه دگیل شهزاده دیر. دشملی خسرولا عین سویدلی و عین مقام و تربیتیله بیر شخصیت دیر. اوندان اسکیک، دگیل، ان باشلیجا فرق بورا سیندا دیرکی، نظامی شیرینینی نین معنویاتی جوخ یوکسک دیر. او اخلاق، داورانیش و شخصیت اعتباری ایله فردوسی شیرینینه نسبت جوخ انکشاف ائتمیشدیر. معنویاتی داها زنگین دیر. اونون خسرووا اولان مناسیته تامیله باشقا جور دور. اودا اؤزون خسروکیمی بیسر اولکله نین شهزاده سی اولدوغونو و خسرولا برابر حقوقا مالک اولدوغونا آگاه دیر. بودورکی، نظامی شیرینینه اینکه ایلیک گوروش و حباتین باشلانقیندا، خسروون نال-بیق ایستک و تمناسی قارشیمیندا اوزونو تسلیم ائتمیبر، اونون هوس و تمنالارینی بیتزینه بیتیرمیر، عکسینه چالیشیرکی، اونو دوزیولا گتیرسین، اونا اخلاق و عفت درسی اؤیره تمین و مثبت تاثیر بورا خصین. چالیشیر عیاشلیغا و هوسرانلیغا قووشماق بئربنه اونو آیاغا قالدیریب، الدهن گئتمیش اعتبارینی و سلطنتینی کئری آلمانا بونلا سین. خسروون عظالتی و باشی سوقلوغو برابرینده صون درجه متین و اراده لی دیر. او حدسیز درجه خسرو و شو سه ده، اؤز شرف و شخصیتینی اوندان آرتیق توتور. ناموسونو، منلیگینی قورویور، حادثه لرین گئدیشینده محرومیت لر، غذا بلار حتی بعضا تحقیر لر، هر جور آغیر و مرکب چتین لیک لر اونون اراده و منلیگینی سارسیدا بهیلمیر. خسروون بوتون شبلتا قلارینا و پئرشیز حرکتلرینه دوزور. او قدر متانت و استقامت خرجه وئریرکی، نهایت خسرو مریم، شکر و اولارلا دیگر معشوقه و جاریه-لرله عیاشلیق و هوسرانلیقلار ائندیکدهن صونرا، سوویویوب، ساکت له شیب عقلی باشینا کلدیکدهن صونرا، اونون سوراغینا گله ره ک، ائل-اویا قایداسیلا، موجود عادت و عنعنه لر اساسیندا، نکاحی سیر آرواد کیمی سارایا گلین آپا ریلیر. دشملی

دئمه‌لی نظامی شیرینی خسرولا رسمی حیيات قوروب یا شایان صون قادیندیر. بیرسؤزله اگورلدوسی شیرینی حیاتینن ایلمک گنجلیک دوروندهن اؤز معنوی شووتیننی قوروب قیمت لندیره بیلیمه همیشه، نظامی شیرینی، رسمی نکاح کمیلننه قدرشرف وعصمتینسی قوروب، ناموس ومنلیگینی هرشتی دن اوستون توتوموش و کیمسه بیه تسلیم اولسوبه باش اگمه میشدیر.

فردوسی شیرینی ایله نظامی شیرینی آراسیندا دیگر اساس بیر فرقه ده انسان-پرورلیک، رحم دیل لیلیک، قایغی کتلیک مسئله سینده دیر. دوزدور هرایکی اشرده شیرین، قایغی کش، مرحمتلی و عالحناب گؤستریلیر. آنجا ق فردوسی شیرینی بعضی خطا لره یول وئیریر. اونا یاراشما یان حرکت لرا ئدیر، حتی جنايته میل گؤسته ریرو ال آتیر. بیلگی، کونوسو ورقیبی، اولان بیزانسی شهزاده سی مریمه قارشی سوء قصد تشکیل ائدیر، اونو زهر واسطه سی ایله قتله یتیریر. سونرادا اونون یتیرینه گنجیب ایرانین ملکه سی اولور، فردوسی بو باره ده آچیق دان - آچیف یا زیر:

○ زمریم هتی بود شیرین بدرد	همیشه زرشکش دور خاره زرد
مرانجام شیرین بدوز هرداد	شد آن دختر خوب قیصر نژاد ...
چومالی برآمدکه مریم بمرد	شبیستان زربین شیرین سپرد.

" شاهنامه "

نظامی ایسه اؤز نجیب شیرینینینی، اؤز محتشم قهرمانینینی بو کیمی سفالت و رزالت لردهن قورویور، اونو هر جور آلا قلیق و چیرکینلیک لردهن اوزاق دا ساغلا بیر، او سؤزون اصل معنا سیندا وجدان، انصاف و اخلاق سمبولودور. اونسون بوتون حرکت لری مثبت دیر. بامانلیق اوندان و او بامانلیقدان اوزاق دیر. دوغرواندا عالیجناب دیر. نظامی اؤزده او قدر عظمتلی و بیوک دورکی حسی فردوسی شیرینینینی تیواء و مدافعه اتمک ایتمه ییر و یا زیر:

○ دئییلرگی شیرین بیر آچی درمان و شرب ائله میشدیر مریمی جاندا ن
بوزهر سؤزونه ائتمه اعتبار همتی ایله شیرین ائتمیش و نوخوار

" خسرو و شیرین "

دوغرواندا نظامی شیرینی بو کیمی چرکین و باراماز عمل لردن چوخ اوزاق دیر اونون انسا نه پرورلیگی، قایغی کتلیگی، رحم دیل لیگی او اندازه دیرکی، رقیبسی مریمین اولومو مناسبتی ایله بیر آق قارا گیبی ماسم ساغلامیش، اونا گوزباشی آخیت میمش دیر. تاریخی منبع لرده شیرینی بیزانسلی، آرامی، ارمنی، خورستانلی و ایرانلی قلمه آلانلار وار. نظامی یه گلدیکده شاعر اونو گاه قافقاز گؤزه لی، گاه بردع شاهزاده سی، گاهدا ارمن حکمداری قلمه آلا قق اونون منشا. و ملیتی حقیقته، هانسی معین بیر خالقاً منسوب اولدوغو باره ده آچیق و قطعی فکر سؤیله میسر. آنجا ق اونو داورانیش، عادت هنعنه، اخلاق، کتیم و دیگر اشنیک جهتلری اعتباری - ایله بیر تورک قیزی کیمی جلوه لندیریر. بیر نجه یترده اونون و مهین بانونون

دیلیندهن تورک قیزی اولدوقلارینی ترنم ائدیبر .

شیرین : ◊ غمزه ایله جان آلان تورکمه سهبتله
کنولده آلام اوپوشلریمله
نهین بانو : ◊ اگر او آیدیروما ، بیز آقتا بییق
او کیخسروما ، بیز افراسیابیق
(کلاسیک ادبیاتدا افراسیاب تورک گولو ، کیخسرو ایسه ایران نیلیقی تمشیل ائدیبر .)
شیرین : ◊ قارا گوزلوتورکمه بودام اوسته من آغ هندو آدینی آلمیشا مسندهن
بوکیمی مصراعلارین مایینی ایستدنیلن قدر آرتیرماق اولار . بونودا قید ائدهک
کف نظا می دریند حکمداری اونا گونده رهن قیجا ق قیزی گوزهل آفاقی دامحض یوسایا ق
ترنم و تصویر اتمشدیر .

بیزجه نظا می شیرینی نهین داورانیشیندا بوتون حاتتی سویی فقط بیرجه نقصان
اولموشدور ، اودا ، اونون ایلک دفعه شاپورون سوزو ایله دوروب تک باشینا مایینه
گتمه سیدیبر . تکجه بو مرحله ده شیرینه یاراشما یان معین معنا دا یونگول ببحر حرکت
اوندان باش وئرمیشدیبر . که بونودا اونون گنچلیگی ، تجربه سیزلیگی و شاپورون اوستا -
لیقی و سحرکارلیقی ایله ایضاح ائتمک اولار . بوندان باشقا شیرینین بوتون حرکت -
لری ، گوتوردوگو آدیم لاری اولدوقجا مثبت ، متین و عقلی دیبر .

◊ گوزومدهن قانلی یاش تۆکسه ده حیات اولسام ، اولاجا غامبیر حلال آرواد

دشیمبسی بی می مهین بانونو ایناندران شیرین حقیقتا ده مرد - مردانه اوز -
سوزونه صاحب اولوب ، نهایت خسروون کیمینلی و حلال آروادی اولراق ، اونون سارا اینا
کلین گتمیشدی ، گوزهل یاشا همیشه و شرفلی اولموشدو .
محض بو خصوصیتلری ، بوکسک معنویا تیوگوزهل سحبه لرینه گۆره نظا می نیسین
یارا تدیغی شیرین صورتی اولدوغو کیمی بوگونده ، صا باحدا و حیات دوردوقجا وفا
صداقت و عصمت رمزی اولراق یاشا جا قدیر . بؤبوک نظا می نهین قدرتی و صنعتکارلیق
مهارتی ائله بوندا دیرکی ، ۸۰۰ ایلدهن صونرادا اونون یارا تدیغی مثبت قادین
صورتی یاشا بیر وابدیته قوووشور . اونون مقدس آنا ل و ایدهلری بوگون ده یاشاما -
قدا دیبر . نظا می فکر و آمالی نهین ضیا سی بشر اولادی اوچون هیچواخت سؤنمز و ابدی ایشیق
سالان بپرچراغ دیبر . انصانین حیات یول لارینا ابدی نور ساچان بپر مشعل دیبر .
شیرینین اولوم صحنه سیندهن بپر پارچانی عزیز اوخوجولارا اتحاف ائدیبریک .
ترجمه مرحوم رسول رضانین دیبر (سطری ترجمه سی بیزیم دیبر .)

... ◊ تا بو تو گنبده قویوب بؤبوک لر
اوز - اوزه دوردولار سیرادا ارلر
مؤیدله دا نیشیب صوندا ع وچون
گیردی مقبره نهین ایچینه شیرین
قاپینی با غلادی ، قوی گۆرمه سینلر
یارا نا شدی تابوتا الینده ، خنجر
گۆتوردو اؤرتوگو ، تا پدی یارانسی
اگیلیدی بپر دفعه اؤپدو یارانسی
یارانین یئرینی اؤیره نسن پیری
ویتردهن دوشونه تاختی خنجری

یا تا غی دولدوردوا بیستی آل قانی
 شا هی قوجا قلاسیب دوشدویا تا غیا
 مونرادا نا وجالندی اؤزنا له سینیی
 قو ووشدوتن - تنه ،بئتدیجا ناجان
 خسرومحل سینده یا تان شگره
 آلقیش بواؤلومه ،احسن شیرینده
 محبت یولوندا اؤلوم بودوریاخ!
 تزللمدی شاهدا کهنه یارانسی
 دوش - دوشه دایا ندی،دوداغ حدودا غیا
 جماعت اششیدیبا ونون سینسی
 آرادان یوخ اولدو آیریلیق هجران
 خوش اولسون بو شیرین بوخو بوزکره...
 اؤلدوره ن شیرینده ، اؤلسن شیرینده
 جانانه بئله دیر جانی تا پشیرماق

فرها دصورتسی

نظا می فرها دی کبارنطلمینده ن دگیل ،زحمتکش عاللمده ن گؤنورموشدور . شرق
 کلاسیک ادبیا تیندا معنوی اولان اولجوک (ابکی عاشق بیر معشوقه) مسئله سینسه
 دقت یئتیریب ، اونون هیجا نلاندیریجی تا شیرینده ن استفاده ائدیبا حکمدارا ایله
 زحمتکشی قارشی - قارشیا قویموش ،عشق عالمینده محتشم بیر سلطانلا ساده بییر
 صنعتکاری اؤز - اوزه گتیریب اولدوقجا ماراغلی بیر غدیت یاراتمیش دیر ،شاهلا
 امکجینی یاریشدیرمیشدیر ،هم شیرینین اوره کده ن خسروا وورولوب مفتون اولماسی
 همده فرهادین شیرینه اولان ماف ،آتشین عشقی ،عمور بؤیو بوتمیز عشقینه ،
 سئوگیمینه صادق قالماسی ونها بیت شیرین جانینی دا بونا برابر عشق یولوندا
 قربان وئرمه سی عشق و صداقت عالمی اوجون علوی ،بوکمک و مقدس دیر .

فرهادهم مهندس ،هیگل تراش صنعتکار ،همده شیرینه وورولموش مفتون بییر
 عاشق دیر . شیرینی اؤز شیرین جانیندا ن قات - قات اوستون توتان فرهاد ،ائله
 عشق اسیری اولدوغو گونده ن اؤزونو تما میله اونودور . او بوتون امکان و با جار -
 بیغی ایله چالیشرکی ،شیرینین و مالینا بیتیشین . بو مقصده ن اوترو سزدا شلاری
 کولونگونون ضربه سی ایله توزا چشویریر . داشدان آرخ قازیب ،حوض تیکیر ،محتشم
 بیستون داغینی یاریر ،پارچا لاییر ،قدرتلی و غدار حکمدار خسروون گؤزونون اچینه
 اونون سئوگیلی سینه عشق اعلان ائتمکده ن قورخمور ،چکنمیر . شیرین دن باشقا هئج
 بیرشی حقینده دوشونمور .

بوتون فاجعه بورا سیندا دیرکی ،شیرین فرهادی سئومیر ، اونا یالینیز بییرماهر
 صنعتکار کیمی حرمت و مناسبت بسله بییر . اونو تشویق ائتمکده ن اوترو ،گؤردوگـو
 ایشلری گؤرمک اوجون بیستونا گدیر . بو تشویق فرهادین اراده سینین و قولونون
 قوتینین آرتماسینا سبب اولسا دا ،خسرووندا قیسقا نچلیق و حد حسینی گوجلندیریب
 شک و شبهه سینیی آرتیریر ، کین و غضبینی شدت لندیریر . فرهادی حضورا چا غیثدیریب ،
 اونونلا شخصاً ستوال - جواب ائدیر . فرهاد بو گؤروشه خسرو کیمی محتشم حکمداری
 عاجز ائدیر ، وئردیکی قطعی جوابلاری ایله رقیبینی حیران قیلیر . خسرونها بیت یگانه

چېخیش بولونو اونداندا گورورکي، حيله قوروب فرهادين اولومونه شرايط ياراتمير. نادرديک له رغيبينه غالب گلسمين ويخلدهه اندير. نظامي فرهادي اوقدرتميز ديرکي، شيرينين اونا اولان ميلينی، اونسويب سئومه سيني بيلمدهه ن اونسون خيالي عشقي بولوندا اوز شيرين حانيني قريبان وئيرير.

○ عشقین بول لاريندا اولفرهاد اول

صونرا اولومو نجون سئونيب شادا اول

عموميخله نظامي فرهادي جوخ اراده لي بيرانمان اولسادا، شاعر فرهاديبن مضمونونا، داخلي مالمينه اويقون اونون خارجي گورونوش و گورکميندهه جوخ مناسب، صحتيني جوخ گوزله، قامتيني جوخ موزون، اوزوندهه جوخ گوجلوه، قدرتلي بيو پهلوان کيمي تصويرلاسهه، بوتون بو شجاعت، صداقت، لياقت و صفاسي ايلهه بياناشي، نظامي فرهادي جوخ ياده، هر دئيلينه اينانان، هرکمه اعتبار بيلمهه بيو شخص کيمي ترنما اندير. ياشيدي و مکتب بولداشي اولان شاپور و کفایت قدرتتا نيمه ماسي اونون قوردوغو. حيله لره اوره کدهه اينانماسي، خسرو کيمي رقيب و حريف برابرينهه اونون سئوگي لي سي شيرينه و رولماسي، اوزودهه بيو نوع اونون ساده لوح لوغونسا، حادسه لر بن دوژگون تحليل ائدهه بيلمهه ديگينه آيدن شوت دور. يا خود بيستون داغيني چاپماق و سرت داغلازي يارماق برابرينهه خسرو دان شيريني تمنائتمک اونون بالان وعده سينه اينانماق دوغوروداندا مون درجه ساده ليک طلب ائديسر. ائلههه اويدورما قاراخبري ايشيده رکن اونون يالان - گرچک ليگيني بوخلامدان درحال اوز شيرين جانينا قداشتمک و بوتون بونلار اونون حديندهه ن آرتيق تميز اورهک ليگينه، صميميتينه، هميدهه ساده لوح و قوتنا و تجربه سيز ليگينه آشکار بيوردليل ديسر.

نظامي طرفيندهه فرهاد صورتينين بو طرزده تصوير و ترنما ابديلمهسي جوخ طبيعي طبيعي وقتوندا اويقون دور. چونکي حقيقي امکما حيلري و زحمت ادا ملاري دوغوروداندا حدين دن آرتيق ساده، سميز، صميمي و پاک اورهک لي اولورلار، اوزلري کيمه ني آلداندا سادقلاري کيمي، کيممه طرفيندهه ن آلداناييله جک لرينه اينانمازلار. اودورکي، فرهاد بو زومره نين نمايندهه سي اولاراق بوتون گوزلهه خصوصيتسر و نجيب سجه لره مالک دير. هر دئيلينه اينانير، هرکسين سوزونه و فکرينده حرمت بيلمهه بيو، کيممه يه شبهه لنمير. بو، داهي نظامي نين بويوک لوگودورکي خسرو و جور غدارو فرهادي بوجور سادهه تصوير ائديسر.

ديگر طرفدهه ن نظامي فرهادي اولدوقجا کونلو - گوزو توخ، عزت نفس لي، دونيا - مال دولتينه اعتناسيز بيو انسان دير. او، نه اينکه داشدان آرخ قازديغي آغرامک برابرينهه خسرو دان هئج بمرامک حقي طلب ائتمير. حتى شيرين اوز باهالي سیرقا - لاريني مکافات اولاراق اونا بخش ائندهه بئله، جوهره فرهاد اليب اولاراي شيرينين آياقلارينا نثار ائديسر. يا خود خسرولا مکالمه زمانني، خسرو فرهادي قيزيل - گوموش

ولعل وجواهر ایله اؤز عشقیندهن یا بین دیوماق ایسته ییب، آیا غی آلتینا طابق،
 طابق داش قاش نشارا شنده، آیکیدیرماده اینکه اونلاراهتچ نظرالمیر، عکسینه
 اونلاری توریا ق مانیب، آیا قلابیب اوختلرینده نکتجیر .
 نظا میکتج صحنه گتیریب، شتر میداندا ن چیخاردیغی فرهاد صورتینی ابدی لیش
 دیریر، نظا میدهن صورتا بوموضوعدا محبت داستا نلاری یا زان بوتون صنعتکارلار بویوک
 گنجه استادنین ادب و هنر خرمنیندهن خوشه لر دوشوروب، یا رادیجلیق کولشیندهن
 چیچک لر دریب، عظمتلی ادب میرا شیندا ن بهره لر کؤتورمؤلر . اونون یارا تدیغی
 فرهاد اویرا زینی انکشاف اندیرمیشلر .

تهران - اردیبهشت - ۱۳۷۰



نظا می گنجوی

ترجمه شدهن : رسول رضا

خسرو و شیرینین باشلانغیسی

کؤمک قابی سینی آچ، ای یارادان!
 سنی تانماغا کؤنول وئر اؤنسا
 بیول وئرمه کی، بیسلیک قلبیه دؤلسون
 کؤنلؤمون ائوینی نؤرونلا بزهت!
 داودنک کؤنلومو تزهله هرآن،
 طبعیمین باکیره گلینی آنجاق
 اؤنو اوخویاندا اؤرهک شادلاسن
 جمالی گوزلره دایم نور وئرسین
 دئسینلرکی، شادلیق کتابی بؤدور،
 اؤنونلا معنایه اؤزون قدرت وئر!
 شاهین نظرینده اؤنو اش شیرین
 لطفؤن اؤنو مه تک اوخشاسین هرآن
 فیضینین وئریرکن بؤیوک کردیگار

نظا مینیه کؤستر دؤز بیؤلؤهر آن!
 تعریفینی دیبهن بیردیل وئراونا!
 یا مانلیقدان الیم قوی اؤزاقا ولسون
 سنین تعریفینه دلبلیمی اؤیرهت!
 قالخسین زیورومون شهرتی همان،
 بودؤنیا اؤزونه گل سین اؤزو آغ.
 مشک سیدی بی بیئر خلخ آدلانسین
 آوازی اؤره یه مین سرور وئرسین
 بؤنونلا مشکل لرتئز آسان اؤلسور.
 سعادتیه یئنی گؤزهل زینت وئر!
 شیرین حقیقته دیراؤزو اثرین.
 فیضیندن قطره وئراونا یارادان!
 سن ای گوهرکانی، گتیرنه بیسن وار!

الیفبا میزه کؤچوره ن: ع- م- گرجک

○ نظامی حقینده سوز

۸۵۰ ایلیگینی پلاننت (دو دنیا ایقیا سیندا) قید اشدیگیمیز بویوک آذربایجان شاعری نظامی گنجوی دو دنیا سوز صنعتینین داهی تکلری صیراسینا داخلدیر. ائله داهی تکلری کی، صنعتی صابا حا وابدیته آپاران یولسدا ایندیده بیزدن سگگیز عصر آرخادا یوخ، سگگیز عصر قاباقدا، ایره لیده آدیلاما قدا دوام اشدیرلر. تاریخ، بشریت کشمیشدن اوزا قلاشدیقجا اولارلا یا خینلاشیر.

بدیعی نییتی محتشم، بدیعی ناخیشی - قنیرسوز اولان بفشکا ملاینجینی - " سیرلرخزینده سی" نی / ۱۱۷۷ /، " خسرو و شیرین" نی / ۱۱۸۰ / " لیلی و مجنون" و / ۱۱۸۸ /، " یثدی گؤزهل" ی / ۱۱۹۷ / و " اسکندرنا مه" نی / ۱۲۰۱ / بیر قومدا، چلنگده بیرلشدیره ن "خمسه" بوتونلوکده شرقین انسا نلیغا - ادبیات و تمدن تاریخینه تحفدی کیمی اعتراف و تصدیق اولونوب. سگگیز عصر یاریملیق مدت - بوا عترافین ده تاریخیدیر.

نظامینین "خمسه" سی اوزوندن صونراکی یاخین و اورتا شرق شعرینده ادبی ترقیه تکرارسیز بدیعی تأثیر گؤستریمیشدیر. خسرو دهلوی / هندشاعری ۱۳۲۵ - ۱۲۵۳ /، جامی / ایران شاعری، ۱۴۹۲ - ۱۴۱۴ /، علیشیرنواشی / اوزبک - شاعری، ۱۵۰۱ - ۱۴۱۴ /، محمد فضولی / آذربایجان شاعری، ۱۵۵۶ - ۱۴۹۶ / کیمی نهنگلرده داخل اولماقلا، شرق اورتا عصرلرینین اولارلا شاعری "خمسه" نین بلاواسطه تأثیری آلتیندا اوز "خمسه" سینی، یا خود "خمسه دن بیرپیکی، بیر پوئمانی یاراتمیشدیر.

اوز بدیعی ماهیتی و فلسفی روحو ایله دیریلیک، انتباه طبیعتلی نظامی دوهاسی شرقده هومانیزم حرکاتینین بئشگی باشیندا دورموش، بشرین ذکا و صنعت طالعینده، "من" و شخصیت، اخلاقی دهیر و معنوی ثروت آختا - ریشلاییندا سرحد و زیروه مقامی اولموشدور. بیرده محض نظامین و "خمسه" نین گوردوبوایشین، اوینا دینی رولون عکس صداسی و نتیجه سیدیرکی، بو اخلاقی معیارلار بوتونلوکده شرقده نظامین صونراکی پوئتیا (شعر) نین فلسفی فکرین بنؤوره و تمل دالارینا هوموشدور.

نظامی گنجوی نین بدیعی - فلسفی باخیشلاری شرق انتباه متفکر لرینین
فارابی نین، بیرونی نین، منصور حلاجین، ابن سینا نین، ابن رشدین دونیا گؤزوشو
و اخلاق تعلیمی ایله بلاواسیطه سلسله شیر.

اشکار تیپولوژی (نوع و نشانہ شناسی) هما هنگلیک نظامی ایله قدیمی
اٹلادانین، (ایلیاد) همچنین، آروپا انتباهی دوا لاری نین علمی و بدیعی
دۆشونجه سی آراسیندا دا واردیر. اؤزوا ایله کئچمیش و گله جک آراسیندا بئلسه
هارمونی یا یا شاعر اؤز دؤورونو قاقا قلاما قلا نائل اولایلمیشدیر.

نئچه عصر صونرادان غریده آروپا انتباهی نین دوام وانکشاف
اٹتمه گی هوما نیست جمعیت و عدالتی حؤکمدار / شاه ایدتیا سی نظامی بؤتون خیا تی
ویا رادیجیلیفی بؤیو مشغول اٹتمیش دیر. اگر دئسک کی، حتی با بیرونون دا
ولکان یؤسکوره ن روحوندا ن ونفسیندن آروپا یا بیلان لعنت و فریا دین غضب
و اؤد یا غمورونون کؤروبو باشیندا انسانین و دونیا نیس معنوی ناقص لیگی
علیهینه فلسفی عصیان - مجنون هارایی و اعتراضی دؤرور، سهو اٹله مهربک .
بیزیم دؤرده خصوصیه اکتؤال و معاصر سلسله نین بیر تعلیم - انسانلا / طبیعتین
بیر پارچاسی ایله ؛ / طبیعت آراسیندا کی وحدت و بؤلونمزلیک حاققیندا
کؤنسئپ سیا دا (عقیده) / "سیرلرخزینه سی". دونیا یا "خمسه" دن اعلان اولونمو -
شدور .

بو هارمونیا یا قارشی چئوریلن ، دونیا نین انسان - طبیعت سهما نینین
ونظامی بؤزدوغو اوچون عمومی ائکؤلوژی (بوم شناسی) کما دلیفا گتیریب
چیخاران هر هانسی قصد اؤزو ایله مطلق فطری - پائولوژی (مرضی) و سوسال -
اخلاقی کما دلیق دا گتیریب - گلیر، اؤدورکی ، دؤشونن بیر وارلیق کیمی
دونیا دا انسانین نصیبی و وظیفه سی وارلیغین بؤزولان سهما نینین ونظامی نا
قارشی مقامتی گؤجلندیرمکدن عبارتدیر. اؤزوده بؤسه مان اؤزما ن محوردن
چیخارکی ، ائکؤلوژی یا (بوم شناسی) و طرازلیق اولجه بیغمیرین دونیا یا
گتیردیگی اعتقادین مافلغینا بوللورلوغونا صداقتده بؤزولور بؤتون "خمسه"
بؤیو نظامی محض گؤیلمده کی، طبیعتده کی کائنا تداکی ازه لی ، ابدی آهنگی
جمعیتده آختاریر، دینی - معنوی - اخلاقی هارمونیا دا کی ثابت لیگی -
عاشیقله - معشوق ، روحلا ، جسم ، کل ایله ذره ، دینله - دین ، صینیفله -
صینیف ، ملتله ملت ، فردله - فرد آراسیندا بؤزولما سینا قارشی چیخار .
عین بیر همانیزم / انتباه ؛ / معباری ایله ، عین بیهرمانیست
متفکر رغبتی و احترامی ایله شاعران مختلف صینیف لرین ، پئشه لرین ،
خلقلرین و قطعه لرین نماینده لرینی / یونان ، هند ، چینلی ، تورک ، روس ، عربی
فارس ، کورد ، یهودی و س . / قلمه آلیر . هرکسه قیمت و تحلیل و ثرنده عرقی

منشاء دن اجتماعی منسوبیتدن یون، فردی اخلاقدان، معنوی لیاقتدن چیخیش ائدیر. بۆتون "خمسه" ده جغرافیا مکانجا دگیشسه ده، حادثه لرچوخ تئزئتئشز میدیادان روما، رومدان چینه، چیندن اورتا آسیا یا وس. کوچ ائتسه ده بدیعی - فلسفی اخلاقی سوؤئت همیشه عین قطعه ده جریان ائدیر. انتباه سلطنتینده |

همچنین، عامرانه - برؤکرات، وولقار سوسیال وانضباطی اییه - رارخییا، سلسله مراتب (آشاغی رتبه لرین یوخاری رتبه لره تابع اولما قایدا - سی) دا نظامی یه یا ددیر: شاه و خدمتچی فیلسوف و کینچی، شاعروباغبان، عالیم و اصناف، داش یونان، صو داشییان، چوبان، کرپیچ کسن، جاریه ... - "خمسه" نین "غیرصینفی"، او طوبیک (خیال پرستلیک) ستیخیا (شعر ونظم) - سیندا اولنار ها میسی عین حقوقدا، دینج - یا ناشی یا شاییرلار.

شرق بدیعی فیکری تاریخینده محض انتباه طبیعتلی و طراوتلی ایلیک کامل قادینی/ اولنارین بوتوو بیر سلسیله سیننی/ ده نظامی یا رادیر. سوزون وولقار (عوامانه) حرفی معنا سیندا اورتا عصر طولو (تورپرده) و "اطلاع" بوخوووریا کاللیق لیلی نین و مهین باننون، شیرین نین و نوشا به نین روحوندا و غروروندا. یوخدور. سربست داخلی ستیخیا، مستقل دوشونجه و قرار، نجات و بوللورلوق - بۆتون "خمسه" ده قادینین اساس شروتی بولنلر دیر |

گرچک لیله گلهجه یه استقامت لنمیش انتباه باخیشی نین ده ییش - مقیاسی و سرحدلری "خمسه" ده خالص فلسفه، پرولتئم، (مسئله) فیکیر حدودلارینی ائدنیا نین "اراضی سیننی" آشیب کئچیر، اوسته لیک بلاواسیظه "بدیعی جبهه خانا - یا"، بوئتیکا دا، (شعردن) آنالیتیک پسیخولوژی (روانشناسی تحلیلی) تحلیلین اصول و واسیظه لرینده برقرار اولور، حیثه ده داخلی تضادی و دیا - لکتیکانی، شخصیتین ضدیت لرینی، محبت و بوج، غرور و اطاعت آراسیندا "صلحو و محاربه نی" نظامی یالینیز آغ - قارا، ایشیق کولگه سخمی (طرح) ایله یوخ، بۆتون رنگلر چئشیدی و قوزئحی ؟ ایله کتابا آلما قاچهد ائدیر.

نهایت، نظامی تاریخی بوئتیکا نین، (شعر) شرقده بدیعی ژانر، (نوع) فورما و شکل لرین تاریخینه بویوک نئوا تور (ینیچی) و املاحا تچی شاعر کیمی داخل اولور. کلاسیک لریکانین، خصوما "غزل، قصیده، رباعی ژانری نی - انکشافیندا بوتوو بیر سلسیله یئنی لیکلرین ایلیک منظوم رومان ائپوپئیا - نین (حماسه) / " اسکندرنامه " نین/ مؤلفی کیمی محض نظامی اعتراف و قبول ائدیلیر.

بوتون مرکب لیگی ، اوبرازلی (صورت لی، شکبیلی) غلیظ لیک افراط - لاری ایله بیرلیکده تام حالدا نظامی اُسلوبو نفیس و ظریف دیر ، فیکرین قاتنی، تارثما چکیلمیش ، آفوربستسک و (قمار ، موجز کلام) جوهرلی افاده سینه ائموسیونال (هیجانلی) و فلسفی بوکلو فردی ادایا مثل لیدیر. عصرلین قاتنی و مقامتی بو بوغزیا نین همیشه معا صرلیگه گؤستر دیگی بدیعی ائمو - سیونال کسر قارشسیندا گوجسوز و تاشیرسیز قالمش دیر. اوزوده ۲۰نجی عصرده شاعر تک بوخ ، بووک شرق داهی لری نین احاطه سینده داخل اولموش دور: فردوسی نین و جافظین ، سعدی نین، عمر خیامین ... بو ابدی کهکشاندا نظامی اولدوزو تکرارسیز معنوی ایشیقلالعه له نیر....

شبهه سیز ، نظامی نین دونیا دا گئئیش قید اولونا سکگیز بو زالی ایلییی بیزیم دؤورده ده خلقلرین و مدنیت لرین یاخینلاشما سینا ، ازه لی ابدی بیر انتخابه و هوما نیزم ایده آل لاری نین نابت لشمه سینه گؤمک انده - جک دیر . چوتکی نظامی نین هله سکگیز عصر اول اوجا دان جار جک دیگی ایده آل لار بیزیم بوگونکو آمال لارا دایا خین وقوه و مدور: طبیعتله ، ابدیتله ، بشریتله بیرلیک و وحدت آختار بیللاری نظامی و ۲۰نجی عصری بیر - بیرینه محرم ائتمیش دیر....

نظامی تفکرونون و شخصیتی نین مقیاسی و حدود لاری اوزونون بوتون رنگین لیگی ایله یالینیز او زمان میدانا جیخار و تام جمده گورونرکی، سوفت نومئن (خارق العاده) لیک بوتون تاریخی / کئچمیش، معا صرلیک / و بوتون بشر اسلام و خریستیا نلیق مقیاسیندا اونا صالینان نظرین ایشیغیندا بدیعی ترقی نین شرق و دوینا کؤنتئکس تینده ، (مناسبت ، با غلیلیق - علاقهلر) نظردن کئچیریل سین و تحلیل اولونسون ، لکن بو هئجده اونا مانع اولموزکی، نظامی بیز بیرینجی نوبه ده خالص اسلام، خالص شرق ایران و آذربایجان حادسه سی کیمی بحث انده ک. اوندان هر شتیدن اول آذری و فارس مشترک ادبی فلسفی عنعنه سی نین محصولو و افاده سی کیمی دانیشاق.

بوگون آذربایجاندا ملی نظامی شناسلیق - نظامی مدن همد ملی حادسه کیمی بحث اندیر . اوزوده او ، اوسته لیک بووک شاعر دن - یالینیز دونسن و اجداد کیمی بوخ ، یالینیز معنویت و مدنیت کئچمیشیمیزین بووک حقیقتی و سندی کیمی بوخ ، هم ده صایح و گله جک کیمی دانیشما غا یا سلامیش دیر. بیز آخی یالینیز نظامی اوخوجوسو و تدقیقا تجیسی دئیلیک ، همده نظامی خلقسی و نظامی بیک اچوخ عصرلی و دونیا شهرتلی پوئزیا میز وئنشرا

(گۆزەل لیک الاهیسی) کیمی افسانەدن - دنیز کۆپویوندن یارانما ییب، نظامی ارشی اۆزەریندە، نظامی یارانیب، محدود رتگییونال (نا حیەای) و ملی - محلی حدودلاردا یوخ، دونیا، ابدیت و بشر کۆنتکستیندە (زمینە، قریبە سیندە) گۆرونندە / یالنیزبوزا - مان ! / :

نظامی بۆتون بۆهوکلیویو و زنگین لیگی ایله گۆرونور. نظامی نین - شرق و دونیا مدنیتی ایله علاقه لری آنتیک یونان مدنیتی ایله انتبام آوروپا سی راسید کی معلوم علاقه لرین عنعنە وی سخمینە (طرح) و قالبینه سیغمیر. "خمسه" اۆزەریندگی صون تدقیق لر میکثل آنجلونون و لشیوناردو - دا وینچینین رناسنس منشا یندن، رناسنسین ایسه ... واحدبیر نظامی منشا - یندن دانیشما غا بیزه حق وثریر. "لیلی ومجنون" ون روس دیلبنە صون ترجمەچی سی آ. و. ستاروستینین دیلی ایله دئسک "نظامی ائله شخصیتدیرکی، رناسنس اۆزو نظامی ارییه بیلیر".

اسکترین آختار دینی "دیریلیک صویو" صونرالار هاملتین وفا اوستون - دا آختار دینی ابدی ایده آل ومعنوی گۆزەللیک آختاریشلاری نین اولی، ایلکین بدیعی فلسفی افادەسی ورمزی ایدی. یا خود؛ پرومئتهی هله عقلین فاجەسی حاقیندا افسانە دئسک دئیل و اونون اساسیندا هله انسانین اۆز طالعی و عملی بارەدە تراکیک (عملی - فاجەلی) فلسفی حقیقت دورمور. خالبوکسی بۆتون صونراکی، "عایلان بلالار" اۆز اولسنی مجنوندان آلیرلار؛ اۆزو، ایشیغا، حئوریلن مجنون آللهدان اؤد اؤغورلایان آنتیک پرومئتئیدن چوخ بو اؤد دا یاندیریلان انسانا، انتباه قهرمانینا - بۇرنویا بنزه بیلیر. نظامی دوها سی بعضا "رنانس قهرمانلارینین دا قاباقلاییر: "سکندر - نامە" دەکی اۆتۆپیک (ایده آل، خیالی) طوماس مورون کامپا نئللانین یاراتد - یفی ایده آل جمعیتدن داها دشموکراتیک دیر. بۇرادا قوللار و صینیفلر یوخدور. غرب همانست لری هر جور معنوی، دینی و میستیک بۇخوو دان بیرینجی نۆبەدە رقال - پراکتیک معیشتی دونیوی دویغولاری، نظامی ایسه روحسو، اۆرەیی و معنوییات عالمینی آزاد ائتمەیه چاغیریر. نظامی ائپوخا (دوره، عصر) ویول آیریجیندا دایانان دانته لباسلی بیر مسافر دئیل، اونسون ایده آل لاری و "اورتا عصرلرین" صونو، نه ده "یئنی دؤره" کئچیدی باشلا - یان دؤنوشون افادەسی دئسک دئیلدی. بۇرادا داهی نین اۆز دؤورونه، اۆز عصرینە صالیدی نظرن یئنی لیگیندن و اوجا لیغیندان دانیشما ق اولار.

بۆتون اوزون سۆره كلى اورتا عصرلر بۇيو انتباه ايشيغىنى شرقده-
 آذربايجاندا سۇنمهيه قۇيمايان داھيلر آراسيندا ايشيق، ائستافئتى (قامد
 سوار ، چا پار) نين شرقده كى غاصله سيزليگىنى / نظا ميدن تا نسيمي-ه
 فضولى يه قدهر | / تا ميين ائدهن عنعنهنين سحرى ومعجزهسى ده نظا ميين محض
 ابديته وما باحا تۇشلانان نظرى نين اوجاليغيندا ايدى . بۆتون بۇنلار نظا مى
 ايله آنتيك (قديم) و رنسانس مدنيت لرى آراسيندا مناسبت لرى يئنى شكىلد-
 ه - بئشيك - ائولاد و وارث - ارث علاقه لرى شكلينده قۇيماق اوچون معاصر
 تدقيقا تچى با اساس وئريير . دونيا رنسانس مدنيتى نين دوغۇلوشوندا شـرق
 مدنيتى نين بانى و آنا رۇلوندان دانيشماغا بيزه اساس وئريير .
 تدقيقات گئندىكجه داها چۇخ تصديق ائديركى، "خمسه" نين نۇواتور-
 (يئنى چى) لۇغو اۇنون اورتا عصر وارى بىر چرچيوه نين سرحدديدن اوزا قلىغى
 دىر . بۇ ليрикادا يئنى دۇورو ، انتباهى خىر وئره ن جهتلر شاعرى واحد
 فارس بديعى شعر دىلى اسلوبو ايله بىرلشديرمكله ياناشى همده اۇنوفارس
 دىللى عنعنه رنگى اۇنۇندان (ناحيه ، منطقه) آبيران- نظا ميده بلاواسيطه
 آذربايجانى خىر وئره ن و افاده ائدهن تفسيلا تين سىستى اۇندان كانكرئته
 (واقعى و معين) مخصوص بىر مىلى - تاريخى حادشه كيمي داها گئنىش بحث
 ائتمهيه ده اساس وئريير . اۇزوده بۇ تفسيلا تين سىستى شاعرىن هم خاسى،
 بديعى همده ايسته تيك فلسفى تفكرۇنون دينا ميكا سيندا ، حرکتينده بوئۇو-
 لوگ تشكيل ائديير ، بئله بىر قنا عته گلهميه دۇغرودان دا اساس وئريركى
 ، نظا ميين سوسيال اۇتۇپييا سى (مدينه فاضله) بلاواسيطه نظا ميين يئتيره ن
 خلقين اۇز سوسيال دئموكراتيك عنعنه لرى ايله شرط لم نيب و نظا ميه قدركى
 بديعى عنعنه ان ياخشى حالدا ايدىه آل مۇنا رخييا (شاهلىق حكومتى) زيروه -
 سيندن يۇكسه كه قالخا بيلمه ييب .

تصادفى دئيلكى ، صون واقتلار "خمسه" يه همده آذربايجان نين تاريخىنى
 اجتماعى انستيو تلار ينى، اۇنون اقتصاديات و مدنيتىنى بيزه اۇيره دن تاريخى
 - ادبى سند و مأخذ كيمي مراجعت اۇلۇنور .

اۇز سوسيال سىياسى گۇرۇشلرى نين هوما نيست (انسانگرا) ها هيتى ايله
 عقلى - اخلاقى - سوسيال تكامل ايدىه آللى ايله نظا مى بۇگون ده بيزيم بۇيوك
 معاصر يمىز اۇلاراق قالير . ۲۰ نجى عصرين ده ايدىه اولوزى دۇيوشلرى بنده ، معا-
 صر هومانىزم و ارتجاع مباحثه لرى بنده ان ياخيندان اشتراك ائديير .

نظا ميين كلايك پۇئتيك فلسفه سىنى فئوداليزمىن حاكيم ائده اولوزى
 سلامى اۇلان دوگماتيك تعليم و دۇقتورينا لار ين سرحدلرى داخلىنده آراسماق

اۇزۇن دۇغۇرولتۇمور . ھەمىن دۇرۇن پۇشتىك فلسفەسىنى ۋە فلسفى تەلىملىرىنى مۇمىنجا غەيىلشەدىرىمك اۇلماز ، نىظامى صۇفىزىمدىن ، نىسىمى حروفى لىكىدىن كىشىنىش ۋە دىرىندىر . تىكجە نىظامى ۋە نىسىمى بۇخ ، غەمىمىتلە ، بىزىم بۇتون بۇيوك كلا . سىكلر شابلون ۋە ستر اۇتتەپە *СТЕПЕНОТНПЕ* (كىلىشەلشىمىش ، شابتلشىمىش) " اۇرتا عصرلر " ادىلانان زامانا ۋە جھانا صىغما مىشلار اىلمى دونيا گۇرۇشونە بىلىگە ، مۇبىلىن سىقولاستىكا (اۇرتا عصرمكتىبى) ۋە احكام چرچىۋەسىنىسى داغىتماسى اۇرتا عصرلر پۇتۇزىيا مىزىن اساس پافوسو ۋە قانونا اۇيغۇنلۇق . غو سۇبە سىندە ھەمىشە قۇرۇنۇشودور .

غەربىي آوروپا ادبىياتى - بورژوا " يىشنى دۇرۇنونون " انتباھى ۋە معارضچىلىقى اىلە ، شرق ايسە اۇرتا عصرلرىن ھوما نىزىمى اىلە قوتلىسى گۇرۇنۇشودور . ۋەحد دونيا ادبى پىرۇسسى (جىيانى) نىن اۇربىتتىنى (مىپىرو مدار) اۇنون وسعت ۋە بۇكسكىك اۇلچولرىنى شرقىن معىن اىتدىكى عصرشوقدە محض " اۇرتا عصر " اۇلمۇشودور . دونيا ادبى پىرۇسسى نىن انكشافى تارىخ - بىندە آنتىك مدنەتتە انتباھ آوروپاسى آراسىندا آرا زىروھ كىمى اۇرتا - عصرلرىن شرق ھما نىزىمى دۇرۇموشودور .

تارىخ بۇيو محض عقلى ، ذكائى تەمىش ائدەنلر - قەدىم شرق ۋە غرب مەفكەرلىرى - آرىستوتىل ، (ارسطو) ، سقراط ، افلاطون ، ھۇرمز " سىكندىرنا مە " نىن قەرمانلار اۇلمۇشلار .

كلاسىك پۇتۇزىيا مىزىن حقىقى قەرمانى اۇلان لىرىك عاشىق صورتىنىسىن ھەمچىن ، ھر اىكى " لىلى ۋە مچنون " ۋە مۇلفلرى حىياتى ۋە گىئوچكىلىقى فانىلىك لىك ۋە ھىچ لىك عاشىقى كىمى بۇخ ، گۇزەللىك ۋە " من " عاشىقى كىمى ترنىم اىتمىشلر . نىظامى / ۋە بۇتون خىلقلرى ۋە اىنكى مىستىكىدىر ، بلكە عكسىنە ، ھرگۇن ، ھەسابت مىستىكا دۇغۇران ، شاعرى دە ، عاشىقى دە مىستىك / قىسى مچنون ! / چىۋىرەن بىر جمعەتتە قارشى دىر . مچنونلوق - معنوى مكملىگىن يالىنغىر غەير مكملى ، غەير ھوما نىست بىر محىطە مخصوص علامتى دىر ۋە ھىمىن جمعەتتە معنوى عصيانى ، اعتراضى افادە ائدىر . مچنون لۇغۇنظامى / ۋە فضولى بىر تەلىم كىمى تەبلىغ اىتمىر ، بلكە اجتماعى بىر فاجەدە كىمى فلسفى ۋە

اخلاقى دۇشۇنچە نىن فىلوسوف ۋە مەنەتكار ناراخا تلىغى نىن پىرئەمتىنە ۋە چىۋىرىر . مچنونلاشما / ائدەجەدە ھاملىتلىشمە دۇنكىشوتلاشما / انتباھ ھوما - نىستلرى نىن بشرىتە تەۋسىە اىتدىكلرى خلاصى ۋە جىخىش بۇلو دىمك دىلىدى بۇ " خلاصى ۋە جىخىش بۇلو " آختارىشلار بىندا ان بحرانلى ، تەۋادلى ۋە ناراحت

مقاملار مخصوصی مرحلہ لرا ایدی . بیرپرؤسٹس (جریان) کیمی "مجنون لاشما دا" دؤورون حیات و اخلاق نؤرما لارینین شخصیتہ گؤستردیگی تاشیرین نشبجه لری "جیسیملہ نیر" وعیانی اجتماعی اتها ما چئوریلیر . "مجنون لوق" محدود اخلاقی و پیسخولوژی (روانشناس) معنا دا یوخ ، محض سؤسیال بیراؤوقات کیمی کؤنکرئت رثال اجتماعی - تاریخی گرچک لیگین / نظامیده وفضولیده دؤورانین ، گردونون فلکین/ آزادخواه فیکری ، دوشونجه نی محکوم اشتدیگی قا چیلماز طالع دیر .

غربی آوروپا اؤرتا عصرلرینین بدیعی ادبیاتی اوچون سجه وی اولان قهرمان تپه لریندن بیرینین شخصیتی هر جور انکشاف و مرکب لیکن محروم ، یک رنگ ویکباره بیر وارلیغا ، "هندسی نقطه یه ، کؤهنه دئمؤکریت فیزیکاسی-نین برک آتؤمونا" / "آ. آ. سیمیرنوف / بنزه دیلیر . شرق اؤرتا عصرلرینین خصوصاً شرق انتباه لیری کاسینین قهرمانی ایله پارچالانما یان "برک آتؤم" آراسیندا هر هانسی آسؤسی آسیا (اشتراک) ایسه ، چتینکی ، ممکن اولسون . عکسینه اضطراب و مدبریکلیگین وحدتیندن یارانان مرکب لیک ده شرقا ورتسا عصرلرینی آوروپا انتباهی ایله یاخینلاشدیران علامت لرین صیراسینا داخل دیر: انسا تلغین یا شادیغی " بشری کدهر" یین با یرونا قدهرکی ان بؤیوک تظا هری فضولی دگیلمی؟

انتباه تفکری اصولونون غلبه لرینه بیز شکسپیردن اول نظامیده را-ست کلیریک . " اکینجی لیک شاهلیقدان دا یاخشدیر ا" ایدئیا سینی "فانوست" دان قبا بق " اسکندرنامه" ده آؤخویوروق . ان پؤشتیک و هوما نیست اؤتوپیا (مدینه فاضله) یله ، ساده ، ناموسلو ، زحمت کش آداملارین برابرلیک جمعیتی ایله طوماس مۇردان . کامپانلادان داها اول "خمسه" ده تانیسش اولوروق .

انتباه دنیا گؤروشونون بوتؤو بیر بدیعی تعلیمینی نظامیده آدیجیل ایزله مک اولار : خلقی لیگی ودونیوی لیگی ، هما نیزمی وعقله خورمتی بؤیوک حرفلی انسان آختاریشینی (بوتون "خمسه" ده اصل بیر امک کولتؤ- (پرستش) و امکچی انسا نا آلقیش ترانه سی وار . اسکندر بهراما و سلیمانا عا غیل و عبرت درسینده بؤرادا اکینجی و چوبان ، مدبریک قوجا وکنیز قیزلار وشریولر ا .

سونرا در ان دا هی هوما نیست لری دؤشوندورموش معنوی مطلب لر نظا - مینیده دؤشوندوروب : شخصیتین ضدیت لری ، اجتماعی عدالت پرولئمی ،

دؤولت قۇرۇلوشو، تراکیک (خزپین) سئوگی، فردی اخلاقی جوا بدھلیک انسانین هم شخصی، همده اجتماعی ساداتی نین صورا غیندا شاعر بیزه ایده آل شاه صورت لری، حتی ایده آل شاهسیز، قۇللارسیز و قۇلدارلارسیز ایده آل جمعیت قۇرۇلوشو تصویر اندیر شاه حضورنا کفن گئیب گلن قوجا نین، سلطان سنجرى اتهام ائدهن قارىنین "یئددی گۆزهل" دهکی یئددی محبوسون شکا یتى شاه ظولمو۔ نندن ممنون قالان ابکی با یقۇشون صحبت لری۔ شاعرین صنعتکار و متفکر تلاشی۔ ایله فاشا ئتدگی بۇتون بۇ اجتماعی حقسیزلیک فاکتورلارینین اساسیندا چوخ آیدین بیر دونیا گۇرۇشو، پۇنتیک فلسفی بیر تعلیم دایا نمیشدیر.

کلاسیک شرق پۇنژیاسینین (شری) چوخ مهم و داواملی عنعنه سینلی شرطلندیره ن بویونزیا یا مخصوص تکرارسیز بیر اخلاق ایده آلی انسان تعلیم۔ یدیر. بۇ اخلاقی و تعلیمی اۇزونده سجه لندیره ن کلاسیک پۇنتیک قهرمان / عنعنه وی لیریک و تراژیک عاشیق / هم اۇز دۇیغو و دۇشونجه لر عالمینه همده سوؤنئده، مناقشه ده اۇینا دیغی رۇلا و بۇتۇنلۇکده بدیعی۔ استتیک ستروکتور (ساختمان، بنا) دا تۇتدوغو مۇوقئعه گۇره خالص روما نتییک مضمونلو اۇبراز و خالص روما نتییک طبیعتلی انسان دیر. همین پۇنژیاسین دیگر پۇنتیکا و پروبلما تیكا خصوصیت لری ده بدیعی اسلوب و ژانرلار سیستمینین محض رۇما نتییک تیپینه عا ئد خصوصیت لردیر. داخلى۔ معنوی عالمه "جهان دان گئنیش" وجهان دان عالی "من" ه /، غیر کانکرئت، غیر ائمپیریک (غیر تجربی) حکمت و معنالارا، ازلی وابدی حقیقته، اوتوپیا، (خیالی) آروز و خیال عنصرونه مارق، ایده آل گۆزه للیک، علویت و هارمۇنیا (هما هنگ) آختاریشلاری، همچنین، بو مارق و آختاریشلارا مخصوص کوسمیک (جهانلی) گئنیشلیک، ثابت بشری لیک وابدی لیک حدودلاری، تند، هیپریولیک (مبالغه لی) اکسپرنسیو (افاده آئدن) رنگلر۔ هامیسی بیزیم کلاسیک بشری بیرینجی نوبه ده ایسه نظامی پۇنژیاسینی محض روما نتییک صنعت کیمی خارا کتیریزه ائتمه۔ که اساس وئریر.

شرق بدیعی تفکرونون قدیم و محتشم کیچمیشینی محض روما نتییکا افاده و نمذیل ائتمیشدیر. بورادا حقیقته صداقت چوخ و اوقت گۆزه للیگه، علویته صداقت کیمی تعلیم ائدلمیشدیر. بو روما نتییکانین اساس اۇبراز (صورت) و ایده آلار عالمی گۆزه للیک و قهرمانلیق مضمونو داشیمیشدیر.

نظامی داھی بیر متفکر اوتوپیت (خیالیرداز) ایدی، خاقا نسبی حبسه یازدیغی مشهور حبسهده اوزاق کئچمیشین، حتی ایلکین خریستیانلی-قین دشموکراتیا و برابرلیک ایده آلارینی منسوب اولدوغو دینه خاطرلتماغا تشبث ائتمیشدی. نسیمی حروفی لیگین یورولماز مجاهدی ایدی رحیا تینسی آله سویه سینه قالخان انسان حقینده دینه قوربان وئرمیشدی. شبهه سیز، اوتلارین یارادیجیلیغی عومور صرف ائتدیکلری فلسفی آختاریشلارین اوبیتک-تیبو (واقعی) معناسی اودوورونان کسکین، رادیکال مخالف تیندان داها درین ومعنالی ایدی. همین مخالف تلی "اصلاحاتلارین" اوزونون نئجه تشیز احکام لاشدیغینی خاطرلماق، نظامینین ونظامی خلف لرینین فلسفه و علمسه بیرلهدن ایلچسیز بو خووسوز "دینی نین" دوغمان اوجالیغی بیرداها آیدین اولار. بو نهنگلردن هر بیرری محض روحون ومعنوی عالمین تحلیلی میدا نیندا بیوک ذکا، بیوک دوغوش پیغمبری ایدی. آما اوتلارین دامعنوی هنری حتی اوز زیروه مقالاریندا دا اورتا عصرلردن کنار، زاماندا نیوکسکده بیر و شروت آختاریشلاریندا بئله بیئنهده یاشادیقلاری دوورون، محیطین مؤجرونو اوزونده داشی بیردی.

خریستیان لیقدان فرقلی اولراق، اسلامدا "کلیسا" یوخدور، همحنین-کلیسا ایثارخییاسی، روحانیلارین "لاهه سحرلرین" مقدس لیگی آنلاشی-یوخدور. لاکن عوضینده اسلام عمومیتله دینی و دولتی بیر-بیریندن آیر-میر، روحانی عادت و مراسمی گونده لیک حیادتدان، امپریک معیشتدن کنار توتمورائله اونا گوره ده شرق / اوجوله دن آذربایجان / هوما نیست لری انساننی محض فانا تیک لهشن میستیک افراط لارین اوزو ایله گتیردیگی مادی، جسمانی بوغوللاردا ن خلاصی ائتمه یی قارش ی وظیفه کیمی قویوردو، آوروپالی آزاد خواه لاردا ن لوتئر، کالوین، یا خود اوش هنری دن فرق لی اولراق بو مقصد اوچون اوتلار دیندن اوز دؤنده رمیردی لر، اوتدا اصلاحات آیارما ق ایسته-میردی لر. بوخ، بلکه احکامدان، اولو احکام و دوگمالار زنجیریندن علمی جریده، نظری تعلیم، فلسفی دؤقتورینا یاراتماق ایسته بیردی لر. بوخط وارلیغین معنوی محوری کیمی اللها اینامی قورخو و شبهه قارش ییندا قویموردو. نظامی اوچونده، بوتونلوکده اورتا عصر کلاسیک شعر ی اوچونده عالی اجتماعی ایده آل محض تانری یا حقیقته تانینان انسان باره ده دوشونجه ایدی | نه قادین، نه ده عمومیتله انسان بو پوئزیا دا احکامین وفانا تیک ایتیکانین معیارینا صیغیشمیر. "من" نه اینکه محدوددور، خیردادیر، فردی

اینتیم (صمیمی) ایده‌آلین اسیری دیر، عکسنه، اؤز معنوی "توتومو" ایله حتی دونیادان، جهانندان بویوک وگئنیشدیر:

منده صیغار ایکی جهان، من بو جهاننا صغمازام، - بوشرق رنسانس معیارینی وپرنسپینی نظامین صونرا نسیمی ده حرارتله اعلان وتبلیغ ائدیردی

عمومیتله شرقده بوتون بویوک رمانتیکلر وهومانستلر افراط کلی (قولوبال) *FAOBA*، حتی کؤسمیک (جهانی) مطلبلر، سواللار قارشیسا قویور وجوابلار ایرهلی سوروردولر. اؤزونون انسانی آروز و امکان باخیمی - ندان عادی محدود "من"یندن چیخان عمومی، کوتلهوی بیر استراوتیب (کلیشه، شکل) کیمی اشمپریک (تجربیی) جسمانی، سوسیال تاریخی، حتی فیزیکی بیولوژی سرحدلردن تمیزلنن قرد نظامده فرهاد/ حاکمیتینسی ایندلا رد ائتدیگی دونیا ایله تک به تک، اؤزبه اؤز انسیت و دیالوگ مقامیندا تصویر ائدیلمیر. بو "من" وارلیغا و معیشته باغلیلینی، عادتستی باخیمیندان داها جوخ فلسفی - رمزی ماهیت کسب ائدیرو اؤزونده محض وارلیغین ابدی سوال لارینا جواب کیمی دهیرلی، اهمیتلی اولان زنگین اینفورماتیب (اطلاعاتی) معلومات جمعه بیر. نظامی و فضولی "لیلی و مجنون" و ندا مجنون اونا گوره محو اولورکی، شوگیسی یولوندا سوسیال معیشت سجهلی انگلره راست گلیر، یوخ، بئله انگل لرین دفعی انسانی/غیرالاهی اراده و امکان دخلینده دیر. او بوتولوکده دونیادا موجود اولان سهمانا و آهنگه قارشى چیخیر و شوگیلیسی ایله نگاه یوخ، آرادینی مطلق حقیقتله معنوی وحدته جان آتیر. قیسین مجنونلوغو الاهی، مقدس سجه داشی بیر بیر فیلسوف شاعر کیمی او یالینیز قبول و پرستیش ائتدیگی ایده آل عشقی مطلق لشدیریر.

بوتونلا برابر، اونو دا قید ائتمک لازیم دیرکی، اورتا عصرین شاعری نین، کلاسیک شرق رمانتیک نین وصف ائتدیگی "الاهی لشمیش"، اشکیتا ز (وجدو جذب) حال گلیب چا تمیش مطلق عشق همین رمانتیک نین دینی. مستیک، او جومله دن صوفی اؤوقا تی نین و آختاریشلاری نین تام عینی، آدشکوات (کافی، منا - سب) افادسی ده دئمک دئییلدیر. بو، شوگیده و معیشته ده سرحد سیزلیگی مطلق لشدیره ن سوسیال معنوی رنگلامشنته، حتی فطری - طبیعی قالیبه مالینما - میش نیی ایسه آختاران بیر آدامین تمامیه طبیعی و دونیوی حسی دیر. آخی صوفیزم اؤزوده معین بیر سختمدیر و حروفیلیک ده "حرف دیر" باخ ائله بونا

گۆرۈدە اورتا عصرلرین شرق پۈتۈزیا سیندا تیه دن دیرناغا سمبولیک سیستم -
 صوفی آلدیقفوریا سی گۆرمک و اؤنودا شاعر حاکم اولموش میستیک ائکستازین
 بدیعی عکسی حساب ائتمک بییزجه ، چوخ ریسکلی و آژمره لی بیری علمی اگلنجه -
 دیر . نه اینکی نظامی ، هاسئله خاقانی ، نسیمی ، حتی فضولی اؤزو محضیوندا ن
 معیشتین/ و معنوییتین ا بیری قناتی نین باشقا قاناتا اؤزه رینده غیری محدود
 انحط ریندان - چوخ اوزاق اولموشدور .

مثلا ، فضولییه و اؤنون رهبر توتدوغو فلسفی عنعنیه گوره دونیا دا
 ایکی آشکار ، ایکی یاناشی طرف و قات وار : جسمانی و اسده آل ، شاعر ایده آلا
 جان آتیر ، اعمونو ترنم ائدیر ، لاکن یوزمان کانکرئت حسی طرفیه ایده آل
 ومعنوی قات نامنه کؤلگه ده قویمور . اؤنون مشهور "لیلی و مجنون" و محض
 انتباه / نظامی / منشاءلی محبت فلسفه سنی داوام وانکشاف ائتدیریر .
 ایکی قهرمان اؤز معنویاتی ایله ایکی عکس قطبو تمثیل ائدیر : اؤز عشقی
 ایله وصالته سن ، وصال دمی نین یاخین لیغی ایله خوشبخت و مست اولان گۆزهل
 لیلی و ... معنوی معشوقه یه یالینیز خیالدا ، ایده آلدا قوشان مدریک
 مجنون . بوتراکیک (محزون) ایکی لیکه نظر دقتی واقیتیندا هله آکا دئمیک
 محمدجعفر جلب ائتمیشدی : یالینیز رآل ، مادی انسانی محبتی قبول ائده ن
 لیل . نمن و میستیک ، صوفی بول کئچن مجنونون باخشلاری آراسیندا ضدیست
 بوردا آیدین گۆرۆنور (۱) دؤغرودور ، فضولی نین اؤزونو بو مسئله ده لیلی
 طرفینی توتما سی باره ده قطع قناعته گلرکن عالیم بیری قده رتله سیر . مؤلف
 نیتین نین فلسفی مقیاسی ، سورئتین تراکیک محتشم لیلی چوخ جهدن ائله محض
 اؤنونلا شرط له نین کی ، فضولی مجنون لاقید دئیل ، لاکن لیلی نین ده بوتون
 دردلرینی و اضطرابی نی اؤنونلا بؤلوشور . بئله کی ، اصیل عشق "مجنون سئوگی -
 سی" فاجعه دیر ، اؤد توتوب یانما قدیر . باشقا سۆزله دئسک ، حیاتی ، معیشت -
 تی ایشیقدا چیمدیره ن سئوگی نین هیمنی (ماهنی) همده هرا یکی عاشیق اوچون
 وصالین ال چاتما زلیغینا ، غیری - ممکن لویه تراکیک بیری شهادتدیر .
 عشقی و وصالی اونلاردان هر هسی سیرجور باشا دوشو و اؤنا گۆره ده اؤنلاری
 باشقا - باشقا یول لاردا هله چوخ تضادلی ، جتین سفره محکوم لوق گۆزله بیری .
 اؤزوده بئله دراماتیک محبت کؤنئب سیاسی (محبت موضوع لاری) تکجه
 ائپیک بدیعی عنعنه ده و بوتون "لیلی و مجنون" لاردا یوخ ، اؤسته لیک همده
 شرقین زنگین سئوگی لیری کا سیندا اؤز افاده سینا تاییر . معشوقه یه دونیوی
قاپنار ، حسی رغبت بورا دا دا بوتون دونیا نی ، معیشتی دگیشن ، لاکن ردا ائتمه بن
 محمدجعفر ، سئچیلیمیش اثر لری ، ۲ جیلده بیری نچی جیلد ... یا کی ۱۹۸۱ ، ۱۹۸۶

مطلق ، ایده آل سئوگی دو یخوسوندا ن آیریلیقدا دئیلدیر . وضعیتین غربیه - لیگی بیرده اوندادیرکی ، اگر بیر - بیرینه عکس ایکی محبت کونستب سیاسی فضولینین پوئثما سیندا ایکی پرسونا زا اعتبار ائدیلمیشدیه ، غزلرده بوکونستب سیالار بیر یئرده دیر ، عین سیرلیریک قهرماندا ، عینی لیریک مؤلف نطقی - نین داخلینده دیر . بو سئوگی اعترافی قارشیلیقلی تماشای ، عادی معیشت مضمونونو ، رآل نکا هی نظرده توتمور . دئمک اولارکی ، هر بیر فضولی غزلینده ایکی حس ومعنا آخاری کسیشیب ، قوووشور ، او ، هم بیر باشا ، حرفی تفسیره ، همده رمزی شرحه گلیر ومحض بومعنادا پوئثماداکی ایکی قطبو - دونیوی معنوی سئوگی لری غزلرده آرتیق تام وبوتوو حالدا گوروروک . عکس سمت لره مطلق معنوی عنوانا و انسانا یونه لن سئوگی حسی نین هر ایکی آخاری عین سوزده وافاده ده "بیرله شیر" بیر یئره جمع اولور ، بئله کی ، غزله عذاب چکن ، وحدته تشنه اولان معشوقه ده آرتیق الهی ، عالی معنوی جیزگی لر کسب - ائدیر .

بوتون بوتون یالینیز فضولی غزلرینده و اونون نظامی منبعینه یوخ بوتونلوکده اورتا عصرلرین شرق انتباه شعرینه خاص تیپیک رمانتیک تعلمین علامت لره . ایدی . داها دوغروسو ، بئله علامت لرین سلسیله سینده نظامی هم غرب و شرق بدیعی عنعنه سی ایله بیرلشدیره ن ، همده اونو آروپا انتباه - بندان آبیان ، فرقلندیره ن خصوصیت لر اوز افاده سینی تاپمیشدیر .

شعرده و فلسفی دوشونجه ده معلوم غرب اصلاحا تجلی نی ، سربست آزاد - خواه فیکیر دینه ده راسیوه نال (عقلی ، منطقی) سجه وثرمه بی ، اون - عادی لشدیرمه بی و دونیوی لشدیرمه بی نظرده توتوردو ؛ شرق دین اصلاحا تجیلاری ، عکسینه داها جوخ میستیک داها آز دونیوی دین تعلیمینه مثیل ائدیردی لر .

شرق انتباه نین ماهیتی محض دونیا گوروشو و اخلاق سیستمی کیمی اسلامین جمعیت متیاسیندا معنوی ده بیر و وجدانی شروت رولو ایله بلاواسیطه شبرط - لنمیشدی . بئله کی ، آذربایجان اورتا عصرلری نین میستیک - دینی ایده آلی بوخولاری " جسدن ، بطندن قیریبا آتما غین" معلوم غرب مدلیته ، مادی - جسمانی عادی لیگه " وثریلن سربست لیگین و برائتین / م . باختین / رابله وبوکا چی بو عنعنه سینده " صیغیمشما قدان " جوخ اوزاق ایدی . هارین وطوخ معیشت فراوان - لیغینا ، شهوته و سرخوشلوقا تشنه لیگین اوز جیزیغیندا ن جیخماسی ، معنوی عالمی و روح اولدوره ن احترا سا اعتراضین عنعنه وی صوفی سمبول لاری هله هئح ده " فالستاف دونیا دو یومونون " شرق چئشیدی

دئیلدی ، فالستاف عادی " حیات ذوق - صفا سنین " قبولودئمک دیر ، صوفی - زم

ایسه غادی حیاتدان امتنانین ان عالی / آپوکئی / (اووچ نقطهسی) مقامی-
 دیر : ان عالی دهبیرلر نامینه اوزونو محو ائتمهگه وئریلن کونوللو خئیبر
 دوغا دیر. باشقا سۆزله ، جسمانی. ذوق نشئه احتراسینین فالستاف کولتو -
 ماهیتجه تمام مادی وحرفی بئیر ستیخیدا حؤکم فرمادیر کونوللو انتحارین
 صوفی ماهیتی - ایدهآلدا ومعنویا تدا دیر .

شرق هومانیزی انسان گۆزه للیگینی گۆزه للیگین معنوی مضمونوا یله
 انسانین اوزونون الهی لیگی ایله برابرلشدیره ن بوتوو فلسفی سیستملر ،
 پروقرام وتعلیملر شکلینی آلیر . یوخ ،بو " جتماعی گۆزه للیک " آنلاشما
 تمام یاد آختاریشلار دئیلدیر بؤیوک اسکندرین - پیغمبرین وفا تحین تمثا -
 لی ایله نظامینین بیزه تقدیم ائتدیگی سوسال اوئوپیان شاعرین محض
 معنوی گۆزه للیک وکامل اخلاق آختاریشلارینین زیروهسی حساب ائتمک اولار .

نظامیده / ائلهجهده خاقانیده ، نسیمیده ، فضولیده... / سوسال
 موتیولر هئچ ده تصادفی ، اوتهری سجه داشیمیر . لکن اونلاری شیشیرتمک و
 وولگارلاشدیرماق (عادیلشدیرمک) دا دوز اولماز . نه اسکندرین اوئوپیا -
 سی ، نه ده مجنونون عصیان ، یا خود ، نظامین عدالت چرچیسی رؤلونسا
 همیشه " ساده آداملاری " سئجهسی - بوتون بوتنلار هله جمعیتی ، اجتماعسی
 قورولوشو دگیشمهیه جاغیریش دئیلدیر . او دشمکدیرکی ، جمعیت معنا ، اخلاقی
 جهندن تزلنمه لیدیر ، آداملار ، او جۆمله دن شاهلار و حؤکمدارلار ، بو سۆزون
 تام معنا سیندا آدام / انسان / اولمالیدیر . ضعیف و خودبین حاکم ، یا خود
 حربچی و سرت حؤکمدار صؤنرادان مدریکله شیر ، انمانیله شیر وعادل اولور
 نظامینین چوخ سئودگی سوؤئت لردن بئیری بئله دیر : بو ، هاراداسا قیرال -
 (شاه) لیری ، رومنون جولیشتانین آتالارینی ، حتی بئیر قدهر ده قارقانتو -
 آنین " پئنیندن تربیه اولونماسینی " خاطرلادیر . لکن شکسپیردن
 و رابلده دن فرقلی اولاراق نظامینی بوتیپلی متافورما زالاری (مجازو استعا -
 ره) شرط لندیره ن سوسال پربینسپ لردن چوخ ، خالص اخلاقی موتیو مارقلا -
 ندیریر : سادهجه اولاراق انسان عادل وعالیجنا ب اولابیلر اولمالیدیر ...

مقایسه نین جغرافیا سینی وتاریخینی زامان و مکانجا بیر قسده ر
 ده گئنیشلندیرمک ، نظامی عنعنه سی ایله تکجه انتباه آروپاسی آراسیندا یوخ
 ، هم ده داها صونراکی دؤرون غرب باروککوسو ومنیئریزمی
 آراسیندا مارقلی شیئولوژی (نوع شناسی ، رمز و نشانسه)

آنالوقلار (شباھت) ایزلەمک اولار . هر حالدا آشکار نظامی عنعنەسی نیسین،
 خصوصاً "اوتون فضولی شعرینده داها سرت اکسپرئسیو داوامی نین توتاقکی
 قونقورا پوئزیاسی ایله مقایسەسی ایستر کولتورولوژی، (فرهنگ
 شناسی) ایستر سه ده فردی اولوب، طرز، دست خط سبک سینده عمومی مشاهدە-
 لره ماتریال وثریر. بودور، دؤنلوبیس ده قونقورادان حتی لورکانسی
 رفته گتیرمیش بیر نئچه مصراع :

قیز اوقدهر گوزهل کسکی،
 چهره سیندن ایکی گونش
 نوروزی اریده بیلردی، اللری ایسه
 حبشتانی آغا بویا یاردی / سطری ترجمه /

"خالص اندلیس گؤلستانی!" - دئییه لورکا درخال ائسته تیک دیا -
 قنوز (تشخیص) قویور لاکن بئله اووقات واوبرا زلیلیق اورتا عصر لر شرقی-
 نین شعر اولوبونا نه قدهر یاخیندیر هئج اولماسا تکجه حافظین مشهور
 هینئر بولاسینی (مبالغه) خاطر لایق: شاعر شیرازی تورک گؤزه لینی تکجه
 بیر خالینا عین واقئدا هم سمرقندی، همده شیرازی تحویل وثرمه به حاضر -
 لاشیر و روا بته گوره بئله سخاوت کئشلیک حتی تیمور لنگین جدی غضبینه سبب
 اولور. اوبرازلاردا مقیاس و اولچولرین یاخین لیفی احتراصدا و دوشونجه
 اصیل بیر نظامی و فضولی اولچولری اولوب عمومی لیگینه دلالت ائدیرو هر
 حالدا اسپان داماریندا شرق قانی نین دؤور ائتدیگینه شیهه یئری قویمور.
 پوئزیادا نظامین فضولییه قدهرکی محبت آنلاشی نین فلسفه سی /
 اورتا عصر شرق رمانتیزمی نین بدیعی خزینه سینده بو قدهر دقیق و سراسر است
 دوشن آیری آچار ایسه یوخدور / نه اینگی آروپا اینتبا هی نین شوگی تعلیم
 بندن همچنین، ائله شرق، زاقافقازیا، گورجو رنسانسیندا عین پرؤبلئمین -
 (مسلله) قویولوشوندا ن فرقله نیر. البته، روستا وئلی نین "پلنگ دریسسی
 گنیمیش پهلوان" داستانی نیندا دا شوگی حسینه صونا قدهر، فاناتیک (متعصب)
 محکوم لوغون شاهی اولوروق، بورادا دا احتراص اکستاز (جذبہ) زیروه سینده
 قالخیر، گوزیا شیئل و سیمو یئرینه آخیر، نهایت، تاری یئل *ТАРИЈЕА*
 اوزو اومید سیز و تسلا سیز کدهری ایله، کؤنوللو اولاراق جمعیته طبیعتی -
 صحرانی ترجیح ائتمه سی ایله مجنونو یا دا مالیر. لاکن بوتون بونلار لاجرا بر
 بئنه ده حسین پوئتیکی سی، بدیعی "محبت قراما تیکا سی"، "پلنگ لبا سسی"

بها در دا و "لباس سبز" قیسده تمام باشقا - باشقا دیر، روستا و ثلیده تار ی- بیئل لاپ آخیرا قدهر کورتو آژ (مؤدب) سجه سینئی ایتیر میر، بورادا جنگا ور همیشه عاشیقی اوسته له بیر. داها: دوغروسو، تاری بیئل جنگا وردیر وائله جنگا ور اولازاق دا قالیر.

هم "میجنور" و / تاری بیئل / همده مجنونو / قیس / گۆزه للیک و قدسیت سویه سینه قالخان عشقین عین بیر اوْجالینی بیرلشدیریر. لکن "میجنور لیسوق" محیط و شرائط دگیشده ده تاری بیئل اوْچون دگیشمز اجتماعی دا ورا نییش فورماسی اولازاق قالیر. داها دوغروسو، او، همیشه کانکرئت سوسیال مکا ندا فعالیت گۆسته ریر و اوْزو ایله گۆنده لیک حیاتین قایغیلاری آراسیندا تئللری صونا قدهر قیر میر. مجنونلی ایسه حیات لا دا ورا نییشین تمام باشقا بیسر طرزینی و مکا نینی نظرده توتور. داها دوغروسو، او، "قصد" لاپ اولس دن جمعیتدن، سوسیال مناسبتلرین مجراسیندان کناردا قال میشا اولور. اوْنون "دلایلیگی" ساحل سیزدیرو دؤنوم سوزدور، او، آیلما ما ق اوْچون با ییلیر، قا بیتما ما ق اوْچون گئدییر.

البته مجنونون دا جمعیتدن گشتمه سینده بیر عنعنه، تاریخی کؤک و زمین وار و دشمه لی، اوْدا سوسیال جهتدن هانسی سویه ده ایسه شرط له نیب لکن بو غیر - سوسیال، غیر مجهول لوقا، "دلایلیگه"، "هئج بیشره" سمتله نن بیر گئدیشدیر، یالنیز پوْتزییا، یالنیز روما نتیکا "منطیقی" ایله شرط لنمیش دیر، ...

نهایت، معاصر ادبی ونظری فیکیرده صون اوْغور لاریزه اساس وشریر کی، مقیاسلی، قلوبال (کلی) مقایسه لری، تیپولوژی بارا تئللری نظامی ایله نظامییه قدهرکی رشین ادبی عنعنه وی آراسیندا، "خمسه" ایله "خمسه" نسئی بیشتیر میش فارس دیللی پوْتتیک رتگیئون (منطقه) آراسیندا، دا آباراق - "خمسه" ده افاده سینئی تاپان و نؤواتور (ینی چی) روح، اولسوب و پوْتتیکا (شعر)

طراوتی بارهده تصوردرینلشدیکجه ،بوتونبوتونلارین اولکی، آورتا عمرواری " قالیب و شورما تیودن (قاعده ، قانون) نهقدهر اوزاق اولدوغو، شرق ودونیا شعرى نین انکشافیندا یئنی دؤورو ویئنی پؤنتیکا نئجه خبر وئردیگی آشکار اولدوقجا نظامی شعرى نین نظامییه قدهرکی شرق پؤنتیک عنعنه سیندن فرقى ده . بیر اؤقدهر قاربایق میدانا جیخیر .

سگگیز عصر دبرکی، نظامی آذربایجاندا مدنی - معنوی گرجلیگی - معنوی ترکیب خصه سینه ، عموم خلق معنویا تین بیر پارچا سینا چئوریلمیشدیر . شاعرین آدینى داشیان شیخ دؤزوننه ، نظامی مقبره سینه یول تکجه گنجه دن یوخ بوتون آذربایجاندا ، تبریزدن و باکیدان کچیر و بوتونلوکده وطنین ادبی - مدنی ثروت لرینى دونیا اوربیتى (قلمرو ، محور) ایله بیرلشدیرمکده دوام ائدیر . بؤیوک صابرین مدریک کلامی بوگونون ده هر بیر نظامی پرستیشکاری - نین دیلینده شاعره احترامی بیلدیره ن ان یاخشی محبت دوستورو کیمی تکرار اولونور : "صابر چوره ک سیز یاشار ، آما نظامی سیز یوخ".

خصوصاً ، ایندی دونیادا یئنی تفکرون و اخلاقین ، عقلی معنوی انتباهین ، ملی - بشری دهیر و بین الملل ثروت آختاریشی نین معا مرحله - سینده "خمسه (دکی اوتوپیا (مدینه فاضله) اصیل بیر گرجک لیک ، حقیقت و عمل جیزکی لری کسب ائدیر :

اؤزگه نین عیبینه گوز یوماریق بییز ،
 بیرینجی غضبلی ، آجیقلی گؤرسک ،
 اونا مصلحتله ائله ریک کومسک ،
 هئج کس پیس یولا اصلاحمه رییسک ،
 فتنه آختار ماریق ، قاندا تۆکمهریک ،
 دردلی نین دردینه اولاریق شریسک ،
 داد اولسا ، اونونلا دادلیق ائیلهریکه
 قیزیلا ، گوموشه آلدانما ز هئج کس ،
 بونلار بییزیم بیئرده بیر شئییه دهیمز .
 خسیس لیک بیلمه ریک دوینا دا بییزلر ،
 زورلاشقی آلماریق بیر آرپا قدهر .
 بیزدن قاچما ز اصلا وحشی حیوانلار ،
 وئرمه ریک اونلارا ادیت ، آزار
 اوولماق ایسته سک اونلاردان اگسر ،
 اولاریق احتیاج دویولان قدهر

نظامی نین یا شاییشی باره ده تحقیقات

حکیم نظامی گنجوی آدی ایله مشهور اولان، ابومحمد نظام الدین (جمال الدین)، الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نه تگجه آذربایجانین بیلگه بۇتون ایراندین ان بۇیوک شاعرلریندن بیریدیر. ظاهرده بئله گورونورکی اۇنۇن آدی وشهره تی اۇ قده ردیرکی اۇنۇن باره سینده، آرتیق دانیشما غیسن هئج یئری بۇغدور. بیرجاله اکی بیزیم، نظامی نین یا شاییشی بـ سـ اره ده، معلوما تیمیر جوخ آزدیر. الده اۇلان معلومات لار ایسه اۇ قدر قات - قات - تیشیق و بیر - بیرلری ایله هدی تلی دیرلرکی اۇنلاردان دوزگون بیر نتیجه آلماق ممکن دگیلیدیر. بۇنۇن ان بۇیوک سببی اۇنۇن دونیا بۇیۇمشهورا اۇلان ویوزلرجه نقلیدجیسی اۇلان، شاه اشری "خمسه نظامی نین هرکتابدان آرتیق اوزوندن کؤچورولمه سی دیر.

ایران ادبیات تی تاریخینده، دشنگ اۇلارکی، هئج بیر اشرهم عادی خلق طرفیندن وهم شاعرلر و ادیبلر طرفیندن بۇ قدر ماراقلانما قارشیلانما می شیر نتیجه ده دفعه لرله بیر - بیرینین اوزوندن استنماخ اۇلان (کؤچورولن) بـ و اثر کاتلر الینده تحریف اۇلۇنوب و اۇنلارجا قوندارما بئیتلر اۇنا آرتیریلیمیش دیر.

خمسه دن تقلیداً توره دیلن اۇنلارجا نظیره لر فارس ادبیاتینین زنگین - لشه بیرمه ده بۇیوک رۇل اۇینا می شیدیر. اۇندان علاوه ایندیکی "ساقینا مه - آدلانان منظومه لرین ده حمل داشینین قویان نظامی اۇلمۇش دور. اۇ منظومه لر - بین دالیمینجا گلن بۇزلرجه نظیره لرده، اۇنۇن خمسه سی کیمی، فارس شعر - یینی داها دا زنگین لشدیریم، لطیف لیدیپ، یئنی لیدیپ و گؤزللتمیش دیر.

نظامی نین، فارس شاعرلرینده، خصوصاً ان مشهور شاعرلردن اۇلان، عبدالرحمان جامی، امیر خسرو دهلوی و سایرلرین یا رادیجیلیق لاریندا دریسن تاشیری اۇلمۇش دور. اونلارین اشرینده اۇنلارجا نظامی دن تضمین یا توارد (۱) گورمک اۇلار حتی بۇیوک شاعر سیدی ده، نظامی دن تضمین اکتیمیش دیر. و بۇدا، بۇ داهی شاعرین عظمتینین بیلدیریر. بۇنوتلا بئله نظامی نین حقیقی یا شاییشی

هلهده مېهم صورتده قالميشدير. مثلاً "نظامىنين دۇغوم تاريخى بارهده ۵۳۰- ايله ۵۵۰ هجرى قمرى آراسيندا اۇنلارچا مختلف روايتلىرى كۆزۈرۈك. اۇنۇن اۆلۈم تاريخى بارهده ده ۵۷۰ ايله ۶۱۴ هجرى قمرى آراسيندا مختلف تاريخلىرى كۆرۈمك اۆلار.

اۇنۇن اشلىرىنىڭ گلدېكده، اۇنلارنىڭ حقيقتا نىچە بىئىته شامل اۆلۈب نە تاريخده باشلانغىلىپ وقۇرتا رېلىمالارى، وبعضا" هانسى شاها يا حۇكمدار اتقده- يىم اۆلۈندوقلارى دا معلوم اۆلمۈر. مثلاً" اوتون، ارزنگان (ارزنگان) حۇكمرانسى "فخرالدين بهرامشا هېند اود" يىن آدينبا غلادىنىسى ايلك اشرى "مخزن لاسرار" يىن نظامى طرفىندىن قوشولماسى بارهده حاجى: ^۲ "ومحمد عليخان تريبىتا (۴)، تاريخ ۵۵۹- ه. ق. نى يازميشلار. بېرچالداكى نىسخەلر يىن چوخوردا شا عربىن اۆز دىلىندىن ۵۷۰ ه. ق. تاريخىنى كۆرۈمك اۆلار :

پانصدو هفتادىسى ايام خىواب روز بىلندا ست به مجلس شتاب
وهمان اشردە شاعر قىرخ ياشىنا ياخىنلاشما سىنى، يىنى ۳۹ ياشىندا اۆلدۇغونو بىلدىرىپ:

يا ركنون بايدت افسون مخوان يا ركنون بايدت افسون مخوان
يا ركنون بايدت افسون مخوان يا ركنون بايدت افسون مخوان
ويا :

طبع كه با عقل به دلگىست منتظر نقد چهل سالگىست
بىشلەلىك له، ۵۷۰- هجرى قمرىده ۳۹ ياشلى اۆلان نظامىنين دۇغوم- اىلى ۵۳۱ ه. ق. اۆلما لىدير. نظامى اۆچونجى اشرى "لىلى ومجنون" منظومه سىنى شىروان شاھى، اخستتان بن منوجهر يىن خواھشى ايله ۵۸۴- هجرى قمرىده قۇرتا- رىمىشدير (۵) (۵۸۸- ده ده بىرال كزدير مىشدى) (۶)

دۇردۇنجو اشرى هفت پىكر، هفت گنبد يا بهرامنامه (تور كچه، بىئىدى- كۆزەل) منظومه سىده، ۵۹۳- هجرى قمرى ده مراغه حۇكمدارى علا الدىن كىرپ- ارسلان يىن آدينبا با غلانمىشدير.

آزپس پانصدونودسه برآن گفتم اين نامە را جونا موران
روز بزرچا رده زماه صيام چارساعت ز روز رفته تمام
عمده مملكت علا الدىسن حافظ ونا صر زمان و زميىسن
شاھ كىرپ ارسلان كىشور كىسر به زالب ارسلان بتاج وسرىر . .

لاكىن نظامىنين ايكىنجى اشرى خسرو و شىرىن ده، بوشا هلا يىن آدينبا دال بسا دال كۆرۈرۈك :

طغرل بن ارسلان - شمس الدىن محمد جھان بېلوان يىن ايلدگىز- قزل ارسلان -

عِمان بن ایلدگز - نصرت الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان، بۇنون عیلتسی
البتہ بۇدورکی بۇشاھلار بئر - بیرینین آردینجا تئز - تئز اولۇب، دونیسادان
گندرک بئزلرینی اۇبئورلره وئرمیشدیلر (۷) .

نظامینین ۵ نجی اشرینین - شرفنا مه یا مقبل نامه یا اسکندرنامه بیری
(بیری) آدلی - بیرینجی حصه سی نصرت الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوانین
آدی ایله بیتریلیمیشدیر .

اسکندرنامه نین ایکینجی حصه سی - اقبالنامه یا خردنامه یا اسکندرنامه
بحری آدی ایله - موصل حوکمرانی عزالدین ابوالفتح مسعودین نورالدین رسلانیا
تقدیم اولونموشدور .

لاکین اسکندرنامه نین نه زمان قورتاریلدینی معلوم دگیلیدیر . مختلف
نسخه لرده ، مختلف تاریخ لری کۆرنگ اولار اۇ جمله دن لوندون دا ، بریتانیا
مؤزه بیینده ، ساخلانیلان اۇچ نسخه ده ۵۹۰-۵۹۹ هجری قمری تاریخ لری کۆرنگ
اولار .

بیرینجی نسخه ده :

جهان بردهم روز بودا زیار ^(۸) نودر گذشته زبانصد شمار

۲- نجی نسخه ده :

بتاریخ پانصد نودهفت سال

چارم محرم به وقت زوال

۳- نجی نسخه ده :

جهان بردهم روز بودا زیار

نودنه گذشته زبانصد شمار

بۇاۇچ تاریخدن ، ۵۹۷-نجی ایل ، اکثریت ده قبول اولونموشور . لاکین
کۆرؤنورکی بۇاشر اۇتاریخده قۇرتارمیش اولسادا ، اون ایل اوندان صونئرا
ایکینجی دفعه اولراق موصل شاهی عزالدین مسعودا تقدیم اولونموشدور چونکنسو
مسعود ۶۰۷ هجری قمری دن ۶۱۵ هجری قمریهدک شاهیلق ائتمیشدیر .

بورادان معلوم اولورکی نظامی ۶۰۷ هجری قمری ده دیرایمیش . بئله لیک-
له اوندان قابق ، نظامینین اولومو باره ده ، دئیلن تاریخ لرین هامیسی
اعتبارسیز اولراق قیراغنا قبولمالیدیر .

لاکین هلدهه مطلب جوخ آیدینلاشما بئر : چونکو نظامی اقبالنامه نین
صونوندا او اشری مسعودین نورالدیننه تقدیم ائدی ، مدح ائدرکن اونون آتاسی
نورالدین رسلانین اولومونه اشاره ائدرک تاسفله نیر . و ظاهرا اونون وزیر

اولان عما دخویی دان دا "نظام الملک ثانی" عبارتی ایله آد آپاریر. بورادا ن معلوم اولورکی نظامی اقبالنا مهنی او زمان (۶۰۷هـ. ق.ده) تزه باشلامیش ایمیش بعضی نسخه لردن وهندوستاندا چاپ اولونا ن شرفنا مهن معلوم اولورکی نظامی شرفنا مهنی ۵۹۷ - ده قورتارمیش و اقبالنا مهنی ایسه ۱۰ ایل اوندان صونرا باشاچا تدیر میشدیر. نتیجه کی مذکور نسخه لرده شرفنا مهنه بئله دئییلیر:

بتاریخ پانصد نودهفت سال که خواننده را زونگیرد ملال
 و اورادا شرفنا مهنین ناتمام قالدیغینا دا اشاره اشدیر:

چودرنیمه نامه برداختم حریری ببالین اوساختم

نظامی شرفنا مهنین صونوندا ۵۰ یاشیندا و اقبالنا مهنه ایسه ۶۰ یاشیندا اولدوغونا اشاره اشدیر. لاکین بو مسئله ده او بیری معلومات لار ایله دوزگون گلمیر. چونکی بوجور اولسا نظامی مهنین دوغوم تاریخی ۵۴۷ هجری قمری اولمالیدیر بوحساب ایله نظامی ۵۷۰ هجری قمری ده ، مخرن الاسراری قوشارکن ۲۳ یاشیندا اولمالیدیر بیر حالدا کی مذکور اثرده نظامی قیرخ یاشینا چاپدیغینا اشاره اشدیر.

بئله لیک له اختلاف لارین هامیسی نظامی مهنین اثر لریندن باش و شریر ، بورادا نتیجه آلماق اولارکی او تاریخ لری بیان ائدن بثبت لرین هامیسی بیان چوخو نظامی دن دگیل ، بلکه کاتب لر طرفیندن آرتیریلیب یا خود تحریف اولونوبدور . لاکین هله ده نظامی مهن اولوم تاریخی آیدینلاشما میشدیر :

اسکندرنا مه (اقبالنا مه) نین اکثر نسخه لرینده بو ، مؤلفی معلوم اولما - بیان ، الحاقی (آرتیریلیمیش) شعری گؤرمک اولار . او شعرین بیرنجه بثیتی نی نقل اشدیریک :

نظامی چو این داستان شد تمام	بعزم شدن تیز برداشت گام
نه بس روزگاری برین بر گذشت	که تاریخ عمرش ورق درنوشت
فزون بودش مه زشت و سه سال	که بعزم ره برده ل زد و آل
چو حال حکیمان پیشینه گفت	حکیمان بختند اونیز خفت

بوشعردن معلوم اولورکی نظامی ، ۶۳ یا ۶۴ یاشی (۶۴ یاشی) اولندا دونیادا ن کؤچموشدور همان اثرده ، اسکندرنا مهنین ۹۷ هجری قمری ده (بعضی نسخه لرده ۵۹۹ - هجری قمری ده) باشاچا تدیغیندا ن دانیشیر . ویتنه همان بیترده نظامی مهنین ۶۰ یاشینا چاپدیغینا اشاره اشدیر:

به شت آمد اندازه سال من نگشت از خود اندازه حال من

بئله لیک له نظامی اسکندرنا مه قورتاردیقدا ن صونرا ، دؤردا یل ده بودو - نیادا غؤمور سورموشدور ، اگر اسکندرنا مه ۵۹۷ هجری قمری ده قورتاریلیمیش

اولسا نظامی نین اولوم تاریخی ۶۰۱ هجری قمری . ودوغوم تاریخی ۵۳۷ = ۶۰ - ۵۹۷ اولمالیدیر . لاکین بیز قابقا نظامی نین ۵۳۱ هجری قمری ده دوغولوب و ۶۰۷ - هجری قمری ده دیری اولدوغونا اشاره اشدیک .

آما مفتاح التواریخ کتابیندا ومیخانه تذکره سینده ، نظامی نین ۸۴ ایل عومور سوردوگوندن دا نیشیلیر . اگر بو سؤزو قبول ائتک ، نظامی نین اولوم تار - یخی ۶۱۵ = ۸۴ + ۵۳۱ هجری قمری اولار و بودا نظره دوزگون جاتیر .

نظامی باره سینده اولان اختلافلار بورادا قورتارما بیر . مثلا: نظامی نین آدی دا اختلافلی دیر . بعضی لری ، یوسف ، بعضی لری احمد و سایر آدلار دشیمشیدیلر . لاکین "الیاس" آدی تحقیقا تجیلار طرفیندن اکثریت ده قبول اولونموشدور . نظامی اؤزده لیلی ومجنون منظومه سینده بو باره ده دشبیر :

درخط نظامی ارنهی گام بیینی عدد هزار ویک نام
والیاس کالفبری ز لامش . هم "با" نودونه است نامش
زینگونه هزار ویک حصارم با صدکم یک سلیح دارم

نظامی کلمه سی: اجدحسابی ایله ۱۰۰۱ اولور و آلالهین دا آدلاری نین - سایی نی ۱۰۰۱ دشیمشیدیلر بیر طرفنده الیاس کلمه سی ۱۰۲ اولور اوندان الف و ب حرف لری نین اجدحسابی ایله معادلی اولان ۳ عددینی آزالسا ق ۹۹ قالز بودا آلالهین "اسماء حسنی" دشبله ن آدلاری نین سایی ایله برابر دیر بورادا نظامی بونو دشک ایسته بیری کی او آلالهین آدلاری نین تشکیل تاپان حصار (قلعه) ایچینده امن - اما تلیق دادیر . لاکین نظامی بیری شرده بئله دشیمشیدیر :

یا رب تومرا کی وین نامم در عشق محمدی تمامم
زان شه که محمدی جمالست روزیم کن آنچه در خیالست

بعضی نسخه لرده "گاوین" یعنی ، که اوین ، ده گؤرونور . بورا دان بعضی تحقیقا تچی لار نتیجه آلمیشدیلر لار کی نظامی نین آدی "وین" یا "اوین" ایمیش لاکین وحید دستگردی که نظامی نین اثر لری نی تصحیح اشدی ، چا پا یئتیر تلردن بیری دیر ، نظر و شبر کی نظامی نین منظوری بورادا بودور کی : من اوین کیمی محمد پیغمبری شو بوم . وین یا اوین ، پیغمبر زمانه نی منده "قره ن" آدلی بیسر کنده با شایار میش او اؤزو و آناسی پیغمبره ایمان گتیر میشدیلر . اونا "اوین قره نی" دشبه لر عارف لردن ساییلار .

نظامی آناسی نین آدی نین "رئسه" و کورد اولدوغونا اشاره اشدرک

دشبیر :

گر ما درم آن رئسه کرد مادر صفتانه پیش من سرود
لاکین ایران عالم لری نین رحمت لیک سعید نفیسی ادعا اشدیر کی رئسه آدم

آدی دگیل بلکه ، قادیب رئیس ، معناسینا دهر نئجه کی دئیبیریک ، معلمه ، مدیسه ، حکیمه و سایر ... یعنی نظامین منظوری بو. ایتمیش کی اونون آتاسی کوردو طایفاینین رئیس لریندن ایتمیش .

بیته همان یئرده ، نظامی آتاسینین آدینا بیله اشاره ائدیر :

● گرشدپدرم به نسبت (یاسنت) جد یوسف یسر زکی مؤید

بادور به داوری چه کوشم دوراست نه جور چون خروشم

همان یئرده دایی سینین ، آدی نین "عمر" اولدوغونا اشاره ائدرک دئیبیر :

● گرخواجه عمرکه خال من بود خالی شدنش وبال من بود

بیله لیک له گوروروک کی هر بیرزاد اختلاف لیدیر وهنج باره ده قطعی نظروثرمگ اولماز . بواختلاقلارین هامیسی دا نظامین الیمیزه بیتمیش اثرلریندن دشره چیخیر . اونا گوره ده نتیجه آلماق اولارکی او تاریخی بیتمیش لرین چوخلاری و بیر - بیرلری ایله ضدیت لی اولان بیتمیش لرین هنج بیرسی نظامین دگان دگیل بلکه کاتبلر طرفیندن آرتیریلیمیشدیر .

معاصر آذربایجانلی ادیب ، نظامین خمسه سینین سون ایلمرده تصحیح ائدیب ، چاپ وئره ، "بهر روز ثروتیان" لیلی مجنون یا زدیغی مقدمه ده دئیبیر - کیمی : " به نظر میرسد در حدود ۴۰۰ بیت از سوی کاتبان نسخه های خطی افزوده شده است که مربوط به نسخ اساسی ویا ۲۰۰ سال پیش از آنهاست لیکن اظهار الحاقی بودن آنها به علت وحدت ضبط نسخه ها ممکن نیست ."

یعنی کی ۴۰۰ بیتمه یاخین کاتبلر طرفیندن آرتیریلیب لاکین نسخه لرین هامی سیندا تکرار اولدوغو اوچون اولارکی آبیرواق ممکن دگیل دیر .

دولت شاه سمرقندی و رضا قلبخان هدایت ادعا ائدیرلرکی " قوامی مطرزی - گنجوی" نظامی گنجوی نین قارداشیدیر . لاکین بو ادعا دوزگون اولابیلمز . چونکی بیله اولسا ایدی ، نئجه کی آنا ، آنا و دائی سینین آدینا چکمیشدیر اونلاردا اشاره ائدردی .

☆☆☆

نظامی نین حیات یولداشلاری :

نظامی عومرونده اوچ دفعه ائولنمیش و هر اوچ حیات یولداشی اونون ساغلیغیندا دونیادان کؤچموش وهمیشه ده یالینیز بیر آروادی اولموشدور . اونون بیرینجی حیات یولداشی نین آدی "آق" ایتمیش . گورونورکیمی نظامین اونا محبتی چوخ ایتمیش . اونو دربند حاکمی نظامیه تحفه اولراق گوندرمیشدی .

نظامی حورو سیرین منطومه سیمده . سیرین دن دایینا رکن همینه آفاق
 افسانده سیریمیدیر . لاکین او اثر قورتارما میس آفاق جوان حاییندا دوییا یا
 گۆز یۆموش و ساعیرین اۆره گینی یاندیریب ، کدرلی حاللا سالمیشدیر . نظامی نین یگانده
 اولان اولادی محمد ، آفاقس یادگاری ایدی .

نظامی حورو سیرین منطومه سیمده . سیرین دن دایینا رکن همینه آفاق
 گۆزونور اۆسوده ایمیش . او شیرین سن اولومونوده ، آفاقس اولوسونسه
 بئزه درک . او موضوعونون هئجده افسانده اولماییب ، بلکه اونوتلا آفاق آراسیندا
 اولان حیفی سیر عشقین داستاسی اولدوغونا اشاره ائدیر . شیرین ایلک عشقینده
 وفادار اولاراق حوروون جنازه سی کناریندا اۆروسو اولدوروب عاشقینین جنازه سی
 اوسته جان وئردیگینه ، اشاره ائدرک دئییر :

• زهی شیرین وشیرین مردن او زهی جان دادن و جان ببردن او

توکز عورت بدین افسانه مانی کلامی تلخ بر شیرین مغاندن
 دراین افسانه شرطنت اشک راندن جو گل بر بادند روز جوانی
 بحکم آنکه آن کم زندگانی گمان افتاد خودکافاق من بود
 سبک روجون بت قبجاق من بود فرستاده به من دارای دربنده
 همایون بیکری نغز و خردمنده قباش از پیرهن تنگ آستین تر
 بپردش درخ (۹) زدرع آهنین تر به ترکی داده رختم را بتاراج
 جو ترکان گشته سوی کوچ محتاج خدایا ترک زادم راتودانی (۱۰)

بوشردن گۆرونورکی آفاق تورک ایمیش واحتمالا "ده گۆزللیک ده معسروف
 اولان قبجاق تورکلربندن ایمیش نظامی لیلی ومجنونو قوشارکن اسکینچی آروادین
 آلمیش . لاکین اونون دا عۆمرو گویا چوخ اولما میشدیر .

گۆرونورکی ، نظامی نین اونا چوخ علاقه سی بوخ ایمیش چونکی لیلی ومجنوندا
 و اوندان مونرا دا اونون باره سینده هئج بیر سۆز دانیشما میشدیر .

نظامی نین اوچونجو حیات یولداشیندا علاقه سی وارایمیش - اما نه آفاق
 بو آرواد دا چوخ عۆمور سورمه میشدیر . نظامی سون اثری اولان اقبالنامه ده
 اونون اولومونه اشاره ائدرک تأسف لئتمیشدیر . اوندان مونرا نظامی داها ائولنمه -
 بیب ، عۆمرونون قالدینینی اۆز صومعه سینده (خانقا هیندا) عبادت و ریاضت و سیرو
 سلوک ایله گئچیرمیشدی .



نظامی نین اولادی

نظامی نین دئیدیگیمیز کیمی تکجه محمد آدلی بیر اوغلو وارایمیش . اودا ایلک
 خانیمی آفاق دان ایدی . اونا گۆره ده نظامی نین کونیه سی "بومحمد" اولموشدور

نظامی طبیعی اولاراق بو یگانه اولادسنى جوخ ابسته بیرمیش . اثرینده نتیجه بئیرده اونا اشاره ائدرهک آتالارکیمی نصیحت لی سؤزلر دئتمیشدیر . خسرو وشیرین داستانی قورتارارکن محمدین یئددی یاشی وارایمیش . نظامی او انرده اونا خطا با" بئیر یارجا شعر قوشموشدور .

لیللی و مجنون داستانی نی باغلاپاندا ایسه محمد ۱۴ یاشینا دولموشدور . بورادا نظامی اونا خطاب یئتمده بئیر شعر دئیب ، نصیحت ائتمیشدیر .

نظامی اؤزو بؤیوک و موفق بئیر شاعر اولوب ، خلق ایچینده و حؤکمدارلار بانیندا چوخلو احترام ماحابی اولدوغونا باخما یاراق ، او بئیری شاعرلریـ وضعیت لرینی نظرده توتاراق اوغلونو شاعرلیک دن منع ائتمیشدیر . چونکی او گؤروردوکی او شاعرلر اؤز گذرانلاری اوچون و اؤز مقام وموقعیت لرینی حفظ ائتمک اوچون ، یالان دانیشماغا ویالتاخلیق ائتمگه مجبور ایدیلر . اؤگوروردوـ کی اونون اله گتیردیگی وضعیت استثنائی بئیر شئی دیر وعمومیتی بوخودروهرکیم نظامی اولابیلمز اودورکی اوغلونا خطا با" دئیب :

• در شعر مبیح و در فن او زین فن مطلب بزرگ نامی
چون اکذب اوست ، احسن او کان ختم شدست بر نظامی
در ناف دو علم بوئی طبیب است وان هر دو فقیه یا طبیب است

نظامی علمه احترام بسله بئیر خصوما" فلک ونجوم علمینی انسانلارا فایدالی بیلیر :
در علم فلک گره گشائی است خود در همه علم روشنائی است
نظامی بئیر زمان دا اوغلو محمدی تربیت وتعلیم تاپماق اوچون ، شروانشاهیـ اوغلونا تاپشیرمیشدی لاکین بوباره ده داها آرتیق معلومات الده بوخودرو .
نظامی نین مذهب ومشربی باره ده

الده اولان معلومات لاردان ، نظامی نین سوننو (سنی) اولدوغو دوشونولور .
حضرت علی نه گؤستردیگی محبت دن ایسه اونون شافعی مذهبینده اولدوغونـ سودا
دوشونمگ اولار . نظامی نین آتاسی کوردا بئیش ودا بیسی نین آدی ایسه عمر (عومر)
ایدی :

• گرخواحه عمر که خال من بود خالی شدنش وبال من بود
دئدیگیمیز کیمی نظامی فارس ادبیاتیندا ایندی سا قینا مه آدلان منظومه ـ
لرین ایلیک یارادجیسی اولموشدور . بو نوع شعرده شاعر همیشه مین ، میخاننـ دن
ساقیدن ، باده دن ، ومغنی دن دم وورور . لاکین اونلارین منظورلاری بوکلمه لرین حقیقی
معناسی بوخ بلکه ده مجازی و عرفانی معنا لاریندا دیر . بوشا عرلرین اکثری هئج ده

ایجگی و جالغی اهلی دگیل لر و غالباً دیندار و حتی شیخ الاسلام و مجتهد و سایر ده اولموشدورلار. نظامی اوژوده دیندار و پرهیزگار بیر آدامدی. و کیمسه نین بـــو باره ده شبهه سی یوخ ایمیش. لاکین یکننده بیر پارا قشری (سطحی) مسلما نلارین اونون باره سینده شبهه ائتمه مملری اوچون بئله دئییر:

● توپنداری ای خضر فرخنده پی	که ازمی مراهت مقصود می؟
مراسقی از وعده ایزدیست	صیوح از خرابی، می زبی خودیست
وگر نه با یزد که تا بموده ام	به می دامن لب نیالوده ام
گرازمی شدم هرگز آلوده کام	حلال خدا باد بر من حرام

ترجمه :

● خیال ائتمه می دن اگر چوخ دئدیم	جا خبر دیر او می دن منم مقدم
منه ساقی آلاهی وثره ن وعده دیر	صیوح ایله می سیریمی گیزل دیر
خا خیر آغزیم ده یمه مشدیر منیم	یا لان سوبله سم آلاهی ولسون قنیم
اگر بیره یول مشروب ایچم سه من	حرام اولسون آلاهی حلال ائیلین

بوشعرین آخیر مصرع سی دشمنک اولارکی بیر نوع آندایحکم دیر. او آند سنی لر آراسیندا خصوصاً کوردلر ایچینده مرسوم دور. بو آند طلاق آندیدیر و سنی لرین ان محکم آندلاری طلاق لارینا دیر. مثلاً "بیرکیشی : " طلاقیم آند اولسون" یا "طلاقیم دوشسون" دئییه دئدیگی سوزون دوزگون اولدوغونا آند ایچیر. اگراو آند اتفاقاً یا لان جیخسا آروادی نین که بیننی بوش اولور. (۱۱) یعنی آروادی بوشا نمیش کیمی اولور. بیرده موللا یا نینا گئدیب، دوباره که بین کیلیمه بینجه او آرواد اونا نامحرم ساییلیر و اونون آئویندن جیخیب، آیری یا شامالمدیر. بواش اوچ دفعه تکرار اولسا یعنی کیئی اوچ دفعه یا لاندان طلاقینا آند ایچمیش اولسا یا بعضاً عصیان ای اولاراق اوچ طلاقینا بیر بیئرده آند ایچسه (او آند یا لان جیخسا) او زامان شرع اوزو ایله "محلل" لازم اولار یعنی او آرواد موقتی اولاراق بیر آیری شخمه گئدیب، صونرا اوندان بوشا نیت با قجی ارینه گئده بیلر. بعضاً اتفاق دوشرکی محلل اولان شخص آروادی بوشا ما سبب همیشه لیک سا خلیار. او دورکی معمولاً بیر فاغیر یا السیز، آیا قیز بیر آداما بول وثره رک بوشا ما ق شرطی ایله محلل قرار وثره لر .

نظامی دا بورادا "حرام اولسون آلاهی حلال ائیلین" دشمنک له حقیقت ده طلاقینا آند ایچیر .

لاکین نظامی نین طریقت و تصوف (صوفی لیک) له علاقه دار اولدوغونا حتی اولار- بین بئویوک لریندن سیری ساییلدیغینا هئج شک و شبهه یوخ دور .

ساقینا مه قوشان شاعر لر عمومیت ده طریقت اهلی دیرلر . بونوع آلاسه ایله
ماشقانه راز ونیاز ائتمک و استعاره ایله میدن ، میخانهدن ، ساقیدن دانیشماق
صوفی فرقه لرین خصوصیت لریندن دیر . یوْخا خالص شریعت طرفدارلاری اولانلار
بو نوع قونوشوب ، دانیشمالاری گونا ه بیلیردیلر .

عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی تألیفاتدیگی "میخانه" آدلی تذکره سینده
(ص ۱۲) نظامی حاققیندا یازیرکی : " نظامی جوانلیق دا روزگارینی عقلی و نقلی
علم لر اویره تمک ایله صرف ائتدی . قیرخ یاشیندا حضرت شیخ جمالی موصلی ایله
هم صحبت اولماق سعادتینه نائل اولدو و او کرامت صاحبین خدمتینده دوردو .
۵۰ یاشیندا سیر وسلوگ^(۱۳) ایله مشغول اولدو ، قیرخ جیلله (۱۳) توتدو تا اینک
ریاضت نتیجه سینده ولایت مرتبه سینه چاتدی . نئجه کی اؤز اسکندرنامه سینده
بو مصراع ایله : که جله جهل گشت و خلوت هزار

بومعنایه اشاره ائتمیشدیر . آما "مخرن اخبار"ین مؤلفی یازیرکی
حضرت شیخ (نظامی) نین ۷۰ جیلله سی و ارایمیش . العهده علی الراوی (وابالسی
دئیه نلرین بوبونوا) . هر حالدا جیلله گوشه نشین لیگی نتیجه سینده غیبی سیرلر
اونا کشف اولدو و غربیه کرامت لر اوندان ظاهر اولدوکی بو مختصرده اونون سیر
حمه سینده بیان ائتمک اولماز . عصرین شاهلاری اودین بویوگونو اؤز لرینه پناه
سانا ردیلار . اونون پنج گنج (خمسه) آدلی کتابیندا او قدر لطیف و دقیق مطلب لر
واردیرکی کیمسه یه ممکن دگیل . بلکه بشرین قدرتیندن خارج دیر هر کیم بودین
رهبرین دن تقلیداً . مرشده ن یار دیم آلمادان خمسه قوشماق فیگیرینه دوشدو
مقصودونا یتمه دی . نئجه کی او اؤزو دئمشدیر :

● تیغ زالماس زبان ساختم هرکه پس آمد سرش انداختم
نظامی سیر یئرده ده قیرخ یاشینادک (یا قیرخ ایله ده) ۵۰ جیلله توتدو غونا اشاره
اؤدیر :

● پس از پنجاه جله در چهل سال مزن پنجه در این حرف ورق مال

دولت شاه سمرقندی تذکره الشعرا سیندا نظامی نین طریقت ده " اخی فرج -
زنجان" ^(۱۴) نین مریدی اولدو غونا اشاره اؤدیر .
نظامی زهد و تقواده مشهور ایدی اونا گؤرده شاهلار و حکمرانلار سراپینا
گئتمگه رغبت گؤستر میردی . گوشه نشین لیک ایله عؤمرونو کئچیریردی . لاکین
اونون مقامی بویارده ده او اندازه یه چاتمیشدیرکی . سلطان لار ، حؤکمدارلار ،
اؤز لری اونون صومعه سینه گلیر و اونون حضوروندا ن فیض آلیر و اونون حؤرمتینسی
سا خلاصه دیلار . نئجه کی قزل رسلانین دعوتی ایله ائتدیگی سفرده اونون بارگاهینا

وارد بقدا ، نظامی نین احترامینا گوره ایچکی وچالغی و بزم دستگا هی بیغیشدیریلدی
نتجه کی اؤزو دئیبیر :

چو داداندش خیر آمدنظامی	فزودش شادی ای برشادمانی
شکوه زهد من بزم ننگهداشت	نه زان پشمی که زاهد درگله داشت
بفرمودا زمیان می بر گرفتن	مدارای مرا پی بر گرفتن
به خدمت ساقیان را داشت دیند	به سجده مطربان را کرد خرسند

ترجمه :

خیر تاپد بقدا کیم گلهی نظامی	سئویندی چوخ دا ائتدی شادمانی
منی دیندا رسا نیب چوخ حرمت ائتدی	نه کیم زاهدان اؤترو خدمت ائتدی
بؤیوردو بیغدی لار بزم شرابی	کناره قوبدولار چنگ وربانسی
آیا غچی لارا اؤتوردو بیر بوجا قدا	مغنیلر سئویندی سجده گاهدا

نظامی چوخ خوش صحبت ائدی ، چوخلو حکمت لی ، نصیحت لی مثل لروحکایه لر
بیلردی و هر بیرینی اؤز بیئرینده اشله درک دینلینلری ، گاه گؤلدوروب ، گاه
آغلادی . متاثر ائدردی . سلطان اؤچونده اؤنون صحبتی غنیمت ایدی . اؤنسؤن
سؤزلری بائدان آباغا سروه وترانه و هر سا زدان ، چالقیدان ، اؤستون و قیمت لسی
ایدی . نتجه کسی سلطان نین دینلیندن دئیبیر :

اشارت کردکاین بکروز تا شام	نظامی راشویم از رود و از جام
نوی نظم اوخو شتر ز رود است	سراسر قولهای او سرود است

ترجمه :

اشاره ائتدی کیم بییرگون تمامی	نه سازایستر ، نه جام اولسون نظامی
اؤنون سؤز صحبتی سازدان بگؤزه لدیر	سراسر سؤزلری ، سازدیر ، غزلدیر

اؤ سفردن سونرا نظامی داها هنج بکره جیخامدی ، دئدیگیمیز کیمی هر طرفدن
بؤیوک لر سلطان لار اؤنو گؤز مگه گلردیلر و نتجه کی نظامی اؤزو رازوناز ائدره ک
دئیبیر :

من بعهد جوانی از بورتو	به درکن نرفتم از درتو
همه را بردرم فرستادی	من همی خواستم تو مستی دادی
چونکه بردرگه تو گشتم بییر	زانکه ترسیدنی است ، دستم گیر

ترجمه :

من هله اؤ زمان جوان چاغیمدان	دؤنمه دیم هنج زمان سنین قاپیندان
قا پیما گؤنرددین خانی سلطانسی	سن ائتدین منده بییر بونجا احسانسی
سنین درگا هیندا من قوجا لمیشام	الیمدن یا پیشان داها قورخمارام

نظامی بودونیا نین مالیندان تکجه اوز حلال زحمت حاققیسی قدر نوقسع
سی واریسیدی .

ز قارونی قفلداران گنج طمع دارم اندازه دسترنج

نظامی ویا رادیجیلیخی

تذکره یازانلار و سوز آرایشدیرانلار ، هامیلیقجا اینا نیرلارکی ، نظامی
قدرتلی ، مهارتلی ، شیرین دانیشیقلی ، لطیف خیاللی ، خوش طبعلی و ظریف فیکر-
لی زبئنلیک یارادان ، اوستاد بیر شاعر دیر .
او کوهنه سوزلری تکرار اشمکدن ، اوزگه شاعرلرین تور- توكوتولرینی
بیغیشدیرماقدان چکینه رک ، هر زمان بیئنن اُلوبلار ، بدیعی معنالار و ابتکاری
لغزلر یاراتماغا چالیشیر . او ایجا (۱۵) اشمده اعجاز اشدیر . بیر دونیا معنا-
نی بیر بیئتده بیئرلشدیریر .

نظامی عصرین هر علمینه واقف دیر . فلسفه ، حکمت ، طب ، نجوم و موسیقی
وسایره علملردن باخبر دیر . و بیلدیکلری علملرین هامیسنی دا شعرلرینده ایشله-
دیر . لاکین بونلارین هامیسی بیرلیکده ، یعنی بیئنلیک یاراتماق ، بیفجام و قیما
(مختصر) دشکم و عصرین بیللیک لرینی شعرده توكمک ، بعضا اُونون شعرلرینی
معناسینی بو علملردن واصطلاحلاردان خبردار اولمویان اوخوجو اوچون چتیلدیر
و عادی آداملار بعضی سوزلرین معناسینی دوشونمکدن عاجز قالیر . بعضی شعرلری
حتی بوگونه ، آیدینلاشما بیب و آنلاشیلماز قالمیشدیر . هرچند اُونون شیرین -
شیرین داستانلارینی اوخویوب ، لذت آپارماق ایستیه نلر اوچون ده هنج بیرمانع
بوخدور . یعنی اگر بیر یا نچه بیئتین معناسی دوشونولمه سده ، داستانین عمومی
معناسی و شیرینلیگی آسانلیقلا درک اولونور .

بو خصوصیت لره گوره دیرکی تحقیقا تجیلار نظامی نین اثرلرینی هجری آلتینجی
عصرین دایره المعارفی کیمی سانیرلار او اثرلردن مذکور داورون علملری واصطلاحلاری
و اجتماعی شرائطی باره ده درسی معلومات لار اله گتیرمگ اولار . نظامی اوز یار-
دیجیلیغیندا آذربایجانین توكمنز فولکلور قایناقلا ریندان بوللوجا فایدار نیب
اونلارچا ، اجتماعی و دینی مثل لردن و جکایه لردن استفاده اشمیش ، بوزارج-
آتلار سوزو و خلق مثال لاریندان شعرینه کوجورموشدور . قزوبن تورکلریندن اولان
علی اکبر دهخدا دا او مثل لرین چوخونو اوز " امثال و حکم " ادلی اثرینده ایران
فولکلوری عنوانی ایله فارس ضرب المثل لری جزو ونده نقل اشمیشدیر .
سُون ایللرده نظامی نین خمسه سینن تصحیح ائدیج چا پا وثره ن بهروز شروتیان

او ضرب المثل لری آبییریپ ، کتا بلارین سونوندا آرتیرمیشدی .
 جاری ایلده معاصر عالم وتورکولوگ دوکتورهئیتده نظامینین آنلادان
 اولماسینین ۸۵۰ - نجی ایلی مناسبتی ایله کئچیریلن قورولتای (کنگره) دامطرح
 اولونماق اوچون نظامینین اثرلرینده تورک سوزلری ، مفهوم لاری و ضرب المثل لری
 باره ده گئنیش تحقیقات آپارمیش ، لاکین هله منتشر اولما میشدیر .

نظامی بیثنی تشبیهلر و ترکیبلر و استعاره لر دوزلتمکده و بدیعی اصطلاح
 حلاز و معنایر یاراتماقدا ، ایتکار و اختراع صاحبی اولان مثل سیز بیر شاعر دیسر
 او عین حالدا گوردوگو ایشلره واقف دیرر و او ایشلری حلال مال کییمی ساناراق
 او زونو حلال خور بیلیر .

چو صدف حلال خوارم چو کهر حلالزاده زحرا مزاده ایدو ، شب و روز درزیانی
 کیسمه دن سوز بوزج آلمامیش ، اوز او ره کیندن گلن و طبع ندن دوغولانلاردان ،
 فایدا لانمیش و بو طرزده بیثنی شعبده لر قوزا بییب ، تزه آیده لر یاراتدیغینسا
 فخر ائدیسر :

عاریت کس نپذیرفته ام آنچه دلم گفت یگو گفته ام
 شعبده تازه برانگیختم هیکلی از قالب نو ریختم

بئله لیک له نظامی فارس ادبیا تیندا بیثنی بیرمکتب و تزه بیر اسلوب
 ایجاد ائدره ک بویوک بیر تحول و دگیشیک لیک وجوده گتیرمیشدیر . او اوزگمه
 شاعرلره ده نصیحت ائدرک ، ایشلرینده کوهنه و تکراری مطلب لردن چکیلیب ، بیثنی
 لیک یاراتماقدا چالیشماغی ، سفارش ائدییر :

دل این پیشه چون پیشوای نوی کهن گشتگان را مکن پیروی

نظامینین کلامی تمیز و قلمی نزاکت لیدیر . هر چند اونون اثرلرینین چوخو
 عشقی داستانلار دیرر و او عاشق لرین احوالاتین و اونلارین رازونیا زلارین و وصال
 لحظه لرینی و محبت لی دانیشیق لارینی دقت و ظرافت ایله نظمه چکییر ، لاکین اونون
 بوتون اثرینده ، حتی بیر کلمه ده اولسون ادب دن قیراخ و اخلاق دان اوزاق بیسر
 سوز تاپماق اولماز . او هر یئرده عشقی مقدس سانیرر و عاشق لری حیالی و وفالی
 تصویر ائدییر صمیمی و پاک محبتی تبلیغ ائدییر .

اونون خصمه دن علاوه بیر شعر دیوانی دا وارایمیش . دولت شاه سمرقندلی
 اونون دیوانینین ۲۰مین بیئته یاخین اولدوغونو دئییر . لاکین بو شعرلردن
 ایکی مین بیئت دن آرتیغی بیزیم الیمیزه چاتما میشدیر . وحید دستگردی ۱۳۱۸ هـ -
 شمسی ده و سعید نفیسی ۱۳۳۸ هجری شمسی ده ، مختلف تذکره لردن و جنگ (جوتنگ) لردن
 بیغراق ایکی مین بیئت دن بیر آز ، اسکیک بیر دیوان اونا دوزلتمیشدیرلر .

بو دیوانین جمعی نین . زلیغینا باخما یاراق او شعرلردن شاعرین نه قدریثنی بیر
اسلوب ایجاد ائتدیگینی وطبع نازیک لیگی و ماهرلیگینی دویماق اولار .

ایضاح لار وقاینا قیلار :

۱- توارد = ایکی شاعر بیر سیریندن خبرسیز ، بیر سیرینه بئنزهر مضمون یا قافیه
ایشله تمه لری .

۲ - سعدی او ز ممدوحی آتاک ابوبکرین سعدین زنگینی نین مرثیه سینده نظامین بیر
مصراع تضمین ائتمیشدیر .

چه شاید گفت دوران زمان را
خردمندان پیشین راست گفتند :
"مرا ای کاشکی مادر نـزادی"
جامیده بئله دئتمیشدیر :

اگر زانی بخورد سگ بدادی
مرا کاشکی مادر نـزادی

۳ - کشف الطنون ص ۲۲۴

۴- دانشمندان آذربایجان ص ۳۸۱ .

۵ - تاریخ عیان که داشت با خود

۶ - که در روز دوشنبه آمد آخر

پانصد هشتاد و هشت بر سر

۷ - طغرل بن ارسلان ، سلجوقی پادشاهی ایدی لکن اونون دوورونده محمدجهان -
پهلوان مملکتی اداره ائدردی او اولندن سونرا ، قارداشی قزل ارسلان ونون
بئرینی توتدور .

۸ - روم آیلاریندا ندیر .

۹- درع = دمیر گشیم ، زره

۱۰ - ترکزاد دان مقصودی ، اوغلو محمددیر .

۱۱ - مثلا" بیرى طلاقینا آند ایچرکی داها سیگار (پاپروس) چکمه چک آما بیردن
یادایندان چبخاراق ، یا عصبانی اولاراق سگار چکیر بو زمان طلاقى دوشر .

۱۲- طریقت ده صوفی یا سالک "کامل انسان" مقامینا یئتمهگه اوجون مختلف مرحله -
لردن کئچمه لیدیر . بونا سیروسلوک دئیلیر .

۱۳ - چیلله (قیرخ گون معناسینا دیر) طریقت اهلی اولانلارین رسم لریندن بیری
بو دورکی قیرخ گون اوونو بیر ائوده حبس ائده رک ائشیک دونیا ائله رابطه سینین
کسیر و آجلیق وقناعت ایله ریاضت چکیر و عبادت ائدیر بعضا" ایکی نفر بیرلیکده ده
ممکون دورکی چیلله توتسونلار . ۱۴ - طریقت ده هر صوفی نین بیر مرشدی اولمالید-
بیر . ۱۵ - سوزو مختصر ائتمک ، آز کلمه لرله چوخ سوزو یئتمیرک .

تحفه حسام

© حسامین گنجیکمیش تحفه سی

۱۳نجی یوزایللیکده (میلادی) آذربایجان دیلچیلیگی نین انکشاف ائتمیش ساحه سی لکسیکوقرافیا (لغت و سوزلوک یازماق) اولموشدور، گورؤ - لموش ایتلرین حجمینه و اهمیتینه گوره بوعصری لغتچیلیک تاریخیمیزده قیزیل دؤور آدلانديرماق یانيلما ريق . محض بود وورده عالم لر بيميزا يلكدهعه ايكي ديلى - تورک - فارس ، فارس - تورک لغت لری نین ترتیبینه تشبث گؤسته رمیش و دیلچیلیک تاریخیمیزی قیمتلی اثرلره زنگین لشدیرمیش لر . لکن صون و اقتلارا قدهر بۇ دؤره عاید الیمیزده اولان یگانه لئکسیکو - قرافیک اثر هندوشاه نخجوانی نین ۱۲۷۹/۶۷۷ - نجو ایلده ترتیب ائتدیگی الصاح العجمیه "سی ایدی .

۱۳نجی عصرده تورک دوها سی نین یاراتمیش اولدوغو و بگونه قسدهر تورک دونیا سی نین ایتمیش حساب ائتدیگی صنعت اینجی لریندن بیرى ده "تحفه - حسام " ("حسامین ارمغانی ") دیر .

اوزون آختاریشلار ، یازیشمالار نتیجه سینده نه آزنه جوخ ۱۷۵۰ ییلین آیریلیغیندن صونرا حسامین ارمغانی نین بیر نسخه سی الده ائدیلمیش و بسو ، هله لیک یگانه نسخه دیر . هله لیک اونا گوره دئییریکی کی ، هاراداسا اونون باشقا نسخه لری ده تاپیلا بیلر .

عمرلره ادبیاتیمیزا ، دیلیمیزه نظر سالان قایناقلار بولغتین تاریخین بورولغانینا دوشهرک ایتیب - باتدیغینی او ره ک- آغریسی ایله یازمیش و اونون یالنیز ایلك مشهور ایکی مصرعسینی بیر - بیریندن کؤچوره رک عصر - لردن - عصرله اؤتورموشلر :

● خدا - تانری ، توانگر معنی سی بای

ایشه بویروق ائدیجی کار فرمای

آذربایجان عالم لری آراسیندا دا بومشهور اثرین ایتکین دوشمه سینه تأسفله نن لره تصادف ائدیریک . (م- عارف ، ج. آراسلی ، ا- دمیرحی زاده ، ج- قهرمانوف وغیره)

اولا بیلهرکی ، بیزیم الده ائدیگیمیز نسخه ده انزین آدی نین "تحفه حسام " دگیل ، "نظم حسام " گئتمه سی ده اونون اوزون مدت گیزلی قالما سینا سبب اولموشدور . لغت حقینده یگانه ایشیق اوچو اولان همین ایکی مصرع ،

اثرده دورد دفعه حسامین آدینین چکلمهسی ، تذکره چلرین دشدیگی کیمی اُونون منظوم ، تورکجه - فارسجا اُولماسی ، همچنین بیر اۆقدهرده بؤیسوک اُولماسی و سایره بؤال یازمانین "تحفه حسام" لغتی اُولدوغونو سؤیله مه یسه اساس وثریر .

"تحفه حسام" بین مۆلفی ۱۳ نجی یوزا بیللیکده یا شامیش گؤرکملی آذربا - بیجان عالمی و شاعری حسام الدین حسن بن عبدالمؤمن خویی دیر . حسامین قلمی هم بدییی ، هم ده دیلچیلیک ساحه سینده اُولغورلو اولموش و اُول زمانه سینین استعدادلی صنعتکاری سا بیلمیش ، معاصرلی ده اُولنا بؤکسک قیمت وثرمیشلر . حسام خویی اُولز معاصر ذوالفقار شیروانی ایله دوست اولموش ، "سخن" ردیفلی قصیده سینى اُولنا حصر ائتمیش ، ذوالفقار شیروانی عئینی ردیفلی قصیده ایله اُولنا جواب وثرمیشدیر . هرایکی قصیده ذوالفقار شیروانی بربستانیا موزه سینده کی "دیوان" نیا داخل ائدیلمیش و بو "دیوان" ۱۹۳۴ - جو ایلده لندن ده ع . ادواردس طرفیندن فاکسیمیله ایله نشر اولونموشدور (بو حقه بیزه معلوماتی فیلولوگییا علملری نامزدی ر . حسینوف و ترمندسیر) . گورونور ، هرایکی سینین حیاتیندا کی اُولخارلیق - غربیلیکده ، ائلدن - اُولبادان آزالى شاه و حاکم لرین سارایندا یا شامالاری اُولنلاری یا خینلاشدیر - سبشدر .

حسام ذوالفقارا مراجعت ائده رک یازیردی : "... قلمین اُولزو زمانه - نین آغ ایشلریندن سارالمیشدیر . قلم سۆزون غیرت سبزلکیندن قاراسویا (ماتمه) یاتمیشدیر . منیم قلمبمین ایشی اُولنا گؤره دۆز گتیرمیرکیمی ، سۆزون روزگاری مرکب قابی کیمی قارادیر ... بیزیم اینجیمیز (سۆزوموز) آراسیندا اصلینده بیر باغلیلیق واردیر : سن سۆزون ذوالفقاریسان ، حسام ایسه چاکری (توکری) ." .

شاعرین سۆز صنعتینین حرمتدن ، نفوذدن دۆشمه سینده اشاره ائدن مصرا - علاریندا زمانه دن کایت موتیولی نظره چارپیر .

"حسام" و "ذوالفقار" سۆز لرینین آنلامیندا کی یا خینلیقدان "حسام" قیلینچ ، "ذوالفقار" ایسه ابکی فقره لی قیلینچ - حضرت علی نین قیلینچی دیر) با چاریقلا استفاده ائدن حسام خویی معنالی ، گؤجلو تشبیه یاراتمیشدیر . جواب قصیده سینده ذوالفقار شیروانی نین اُولز بؤکسک قیمت له ندیرمه سسی حسامین شعر صنعتینده عوضیمز بیر اوستاد اُولدوغونو گؤسته ریر : "سنیمن طبعینه ، یعنی کامل نظمین نین نفسینه آندا بیچیرم ، سۆزون ذوالفقاری ، حسامین طبعی نین خنجرى قارشیندا قالخا نینى قالدیرسا دا ، عاجزلیکدن خجالت چکدی ." .

حسامدا ذوالفقار کیمی "اینجی سپه ن قلمی نین سوا یی سینی اوج آتسلا

ساغا - صولا چاپميشدير . "يعنى حُسام اوچ ديله - (تورک ، عرب ، وفارس) يازيب - ياراتميشدير .

قايناقلار ، کاتالوقلار (حاجي خليفه ، ع . دولت آبادي ، دهخدا ، ع . - منزوي ، محمدعلي تربيت ، م . آقاسي) اونون باش اثری، آغا بزرگ تهرانی ایسه بیر "دیوان"ی دا اولدوغونو یازمیشلار . البته ، حسامین دؤورو وحیا تی ، بدیعی علمی ارثی ایندییه قدهر اوگره نیلمه دیگیندن بۇرقمی تخمینى حساب ائتمک اولار .

حسام ۱۳ نجی عصرین گؤجلو لکمی کو قرافی اولموش آذربایجان دیلینده نظمه چکدیگی "تحفه حسام" دان باشقا ، فارسجا - عربجه "نصیب الفیطیان و نصیب الطیبیان " ("گنج لرین قسمتی و خیر خواه ایضاحات ") آدلی منظوم لغتینی ده یازمیشدير .

فاکتلار گؤسته ریرکی ، اورتا عصرلرده هم ایضاحلی ، هم قافییه ، همده منظوم لغت لرین مؤلف لری بیر قایدا اولاراق شاعر لر اولموشلار . مثلاً "قطران تبریزی ، اسدی طوسی ، حوبیش تیفلیسی ، ابونصر فراهی ، حسام خویسی ، هندوشاه نخجوانی لغتچی اولما زدان اونجه شاعر ایدی لر ، چونکی بئله لغت لر - یین بیر قسمی بدیعی اثرلرده جتین باشا دؤشونولن سؤزلری شرح ائتمک احتیاجی اوزوندن ترتیب ائدیلمیشدیرسه ، دیگر بیر قسمی شاعرله قافییه سئچمکده یول گؤسته رمک ، دیل لری اوگرتمک ضرورتیندن یارانمیشدير .

منظوم لغت یازماق داها جتین ومسئولیتلی ایشدیر بئله کی ، منظوم لغت یازان هر ایکی دیلی گؤزل بیلن ، هرایکی دیلین افاده واسطه لریندن مهارتله استفاده ائدن ، اینجه لیک لرینه بلد اولان بیر شاعر اولمالی ایدی .

۱۳ نجی یوز ایلیگی ییرینجی یاری سیندا یازا ییب - یاراتمیش فارس شاعری ابونصر فراهی ۱۶۱۷ / ۱۲۲۰ - جی ایلده نظمه چکدیگی فارسجا - عربجه "نصیب الصبیان" ("اوشاقلار اوچون اساس") آدلی منظوم لغتی ایله شعرله یاخین شرقده لغت ترتیب ائتمه گین اساسینی قویموش و منظوم لغت یازماق ساحه سینده بیر مکتب ، عنعنه یاراتمیشدير .

آذربایجان عالم لریندن فراهییه مراجعتله "ای صنم ، اگر سن گؤزل سن سه ، میز ده اوزوموزه گوره پیس ده گیلیک ، اگر سن اوزونه عاشیق سنسه بی - اوزوموزه عاشیق ده گیلیک" دثیمن ، اونا ایلك نظیره یازان و منظوم لغت ساحه سینده ایلك تشبث گؤسته رن حسام خویی اولموشدور .

"تحفه حسام" یین سؤزلویو ۲۶۱۵ لئکسیک واحدن (بونلاردان ۱۳۱۱ - یی فارس ، ۱۳۰۴ - و تورک سوزو دور) ، عروضون ان چوخ ایئلنمیش زمل ، هزج بهر لرینده یازیلیمیش ۲۰ قطعه دن - جمعی ۲۹۶ بیتدن عبارتدیر .

مؤلف "تحفه حسام" دا سوزون معنا سینی آچماق اوچون آشا غیدا ک -

اصوللاردان استفاده ائتمیشدیر :

- ۱- لغتده بیر سۆزۆن بیر مقابلی ، اکویوالانتی (معادلی) وئریلیر .
- ۲- بیر سۆز ایکینجی دفعه تکرار ائدیلسه ، اؤنون اولکی مصر-
عدا اؤلدوغونا " دخی" سۆز ایله اشاره ائدیلیر .
- ۳- مصرعلارین دئمک اؤلارکی ، هامیسی اؤیناق ، یاددا قالان ، آهنگداردییر .
مؤلف آذربایجان دیلینده داخلی قافیهنین اینجه ، آخیجی نوعونو یارا -
تمیشدیر . بؤایسه سۆزترین تئز ازیرلنمهیسی ، یاددا قالماسی اؤچون
مؤلفین ائرده استفاده ائتدیگی ان مقصده اویغون اصوللاردان بیری دیر :
درد- آغری ، دزد - اؤغرو ، درون - ایچ اؤدر- قاپی
بگاہ - ار اؤ دیر- گنج اؤ دور- ابراق دورور
دؤزخ - تامو ، همه - قامو موییدن - آغلاماق
پریدن - اوجماق ، ایلاه بهشت - اوجماق دورور .

تؤقو - بوی اؤ بوی - بالا ، دئییه سن قماش - کالا
اولیا - بزرگ ، والا اولولاماغا - گسرامی

بارماق - انگشت اؤکؤمور - انگشت ایمی - ش
منگنه - چرخشت اؤکرپیچ - خشت ایمی - ش

- ۴ - ایلیکین اورتا عصر آبیده لری نین دیلینه خاص اولان بیر جهته - سۆزترین
موازلیلیگینه سینونیم لر جرگه سینه بؤ لغتده آز تصادف ائدیلیر . بؤ لغتین
منظوم اولما سیندان ایره لی گلیر .

۵- لغتده بیل سن ، آنلاغیل ، ده ، آبیق ، شول ، ایلا ، کما (همچنین) ، دئییه سن
سۆزلی ایله تئز - تئز اؤخوجویا مراجعت ائدیلیر .

"تحفه حسام" دیلیمیزین قدیم دؤورونون لئکسیک ترکیبی ، گراماتیک
قورولوشو ، فونئتیکی سیستمی حقینده زنگین ماتریال وئره ن آبیده دیر . بعضی
فاکتلارا مراجعت ائدهک : لغتده فعل مصدر و دیگر گراماتیک فورمالاردا وئر-
یلسه ، ، سمنتیک (معنا) باخیمدان معاصر دیلیمیزده کی فعل لردن فرقله -
نمییر .

●
قاز دئمک دیر بکاو . قازما مکاو
دؤک دئمک دیر بریز ، دؤکمه مریز
هرکه جویدیا بد- ایسته یین بؤولا ،
گفتن - دئمک ، شنیدن ائشیتمک ، جوان - یگیت

زادَن تۇغورماق ايسه نهادن - قۇماق دورور .

لغتين اۇن اۇجونجو قطعەسى بۇتونلوكلە فعللردن بحثا ئىدير .

اسم ، صفت ، ساي عوضلېگە عابىد گتېردېگىمىز مثاللاردا بۇنلار يىن

دېلىمبىزىن معاصر مرحلەسىندەكى آدلار دا موافقلىگىنى ثبوت ئىدير :

ۋىد - يۈز ، نود - دۇقسان بېل ، پنجاه اللى ، قىرخ چىل ،

هفتاد - يىتمىش آنلاغىل ايگىرمى - بيست او سى - اوتوز

قارە - سياه ، كبود ، گۇي ، اسپيد - آق

بيد او سپيدار سۇگۇد او قۇواق دورور

نسنە نۇن ايمسى خداوند او خىديو

هم بېهادورلوق - دلير او آلپ - يىنو

لغت دە تىز - تىز تصادفات ئىدىگىمىز سادە جملەلر سۇز بېرلشمەلرى

دېلىمبىزىن او زامانكى سىنتاكتىك قورولوشو حقىندا تام تصور يارادير .

● رەب سەردە زمستان كى ، گىتدى قىش سۇوغى

بېهار آمدمعناسى گلى يىئە يىازدور

آجوق ياتمىشا دىرلر خفته عىريان

اۇجوق توتمىشا دىرلر دىسو فرماي

كۇمكى نطق حس لرى و گرامماتىك حال شكىلچىلرى دە مۇلغىن دقتىندن

يا يىنما مىشدير :

● بر - اوزره ، با - ايله ، دن - از ، در - دە

لغتين سۇزولويو لىكسىك - سمانتىك باخىمىندا ن چوخ رنگارنگدىر .

بورادا انسان وقوهوملوق مناسبتلىرىنى سىلدىرن ، بدن عضولرىنى افادەلەش

ترىمنلر ، سىلاح ، گىنىم ، يىتمك ، مختلىف اشياء آدلارى ، بىتگى لروحىوا -

سار عالمىنە ، طبعىتە مخصوص آدلار وسايرە موجوددور ، لغت آشا عىداكىسى

مصراعلاردا تاماملانير :

● بوكتابى اۇقىجاق ، لغتين يىتىن تويوجاق

آناكىم گرەكدىر خىيرە ، آناخىرلە حسامى (۱)

اكر اۇل حسامى شاعر ، بو حسامى بېر گۇرەيدى

دىئىدى زھى ، دۇرەيدى ، سۇزو دفتىرىن دورەيدى

اۇجونجو مصراعداكى "حسامى شاعىر" و "بو حسام" افادەلرى ايله مۇلف

اۇزۇنە اقارە ئىدير . شاعر حساملا ، لىكسىكوگراف حسامى مقايىسە ئىدير ،

اۇسونلويو منظوم لغت يازان حساما وئىر .

مۇلفا ئىرسن اۇنونجو قطعەسىنىن آخىرىندا دا اۇز آدىنى وئىر :

چون موشله حروف اولدی تامام

ختم ائدوب والله واعلم درحسام

حسامین ارمغانی اوزوندن مونرا ترتیب ائدیلمیش بیر سیرالغت لسه
تأثیر گؤسته میشدیر . ۱۶ نجی عصرده یا شامیش تورک عالمی . شاعری ابراهیم -
بن خداداد شاهی "تحفه شاهی" آدلی لغتینی حسامین "تحفه حسام" "یتدان
الهام آلاق ۱۹۲۰ / ۱۵۱۴ - جو ایله نظمه چکدیگینی بیلدیر میشدیر .

"... اوقودوم اولاً " تحفه حسامی "

معطر اولدو اؤنولا جان ششامی

دیله دیم کی ، یازام بیر خوشجه نامه

نظیره اولاول ، " تحفه حسامه "

"تحفه حسامی" ایستهر صنعتکارلیق ایستهرسه ده سؤزلو یونون زنگینلیگی

باخیمیندان قدیم اولوبی عنعنهلری اولان بیر دیلین آبیده سی دیر . بواثر

بیرداها تصدیق ائدیگی ، ۱۳ نجی عصر دن اول آذربایجان خلقی نین شفا هی

ویازیلی دیلینده نظم ونثر آبیده لری اولموشدور . لاکین اولار مختلیف

سیبلر اوزوندن هله ده خلقیمیزه چا تدیریلما میشدیر مثلا ۱۱نجی عصرین

ایکینجی یاری سیندا بیلقان شهرینده دونیا یا گؤز آچمیش آذربایجان ادیبی

وشاعری مسعود بن نامدار فخریه سینده اوزونون عجم ، عرب ، ذمی دیل لری ایله

یاناشی تورک دیلینده ده شعرلر یازدیغینی بیلدیر میشدیر تأسف کی

اونون دا تورکجه شعرلری ایندییه قدهر ایته گین دوشنلر سیرا سیندا دیر .

دیل و ادبیات تاریخیمز اوچون بویوک اهمیت کسب ائدهن "تحفه حسام"

آذربایجان لئکسیکوقرافیکاسی تاریخینده ایلك منظوم لغت حسام خوبی یسه

منظوم لغت لرت ترتیب ائدن ایلك آذربایجان عالمی دیر .

ع- ن - نجیب ۱۶ نجی عصرده هندوستاندا بدرالدین ابراهیمین ترتیب

ائتدیگی " سخن گویا و جهان گویا " (" دانشان و دونیا نی اوگره نه نین لغتی ")

اثری نین آلتی صحفه لیک تورکجه - فارسجه - عربجی کینی تورک - فارس لغت -

لری نین ترتیبی ساحه سینده ائدیلمن ایلك تشبث کیمی علامتدار اولدوغونو

یازیر (باخ : تورکسکی یازیک دئلیسکو قوسلطانا تا ۱۱۴ ونجو وثکا " سؤو

تورکولوقییا ، ۱۹۸۲ ، نمره ۲ ، صفحه ۷۲)

حالبوکی ، تورک- فارس لئکسیکوقرافیکاسی تاریخینده ایکی دیللی

لغت لربن ترتیبینه تشبث گؤسته رن ایلك عالم لرحسام خوبی ، هندو شاه بخجو-

انی ، ایلك اثرلرایسه " تحفه حسام " و " الصاح العجمیه " ده

" تحفه حسام " ۱۳ نجی عصر کلاسیک شعر دیلیمیز حقینده گئننن صوربارا -

دان ایلك اثر دیر . لغته آذربایجان دیلینن سنیتا کتیک - مورفولوژی

قايدا لار ئىچىن تەرىپ ئىدىلەمەن (بەئىزى استىئىنلا لارا) عروس وزىنى ئىچىن ئىلەلەر-
 ىنە اۇيغونلاشماي ، باشقا سۆزلە دىشك ، شەر دىلەمەزىچىن چىن دە اۇلسا
 آرتىق عروس وزىنى ئىچىن آھنگى اىلە اۇيۇشماي گۆستەرىركى ، آذربايجان
 كلاسىك شەرىندە بۇ وزىنى گۇچدوبو بۇل چىن (نظمى - نازىك توركى لىغزىلە
 اىكن دشوار اۇلۇر - فضولى) اۇلمۇش ، حسام بۇ بۇلۇن ۱۳ ئىچى عىردە كىي
 بولچولارىندىن ، دوا مچىلاردان دىر .

حسام لغتى آذربايجانچا نغمە چەركن عروضا با غلى چىنلىكى آرادان ،
 قالدىراق و عروس وزىندە كى آھنگدار لىغى ياراتماق مقصدىلە دىلەمىزە
 ياتىملى ، آسان تلفظ ائىلەن ، تىز ياددا قالان آنلاملى ، آھنگدار سۆزلە
 برابر ، وورغۇ ، اىنتوناسىيا دان دا استفادە ائتمىش دىر . بۇنا گۆرە دە
 حسامىن منظوم قطعەلەرنى اۇخوياركن اۇنون عروضا نىغىنى تۇتدوغونو
 عروضا كلاسىك شەرىمىزدە اۇزۇنە يىر ائىدىگىنى دۇيوروق . شەبەسىز ،
 آذربايجان شەرىندە عروضا مىللى شەنەسىندە حسامىن دا خەمتى واردىر .

ئۇقۇم حسام " تورك دىللى اشركىمى ، تورك دىللىرىنىن اۇگرە نىلەسى
 باخىمىندان توركولوگىيا علمى اوچون عوضىز منبع دىر .

اىسى = صاحب ، آلپ = اىگىد ،

يەتەن = قدرتلى ، زھى = عشق اۇلسون

دورەيدى = اچالشايدى ، ۲- با غلىيايدى ، اۇرتەيدى ،

موشح = زىنت ، بربزەك ،

معطر = عطىرلى ، مشام = اىي دۇبخوسو

والله علم = اللەبىلەر ، دىيەدى = دىيەيدى ،

اوقىچاق = اوقوياچاق ، قوماق = قويماق ،

سۇغى = سۇيۇقۇ ، دىر = دىيەر ،

ار = اركن .

طىبە غلىگراوا

جمىلە صادق اوا

۱- بوكتا بى اۇخويان كىمى لغتىن كامل دويياچاق اونا كى خىرى گرەك (اولا) ،
 حسامى خىرلە آناچاق (ياد ائدەك) . وارلىق .

قرآن واسلام

گئجميشده حضرت محمد (ص) بين اوز بويروقلارى اولان "نهج الفصاحه" هابلله حضرت على (ع) نين سوزلىرى وخطبهلىرى كتابى "نهج ليلاغه" دن سئجلميشن پارچالارى عربجه سايله بيرليكه آناديلىمىزده "وارلىق" دا تدرىجى شكلده نشـــــــر ائتميشديك .

بو صابيدان قرآن واسلام باشلىقى ايله اسلام دينىن مقدس كتابى رآنا - ياساسى اولان قرآنين نئجه ونه زامان نازل اولوب ، كتاب شكلينده تويلانمىسى ، سوره وآيهلىرىن ترتيبى ، يازىسى و يازىنن انكشافى موضوعو ، علمله ، عقل و منطقله مناسبتى ، تانرى ، مخلوق ، كائناته انسان وجامعه حقينده كى دوشونجهلىرى ، توصيه ائتديكى اخلاقى قاعدهلىرى بارهده قيما ويىغجام ايضاحات وئترندن صونرا قرآن واسلام حقنده بعضى غرلىرىن گوروش ودوشونجهلىرىنى نقل ائدهجگىك .
بو مقالولرىمىزى حاضىرلاركن داها چوخ آرازىن او تايىندا ياشايان قارداشلارىمىزى هله ۷۰ ايل مجبورى اولراق اسلام معارفندن محروم و مسلمان دونياسىندان خبرسىز قالماقلارىنى نظرده توتوروق . مقصدىمىز اولنلار بو مدتده آشيلانن يانلىش فكرلىرى دؤغرولتماق ، اوخوجولارىمىز اهو يتىمىزىن بويوك حصهسىنى تشكيل ائدهن ، وارلىغىمىزلا يوغرولان اسلام دينى ومدنىتى نى يوگىك سويتمهده تاننىتماق اولنلار حقيقى مسلمانلىغىن اساسلارىنى خا طرلاتماق اولاجا قدير .

قرآن كريم حضرت محمد (ص) هكه ومدينهده ۲۳ ايلده وحى شكلينده نازل اولموش بوتون مسلمانلاربن مقدس كتابىدير . وحى تانرى طرفندن ويىغمبره بىلدىرىلنن ، دويورولان الهام دير . الهام هر كس طرفندن سنئرىلنن ، دويولان حى ديرويا نلىشدا اولابيلسىر . وحى يالنىز تانرى طرفندن و آنجاق بيىغمبرله مخصوص دۇر . قرآن (اوخونان) دشمكدير اوخو سوزوايله بيىغمبره نازل اولموش ، بىلدىرىلميشدير حضرت محمد (ص) بين اوخوماق حيا زماق بىلمهديگىنى نظرده توتارساق قرآنين اوخو كلمهسىله باشلاماسى واسلام دينىنن ، اوخوماق و علمله مناسبتى ايندىن آيدىن اولور .

قرآن كريم آدينا اويفون اولراق يئر اوزونده ان چوخ اوخونان كتابدير (آنسيكلوپديا بريتانىكا) عصرلردن برى حافظلر اونو ازبرله يهر ك يادداشلارىبىندا ياشادىرلار ، قارلر (قرآن اوخويا نلار) اونو ان گوژهل و سئويملى آهنگله اوخويار و مسلمانلاردا تمىزبير قلبله اولنلارى دينلر ويا اولزلى اونون سوره وآيهلىرىندن اوخورلار . قرآن تكجه دينى كتاب ديركى بيىغمبر زامانىندا نازل اولدوقجا

با زېلمېش و آزمدت خونړا عَمَر و عُمّان زامانيندا توبلانمېش و تکثير ائدېلمېش دېر.
قرآن انسانلاری تک بېر تانربنې تانېماغا ، آنجاق اؤنا پرستش و قۇللوچ
ائتمهگه و اؤنا تسليم اؤلماغا (توحيد) و اؤندان باشقا کيمسه بيه ايېلمهگه چا -
غيرير . قرآن کریم سا يه سينده پېنغمبر عربستاندا حاکم اؤلان شرک ، نيت پرستليک ،
ظلم و جهالتي آرادان آپاردی و اؤنؤن بئرينه توحيد ، عدالت و قارداشليغی بېرپا
ائتدی . اؤ جاهليت دؤرؤنده بېر - بېرلريله دؤيؤش جاهل قبيله لردن بېر واحد
اسلام اؤمتی و جامعه سی ياراتدی و اؤنلاری آلله اکبر شعاری آلتيندا بېراشديره رک
بؤيوک بېر ملت - اؤمت و دولت قۇردو . حضرت محمد (ص) تاريخده يگانه رهبر دېرکي
گتيرديگي ايدئولوژينی اؤزو حياتا گئچيرميشدېر و اؤنؤن گتيرديگي دين ۱۵ عمر -
دېر ياشا مقدا و بؤ گؤن بېر ميلياردروايکي يۆز مين مسلمان اؤنا اينانما قدادېر
البته اؤنؤن قرآن کریم واسطه سيله تبليغ ائتديگي اصول و قاعده لر زامانلا بېر
چؤخ دگيشيکليکلره معروض قالميش و بعضاهه اصليندن چؤخ - چؤخ اؤزا قلاشميشدېر
لاکين اؤنون قويدؤغو اساسلار هله ده اؤريژينالليغينی قۇرۇما قدادېر .

قرآن کریم انسانلارا عدالت ، آزادليق ، برابرليک ، باريش و قارداشليق
توصيه ائدېر ، انسانلاری بېر حېرينه شفقتلی و صهربان اؤلماغی و آرالاريندا
رنگ ، عرق ، ديل آيرپليغی نا گؤره فرق قۇيما ماغی ايسته بېر . فضيلتي و اؤستو -
نلوگو مئتقېليک (پيسليکلردن اؤزؤنو قۇرۇماق) ده گؤرؤر و مسلانلاری هرملت
و طبقه دن اؤلسا - اؤلسون بېر - بېرينه قارداش بېليير .

قرآن ان اؤلغون و کامل انسانی يئتېشديرمگي قرار وئرميشدېر . لذتفرهاه
قارشى اؤلما ديغی حالدا ، انسانليق زيروه سينه چاتماغی ، کمالي مقدمقرار وئر -
ميشدېر .

قرآن کریم باشدان باشا بېر حکمت خزينه سيدير ، اؤنؤن قصه لريده عبرتله
دولۇ اولۇب انسانلاری فضيلته تشويق ائدېر . حقيق باطله ، عدالتين ظلمه غلبه
چالاجاغينی مۇده وئريير .

قرآن کریم ايمن و عمل صالح يعنى اينام و ياخشى ايشلر بۇليله انسانلا -
رېن خوشيخت اؤلجا غينی بيلديريير .

بېرآز اولده سۇيله ديگيميز کيمي قرآن دۇنيادا ان چؤخ اؤخونان کتاب دېر
و زامانلا اسلام معارفی و سيويليزاسيونون تشکيلينه سبب اولموش ، باشقا بېر
مقاله ميزده (اسلام مدنيتی نين غرب مدنيتی نين ظهورۇنداکی تاثير) يازديغيميز -
کيمي بؤگؤنکو غرب مدنيتی نين ظهورۇندا اساس تشکيل ائتميشدېر .
تاريخ بؤيؤ حافظ لريميز اؤنو ازبېرله ديکلری کيمي مۇمتمرلريميزده اؤنؤ

يۇرۇملايمىش ، كلام عالملىرىمىز عقلى دىلىل لىرلە ، سلام دىنىنىن اسا سلازىنى بىيان
 اشتمىش ، فقە عالملىرى حلال و حرامىنى آچىقلايمىش ، واعظ لىرخلقى ارشاد اوچون
 گۈزەل نمونەلەر و تىرىش ، شاعر وادىبلىرىمىز اۇنداكى مفھوم و موضوعلاردا نا لھام
 آلاراق بۇيۇك دىوانلار يازمىش وادىبات خزىنەلىرى يارا تىمىشلار . خطاط لارىمىزاۇنۇ
 گۈزەل يازماق اوچون صنعت ھىرلىرىنى ايشلەمىشلەر بۇنلار بىن ھامىسى بۇگۇنۇ ورتاق
 اسلام مدنيتىنى ميدانا كىتىرىمىشدىر (دوقتورۇع - كىكى اوغلو ، قرآن كریم بىلگىلىرى
 وحى بىن باشلاماسى :

وحى اشارت ائتمك معنا سىنا دىر . حضرت محمد (ص) پىغمبرلىگە آلأھىن وحى
 ایلە مبعوث اولماقدان قاباخ امانت و صداقتى ایلە مشهور اولدۇغۇ اوچون محمد امین
 (امین محمد) آدلانىردى . او چۇق واقت خلق دن و مکه شھرىنىن شۇلوقلوغونىدان
 كىناردا ودىنچ بىر بىئردە دۇشونوب اىناندىغى تانىرىسى ایلە اۇرەكدن علاقە
 قۇروب باش - باشا قالماق اوچون مکه نىن ۳ كىلومىترلىگىندە حرا داغىندا كىسى
 مغازا يا گىئدر وساعاتلار اۇرادا قالدى . بىر گۇن مغازادا الھى بىر حوضرا يىچىندە
 اىكن بىر ساشىتدى ، سى داشلارادا تاشىر ائدە چك قدر آچىق و ھىبىتلى اىدى :
 اقراء اوخۇ دىدى . محمد (ص) تىترەك بىر سىلە : من اوخۇماق بىلمەرم ، دىدى بو
 سى اوچ دفعە تىكرار ائدىلدى . اوچونجو دفعە محمد (ص) ، نە اوخۇيوم ، دىدى بو
 دفعە ملك اۇنا بىلە جواب و شردى : اقراء باسم ربك الذى خلق ، خلق الانسان من
 علق ، اقراء وربك الاكرم الذى علم بالقلم ، علم الانسان ما لم يعلم : اوخۇ
 يارادان تانىرىنىن آدىنا ، اۇانسانى لختە (قان پىقتى سى) دن ياراتدى ، اوخۇ قلم -
 لہ اۇگرەدن كریم (سخا ولى ، الی آچىق) تانىرىنىن عشقىنە ، اۇانسانا بىلمەدىكلر -
 بىنى اۇگرتدى ، حضرت محمد (ص) دە ھمان سۇزلىرى تىكرارلادى ، پىغمبر بو حادىشنى
 بىلە نقل ائدىر : اۇقا بىتدى گىئدى ، من بۇخودان اۇيانان كىمى اۇلدۇم مانكىسى
 قىلبىمە بىر كىتاب يا زىلمىشىدى مغازادا ن چىخىب داغىن اۇرتاسىنا گىلدىگىم واخىت
 گۇئىدن بىلە بىر سى گىلدى :

يا محمد ، سن آلأھىن ، رسولوسان ، من جبرائىلم .
 باشىمى قۇوزا بىب گۇبە باخدىم : جبرائىل بىر ادام شىكلندە ، آياقلىرى افق دە . . .
 دۇردوم ، گۇزلىرىم اۇفوقە دالمىش ، ھانگى طرفە باخسام ملكى اۇطرفدە گۇردوم .
 بۇحال دانە قدر قالدىم ، بىلىمىرم . سۇنرا او گۇرونمز اولدى مندە مکه يە عىالى -
 مین يانىنا گىلدىم . ائوۋە گىلدىكە قارىسى حضرت خدىجە سۇرۇشودۇ : يا محمد سنى
 نە اولدۇ ، ھاردا بىدىن ، سنى آخنارماق اوچون خدىمكارى دالىنجا گۇندردىم .

۱- قرآن كریم بىلگىلىرى ، دوقتورۇع عثمان كىكى اوغلو . صفحە ۱۳ - آتكارا - ۱۹۸۹

حضرت محمد (ص) باشيندا ن گئجنلرى حضرت خديجه به آنلاتدى . اودا :

مژده ، مژده ، دئدى خديجه نين نغمىنى (جانينى) قدرتلى الينده توتانسا
آندا اولسون كى سن بۇ امتين بيغمبرى اولجا قسان . صونرا ارينه بير آز
دينلنمه سيني سويلهدى وعجله عم اولغوسو ورقه بن نوفل ين يانينا گئتدى
واونا اولوب بيتنى آنلاتدى ورقه سوادلى ، كوربير قوجا ايدى . آلاها اينان ييرو
انجيلى ترجمه ائتميشدى ورقه حضرت خديجه به دئدىكى : ورقه نين حياتى ،
قدرتلى الينده اولانا آند اولسونكى اگر بو حادته آنلاتديغين كيمي ايسه ،
اونا ، موسى يا گلن ناموس اكبر بويوك ملك گلмыш . او بۇ امتين بيغمبرى
دير . اونا سويله دايانسين ، قومي اونو وطنيندن چيخاردا جاق ، كاشكى وكون
من ساغ اولسام واونا يارديم ائتم .

حضرت خديجه اشوه قاپيتدى و بيغمبره ورقه نين سويله ديكلرينى

آنلاتدى . حضرت محمد (ص) تانربيه شكر ائدبب كعبه نى طواف ائتمگه گئتدى
و اورادا ورقه نى ، گوردو و اونا باشيندا ن گئجنلرى سويلهدى .

بئله ليك له حضرت محمد ۴ ياشيندا ايكن ۱۶۴۰ ، رمضان آي نين ۱۷ ويا

۲۱ - اينده دوشنبه گونو (پازارته سي) بيغمبر ليگه مبعوث اولدو . تانرى طر-
فندن وحى اولان كيمسه به نبي ويا رسول دئيلر . نبي ، خبرچى دشكدير ، رسول
ايسه ائلچى معنا سينا دير . رسول كتابى اولان بيغمبر دير .

بو حادته دن صونرا ورقه اولدى و بو صيرادا فترت وحى (وحى ين كسيلمه سي)

دوورنده باشلادى و ۳ - ۲ ايل دوام ائتدى .

وحى ين كسيلمه گيندن حضرت محمد (ص) چوخ غصه لندى ، چولره گئديسيب

دولانير وتانربيه يالوار بردى . بو مدت ده حضرت خديجه اونو اووودورو آلاهي
اونو اونوتما دغيني سويله بير ويينه وحى ين گله جگينه اينان ديرماق ايسته بير-
دى . بالاجره فترت دوورى باشا جاتدى و بيغمبره بو وحى گلدى :

وانذر عشيرتگ الاقربين : ياخين قوهوملاريني اسلاما دعوت ائت . بيغمبرعا ثله

وقوهوملاريني دعوت ائديب اونلارا تانرى نين بو بروغونو و او ز بيغمبر ليگيني
اعلان ائتدى . اولاه حضرت خديجه ، حضرت على (اون ياشيندا) و غلامى زيد بن حارث
مسلمان ليغى قبول ائله ديلر . صونرا ابوبكر و اونون آرديندا ن عثمان ، عبدالر-

حمن بن عوف ، طلحه ، سعد بن ابى وقاص و زبير مسلمان اولدولار .

بير مدت صونرا بيغمبرين عمى سي حمزه وعمر مسلمان اولاندان صونرا

دعوت آچيق شكيلده دوام ائتدى .

هوندا ن صونرا پيغمبره اينانمايان كيمسه لر خصوصى ايله اؤز قبيلهسى قريش ليلر اؤنؤن قارشىسينا چيخديلار و اؤنا جوربه جور بهتانلار وۇردولار. اذبت لر وئرديلر ، اؤنا سحر باز ، كاهن ، شاعر و مجنون دئديلر .

بۇنلاردين باشيندا اؤلان ابوسفيان رابوجهل هر كسى پيغمبره قارشى تشويق ائديرديلر. قريش لير پيغمبردن اؤنلارنى اينانديرماق اوچون موعزه ايسته - بيرديلر . اؤدا بئله جاواب وئيردى : **اَنَا بَشَرٌ مِّثْلَكُمْ ، بُوْحَىٰ اِلٰى : مَنَدَه سِزِين كيمي بير انسانام ، آنجاق منه وْحَىٰ اُولُونوركى تانرى نيز بير تك تانرى دير (كهف سورهسى آيه ۱۱۱)** صونرا تانرى طرفندن بئله دئيبير : **قُلْ اِنِّي لَآ قَوْلُ لَكَ عِنْدِي خَزَائِنَ اللّٰهِ وَلَا اَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا اَقُولُ لَكُمْ اِنِّي مَلَكٌ اَنْ اَتَّبِعَ اِلَّا مَا يُوْحَىٰ اِلَيّْٖ : دىكى ، من سيزه دئيميرم تانرى نيين خزينه لرى منده دير ، غيب دنده بيلميرم ، دئيميرم كى من مَلَكٌ من آنجاق منه وحى اؤلانا تابعم (تابع = اوبماق) صونرا عنكبوت سوره سينده دئيبيركى : سيزه بۇقرآن كافى دگيل مى؟ گئت - گئده قرآن و پيغمبره اينانانلار چۇخالديلار ، اسلام هامى انسانلاردين تانرى قارشىسبندا بير - برابر اولدۇغونو و آغين قاراي ، قريش لى نيين حَبَشَلِيَه بير اؤستونلوگو اولما دىغينى ، فضيلت و اؤستونلوگون ياخشى ايش گۇرمك عليم و تقوا (پيس ايشلردن ساقينماق) دا اولدۇغونو تبليغ ائله ديگى اؤچون ايلك ايللرده داها چوخ بۇخۇل كيمسه سيزلر اؤنا اينانير و اطرافينا بيغيشيرديلار . بوايللرده پيغمبره هامى دان چوخ حضرت خديجه و اؤز عمىسى ابوطالب يارديم ائتديلر. ۶۱۷ ايلينده قريش لى - مسلمانلارنى بايقوت ائله ييب هر جور علاقه نى اؤنلارلا كسديلر . اؤنلارنى شهردن انشييه تبعيد ائله ديلر اونلار اوچ ايله ياخين بير مدت شعب ابوطالب آديندا بيردرده ده چوخ چتين شرايط ده ياشاديلار . ابوطالب و حضرت خديجه بۇ سۇرگون حيا تبندا خسته - له نيپ اولدولر .**

بالاخره ۶۱۹ دا بايقوت قالديريلدى و مسلمانلار تازادان مكه يه قابيتد - يلار فقط ۱۳ - اينجى ايلده قريش نيين باشچيلارى بير بيغيتنا قدا بيغيمبرى توتوب اولدورمه گه قرار وئرديلر . بۇسب دن پيغمبر مكدن كؤمگه (هجرت) قرار وئردى و ابوبكر ايله بيرليكه مكدن چيخدى و حضرت على نى اؤز بئرينده بۇراخدى : **بُوْ مَهْجَرْت دَا هَا اَوَّل مَدِيْنَه دَنْ كَلَنْ و مَسْلَمَان اَوْلَان كِيْمَه لِرَه قَوْل و قَرَار اَوْرَبْنَه اَوْلَمُوش بئله كى مدينه ده اؤنؤ ياخشى قارشلاميشلار و اؤرادا پيغمبر - و بولداشلارنى ايلك مسجدى تيكديكن صونرا اؤز لرينه بير مركز قۇرموشلار و نهايت ايلك اسلامى دولتيني برپا ائتميشلر .**

قرآن كريم آيه و آيه لر تۇپلوسو سۇره لر شكلمده تدريجا نازل اولموش دور. (۱)

(۱) - آيه ، آيت علامت ، نشانه ، دليل و معجزه دئمكدير

بۇبارەدە تۆرگ شامىرى سليمان چىلىي بىلەن دىمىشىدىر :
 فخر عالم اشردى چون قىرىق ياشىنا قۇندۇيس تاج نبوت ياشىنا
 ايندى قرآن آيت - آيت بيتىنات ظاهر اولدى نىجە تۇرلومعجزات
 قرآن سۇرەلىرى مكى ومدنى اولراق ابكى قىسمە آيرىلىرى .

۱ - مكى سۇرەلىرى : بۇنلار ھىجرەتە قدر نازل اولانلاردىر . قرآن ۱۴ سۇرەدىر .
 ۲ - مدنى سۇرەلىرى : ھىجرەتەن باشلاپ راق ھىجرەتتەن ۱۰ - اۇنجۇ ايلينە يىغىرىن
 اولۇمۇنە قدر (۶۴۳) نازل اولان آيەلردىر .

مكى آيەلىرى مدنى آيەلردىن چوڭدور مكى آيەلىرى قرآننىن ۱۹ ومدنىلىرى ۱۱ يىنى
 تشكيل اشدرلر . آيە وسۇرەلىرىن مكى ومدنى اولماغىنى بىلىمك^۳ ويا زمان و مكان
 جەتتىن نۇزولونو تانىماق اولانلارنىن معنا لارنىنى ياخشى باشا دۇشمك اوجون فايدالى
 وبعضا دە ضرورىدىر . مكى سۇرەلىرىن مابىي ۹۵ ومدنى سۇرەلىرى ۱۹ دور .
 بۇرادا بىير نىچە نىكتەيە اشارە ائتمك ايستە يىيرىك :

مكى آيەلىرىدىن اساسلارنىنا و توحىدە دعوت اشدر . انساندا گۇزەل اخلاق ياراتماغا
 قلب لىرىتدىن شرک و شر كۆكلىرىنى جىخارتماغا چاليشير . بۇنۇن اوجون اولانلار
 تانرىنى خاطرلادىر وعدالت ، احسان (باغىشلماق) و وفا كىمى اخلاقى فضىلتلىرى
 تولىمە اشدير ويلان ، زنا ، ادام اولدورمك ، قىزلارنى دىرى - دىرى تۇرپاغا
 باسدىرماق ، آلىش - وئرىش دە حىلە ايشلىتمك ، كفروشرک دن تانرىنى دانماق ويا
 اونا اورتاق تانماق) ماقىنماغى امر اشدير .

فرض (واجب) لره و احكاما عائد آيەلىرىن جوڭو مدنىدىر . مدنى آيەلردە
 ادام اولدۇرمة ، زنا ، افترا - بهتان و اۇغۇرلۇق جزالارى ، ائولنمە و بۇشانما اصول
 قايدالارى بىلىدىرىمىشدىر .

عمومىنلە يا ائىھا الناس (اى جماعت) ايلە باشلانان آيەلىرى مكى دىر . بۇنا قارشى
 يا ائىھا الذىن آمنو (اى اينانانلار) دىبە خطاب اشدىنلر مدنى دىر . چونكى
 مدىنەدە مسلمانلارنى مابىي آرتىشىش وداھا جوڭ خطاب اولانلار اولموشدور .

- مكى سۇرەلىرى قىيامدىر ، مدنى آيەلىرى اۇزۇن دور اسلوب ساكن دىر

- مكى سۇرەلىرى روحانى جذبەلىرى ، اۇرەگە ياتان و اخشابان مۇسىقى اھنگلرلە دولو -
 دور ، مدنى سۇرەلىرى درىس دوشونمگە سوق اشدير .

- مكى سۇرەلىرىدە كى سۇزىلدە عظمت و احتشام داھا اوستوندور مدنى سۇرەلىرىدە داھا
 جوڭ دىنى سۇزلىرى و احكام ترمىنلىرى (اصطلاحلارى) واردىر و قانۇن دىلىنە بنتزەر .

– مکی سوره‌لر نصیحت و وعظ له دُولُودور . مدنی سوره‌لرده فریضه‌لر (واجب اولانلار) جنایت ، جزالار و شخصی احوال دان بحث اولونار و عبادت‌لر ذکر اشدیلر .
 – مکی سوره‌لرده یهودی وخریستیان لاردان بحث یوخذور،مدنی سوره‌لرده یهودی ،خر- یستیان (نصارا) و مُنافقیندن بحث اولونور .
 – مکی سوره‌لرده جهاد یوخذور ، دعوت ،تبلیغ ، انذار و تهدید واردیرمدنی سوره- لرده جهاد آیه‌لری و قتال واردیر .

قرآن کریم ۶۲۳۶ آیه‌دن تشکیل اولونموشدور ۱۴۵۶ آیه‌سی مدنی و قالانی مکی دیر قرآنی یاغشی باشا دوشمک اوچون عربجه‌نی دریندن بیلیمک و اوزاما نکسی عربلرین احوال – روحیه وشرطلرینی اؤگرنمک وآنه‌لرین نه زامان ،هارادا ونه اوجون گلدیگینی بیلیمک لازم دیر .

قرآن دا شریعت احکامی عمومی دیر و جزئیات (تفصیلات) دا سُنته (پیغمبرین سؤزلری و عملی ، داورانیشی) احتیاج واردیر . مثلاً" ناماز ، اوروج ، ذکوة (ز- کات) و سایرهمیمی .بویاره‌ده پیغمبر(ص) اولوموندن بیرآز قاباغ ایتینه (اونا اینانان جماعته) بئله دشمیشدیر : ائنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و سنتی : من سیزه ایکی آغیر ،قیمتلی شی بؤراخدیم : تانرینین کتابی و اوز سنتیمی^(۱) بعضی شیعه عالمری سنت بیئرینه عترت (ائو و عائله ، اهل بیت) دشمیشلر . بؤرادا عترت دن مقصد پیغمبرین سُنتی دیر .(۲)

قرآنین مقصدی خلقی تانریبا دعوت ائنده رک جماعت آراسیندا عدالتی بر – قرار اشدیب . اُونو کمالا چا تدریرماقدیر .

قرآن داکی آیه‌لر ایکی جور دور . ۱- محکمت (محکم اولانلار) . ۲- متشابهات (متشابه اولانلار) .

محکمت یعنی محکم اولان آیه‌لرین معناسی آیدین دیر و اولنلارین توبلوسو قرآنین اساسینی تشکیل ائدیر (اَمّ الکتاب) : مبداء (باشلانقیج) ، معاد (صون) ونبوت (محمد(ص)ین پیغمبرلیگی حقنده کی آیه‌لر یعنی اصول دین (دین اساسلاری) باره‌ده کی آیه‌لرین هامیسی محکمت دا ندیر .

متشابهات آیه‌لری باشقا سینا دا شبیه (بنزر) اولدوغو اوچون اولنلاری آنلاماق داچتین دیر . باشا دوشمک اوچون تاویل (اصلینه مراجعت) و تفسیره احتیاج واردیر^(۳) بو تاویل و تفسیر محکم آیه‌لرین و سنتین کمکی ایله اولابیلر .

تانرینین صفتلری ، قیامتین و معادین (جزاگونو) و اوراداکی عالمین خصوصیتلری بهشت ، جهنم ، قرآنین قصه – داستانلاری متشابه آیه‌لرله بییان ائدیلمیشدیر . بؤرادا حقیقت و عقلی مفهولاری خلقه (عواما) باشا سالماق اوچون ۱- طبری تاریخی ، ۲ – کلید فهم قرآن ، شریعت سنگلجی .

۳- تفسیر فرسوزوندن دیر و اورتولو شئی آجماق و آیدینلاتماق دشمکدیر ، بؤرماق

اۇنسلارى مائى قالىپلاردا مالىب شكىللىندىرەك بىيان ائىدىلىمىشىدۇر :

قرآن انسانى پىشراۋزوتتە تائىرىنىن خلىفەھان شىنى بىلىپ. انسانلاردا عقل و شىچك صلاحىتى و قدرتى و شىرلىمىشىدۇر اۇنا گۇرەدە اۇز ايشلىرىندىن مئسول دۇلار .

انسانلار آراسىنداكى شىرىن (بىلىك) اساسىنى اۇنلارنى اۇزۇندە گۇرۇر. وجماعت وچا مەدەدە هر جور دگىشكىلىكى اۇنۇن روج - فكر و مدنىتەندەكى دگىشكىلىكىسدىن آسىلى اۇلدۇغو بىلدىرىپ: **اِنَّ اللّٰهَ لَیَغۡیِرُ مَا یَقُوْمُ حَتّٰی یُغۡیِرَ وَا مَا یَا نَفۡسِہِمۡ** . (تائىرى بىر ائلىن دۇرۇمونو اۇنلارنى نفس و روحلارى دگىشمەسە دگىشىدۇر). قرآن انسانى فكىرلىشىگە ، محاکمە و عقلىنى ایشلىتمەگە دعوت ائىدۇر . اۇنا گۇرە بىر چوخ بىردە سئوال شكىلدە بئلە خطاب ائىدۇر: **اَفَلَا تَعَقِلُوْنَ** : ھىچ فكر و عقلىنى بىر ایشلىتمىرسىنىز؟

قرآن تىقلىدى حرام و كور كورۇنا اطاعتى ضاللت بىلىپ و علمدىن اطالەت ائىتمە چا غىرىپ: **لَا تَقَفْ مَا لَیْسَ لَكَ بِہٖ عِلْمٌ اِنَّا لَسَمِعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفَوَادَ ، كَلَّ اُولٰٓئِكَ كَا نَفۡسِہٖ** مئسولا" (بىلمەدىكى نىن دالىنجا گىتمە ، ایشتە قولاق، گۇزۇ اۇرەك) نىن - ھىچ عقل) ھامىنى اۇندان مئسول دىلار .

قرآن حقىقەتلىرى آتلاماق و كىشدا شىتمكىن يۇلۇ و مئدۇنۇ دلىل و محاکمەدە گۇرۇر .

داھا اول دە سۇبلە دىگىمىزكىمى قرآندا بۇتون انسانلار تائىرى قارىنى سىندا برابر وائىشەت دىرلر . اۇتونلوق نقوا و علم بىلە دىپ . علم حقندە بۇآبە بە دقت ائىدەك : **" قُلْ هَلْ یَسۡتَوِی الَّذِیۡنَ یَعۡلَمُوْنَ وَ الَّذِیۡنَ لَا یَعۡلَمُوْنَ ، هَلْ یَسۡتَوِی الظّٰلِمٰتِ وَ النُّوۡرِ ، هَلْ یَسۡتَوِی الّٰعۡمٰی وَ الْبَصِیۡرِ . اَمْ كَیۡفَ یَسۡتَوِیۡنَ . "**

سۇبلە عجا بىلنلرلە بىلمىنلر بىر اۇلارمى ، قارائلىقلا ایشىق و كورا بىلە گۇرەن بىر اۇلارمى ، نئجە اۇلابىلر . بۇآبە دن الھام آلاراق بۇیوك تۇرك شاعرى محمد عاكف بئلە دئمىشىدۇر .

ھىچ بىلنلرلە بىلمىنلر بىر اۇلورمىسۇ
 اۇلمازىا بىرى انسان ، بىرى حىوان
 اۇبلە اىسە جھالت دىنلىن يۇزقا راسىندان
 قۇرتۇلماغا عزت ائىتمەلى ئاشدان باشا ملت
 كافي مئدگىل بۇخسا بو صون درس فلاكت (۱)

اسلام دىنىندە ھركس دىن بۇلۇندا اۇلدۇرۇلسە شەھىد حساب اولار شەھىدىن اسلام دا بۇیوك قدر - قىمىتى واردىپ قىامت گۇنۇدە اونا بېھشت وعدەسى و شىرلىمىشىدۇر .

۱- شاعر صون فلاكت دن بىرىنچى دونىا حربىندە عىمانلى دولتىنىن مغلوبىتى تۇركىيە - نىن دشمن طرفىندەن اشغاللىنى قىد ائىدۇر .

حضرت محمد (ص) عالم ایله شهیدی مقایسه ده بئله دشمنیدیر . بوزنُ یوم القیامة
 مِدادُ العلماءِ ودمُ الشهداءِ* قیرجیح مِدادُ العلماءِ : قیامت گونو عالمترین
 مدادی شهیدلرین قانی ایله دارتیلدی ، عالمترین مدادی آغیر گلدی .
 گینه بیعمیر دننیر: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ طَلَبُ الْعِلْمِ : عبادت لرین ان اوستونو
 علم اؤگرنمکدیر . صونرا بئله دشمنیر: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ كَانَ بِالصَّيْنِ : علم
 اؤگرنین (آختارین) اگر چینده ده اولسا .

قرآن کاشنات ویا رادیلش حقنده دوشونوب تدبیرانه مبین وحققتلری گؤ-
 رمینلری کور آدلاندیریر و بئله دشمنیر :
 وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا . هرکس بودونیا دا کورسا
 آخرت ده ده کور وگمراه دیر .

قرآن و اسلام علم و تقویا، بوقدر اؤنم و دگر وئر دیگی حالدا نسب ، آنا -
 بابا ، قوم - قبیله اوستونلوگونو قبول ائتمیر . جاهلیت دورونده آنا - آنا
 لاری وقوم - قبیله لری ایله فخرا ائدن عرب لره بئله دشمنیر: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا
 خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
 أَتْقَاكُمْ . ای جماعت سیزلری کیشی و آروا تان، ملت لر و قبیله لر شکلینده یاراند-
 یق بیر - بیری نیزی تانیمالی سینیز . تانری نین یانیندا ان عزیز اولان ان
 متقی (پبسی ایش گورمه یین) لر سینیز دیر .

بؤ آیه ده انسانلارین ، قبیله و ملت لرین برابر اولوب هئج بیر سی نیسن
 دیگرینه اوستون اولما دیغی وها می نین برابر حقلره صاحب اولدوغو آجیقجا بیان
 ائدیلمیش و عرفیلیق و آشیری (افراط) ملئت چیلک نفی ائدیلمیش دیر .
 اسلام دا خریبتیانلیق دا اولدوغو کیمی حضرت آدم بین ایشله دیگی گناه دان
 بیز مسؤل دگیلیکه هرکس معصوم دونیا یا گلیر و اؤز عملیندن مسؤل دور . پیغمبر
 عقل باره ده بئله دشمنیدیر: الدین هو العقل ولادین لمن لاعقل له . یعنی دیسن
 همان عقل دیر ، عقلی اولما یانین دینیه یوخدور . اسلام عقلی حیات دا حقیقی
 فرشد بیلیر .

آردی وار .

نامه‌ای از آمریکا :
ب‌قلم دکتر نصرت خاقانی
استاد دروا نیزشکی دانشگاه تبریز

○ سردبیر محترم مجله ایران‌شناسی

با سلام، در مسافرت کوتاه مدتی که اخیراً با آمریکا و واشنگتن داشتم در محفلی با آن مجله آشنا شدم، در لابلای مندرجات آن مجله نوشته‌ای بود از آقای ع-ها - دی راجع به آذربایجان، ناراحت از اینکه چرا دروا شنگتن انجمن ادبی-فرهنگی آذربایجانیه تأسیس شده و عنوان نوشته خود را "کدام فرهنگ آذربایجان!" انتخاب کرده بودند.

خواهشمند است دستور فرمایند این چند نکته توضیحی در آن مجله درج شود. قبل از هر چیز میخواهم برای روشن شدن مطلب به افرادی که آگاهانسه یا ناخودآگاه در شک و تردید بسر میبرند اعلام دارم که آذربایجانی ایرانی است، میهن عزیز ما آذربایجانیه، ایران و پرچم محبوب ما پرچم سه رنگ کشور بزرگ ایران است و هیچ قدرتی قادر به زدودن این محبت از لیلای ما نیست. و با زهم هیچکس حق ندارد دانسته یا ندانسته با فراددا نشمندوز حمتکشی که در راه پیشبرد و اصلاح قواعد علمی زبان و دانش قومی خود گام برمیدارند و صلۀ نا جور چسبانده و اهاننت رزیده و رعاب نماید.

امروز در دانشگاه‌های معتبر دنیا باین اصل مهم توجه نموده و وسیله استادان روانشناسی اجتماعی سیاسی بداننجویان تفهیم میشود که "عشق و علاقه به میهن از عشق به خانه و خانواده و کوجه و برزن و بازار و شهر نشأت میگیرد".

جلال آل احمد در مقاله مبسوط و آموزنده خود که بکرات در مجلات مختلف چاپ شده عظمت و سربلندی ایران و ایرانی را در پرورش و توسعه و ترویج زبان و عادات و خصوصیات قومی و محلی دانسته و از فشار و زورگوئی حسودان کورباطن بسیار ناراحت و نگران بوده و آنرا یکی از علل مهم عدم پیشرفت ایران دانسته است. سعادت و عظمت ایران با توهین ورنجاندن آذربایجانی تا مین نمیشود، اگر کسی از مصیبت قلب با ایران علاقه مند باشد باید در وحدت و ایجا دصمیمیت بین اقوام ایرانی مجاهدت نماید ولی برای عده‌ای امرچنان مشتبه شده است که گویا آذربایجانی ایرانی نیست و در محفلی به یک عده آذربایجانی که زادگاهش ایران است گفته اند شما چرا در ترکیه یا قفقاز اقامت نمی‌گزینید! متأسفانه این طرز تفکر ریشه عمیق داشته و برنامهریزی اساسی بر آن تدوین شده است. منجمله اغلب آذربایجانیهها بخاطر دارند که در مسدادم

تبریز هرکس در کلاس ویا محوطهٔ مدرسه با رفیق خود با زبان مادریش احوالپرسی میکرد با دو ریال جریمه نقدی سکه داغش میکردند .

خوب بخاطر دارم از سالهای بسیار دور که هروکیل ورجل تازه بسدوران رسیده میخواست نان و نوای موجود حفظ واحیاناً ترفیعی نیز در رتبه و مقام حاصل آید در مجالسی که میدانست اشارات و کنایات بنحوی به بیرون درز پیدا میکند وپرونده میشوند چندتا جوک رکیک ووهن آور از بر کرده بر علیه آبا و اجساد آذربایجانی خود تعریف میکرد تا بر مصطحت اندیشان و سرنوشت سازان بقیمن حاصل شود که آن فرد غرور و تعصب قومی خود را کاملاً زدست داده و نه اینکه شایستهٔ حفظ موقعیت موجود میباشد بلکه مستحق ترفیع و پاداش بیشتری است . حال که دردیا رغبت از این صحبتها خبری نیست چگونه آقای هادی عنوان اعتراضیه خود را "کدام فرهنگ آذربایجان" انتخاب میکنند جای تعجب و تأسف است . آقای هادی معنی و مفهوم کلمه فرهنگ را خوب درک نکرده اند فرهنگ ماده و جسم نیست که از بازار خریده و به آقای هادی نشان داده شود که بفرما - شید اینهم فرهنگ آذربایجان . فرهنگ آذربایجان در منش و وقار آذربایجانی نهفته است ، فرهنگ آذربایجان ترنم صفا و صداقت و بیکرنگی آذربایجانیسی ، آیات آزادگی و شجاعت و بدون ریا و تزویر و نمایش است . فرهنگ آذربایجانی رهنمودی است برای انسان کامل بودن . فرهنگ آذربایجانی را باید در آثار و نوشته های وزین و پرمعنی آذربایجانیان پیشین و معاصر جستجو کرد . فرهنگ آذربایجان سازها و آوازها ، رازها و نیازهاست که شهریار فقید در منظومهٔ حیدریا با نمونه های از آنرا ارائه داده است .

عبدالرحیم طالب اوف که ۱۶۰ سال پیش در محلهٔ سرخاب تبریز متولد شده ببینید چگونه ویا چه روشن بینی علل اصلی عقب ماندگی اجتماعی ما ایرانیان را تشریح کرده است "زندگی روزمره تقریباً تمام طبقات دارا و ندارا ایران در کثافتکاری میگردد ، علتش فقر نیست فقدان فرهنگ اجتماعی است ، اعیان و تجار ایوان منقش میسازند و چهلجراغ آویزان میکنند اما زده قدمی اعیان و اشراف عفونت ما در میشود . لحاف مخمل واطلس میدوزند اما بوی عرق آن خوب اب را برهر جنبنده ای حرام میکند" از کتاب سفینه ، و در کتاب مسالک المحسنین چنین مینویسد: "فقر دانش ما علت درماندگی ما است ، جای افسوس است که از هر عامی راجع به عالم ناسوت و لاهوت بپرسید اطلاعات بسیط خواهید شنید ، فلک اطلس را چون کف دست خود می شناسد ولی هرگز رساله ای تازه در علم زراعت کارانداختن معادن و عراده اسبی ننوشته اند ، عصر ما عهد ترقی و کولتور است اما ملک ما همان ولایت کیخسرو و قباد "

توجه فرمائید چگونه روح و جان این دانشمند متفکر با کلمه ایسران

عجین شده و دردی بغیر از درد ایران نداشته و آگاهانه بعقل عقب ماندگی اشارت کرده است .

اگر امروز این فعالیت ادبی اجتماعی فرهنگی در آذربایجان تحلیل رفته و کم سو شده است باید با مثال آقای هادی تبریک گفت که چگونه با برنامه ریزی ادبی - اجتماعی ، سیاسی خودخواهانه میتوان فعالیت ذهنی قومی را فلج کرده و سرپوش خفه کن برپوشش وکاوش ووش محققین و متفکرین گذاشته امروز در دانشگاه تهران کرسی زبانهای انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی ، روسی و عربی برقرار است ولی برای آشنائی دانشجویانی که در رشته های مختلف فارغ التحصیل شده و بزودی در شهرهای آذربایجان مقام و منصب والائی خواهند یافت حتی یک کلمه ترکی آموزش داده نمیشود .

در کشور سوئد شهر کوچکی است بنام لین شوپنگ ، در آرشو کتابخانه این شهر منابع سرشار زبانهای ترکی ، کردی و ... ردیف شده است ولی پیدا کردن منبع تحقیقی برای مطالعه زبانهای محلی و قومی در کتابخانه های ایران بسیار مشکل است .

آقای هادی مرحوم عزتر حاجی بیگ ، مسلم ، فکرت دمیر و امثال آنها از آذربایجان برخاسته و اولین بار در شرق تأثر ، اوپرا را در باکو بنیان گذاری کرده و اوپرها و اوپرت های نظیر لیلی - مجنون ، کورا و غلو ، آرشین - مال آلان ، مشهدی عباد ، عاشق غریب و صدها آهنگ و ترانه های جاودانی میهنی و دلنشین را ساخته اند . اینها همه گوشه هایی از فرهنگ آذربایجانی است .

ما آذربایجانیها همه این شکوفائی و پدیده ها را از تراوشات مغزایرانی میدانیم که متاسفانه در میهن خود مجال و امکان شکوفائی نداشته اند . در اپرای عاشق غریب با با میرزایف زیبا شیهای تبریز را مترنم است از محلات و دروازه های قدیمی تبریز بزرگ ، از در و دیوار آن از تجار شروتمند و امین و دخترهای زیبا و عقیف آن سخن میگوید . اینها همه ایرانی بودند . و حال نیز خود را ایرانی میدانند و عاشق تبریز و آذربایجان و ایران هستند . شش ماه پیش سخما" شاهد و ناظر بودم و قتیکه پرفسور نورالدین رضایف جراح عالیقدر ایرانی الاصل با کونشین که در تبریز بیشتر از باکو قوم و خویش دارد وقتی از هوا پیما پیاده شد چند قدمی دوید و خود را بیباغی گلکاری شده کنار ساختمان فرودگاه رسانید و یک مشت خاک از کنار بوته گلهای کوکب برداشته مقداری از آنرا جهت یادگاری و استشمام عطر خاک وطن به جیبش ریخت و بقیه را بوسیده توتیای چشم نمود .

آقای هادی ما بمرور زمان عادت کرده ایم نویسندگانی چون آقایان سیرجانی - باستانی پاریزی - طباطبائی - پورجوادی و... به آذربایجان و آذربایجانی بدوبیراه گفته و توهین کنند چون بنظر آنها هرکس در آرزوی صلاح قواعد و زبان مادری خود باشد و زبان فارسی را با لهجه صحبت کند تجزیه طلب و کمونیست و خائن و بی فرهنگ است ولی ایکاش شما هم با اندازه نصف تعصبی که آقای باستانی پاریزی نسبت به زادگاه خود پاریز و کرماندار و نشان میدهد حق و حرمت زادگاه خود را حفظ میکردید.

استدعای خالصانه ما آذربایجانیها اینست که در این قرن شکوفا محققین و پژوهشگران فاضل و زحمتکش ما را با چماق تجزیه طلبی ازمایم و وطن جدا نکرده و موجب وحشت و سکوت و یواختی فرار آنها از خاک میهن نشوند. در هیچ جای دنیا پژوهش در قوا عدزبان مادری و احترام به آن مستوجب حمله و ملامت و تهمت نیست.

با آرزوی توفیق و سلامتی و احتیاطات

دکتر نصرت الله خاقانی

بختیار و اها بزاده

استاد شهریار

حسرت



چکدیک، چکیریک بیزکی یوزا بیلدهن بری حسرت
 دؤنده ردی قارا نلیقلارا گوندوزلری حسرت
 اوستادمنه شعرا یله سالام گؤنده ره بیلدی
 کیم قویدو یا نان گؤزلره اؤد گؤزلری حسرت
 "بیرخالقا عدالت ایدیه دیوانه چاقیرسین
 آهلردان اويا نمیش یا نان اولدوزلاری حسرت
 شعرین دهکی شیمشک دهن اؤدالمیش ده لی کونلوم
 بیر شیمشکه دؤنده ردی ظریف سؤزلری حسرت
 صابردهدی غیرت سیز اولور آغلایان هرکس
 تارینخده زیون ائتدی عمل سیزلری حسرت
 اؤز حقینا بیگانه اولان بختیار اولماز
 چاپمیش، تالامیش دا شما دیلسیزلری حسرت
 همقافیه دیر آدلاریمیمیز شهریار اوستاد
 انصافی آبیرسین بوقدر بیزلری حسرت

ياكىدان بىر مکتوب :

اليغبا ميذا كۆچورەن ح.م.سا والان

يازان : پروفور نجف ناظم

✽ خۇرماتلى جوادىگ

آذربايجان تزهجه آيريلسا نيزدا ، بيئنه سيزى صميمى قلبدن سلاملا-
ماق ، خيالا" اللرى نيزى حرارتله سيخماق آرزومو دۇيرام ، سيزه عزيزلىرى نيزه
وچۇخ مائىلى دوستلارى نيزا بىر - بىرىندن فرحلى واؤغورلو ايللر ، آيىلار
آرزولاي بىرام . دئيرلرگى ، حكيم لر ين شفا وئريب حياتا قايتا رديقلارى هر بىر
آدامين عؤمرؤده اؤنلار ين عؤمورؤنه جالانير و بويوللا حكيم لر ابدى عؤمور
اخذا ئديرلر . باشقا لار ينا جان ما غلىعى بخشا ئدهن حكيمه جان ما غلىغى
ديلمه ميبين نه قدهر بؤيوك سعادت اولدوغونو بو آغريلى - آجيلى آنلارى شخما
يا شا يانلار داها يا خشى بيلرلر . من فاشيستلرله محاربه نين اشراكچيسى يام .
ايكى دفعه آغير بارالانميشام . آز قالا ۱۵ ايله ياخينديركى ، جراح
پيجا غيندان آيرى يا شا يا بيلمه ميشم . منى اؤ قدهر كسيب دؤغرا بيب لاركى ،
كوچه ده قارشىما آغ خالالتى آدام چيخاندا جانيم اؤرپه شير . هله بؤگونه
كىمى ۴۷ ايلديركى ، بدنيمده محاربه نين مرمى قلىپه لر ينى گزديريرهم .
باشقا سؤزله محاربه منيم اؤچون هله ايندى نين اؤزؤنده ده قورتا رما ييب . .
بلكه ده بۇنلارا كؤره ديركى ، من طبيعتاً بئله كؤورهك وحشيا تجيل
اولموشام ، راست گلديگيم هر هانسى نامتنا سيب ليگى ، ما غلام ادراك صيغيشما -
يانى آغرى سيز يا شا يا بيلميرهم .

عزيز جواد بهى !

نشجه واقتدىكى ، من سيزى كناردا ن حئيران - حئيران ايزله بىيرديسم
وطنيميزو خالقيميز نامينه غيرتلى فعاليتينيزى تقدير ائديرديم . نهايت
چۇخ شادامكى ، بيزيم اؤنيوئرسيتئتده كؤرؤشوب شخما تانيش اولدۇق ، فيكىر
مبادلەسى كنجيرديگ . منيم بو كؤرؤشور زامانى قىمادا اولسا ، صحبتيم يقين
كى ، خاطر نيزدا دير . بيز اونيوئرسيتئتده " عموم آذربايجان دىلى واليغبا سى"
آدلى بىر جمعيت ياراتميشيق مندن باشقا بوايشده آذربايجان علملر
اكادئميا سى نين مخير عضو و پروفور على يار صغرى ، ديلجى پروفور موسى -
عادلوو ، دؤچنيت لردن ظاهر عليئوو ، اسلام آغايئوو ، فيروز صادق زاده ، كينئو

رژيسۇر فرامىن محمدوۋو باشقالارى دا اشتراك ائىدىرلەر. اونيۋىرسىتىتتىن رىكتۇرو مىرعباس قاسىموو دا جمىئىتىمىزىن مرام نامەسى اىلە ھم رآى دىر. آچىغىنى دئىمكى، طرفدارلاريمىز داھا چۇغدۇر. آما بعضى سىبلر اۋزوندن چۇخلارى ھەلىك كىنارا چكىلمەيى وسۇماغى اۋستون تۇتورلار.

بىزىم بعضى ضىالىلاريمىزىن مۇوقى، آدامى خئىرەتە گتىرىر. ۷۰ -

سككەلى و اندىشەلى ايللر سانكى بىزىم ادراك وھىئىا تىمىزى خىردا لايلاق جىرلاشدىرىب، بىزى ائلە ائلاستىكا ائلەيىبكى، فرقىنە وارمادان بۇقۇبىدن اۋ بىرىنە سىچراماغا حاضرىق. بىز دۇرد يۇل آىرىچىندا شاشىرىب قالمىش نابلدىلۇچۇنو خا طرلا دىرىق.

عصرىمىزىن اۋتن اۋن اىللىكلرىندە بىز ادبى يارادىچىلىقدا، اىدە -

اۋلوۋى يامىزدا تنقىدى - ائستىتىك فىكىرىمىزىن مختلىف مرطەلرىندە چىشدىلى نىھىلىست نظرىە و باشلارلا آز قارشىلاشما مېشىق وھردفەدە اۋنلارى دفع ائتمك اۋچون آز اىنگىلر وئرمە مېشىك. گۇزلەمك اۋلاردىكى، بۇتسون بۇنلاردان مۇنرا گۇزلرىمىز آچىلاچاق، ادراكىمىز اىشىقلانچاق، باشىمىزى قالدىرىب اطرافىمىز، كئچىمىشىمىزە گلە جىمىمىزە بۇيلانچاق غىق. آخى، اىندى بىزىدە "ملى اۋيانىشدا" ن اۋتگون - اۋتگون دم وۇرماق بىردەبە چئورىلىيىب گلەن اتالار دئمىشكن، زگرى اۋتوروب دۇز دانىشاق. / گۇرۇنور، عىنزاماندا ھم دۇز اۋتوروماق، ھمدە دۇز دانىشماق بىزىمچون ھەلىك الحاتماز نىمىتد دىر! دۇغرۇ داتىمى "ملى اۋيانىش" دئىلن شئى آرتىق موجوددور و اۋنەنگ راکت محرىك كىمى ملتى محض مىللى و اجتماعى عطالت منگنەسىندن قۇپارىب آنى بىر تكانلا اۋنۇ مىللى شعور اۋرىيىتىنە فىرلادىچاق؟ چوخ احتمالكى، بىسوخ بىزىم قارباغ لەجەسىندە مارا قلى بىرسۇز وار: "گرنشك". بىلەيرەم بوسۇز

سىزە دە تانىشدىر، بىسوخ. "گرنشك" افادەسى آدامىن بۇخونو باشا وۇرما - سى اىلە سۇزۇن حقىقى معناسىندا اۋيانماسى آراسىنداكى - فىزىكىسى پسىخولوۋى وضعىتىنى عكس ائىدىرىر. يعنى اۋ، گۇزلرىنى آجىب قۇل لارىنى آتاراق گرنشىر، داھا دۇغرۇسو، "اۋيانما" پروسسىنە باشلايىر. بىسوخ بىزىم "ملى اۋيانىشىمىز". من دئىردىمكى، ھلە اۋزۇن بئللە گرنشە "مرطە - سىنى ياشاما قدادىر. وىدبختلىكدن بۇ مرطەنىن اۋزۇدە چوخ لىنگ گئتمكدە - دىر. اۋكى، قالدى شعور اۋرىيىتىنە، بۇنۇندا اۋز پىرۇبلىئى اۇرتا بىل جىخىر. بىارى بۇخۇلو، گرنشكە اۋلان بىر ملتى معاصر راکتلىرىن قانا - دىندا مى؟ بۇخسە دە - بابا ساپانىندا مى گۇتۇرۇب حاضراۋلمادان اۋ اشنگىنلىيە فىرلاتسان يقىنكى، فىزىكلىرىن دىلىندە چكىسىزلىك آدلانان بىر وضعىتە دۇشەجكدىر. اۋرەك آغرىسى اىلە اعتراف ائتمەلى اۋلورسان

كى، داھا بۇيوك قىسمتە لايىق اولان خالقىمىز ورسىپولىكا خاھىش بىلەن
چكىسىزلىك، ۋەقەسىزلىك دەيدىر .

بىلەن اولماسايدى ، خالقىمىزى اۆزۈن ۱۴ - ۱۳ عىرلىك زىنگىن
علمىندىن ، مەدەنىيەتتىن ، ادەبىيەتتىن ، ادەبىيەتتىكى تىكى تىكىرىش
نەۋىيەلەردىن عىبارەت قىلار ايلە شىرىد ائىدىب اۆنۈمۈ كۆكۈندىن
نظامى ، خاقانى "دەستخىندىن" ، فۇلى بىتىندىن ، واقف قافىيەسىندىن ، مىرزە -
جىلىن گۈلركى آغلايان كلامىندا ن ابدىلىك آبىرماغا جەدائەتمىز دىلىرى ،
آذربايجانلىق بۇيونا تىلەمە تىلەمە سىك اجىمى كۆينە بىيىجىمىز دىلىرى . دوستلوق ،
قارداشلىق باشقا دىر ، اۆزگەسىنىن قۇلتوغونا قىسىنماق ، قارباغلىقلار
دەشەشكىن ، اۆزگە قۇشۇ گۈتۈرمىك باشقا . مىن بىئەنە اۆلمىز سەد وۇرغونون "طا -
لستان" پۇيۇنما سىندا آذربايجان طۇرپاغى خاقىندىن دەشەش ايلەملىرى
كلاملاردا مەراجەت ائىدىرەم :

* طۇرپاغىن آلت قاتىندا

قىزىل داۋار ، آلتىندا

ھەداشەنىن آلتىندا

بىر شاھىرى قىرى وار ،

مىن آتەنىن سىرى وار .

انصافدىرىمى ھەداشەنىن آلتىندا بىر شاھىرى اۆيۈن ، طۇرپاغى -
نىن محورى آتەنىن اۆستۈندە آرام تۇتان بۇ اۆلكە كىمەسە ياماق اۆلسون؟
آذربايجانلىق اۆزۈنە يۇغ اۆزگەسىنە اۆخشاين ؟ آذربايجان واقىلەتە رىخى
بىر عدالت سىزلىكىن قۇرپاننى اۆلۇب ويۇ عدالت سىزلىك قىتاب پىچاغى كىمى
بىر بىدىنى ايكى شاققا يا پارچا لايىب . بىس زامان زامان قىلم اھلىمىز نىلە -
يىب ؟ اۆنۈن يارالارنا نىجە ملحم (مرحم) قۇيۇب ؟ وولكان كىمى كۆكرە يىب
آشيب - داشان غىبلىرىنىن اۆد اۆلۇۋنۇنۇ آرازىن اۆستۈنە پۇسكۈروب لىرى .
يازىق چاينى اۆكى وار دانلايىب - دانسا يىب لاركى ، نىيە قىلىنچ كىمى بىسىر .
اۆرھىمى ايكى نىرە بۇلدۇن ؟ نىيە قارداشنى قارداشان آيرى مەلدىن ؟
انصاف سىزدا ، مەروت سىزدە دەشەش اۆنا ، جىلدا ، دۇنۇك دە آدلاندىرىپىلار .
آرازىنسا دىلى يۇغ دانىشا ، الى يۇغ قىلم تۇتا . دانىشا ، يازا كىمى ، سىزىندە
اۆلۇغا گۈجۈنۈز جا تىمىر ، پالانى دۇيچلە بىرسىنيز . آراز بىئەندە مىن ايل -
مىلېون ايل اۆلكى كىمى مۇلارنى بىلەن دۇلايىب خىزەجان آتە . بىئەندە
قىرچىن دالغالارنى ايلە ھەرايكى ساحلى اۆپە - اۆپە ، اۆخشايا - اۆخشايا

آخىب گىدىر ، آنا طوربا غىن اۆدلو كۆكسۆنە سىرىنلىك چىيەيىر . بوخ ، ائىلا ۋىبا دردىنەدە بىگانە اۆلما يىب آراز - انسان آيا غىنىن ايزلىرىنە حسرت قالان خدا فرىن كۆرپۆسونون اۆستونو اۆت - انجر باساندا ، بوسا حل اۇساحلە ، اۇ سا حل بۇ سا حلە انتظارلا بويلاندا آرازىن قىرچىن دالغالارىدا يارايسى گۆيرچىنلەر كىمى اۆزلىرىنى سا حل قايا لارىنا چىرىپىب ساچ يۇلمۇش ، ائىلاتلا بىلاسى اۆستونەدە كۆكلەنن سئل - سۇ اواز لارىندا ائىلە بايا تىلار بويلا مىشلار كى " اۆد تۆتوب سۇلاردا يانىب ، ھلە بۇھا راسىدىر ، زامانىن قا صىرغالارى تىكانلى سرحد چىرلىرىنى بىخاندا ، سۇلارى دىكىسىندىرەن سالدات چكىملىرىنى سسى سا حلدن اۇزاقلاشندا آراز اۆستوندىن كىچىنلەر بۇل وئرىب ، سا حلدن سا حلە مۇدە آتارىب ، جىتىن وصالا قۇوۇشان حسرت لىلر كىمى سئو يىن ب ، گلىب گىئە - نلرىن آرخا سىنجا سۇ آتىب آرازىمىز

كۆكرە يىن سئل سۇلارى ايلە آشىب - داشان مقالارىدا اۆلور آرازىن اۇنا گۆرەدە ائىل آراسىندا دىئىركى ، آراز اۇز سا حلبنى گۆللىندىرىدە ، لىللىندىرىدە . آما گىلئى گىزار كىمى دىئە يىبىلر بۇ سۇزلىرى . اۇنون بىر پىئردە قىرار تۆتوب آرام تاپمايان كۆرپە اۇشاق كىمى شىلتاق ، بعضا " قوزوتك ساكت ، بعضا "دە اۆد آلاوكىمى جىلغىن بىر آز سادە لوح ، بىر آزدا ناھىموار ، طبيعتىنە رغما" ، نواز شافادەسى كىمى دىلە گىتيرىبلر بۇ سۇزلىرى . شۆكوركى ، قلم سا حللىرىندىن جۇخلارى سولارىندا ن اتك - اتك ، دالغا - دالغا ائىل - اۇبا كدرى داشان جايلانھايتكى ، دىل تاپىرلار ، داھا اۆنۈ دانلاق يىئرىنە خئو بىرمەيىرلر .

جۇغرافىا درىلىكلىرىندە يازىلىپ كى ، آراز زاقاققا زىانىن انباش ياوش آخان جايلارىندا ن بىرىدىر ، نە ياخشىكى ، بۇ يىئىرلردە تارىخىن آخارى بىئلە ياواش دىئىلدىر . زامان اۇز سرعتنى حسا ۋلۇنا جاق درجەدە يىئىنلىتمكە دەيدىر . بۇ قارشىسى آلىنماز يۇرۇشون گىئدىشىندە تارىخ اۇز يادا داش شروتىنىن رفلرىنە بىئىدىن ال كىزدىرىر . اىيلەنى دۆزەلدىر . ايتەنى بىرپا ائىدىر . دۆنن حاقسىزلىق وجھالتىن آت اۋىنا تىدىغى دۆزىلىككە بۇگون عدالت طۇخۇملارى گۆبە - زىر . بىشرا ۋچون معنوى دۇستاق خاناي چئور يىلمىش مىن اىللىك احكام لار سلطنتى ما بون كۆپۈيوكىمى پارچالانىب داغىلىر .

زامان اۆزۈ ازلەن ضىالىلارى دونيا مىزىن اۋن خطىنە جىخا رىب ، اۇنلار ھم شرفلى ، ھمدە مسئوليتلى بىر طالع قىسمت ائىدىب : خالقىسىن اۋنۇندە گىتتمك ، اۋنۇن وۇران اۋرەبى ، گۆرەن گۆزۈ ، دۆشۈن بىئىنى ، اششىدن قۇلاغى اۋلماق . آراز متشاء بىنى ما بىسىز - حسابسىز صىنرقا بولاقلا - ردان گۆتوردۈيوكىمى ضىالىلار دا بىئلە سۆزۈلە - سۆزۈلە بىللىورلاشسان

بۇلاقلار كېيى بېر مجرادا بېرلشديكده عموم خلق ذكاسى نېن گۇر آخارىنسا چئوريلمىر بۇ آخار نە قەدر گۇجلو دۇرسە ، تەمىز ولىپە دەۋىنە ، اۇنۇن تەمىنسىل ائندىيى خلقىن طالعى دە ، عاقىبتى دە اۇ قەدر مەينىدەر . اېندى ائكۇلوگيا - نېن (بوم شناسى) اطراف مەھىط پىروبلئم لرى نېن اۇن پىلانا جىخدىنى زما نە مەرس دە بۇ مەنوى آخارىن دا تەمىزلىگى نېن خىلا ئىدىجى اھمىت كەسب ائتمە سىندىن اۇنا گۇرە دانىشما غى لازم بىلېرىك كى ، دۇنن آرازىن ساحلىنە گما تەلاظمە گلەردەك طەننەلى اۇدا دىنن ، گامە دا اۇنۇن كدە رلى طالعىندىن / آىرىلىق جايىسى ، ھىجران خۇتى / مە رىلېب كۇورەك ائىلگىيا (مەرشىە) مە راع لارىندا گۇزبا سلارى سئىلە - سۇيا دۇنن سۇز اوستالارى - يا زىب پۇزان ضىلا لىلار يىمىز ما نكسى سئىرلى بېر چۇبوغون خۇكموا يىلە اھم و قاتلارنى دە يىشىب آراز ائىلە بىگا نە لئىرلىكى ، ائىلە بىل آراز اۇلسا - اولسا بېر بۇيوك آرخ ايمىش ويا خودجاي بېر ساحلى ايمىش ، جايىن اۇ بېرى ساحلى ھىچ يوخ ايمىش . بىلكە اينا نما - يانلاردا تاپىلا جاق : ھىچ دونىادا . نك ساحلى جاي دا اۇلارمى ؟ من سۇ سئوالا باشقا سئوال اجواب وئىرە دىم : بىن دونىادا ائىلە بىر خلق تاپىلارمىكى اۇتون ايكى اليقبا سى اۇلسون ؟ بېرە ائىلە دە اتا - آنا ، با جى - قىساردا ئى تەرجومە جى واسىطە سىلە يا زىبا اۇخۇسون ؟ اوستە لىك دە ، بۇ " غەربە لىك لرىن " تەبىئ چۇسو ضالى لارىن اۇزلىرى اۇلسۇنلار ؟

بىزىم وەنمىز آغىر گۇنلار يا شا بېر . ارقا جاشىمىر ، مغازالاردا پال پالتار بۇخدور . عا ئىلە لردە ائىلە پىروبلئم لرا اۇرتا يا جىخىب كى ، اۇنلار اۇللىر ھىچ تەصور ائىتمەك اۇلما زدى . اۇشاقلارى سحر - سحر نئىجە يئىدېرىدىب ، گەئىندىرىب مەكتەبە يۇلا لىما ق ؟ قۇنا غى قا تىقلا ، مئبوا يىلە اۇتۇش دۇر مەك اۇلارمى ؟ وسا يىرە ...

بئىلە اۇلدوغو خالدا مېلىار دلارلا وسا ئىط حاسىنا بۇگون اليقبا دگىشمەك احوالاتى ان آزى غىر جدى بېر تەكلىف ، ياراما ز ظاراقا تەدان دا بىس بېر اۇيۇن دئىلمى ؟ سۇز لرىم بېر جور سەلنە ، اۇپونئىت لرىم (مەخالف) مەنسى با غىشلە سىنلار . مەن اۇنلار ا سۇرما ق ايسنە بېر ما غلام آنا لىتەك ادراك مەھب - لرى بئىلە تەكلىف لرى نئىجە دېللىرىنە گەئىرە بېلر لرى ؟

خۇرمتلى جواد بېگ !

ئۇن ائىدېرە مەكى ، بۇبھرانلى گۇنلردە اليقبا لارىن تارىخىنە وئىخىنۇ - لوگىيا سىنا باش وۇرما ق اساس مەسئىلە دن دقتى يا بېنەدىرا بىلر . مەن ائىلە گلېر كى ، بىز بۇايشىن ائىندىكى خالدا وئىرە جەبى آغىر نەتىجە لرى حاققىندا ، بىلكە دە ۳۵ مىلېون لوق اۇتا يىلى ، بۇتا يىلى بۇيوك بىر خالقىن يىنئىجە دېرچە لىسب

آیاق دو تماقدا اولان ادبی - سدنلی علاقه لرینی ائله بئشیکده جه بوغماق و نهایت ، هواؤچ دؤست وقارداش اولکهنی اؤز - اؤزه گتیریب قارشیلادیرماق کیمی فتنه کار مقصدلر گؤدهن فسادلار توره ده جه یی باره ده ممکن قده ر اؤجا - دان هیجان طبعیلی چالمالی بیق . سیزین پوپولیا ر (مشهور خلقی) ژورنالی نیز بو ساحة ده چؤخ خیرخواه ایشلر گوره بیلر . مثلاً ، ژورنالدا "قارداشک تو بلار - ی " ؛ " اؤ ، تایی - بۇتایی قا یغیلار " ، " قارداش سؤزو - زامانین گؤزو " ، " آنادیلمیز - الیفبا میز " ، " یازیم قالدی - ایزیم قالدی " ، " آنادیلم - اوبام ائلیم " وسایر کیمی دائمی باشلیقلار آچماق اولار . عین واقئدا هم اورادان ، همده بورادان دیل والیفبا پروبلئم لرینه دائر یازیلار گئده ردی . همده بو ماتریالار گهریل ایله ده وئریلر دیکی ، بورادا دا تورکیه ده ده و باشقا اولکه لرده ده اوخوناردی . ویا خود ، اگر ممکن سه ، بئله بیر تدبیر : ژورنال ته راندای تبری زده می باشقا یئرده می " عموم آذربایجان دیلی (آذربا - یجان تورکجه سی) و الیفبا سی " موضوع سوندا بیر گنیش سیمپوزیوم تشکی ل ائدی بۇتوو بیر نومره سینلی اونون ماتریالارینا حصرا ئتمک اولاردی ، حتى ممکنه آو ، اوچ الیفبا ایله - ایسلامی ، کیریل ولاتینلا چاپ ائدی لردی . ائله بیلیره مکی ، بو بۇتون ایسلام دونیا سیندا گنیش عکس صدا وئره ردی . من شخفا" بو تدبیرین حاضرانما سیندا وکئچیر یلمه سینده ممنونیتله ، جاتلا - باشلا اشتراک ائنده ردیم .

ویا خود ، مثلاً "بیزیم" عموم آذربایجان دیلی والیفبا سی " جمعیتیمیز ، جنوبی آذربایجان عالی مکتبلرینده سیزین مصلحت و یاردیمینیزلا بئله قوروملارلا دائمی علاقه لر یارادار ، حتى بیلر لیکده مشتره ک علمی - تدقیقات ایشری آچاراردی . " وارلیق" ژورنالی نین ادبی - بدیعی ماتریالاری اسا - سیندا نامزدلیک دیسترتا سیاسی موضوعو وئره بیلر دیک . و سیزین اؤزونوزو - ده او موضوعون رهبر لریندن بیر کیمی گؤرمک ایستردیک . بیر سؤز لسه ، باشقا تدبیرلرده دوشونوب حیاتا کئچیرمک اولار .

ئن ائدی ره م ، بۇتون دونیا دا ، اوچومله دن شرق اولکه لرینده سیزی تانیدان آدینیز ، شرفینیز ، ملت - خلق بۇلوندا تمناسیز قوللۇغو تونز ، اصیل فدائی فعالیتینیز بو تدبیرلرین حکماً اوغورلو اولما سینا ان تۇتارلسی تاعینات اولاردی . انشاء الله ، بیر گؤروشمک قسمت اولسا ، داها اطرافلی فیکیر مبادله سی کئچیره ریک .

مکتوبومون سونوندا سیزه ملی خیر خواه ایشری نیزده اوغورلار دیله ییرم .

بوشمى معاصر آذربايجان شاعر ويازيچىسى ادبييات ويايدجه صنعتيسن
اوزون ايللر باشرداكتورو اولان نريمان حسنزاده تبرىزدن باكي يا قايداندا
ماشيشين شوقورو آقارضا يا يازميشدير .

سۆرۆجو آقاي رضا يا

ماشينين قيريليب يولدا قالايدى
بيرا زلنگى يثيددين بوگون آي رضا
اثل كسيب يولونو نا ما ز قىلايدى
نا ما ز قىلما ميسان اوزون آي رضا

بئلا سىر يا هاردا نا اوزوپا بيزا
سرحدده تله سيك آ پارما منسى
بيرا اليم تبرىزدن توتوب آي رضا
بيرا اليم مرددن ... قوپارما منى.

چلغا يا چا تما ميش ما خلا آي رضا
بئله يثيين سورمه ، داها آ ز قاليب
بو تا يدا ن با خيم من دردلى آ رازا
ا و تا ي دا ن با خما قدا ن گوزوم سارا ليب

هئج بلدا اولما ديم من يولا ، ا پزه
نه واخت دو نه چگم بيرده يا قسمت
گلنده حسرتله گلديم تبرىزه
گئديرم آي رضا يئننده حسرت

محسن منمورى

هاردا قالددين

بنفشه جو كناريم هاردا قالددين
چيچكلى نوبا هاريم هاردا قالددين
بيمين ايله يساريم هاردا قالددين
تهمتن كيم سواريم هاردا قالددين
توانيم اقتداريم هاردا قالددين
كسرلى ذولفقاريم هاردا قالددين
چراغ شام تاريم هاردا قالددين
شراب غمگساريم هاردا قالددين
دهدهندن يادگاريم هاردا قالددين
الامبريم قراريم هاردا قالددين

الاي كوهساريم هاردا قالددين
صفالى چول لريم باغ حياتيم
قاليب سنسيز كناريم صبحه كيم بوش
قىلينجيم قالخانيم رخشيم ستانيم
شانيله شوكتيم شمسيم جلاليم
خط ايله مشقتيم يازيم كتابيم
آبيملا اولدوزوم رنگين كمانيم
مراديم مرثديم پير مغانيم
شوينجيم شادلقيم خوش روزگاريم
آنان سنسيز فراقيندان قان اغدير



مشاهیر آذربایجان

۱- میرزا محمد حسن زنوزی

جوامعی که در توسعه و رشد علم و تعالی انسان تأثیر گذاشته اند، لابد انسان‌هایی، عالم و شخصیت‌هایی مبارز داشته‌اند که سکان علم و مبارزه را راهبری و قافله‌اندیشه و عمل را پیش برده‌اند، آنچه که ما امروز از علم و جامعه در دسترس داریم، حاصل سالها تلاش و کنکاش و مبارزه آن انسان‌های پیشرو است. معرفی حال و سیر در احوال چنین شخصیت‌ها در حقیقت ارج‌گذاری به تلاش‌ها و آثار آنهاست.

متأسفانه همه تلاشگران عرصه مبارزه و بنیان علم و دانش و کسانی که بنحوی در رشد و تعالی انسان و جوامع مؤثر بوده‌اند شناخته شده نیستند. گمانا مان‌فراوانی اند که اگر هم اسمشان باشد کار و عمل و آثارشان در بونه‌فرا موشی است اگر عده معدودی با کار و تحقیق و تتبع آنان آشنا باشند، شناخت عمومی جامعه از آنها بسیار اندک است.

یکی از شخصیت‌های برجسته که در این قیاس قابل طرح است، میرزا محمد حسن فانی زنوزی است وی از اعظم دانشمندان عصر خود بود. صاحب تألیفات بسیار ارزشمند است. او از خطه زنوز است. قصبه زنوز در دوازده فرسخی خوی ما بین مرند و دیزمار واقع است فاصله زنوز از مرند ۲۴ کیلومتر می‌باشد. از حیث آب و هوا و کثرت درخت و باغ کم نظیر است. و فورنرها و چشمه‌ها که تعداد آن را بیش از هزار نوشته‌اند، همچنین کوه‌های سرسبز، چشم اندازی بس بدیع ببدان بخشیده‌اند. در گذشته‌های دور سیاحان زبان به توصیف این دیار گشوده‌اند مثلاً حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب، زنوز را قصبه‌ای با باغستان‌های فراوان و بهر حاصل معرفی کرده است. امروز زنوز شهری است آباد با باغستان‌های وسیع و چاه‌های آب عمیق و انسان‌های تلاشگر، از نظر فرهنگی پیشرو و با سابقه‌ای درخشان به همین دلیل در گذشته شخصیت‌های ارزشمندی به جامعه علم و فرهنگ تقدیم داشته که یکی از برجسته‌ترین آنها محمد حسن زنوزی است.

محمد حسن زنوزی فرزند حاج عبدالرسول زنوزی است همچنانکه از نامش پیدا است، اهل زنوز بوده ولی مدتی در خوی رحل اقامت افکنده، وی به سال ۱۱۷۲ ه.ق. به ماه صفر در این شهر چشم به جهان هستی گشود. دوازده بود که پدرش از دیار

خوی به سرزمین اجدادی یعنی زنوز نقل مکان داد .

میرزا عبدالرسول پدر محمدحسن از سخنوران معروف زنوز بوده است وی از دوازده تا هفتادسالگی در سیاحت بود . دیوانی در مصائب حضرت سیدالشهدا دارد و فنا تخلص می کرده است .

خانواده حاج میر عبدالرسول همه عالم بودندوی همواره در این فکر بود که سلسله علم از خانواده شان منقطع نگردد به همین دلیل محمدحسن را در ده سالگی برای کسب علم به دارالسلطنه تبریز فرستاد تا در جمع دوستان پدر که اهل علم و کمال بودند کسب دانش کند . در تبریز محمدحسن به دلیل صغر سن نتوانست اقامت نماید تا اینکه قصد مراجعت به موطن خود داشت . از میرزا محمدحسن در این خصوص خاطره ای باقی است : " آن روز که قرار بر مراجعت گذاشته شد ، عالم ربانی محمد شفیع دهخوارقانی از مشایخ و مشاهیر آن زمان وارد و به پدر ما گفت : شش ماه گذشته در خواب دیدم سیده نساء فاطمه الزهراء علیها سلام بمن فرمودند : چرا متوجه حسن من نمی شوی . بگمان اینکه فرزندان رجمند خود ما م حسن را می فرمایند ، با کمال خضوع معروض داشتم که فدای تو گردم من چه کنم که متوجه حسن شما باشم ؟ باز فرمودند که البته مواظب حسن من باشید . از خواب بیدار شدم با حیرت فکر کردم که حسن کیست و تعبیر این خواب چیست ؟ تا اینکه متوجه حسن فرزند شما عبدالرسول شدم " . آقای شفیع دهخوارقانی پس از این خواب محمدحسن را یکسال در منزل خود نگهداشت و به درس و بحث با ایشان پرداخت و آنچه لازم محبت و تربیت و پرستاری بود بعمل آورد .

محمدحسن پس از یکسال اقامت در تبریز با مادرش وارد خوی شد . چهار هجرت سال در ظل تربیت مولانا عبدالنبی قرار گرفت از ایشان علوم ریاضی و ادبی آموخت پس از آن در سن ۱۱۹۵ روانه کربلا شده چهار سال در آن مکان مقدس از فضلا مشغول آقا محمدباقر بهبهانی ، میرزا محمد مهدی شهرستانی کسب علم و معرفت نمود . پس از اقامت در کربلا و کسب علم و معرفت از اقامت آن دیار میرزا محمدحسن به شهر خود مراجعت و پس از مدتی اقامت به سال ۱۲۰۳ به مشهد عزیمت و از آنجا تید آن فطه علوم عقلیه و فنون ریاضیه را فرا گرفت . در سال ۱۲۰۵ از مشهد به اصفهان و پس از مدتی اقامت در آن شهر به خوی بازگشت . از این زمان دوران تألیف و تتبع میرزا - محمدحسن آغاز گشته و آثار نفیسی به رشته تحریر درآورد ، یکی از آثار ارزشمند میرزا محمدحسن زنوزی کتاب بحرالعلوم است . بحرالعلوم کتابی است در دو جلد و در هفت جزء این کتاب را محمدحسن زنوزی در خوی بنام حسینقلی خان دنبلی به سال ۱۲۰۹ نگاشته و نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۱۸۶ و در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۵۵۶ نگهداری میشود .

کتاب بحرالعلوم را میرزا محمدحسن زنوزی به یک سفینه و هفت شعبه و یک ساحل

تنظیم کرده و اقا بحرئی است پراژدر و دریایی است مملو از لطایف و ظرایف در علوم متفرقه از جمله ادبیات، تاریخ، حکایات، امثال و وقایع مهمه .
یکی از بهترین و مهمترین اثر میرزا محمدحسن زنوزی کتاب ریاض الجنه است که به سال ۱۲۱۶ تألیف کرده است این کتاب را که از ۸ روزه و یک خاتمه و یک مقدمه تشکیل شده، داشره المعارف آن روزگار به حساب آورده اند.
۸ روزه این کتاب نفیس به شرح زیر است :

- در احوال جمعی از ذوات شریفه (شرح حال انسانهای شریف) در ۲۸ قسمت .
- در احوال جمعی از ذوات خبیثه (شرح حال انسانهای شورتاریخ) در ۲۷ قسمت .
- در ذکر آنچه در عالم موجود است از بدایت تا نهایت در ۲۵ قسمت .
- احوال علمای عامه و خاصه و عرفا و حکماء .
- مشاهیر و شعرای عرب .
- ملوک و طبقات سلاطین .
- نوادر حکایات .

از این کتاب نسخه‌بی در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۵۷۸ و نسخه‌بی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۱۹۰ و نسخه‌ای در کتابخانه وزارت امور خارجه موجود است .

به قرار اطلاع، دفتر مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی به چاپ و انتشار روزه چهارم و پنجم این کتاب ارزشمند اقدام نموده‌اند. با تقدیر از این اقدام خیر، امید است با تسریع در چاپ و نشر آن بزودی، بخشی از کتاب نفیس ریاض الجنه که شامل شرح حال عرفا و مشاهیر و علماست در دسترس علاقه‌مندان علم و تحقیق قرار گیرد.

مرحوم حاج حسین نخجوانی در کتاب چهل مقاله در مورد کتاب ریاض الجنه نوشته است: " یکی از بهترین و مهمترین تألیفات اوایل قرن سیزدهم کتاب ریاض الجنه. تألیف حاج میرزا محمدحسن زنوزی است، کتابی است حظی که تاکنون چاپ نشده. این کتاب ۱۱۴۰ صفحه به قطع بزرگ است هر صفحه آن ۵۰ سطر است طول کتاب ۴۱ سانت و عرض آن ۲۷ سانت و ضخامت آن ۱۰ سانتی متر می‌باشد. با خط ریز نوشته شده که صفحات آن هم به شیوه نسخ و هم به شیوه نستعلیق تحریر گردیده خطوط یکنواخت نیست و معلوم است که چندین کاتب در تحریر آن شرکت داشته‌اند.

تاریخ تحریر آن که از روی نسخه اصلی به خط مؤلف استنساخ شده سنه ۱۲۰۰ هـ. است لیکن تعجب در اینجاست که تاریخ وقایع چندسال بعد هم در این کتاب هست مثلاً تاریخ وفات حسینقلی خان دنیلی در سال ۱۲۱۳ و قتل و غارت شهرخوی از طرف قشون قاجار نیز در کتاب ریاض الجنه نوشته شده، معلوم می‌شود تاریخ اتمام و تکمیل کتاب ده - پانزده سال بعد از تاریخ ۱۲۰۰ اتفاق افتاده، اگر این کتاب چاپ شود قطعاً گنجا -

بش بیش از چهل جلد معمولی را دارد.

آقای حسین نخجوانی در ادامه مقاله نوشته است :

"الحق مؤلف محترم حاج میرزا محمدحسن زنوزی زحمت بسیار کشید، در عصری که فاضل مدرسه و دانشگاه بود، به کتابخانه‌ها و منابع تاریخی دسترسی نبود، بکنفران قصیده زنوز اینهمه علوم و تاریخ و وقایع و شرح حال را از چه منابعی بدست آورده حیرت آور است. می‌توان گفت که مؤلف کتاب ریا فلجنه چندین هزار جلد کتاب را مطالعه کرده شب‌های زیاد بخیوابی کشیده تا چنین اثری ارزشمند را تألیف نموده است. میرزا محمدحسن زنوزی ۲ کتاب دیگر نیز به رشته تحریر درآورده که عبارتند از: زبده الاعمال و وسیله النجاه.

میرزا محمدحسن زنوزی به فارسی شعر هم می‌گفته و برای خود تخلص فانی را اختیار نموده بود. از او غزل، مثنوی، رباعی و دیگر انواع شعر ثبت است. اینک نمونه‌هایی از سرودهای ایشان را ملاحظه فرمائید :

○ غزل :

چرا همیشه در ابرویت ای صنم چین است
اگر نه از من مسکین دل تو بر کیست
سرم فدای تو آیین دلبری این است
در آستان تو از بندگان دیرین است

ترانه شیوه عاشق کشیگر آیین است
به جان - چرا همدم ما یل جفا مین
دمی به سوی من از رحمت نمی‌بینی
نظر فانی بیدل مکن در بیخ که او

☆☆

○ مثنوی :

دامن زن آتش جدا شوی
ای دوست به دشمنان دل سنگ
فکر غم آشنا ننداری
ای گشته به این و آن وفادار
از بنده بگو چرا غمینی
بی همدم و همغنس فکنندی
افتاده به قید دام ناکام
کاری به جز این دو بر نشاید
نه آنکه به درد مبتلا کرد

ای برق متاع آشنایی
ای دشمن دوستان یکنسنگ
ای آنکه به دل وفاننداری
ای بیبده کار و بیوفایار
از بهر چه یاران و آیینی
بگرفتی و در قفس فکنندی
مرغی که به جور دورایم
در بازه او دوکار باید
با باید کشته یا رها کرد

☆☆☆

○ رباعی :

خوش باش که من بعد وفا خواهم کرد
من ترک تو ای صنم کجا خواهم کرد

گفتی که به دردتو دوا خواهم کرد
این بود وفا که ترک کردی مرا

☆☆

در عالم عشق می پرستی بهتر رندی و قلندری و مستی بهتر
 هستی مطلب که بهر عاشق به جهان یک نیستی از هزار هستی بهتر
 میرزا محمد حسن زنوزی به سال ۱۲۱۸ در سن ۴۶ سالگی در زنوزبه رحمت ایزدی
 پیوست وی در مقبره خانوادگی در همان جا به خاک سپرده شده تاریخ وفات او را به
 صورت ماده تاریخ چنین گفته اند :
 " فانی بومال دوست پیوست " که معرف سال ۱۲۱۸ می باشد. خدا رحمتش کند .

منابع :

- چهل مقاله - حاج حسن نخجوانی
- دانشمندان آذربایجان - محمد علی تربیت
- داستان دوستان - محمد علی صفوت
- سخنوران آذربایجان - عزیز دولت آبادی
- مصاحبه های حضوری و بریده جرایم .

بعقوب نامی - تبریز :

بیرجیغیر سالمیشام انتظارا من
 بو اوزون بوللاردا ناسیلان کوزله
 خیالدا تواف یوخ آیا ق کورتورسون
 گونلوم امیدوثریر سوبلییر کوزله

آرزولار، دویغولار بمله نیب قالیب
 هجران کور بوسوندن صرت یول مالیب
 کدر ریشه لنیب دنیا نی آلیب
 یازیلکیتا بلار قورتارماز سوزله

بولونموشن بالاسی ایکی حصیه
 آنادی یارانمیش غمه غصیه
 بوهران دردیددی جونوب قصیه
 نشان یوخ دالیجان آختارام ایزله

"نامی"م آرزیمدی وطن شوکتی
 اثلین افتخاری شانی، غیرتی
 داشلاری اریده سئوینج قدرتی
 یاشایا وطنده آلنی آچیق اوزله

اردىبېشت آبي نىن بىشىندە گۈزەل بىر باھار آخسامى تېران دانىشكا -
 ھىنن آذربايجانلى طلبەلىرى، سالى سۆزلۈ قۇطننەلى بىر شەرگىشچەسىنى -
 حاضرىق گۇرموشدۇر بوشەرگىشچەسىندە ھىندەن اۇنچە ايشىن منظم ومرتەب.
 ليكى خۇشاكلن وىئويندىرىجى ايدى . شەرگىشچەسىنە گىنج طلبە وشاعره لىردن
 باشقا اۇستادشاعرلردن دە چاغىرمىشىدىلار . درگىمىزىن يازىجى وشاعرلر -
 لرىندىن مجىدزادە ساوالان و آقاي بىت اللە جعفرى دە بوشەرگىشچەسىندە
 اشراكا اىتمىشىدىلر . طلبەلىرىن شاعر و موسىقىى صنعتىندە واردا ولانلارىندىن
 باشقا آذربايجان نىن اۇستادە شىقلارىندىن عاشىق جعفر گۈزەلىنى و بالابانچى
 حسن آقانامىنى دە دعوت اىتمىشىدىلر . صحنە گۈزەل بۇستىرلر و گۈلدستەلىرىلە
 بىزە دىلمىشەدى . مجلىسىن آجىلىشىندا خوش سىلى طلبە داود آقا بىيات
 قرآن كرىمدن بىر نىچە آيە اۇخودو . صونرا شىمى مھندىسى طلبەسى قۇربان
 كرىمخانى بوشەرگىشچەسىنن آپارىجىسى تىرىيون دالىنا كىچىب ھامى دعوتلى -
 لره خوش گلىب سىز دىئىب اۇستادشەرىياردن گۈزەل بىر شەراوخودو . طلبەلر -
 دن بھرالعلمى (ھىنىق داغلى) نى شەراوخوما غا تىرىيونادە دعوت اىلمىشەدى
 اۇدا چىخىب ايكى شەراوخودو و آلقىشلاندى صونرا آپارىجى شاعرسا والاندان بىر
 نىچە اۇز قۇشودوغو شەرلرىندىن اۇخوما غا تىرىيون چاغىردى اۇدا آذربايجانا
 قۇشودوغوشەرىنى اۇخودو آلقىشلاندى ، قۇنا قلاسا والاندان بىشە شەراوخوما -
 غىنى اىستەدىلر اۇدا طلبەلر اۇچون عائلە حاقىندا اۇشاغىن آزاؤلماسى
 اۇچون طنز بىرغزل اۇخودو و آلقىشلاندى . صونرا مئالۇزى طلبەسى قلى -
 احمدى قۇشودوغو ايكى شەرىنى اۇخويوب آلقىشلاندى ، آقاي شقاقىدە شاعر
 شەركدن بىر شەراوخوياندىن صونرا آپارىجى عاشىق جعفر گۈزەلى و حسن آقا -
 نامىدن اىستەدى قۇنا قلار اۇچون بىرسا زجالىب وطن و آذربايجانا و جونا يىكى سىرود
 ماھنى اۇخوسونلار ، اولاردا چالىب ، اۇخويوب آلقىشلاندىلار ، بىمەمدىرىتى
 طلبەسى فرمان اورنگىدە اۇز شەرلرىنى اۇخوياندىن صونرا آلقىشلاندى ، بۇ
 بىردە آپارىجى فرمان آقا اورنگىدن تشكرا ئلە يىب توبىتى اۇزە شاعره خانىم -
 قىز رۇيا مەبۇدىاندان خواھىش ائلەدى گلىب شەرلرىن اۇخوسون ، رۇيا خانىم .
 دا تىرىيون دالىنا كىچىب وطن حاقىندا گۈزەل بىر شەراوخودو و آلقىشلاندى .
 صونرا سىياسى علملر طلبەسى فروغ الدىن قىرىشى "بارما غىمىن قانى" آدلىسى
 شەرىنى اۇخودو . صونرا بىر آزا و شىرلىدى قۇنا قلارا بىزىرالىق عنوا ئىلە
 شىرىنى بايلاندى ، بىردە اۇستادە عاشىق جعفر گۈزەلى و حسن آقانامىدىن استفا -

ده ائدیلدی بیرنئچه وطنی سرودماهنی‌لار اؤخودولار. صونرا اسلامی شسورا مجلسینده اورومیه وکیلی استعدادلی شاعر بیت‌الله جعفری تریبون‌دالینا کئچیب بیر آزدا نئشدی بیرنئچه باباتی و شعراؤخودو و آلقیشلانندی صونرا قم دینی حوزه‌سینین اصول و فقه‌طلبه‌سی قاراداغلی میرزه رسول اسما عیلزاده (کامال) تریبوندا دعوت اولدو، اودا کئچیب چؤخ گؤزهل دانئشدی و (اور- دادیر) ردیفلی جاناسینرغزلینی اؤخویوب آلقیشلانندی. قم حوزه‌سینه باغلی اولان آذربایجان مدنیت اؤجاغئندا تۆرک دیلی شعبه‌سینین یارانئدیغی نئسن مژده سینى و تریب دئدی‌لر بیز آذربایجانلی طلبه‌لر اسلامین اؤچونجودیلی صائیلان آذربایجان تۆرکجه‌سینی اؤیرنمهی آلهین سؤزونو خالقا یئتیرمک اؤچون شرعی وظیفه بیلیریک .

بوزا ما نطب‌طلبه‌سی با یک یوسفینین تاردا چالئدیغی بیر آذربایجان موغا میسلا محفلین آپارنجیسی قوربان کریم‌خاننى "صئنیق‌داغلی" نئین قوشدوغو بیر شعری دئکلیمه شکلینده اؤخودو، آقای فریبرز برائی اؤز شعرینی اؤخویانندان صونرا نیرلی طلبه‌لردن آقای اسما عیلی اؤزو شاعر اولدوغو حالدا احتراماً هم یئرلیسی شاعر ولی‌طوتی (آغلاغان) بین ساوالان اؤچون قوشدوغو گؤزهل شعرینی اؤخویوب آلقیشلانندی . میکا نیک رسته‌سی نین طلبه‌سی آقای وفادا اؤز شعرینی اؤخویانندان صونرا سرپل‌ذها بها معلول اولموش بیر طلبه‌یه گؤل دسته‌لری هدیه اولوندو، صونرا طب‌طلبه‌سی با یک یوسفینین تارى نین سئایله حمید- آقا رضوی اؤستاد شهریارین حیدر با سئیندان نئچه بندینی ترنمائتدی . بو گؤزهل شعرکئجه‌سی آخشام ساعت یئدی‌ده صونا چاتدی . بیزبۇرادا جهاد دانشگاهینین فرهنگى بخشینده چالیشان مسلمان قارداشلار یئمیزدان بو کئجه نین زحمتلرینی اؤز بویونلارینا آلیب و یئرینه یئتیره ن گنج آذری طلبه- لری میزدن تشکرا ائدیپ اولنلارا داها اؤستون موفقیتلر دیله ییریک .



دگرلی وارلیق درگیمی نین حورمتلی یازیچی لاری :

سزین آنادیل و ادبیا تیمیزا و غروندا اون بیر ایلیک مجا هده نیزدن ، آنادیل و ادبیا تینا ایچدن باغلی اولان بیر آذربایجانلی کیمی تشکرا ثدیب دگرلی قوللو - قلرنیزین دوامین اولو تانری دان دیله بهرک ، بیرآچی دردی قیسا جا آچما غسا اذن ایسته بیرم .

بیلیرسینیز میکی سیز ادبی لهجه میزی یا یماق آرزوسی ایله یورولما زچالیشان حالدا دیلمیز تبریزده دانیشان ، اؤز آنادیل لرینده سوادلاری اولما یان درس او - غوموشلاریمیزین آغزیندا یا مان مسخ اولما قدادیر ؟ من تبریز رادیوسونون "بیزدن سلام ، سیزدن کلام " وئرلیشیندن ائشیتدیگیم (و نوارا توتدوغوم) دانشیقلاردان بیرننجه جمله بورادا کتیرمکله قماوتی اؤزونوزون عهده نیزه بورا خیرام :

" رفاه هرجه بیشتر شهروندلری تأمین ائلیباخ ."

" دراختیار صداوسیما قرار تاپدی ."

" پروژة آبرسانی از طریق زرینه رود "

" قیزیلجا میدان کی پلیس راه تبریز - میانین کناریندا واقع اولوب "

" و انشالله هم بومسئله به توجه اولاجاخ وهم بوای کی حفا رلیخلاری کی اولوبدی بو -

لاری همان سرعتین کی حفا رلیخ اولوب ولوله های گاز احداث اولونوب و ایجاد اولو -

نوبدی اوننان سورا دا همان سرعتین ده حتماً آسفالت اولسون تا ضایع لر آزالسین

" مسئله قطع برق " ، " نییه کی " ، " پیش از بوای کی " ، " به اتفاق قردشوز " ، " نظم و ترتیبی

یاد دان آ پارما ساخ " ، " یادآوری کننده " ، " بوزمینده اگر امکانی (یای وحدت)

اولسا بیزیم اوچون آتی فرستلرده گزارش و ثره سوز " ، " از نظر ، " بطور نسبی " ، " هنوز -

کی هنوزدی " ، " از طریق واحد سیار " ، " حجم بوکتابخانلار شهریمیزده آزدی "

" آخرین تغییراتیکه از نظر ترافیکی واردی شهریمیزده " ، " بیر اتوبوس تبریزیلی "

" وضعیت کی بوزمینده تهراندا واردی " ، " ضمن اینکه توصیه لری واریدی صرفه -

جوئی بیشتره " ، " بغیراز " ، " بیش از حد " ، " یئرلری که بولارین مصرف برقی چوخدی "

" مدرسه شیفته " ، " مناسبت سالگرد پیروزی خرمشهر " ، " بمنزله ثبت نام " ، " روحیه -

ورزشکاری " ، " اوقات فراغت ی پر بار اولا ، " بصورت طرح آزمایشی " ، " در هر صورت ،

" از چهار راه شریعتی بطرف میدان شهرداری و بعکس "

" کلیه شهروندان محترم ، شنوندگان عزیزه سلام و صبح بخیر عرض ائلیریم "

" موقعیکه چیخیلا خیاباننا مواجه با مشکل اولما سنینا "

" طول (بؤلوازی) بیست ونه بهمن دی که سایز (SIZE) بالا کوله گذاری اولاجادی

اوردا اودوکی مزیور اولموشوخ لاین (LINE) جنوبی جہت تسہیل درکسار
مسدود اٹلییاخ ".....

طا فوت فرہنگی تبعیضلرینین سونوجو اولان بو عیبلیری اولما ساییدی
تبریز دانیشیغی دیلیمیزین سقورولوشون بوتونلوکله گوزلمه کینه گوره
رادیو - تلویزیوندا ن وثریلمگه مناسب دگیلیدی . ایندی ایسه تبریزلجه سی-
نین بو یئنی عیبیلره بوسایق رادیو - تلویزیوندا ن یاییلماسی خدمت یئوخ
بلکه بو عیبه جر نه تورکو - نه فارسی دانیشیغی با جارما یسانلارا دا اؤگرتمکده -
یر .

دردی میزی کیسه دشملی بیک ؟ طا فوت چاغیندا فارس اولمایان ایرانلی-
لار آنا دیالریین رادیو - تلویزیوندا ن ائشیتمکدن محروم ایدی لر . بوجـوـخ
دوزولمز بئر ظلم ایدی . ایندی ایسه کرامتلی قرآن بویوروغو قیغیلاری دیلردن
آچان چاغدادا کینه ده آذربایجانلیلار دوزگون آنا دیل دانیشیغین رادیوتلویز -
یوندا ن ائشیتمکدن محروم دورلار .

تبریز - ۱۱ / ۶۹/۷

خویدان بیرمکتوبون قالانی:

"تورکجه کیهان "ین بیر مقاله سینین(قتل عامی، مقاتله می)کیچیک بییر
بولومو آذربایجان تورکجه سی ایله بومقاله نین بوتونلوکله فتوکپی سینیی
ضمیمه اولراق خدمتینزه گونده ریرم . چون بو مقاله نی قویا ردیب ساغلا-
میشدیم . ظنیمجه بو مقاله نین مجله سی ۳ تا ۶ نجی ساییلردان بیریی-
اولا بیلر .

وما راقلی (جالب توجه) اولان تورکیه دن غربی اثرمنستان دئدیکلری بیئری
ایسترکن سیلاحلی محاربه ائتمه لی دیرلر . اما شرقی اثرمنستان هارادییر
دیینده ، اؤنوموزه اوچ دنیز آراسینداکی امیراطورنوق خیالی چیخماز:
خزده باکودان قره دنیزه و غربدن اسکندرون خلیجینه . شرق دن ده تبریز
مهاباد ، کرکوک ، حلب اوزه ریندن آغ دنیزه چکیلن بیرخط ایچینده کی اولکه
اثرمنستان اولراق گؤسته ریلیر .

اما ۱۹۸۳ نجی ایل ۲۴ نیساندا دنیا اثرمنتلر شوراسینین یایینیلا-
دیقی اعلامیه ده گورولدوگونه گوره ، ایران دان اولان نوپراق ایستکلرینی
ملح یولوا یله اما تورکیه دن سیلاح یولوا یله آلاجا قلارینی ادعا ائتمکده -
دییرلر .

○ حورمتلی وارلیق

سلامدان صونرا ، بوایل نوروز بایرامیندا ایلك مکتوبومو بایرام تبریککی مناسبتله خدمتینیزه گؤنذرديم ، قره باغ مسئلهسی اثرمنی لریمن تجاوزکارسیاستی ، شماللی قارداشلارمیزا قارشی تورتدیکلری قانلی حادثه - لر و ایندینین ایندیسینده ، سرحدنا حیله لرینده سیلاحلی اثرمنی لریمن باسقینلاری آرتیق بونلارین شوم هدفلی ، منی مجبور اشدی بیر جیزماقارا خدمتینیزه گؤندهرم . بیرده ضمیمه اولراق "تورکجه کیهان" دان بیرمقاله نین کیچیک بیر بولومون آذربایجان تورکجه سی ایله تقدیم ائدم . اثرمنی لریمن بویوک اثرمنستان خولیاسی ایله یاشا بیرلار . هدفلی بودورکی اوچ دنیزین (خزر ، قره دنیز ، مدیترانه) آراسینی قاپسایان توپراقلاردا بیربویوک اثرمنی حکومتی قور سونلارکی تقریباً شامل دیر: شمالی آذربایجان ، جنوبی آذربایجان ، تورکیه نین بیر قسمتی ، عراقین بیر قسمتی ، هابئله سوریه نین بیر قسمتیله ائشیددیگیجه گوره بویوک اثرمنستان نقشه سین کلیسارینده ووروبلار . بونلارین آذربایجانا ادعالری هاردا ندادیر ؟ آذربایجانین تاریخین اوخودوقدا گوروروک بو بیئر تاریخ بویو بیرجه رراه کیمی اولوبدور گلدی گئدرلی . چوخ ائل لر طایفالار گنیب قالیب ، گئدیبلر ویانیا نسا یاشایبلار . البته لاپ قدیم زمانلاردا ن تورکا ائل لری بواؤلکه ده وار - ایمنیشلار . بو توپراقلاردا قانلار آخیب . نئچه نئچه قانلی قادالی اردولار بوزانی پاسیبلار . آشور ، اورارتو ، اسکندر مقدونی ، عربلر ، مغوللار... آذربایجانین هامیسین یا بیر قسمتی تصفاتدیکده ایبلر بویو بوزانی اشغالدا ساخلیببلار . اثرمنی لر اوزلرینی اورارتو ورشله لری بیلرلر . آذربایجانا ادعالری وار دیر اگر بونلار حقلی اولارسا ، اوندا اوبیرسی لرینده ادعالری اولابیلر . ایراندا دونیانین بیر قسمتی اوجمله - دن اثرمنستانا ال قویا بیلر . هابئله دوت گشت دونیانین چشیتلی اولکه - لری باشقالرینا قباله چیخاردا بیلرلر . اوندادونیا ده گر بیربیرینسه ، یاخشی سی بودور اثرمنی لر بیردش آلتدان قویسونلار بیردش اوستدن ، بوغام خیالدا ن گئچسینلر . قونشولاری ایله خوش نیت ، صلح ، صفا ، یاخشی رابطلر ومحبت ایله یاشاسینلار ، سعی لرین اثرمنی ملتین شرقی سی ورفاهی بولوندا صرف ائتسینلر .

قالانی ۱۱۱ - اینجی صفحه ده

● خۇرمەتلى وارىلىق مجلەسىنىڭ رىئاكسىيەسى

ايلىك اۇنچە اۇزۇمون اۇرك سالاملارنىمى سىزە چا تىدىرماق اىستىمىمىز
 وسىزە انا دىلىمىزە و دوغما اذربايجان مدنيتىمىزە خىدمت ائتمىگە، بۇيوك
 موفقىتلىر و اوغورلار ارزو ائدىمىمىز . بۇمىنىمى سىزە ايلك مکتوبوم اولسا دا
 بۇنو دىملىمىمىز كى من سىزىن ھمىشە كى اوخوجولارىنىڭ نام و دىگىلى وارىلىق مجلە -
 سىنى ، انا دىلىمىمىزىن و دوغما مدنيتىمىزىن و ارلىغىنىن بىر بۇيوك نشانىسى
 كىمى دىگىلىدىمىز من بومکتوبو اۇرمو شېرىندىن (اۇرمىيە) سىزە با زىرام
 نىچە كى بىلىمىمىز "اۇرمو" بۇيوك اذربايجاننىمىزىن قىدىم شېرىندىن بىرى -
 دىر و ايندىلىك دە جنوبى اذربايجاننىن (ايران اذربايجاننىن) ايكىنچى
 بۇيوك شېرى سايللىمىز . ائما من بورادا بۇشېرىن گۇزلىكىدىن و قىدىمى
 تارىخى ائبىدەلىرىندىن صحبت اچماق اىستىمىمىز . بلكە بىر بۇيوك دىردىن سۇز
 اچماق فىكىرىمىز . بۇشېرىن خىيا بىلارنىڭ و كوچەلىرىندە دۇلانسانىمىز
 ھىچ دە نظرىمىزە ائلە گىلمىزكى اذربايجاننىن مھىم بىر شېرىندە سىنىز . بلى
 بورادا بالاجا و كۇرپە اوشاقلار فارسى اۇگىرتمىك و بالاجالارى فارسچا دىل -
 اچماق مېجور ائتمىك چوخ بۇيوك رونق تاپمىشدىر . ھە بۇ بىر طرفدە قالسىن
 بورادا خىمىلە گىنچ قادىنلار و قىزلار غلىظ فارس لھجەسىندە دانىشماغى ،
 متمدنىلىك و گۇنون مۇدىكىمى اۇركىن قىبول ائتمىشلىر ، ائلە فارس دانىشپىرلار -
 كى اصفھاندا و شىراز دادا بىلە غلىظ فارس دانىشانلار تاپىلماز . بونوع
 فىكىرلىشك و قدر گۇچلو دوركى قالان ائمالاردا دا اوز تظاھرىنى تاپمىش -
 ىر . مثلاً "سىزىن بىر ماغازىيە يا بىر ادارەيە يا بىر شىركەتە ايشىنىڭ دۇشە
 اورادا فارسچا دانىشماق ايلە اذربايجانچا دانىشماغىن ايشىن نىتىجەسىندە
 اچىق اشكار فرقى اۇلور و ائمالارىن دا ورا نىشانلار (بىر خوردا) فرقا ئدىمىز .
 بلى بورادا اوز انا دىلىمىزە دانىشماق ، گىرلىك و متمدنىڭ اوزاق دوشمىك
 كىمى قىمىتلىدىر بىلىر و عكسىنە فارس دىلىندە دانىشماق متمدنىلىك و
 وايرەلىلىك نشانىسى حساب ائدىلىمىز .

بونلارنى ھامىسى اچىق اشكار بىر مىسئەلنى شوت ائدىمىز ، مىلى شىعورون
 بوغلوغۇ بۇنون سببى نە دىر ، من اۇزوم دە قىمى بىر فىكىر سۇپلەيە بىلىمىمىز
 ائناق بونو بىلىمىمىزكى ايران اذربايجاننىن بونون لۇگوندە بومىسئەل -
 گۇزە چارپىر ، ائما اۇرمو شېرىندە چوخ شىدلى شىكىلدە گۇرونور . مىن
 اينا مىرام بىر كۇرەسىنىن اوزوندە يا شايان مىللىتلەر ايجىندە بۇقدر اوز
 مىلى و ارلىغىنا اعتناسىز بىر مىللىت تاپىلسىن .

اڭله بونا گۆره دیرکی "اۆز کیملیگینی و اۆز آذربایجانلیغینی دۇشۇنن آذربایجانلیلار" اۆز دوغما وطنلرینده اۆز لیرینی غریب حسن اشدیرلر و بونا حاقلی دیرلر (وارلیقین قیش - ۱۳۶۹ نۆمره سینده درج اولونان "غریب لیک یامان اولار" باشلیقلی مطلبه اشاره ائدیرم). بیز یۇتون میللتلریسن تاریخینده اوخوموشوق کی باشقا میللتلر و حۆکومتلر اۇنلارین مدنیتینی و دیل لیرینی آرادان آپارماق ایستهینده اۇنلار نهیین باها سینا اۇلۇرسا اۇلسون اۆز آنا دیل لیرینی میللی وارلیقلارینی قۇرۇیوب ساخلاماق ایسته ییلر و بویۇلدا بۇیوک مبارزهلر ائدیبلر. آلمانلار فرانسانی اشغال ائتدیکن صونرا فرانسیز یازیچیلارینین بیر (۱) بیز گۆزهل حکایه ده یازیردی کسسی گۆره سن الله! اشغالچیلار مکتبیین دیوارینا قۇنموش بو گۇیرجینلری ده اۆز دیل لیرینده اۇخوماغا (آلمان دیلینده) مجبور ائده چکلرمی؟. اڭله گۇتو- رهک اورمو شهرینین اۇزونده یاشایان اقلسلری، اثرمنیلر و آسوریلری، بوتلار هرهسی جوخ کیچیک و آز عدهلی بیر افلس اولالاردا ایللر یوسو تاریخ بۇیۇ بورایا قدر اۆز دیل لیرین و یازسلا سر و عادت ععنهلرین یۇیوک بیر میللتین ایچینده کی دیلی و دینی و مدنیت سامله باسقا دیر، قۇرویوب ساخلامیشلار و حتی اۆز دیل لیرینده کۇرپهلر اۇچون مکتبلری ده واردیر. آما بیزیم آذربایجان میللتینده گلدیکه، صفحه تامامله باشقالاشیر. یابانجی و یاد دیلده دانشماق اۇستون ساییلیر و حتی اگر بیرنفر منیم سیزه یازدیغیم بو صحبتلری بیر بیغناقدا آراباچکه، هامی اۇنا آغیر بۇزهر و اۇنوهنج دخلی اولمایان بیر ائتلارلا تهمتلندیرلر.

بلی، ملی شعوردان بۇشالان آداملار اۆز لیرینی، یادمیللتلرین شکلینه سالماق اۇچون غریبه بیر دلایلرده آختاریب تاپیرلار و داها یاخشی دئسک بۇ ساتقینلیغا توجهلر دۇزه لیدیرلر. نه بیلیم اۇشاق اولجه دن فارس دیلینده دانشما مکتبه (مدرسه ده) چتینلیک چکمز و درسنی یاخشی اۇخویار آخی بوتلار دئیهن یۇخدورکی بئله اولسایدی اۇندا گرهک بوتون فارس اۇشاقلاری شیرازدا، اصفهاندا و نه بیلیم باشقا شهرلرده گرهک هامی سی اعلاجی (شاگرد ممتاز) اولایدیلار و هامی سی علاقیمتلر (نمرهلر) اولایدیلار، حالبوکی بیسز گۇروروک هنج بئله دکیل و عکسینه جوخ آذربایجانیلارکی فارس دیلینسی پالنیز مکتبه اۇگره شمیشلر و اڭله لیرینده ده جوخلاری فارس دیلی بیلیمیلر، جوخ استعدادلی شاگردلر اولمۇشلار و چتینلیک چکمن تحصیل یولۇندا ایره لیلده میشلر و جوخلاری دا بۇیوک زیروه لره چاتمیشلار.

۱ - یانیلیمیرامسا بو فرانسیز یازچی سی " آلفونس دوده " دیر

من بۆيوك اوستادشا غيريميز شهربارى بورادا دگر ائتمكى فابدالىسى گورورم . نئجهكى بيليريك اوستادشهربارين آناسى هئج واقت فارس ديليسى اؤگره شمهيب وبالاچا محمدحسينى فارس ديلينده اؤگرديب دانيشديرمايب و واختى ايله اوغلونا دشمشديركى : "آي اوغول دشيرلرسن بۆيوك شاعر اولموشان ، آخىبىزكى سنين شعرلربندن باش اچميريق " كى شهربا رصونرالار اوزونه گليب و "حيدر بابايا سلام" ادلى بۆيوك بيرا اثرى اوز دوغمانسا ديلينده يارادير ، توركى دئديم اؤخوسونلار اوزلرى " مصراعينا ويندينه اشاره انديرم .

منه ائله گليركى ايندى واقتى چا تيبكى ايران آذربايجانيندا على شعورون بوخلوغونون علتلىرى آرانيب آختاريلسين و آذربايجان ضياليلارنين اوزهرينه بو مريض ليگين علتلرينى آختاريب تاپماق و اونون درمان بولونو ناپماق اوچون بۆيوك مسئوليت دوشور . اگر شمالى آذربايجاندا اليغبا مثلهسى مطرح دير ، منجه جنوبى آذربايجاندا اليغبادان دانيشماق هئجه سئربنه دوشمز ، چونكى اولجه ديل اولماليدير تا اونو يازماغا اليغبا اولسون ، بيرا حالداكى ايراندا ياشايان ۲۲ ميليونا ياخين آذربايجانلى لارين بۆيوك اكثريتى اوز ديلينه بو قدر لاقيد ياشير و آذربايجان ديلى بو قدر اوچوروما دؤغرو گئديب و گئدير ، نه بيليم عرب اليغباسى ياخشى دير بالاتين ساكيريل ، بورادا معناسيز گورونور ومن بورادا اوزومو حورمتلى عالميميز دوكتور جوادهيئته توتورام و جنابلاريندان بو حاقدا دريــــن آراشديرمالار اومورام . آخى اتالار دشمشكن " اومان يئردن كوسرلسر " سزدن چوخ عذر ايسته بيرمكى مكتوبوم بير قدر اوزون اولدو ، آما نهائديم درديمى سيزه ده دانيشماسام بس كيমে دانيشا جاغام . هر حالدا سيزه بيرداها بۆيوك موفقيتلر آرزو انديرم و خواهش انديرم كى مصلحت بيلسه نيز و مجله ده درج ائتمگينه ديسه منيم بو گيلى گوزارلاريمى چا پائدين بلكه وطنداشلاريميزين بعضى لرى اؤخويوب بير قدر بومسئله به قيكيرلشديلر . و اوز وارليق لارينى و دوغما ديللرينى ومدنيتلرينى دوشوندولر و ايرانلى اولماقـــــــلا فازس اولماغين فرقينى دربندن فيكيرلشديلر . بيرداها سيزه اؤز صميمى تشكرلريمى بيلديريرم .

وجدان سۆيۈپ

اي فلک گۆرمنی بو ورطه ده قويدون نه گونہ
کی بوتون ايشلریم هر يئکرده دوشوبدوردويونه
جان آتيرديم بيروا فاق آرزوما اولسون کی، چا تيم
غافیل اوندان کی، قویوبسان کیمی آزا سۆيۈنسه
بیر کۆنول اهلی نین الله چاتا دیننه گرهک
بوخسا ائل ایچره قالیدیر، اویا لاندان اویونه
کیم شرفسیزدی کئفی ساریدی، شرف اهلی قالیب
غملرین چالخالایا، آغریلاریلا دویونونه
چوخونون باشینا کول، اوتدوغویئکرده تۆکوسن
باخیمان کیمدیسینه، آغ - بوزونا، یا گویونه
سن آبیرسیز، تۆکوسن آبریلی شخصین آبهترین
نه عزیزلیک ما بیسان، نا باخیمان ارکۆيۈنونه
بیری اوست - اوسته لیبکدن گبه، قابلاردا قیزیل
بیری من تک، حصیر اوسته، گوجوچا تمیر چویونونه
بیری حیلئیله چکیرنقشه کی، قیرخ ایل کئفا ئده
دوزگون انسان دا معطل شاما یوخ، لاپ بویونونه
ساوالان من دئیرم نه ئله اولماق، نه بیئلسه
اورتا حال دوغرو، هوزا بیئتوت اونا وجدان سۆيۈپ

با جیمین قبری اوسته

فلکین گۆرنه آغیر عادت دیرینه سی وار
آنا آلماق، باللا غلامقا وچون کینه سی وار
غوربا غین سیریله دولموش سینه سینن - یارسینلار
بیئله قیمتلی گۆهرلر دولوسو سینه سی وار.

گۈندەرىن منىسى

بىر گلىن سۈرۈشۈن، بۇدۇغما ديار،
كىملىرى ايستەيىر، نەيى آرزولار؟
بىر گۈن دە قايىدار گۈلە دۇرنالار
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

بىزە يۇلداش اۋلوب غصە، غم، كدەر،
بىس نىيە اۋلمۇشوق بىللە درىدردر؟
بۇ بۇرغون كاروان ها يانا كىشدەر؟
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

منە نەگۈلۈشۈرۈپ، نەچچىك وئىرىن
نە حورى، نە پىرى، نە ملك وئىرىن
تەك بىرچە آرزو، بىردىلك وئىرىن
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

منە نەبىر ناغىل، نە داستان وئىرىن
نە چمن، نە مئشە، نە بوستان وئىرىن
يۇردومو گۈرمەگە بىر آمان وئىرىن
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

بۇدۇر وصىتىم دوستلاريم سىزە
اۋلۇمون اۋستوندى گلمەيىن سۇزە
اۋلمىدە گۈندەرىن منىسى تېرىزە
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

مصدق ايستەيىراثلين گۇرسۇن
شاختا سىز، بۇرانسىز، گولونو گۇرسون
مكتىدە يازىلان دىلىنى گۇرسۇن
تېرىزە اۋلمەگە گۈندەرىن منىسى

گلىن آي ائامىندن آيرى دۇشنىلر
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى
اشوبىندن، چولوندىن آيرى دۇشنىلر
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

نە بۆلبول ايستەرم، نە گۈل ايستەرم
نە جمال ايستەرم، نە تەتلا ايستەرم
بىروطن ايستەرم، بىرا تەل ايستەرم
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

نەدەرە ايستەيىب، داغ ايستەيىرم
نە باغچا ايستەيىب، باغ ايستەيىرم
ائىلىمىن گونونو آغ ايستەيىرم
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

نە كامان آختارىب، ساز آختارىرام
نە عشوہ آختارىب، ناز آختارىرام
ائىلىمە شەن باھار، ياز آختارىرام
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

نە دنيزايستەيىب، چاي ايستەيىرم
نە دە اۋخ ايستەيىب، ياي ايستەيىرم
دونىدادان بىر گۇرۇش پاي ايستەيىرم
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

يولۇمو گۈزلەيىر چۆللىرىم منىم
خوش باھار ايستەيىر گۈللىرىم منىم
گۈرۈشمك ايستەيىر ائىللىرىم منىم
تېرىزى گۈرمەگە گۈندەرىن منىسى

ینى تورکجه - فارسجا سۆزلوک

آذربایجان تورکجه سیندن فارسجا یا ینى سۆزلوک کتابی چاپدان چیخدی. بو کتابین آدی آذربایجانجا - فارسجا دیر و آقاي بهزاد بهزادی طرفیندن حاضیرلانمیش و دنیا انتشاراتی طرفیندن یورا خیلیمبش دیر . کتاب حجیملی وه همین حدودوندا تورکجه سۆزلی احتوا ائتمکده دیر . بو سۆزلوک کؤکلر اساسیندا حاضیرلانیب یا زیلمیش دیر، آقاي بهزادی یوسۆزلو- گۆ حاضیرلاماق اوچون اوزون ایللر زحمت چکمیش و دیل خزینه میزه جوخ قیمتلی بیر سۆزلوک قازان دیرمیش دیر . بو کتاب اسلامی انقلابدان سوئر آنادیلیمیزده چیخان ایکتجی سۆزلوک، اولما قلا برابر داها اول نشر ائدیلهن آقاي بیقونون سۆزلوکوندن داها حجبعلی و داها سامباللی دیر . مؤلف کتابیندا الفبا میزین فونه تیکلشمیش شکلیندن قایدالان دیغنی حالدا تاسفله قیدائتمه لی بیک کس بیراز وارلیق الفبا سیندان آبریلیمیش دیر . بو الفبا میزایینی عادت ائتمیش اوخوجولار میزین ایشینی بیراز چتینلشدیره چک و هامی میزین بیرجور الفبا قبول ائدیبا ایشلتمه گیمیزه مانع تورده چکدیر . ایندی بیکده دیل ، ادبیات و الفبا میزی قدری وطالعی داها جوخ اوزوموزدن آسلی اولدوغو اوچون اوزوموز بئله خلقی - مدنی واجتماعی ایشلرده بییرلیک یاراتما قلسدان مشولوق .

بو کتاب حقنده ایره لیده تفصیلاتلی ، تنقیدی یا زیلار یا زیلاجا قدیر . بیز بو قیمتلی اشری تانیتما قلا کفایتله نیب و اوخوجولار میزا اوندان فایدا - لانما غی توصیه ائدیریک .

آقاي بهزادی اوزون ایللر آنادیلیمیزده تحقیقات آپاریسب و آذربایجان دیلیندن فارسجا یا ، میرزا ابراهیموفون یا زدیغی "یا خشی آدم " و " کندچی قیزی " نما یشنا مه لرینی فراسجا یا حثوبرمیش دیر .

حرمتلی یا زیجی و تحقیقا تجیمیز آقاي بهزادی یه بوخیرلی ایشده باشاریلار دیلر و ایره لیده داها بؤیوک اثرلر یا زماسینی آرزو ائدیریک . وارلیق .

۱۶۰- با یا تیلار (آذربایجان فولکلور خزینه سیندن - متن کامل، ۳۳۲ - صفحه ، زمستان ۶۹، انتشارات منظومه ، تهران .

نوروز بایرامی گونلرینده چا پدان چیغان با یا تیلارین ینی چا پی، بومجموعه نین آلتینجی چا پی سا بیلابیلیر . مجموعه نین بیرینجی چا پی ۱۳۴۳ - نجی ایلده تهریزده نشر ائدیلیمیشدیر . آذربایجان دیلینده اؤلان کتا بلارین چا پی یا سا ق اؤلان ایلدرده بومجموعه نین نشر ائدیلمه سینى بیر حادثه آدلاندیرما ق اولاردی . ۱۳۵۷- نجی ایل انقلابیندان سوئرا با یا تیلار یوخاری تیراژلا دونه - دونه چا پ ائدیلدی و بئله لیگله ده دیلیمیزده چیغان کتا بلار سیرا سیندا ها میدان چوخ ایسته نیلن و سوئیلن کتا بلاردا ن بیرى اولدو .

مجموعه نین ینی چا پیندا اوردادا توپلانمیش با یا تیلارین سابی بیردا ه چوخالمیش و مجموعه چا پ و جلد با خیمیندان دا ها دا مکمل و گؤزه ل بؤراخیل- میشدیر . با یا تیلارین بوتازا چا پیندا بیرینجی چا پی یا زیلان مقدمه سا خانلیدینی حالدا ، بیر صفحه لیک بیر " اشاره " آرتیریلیمیشدیر . بؤاشاره د با یا تیلارین خلق آراسیندا گنیش حالدا ، یا بیلیدینی و سوئیله - سوئیله - اؤخوندوغونون بیر جانلی شاهدی کیمی آشا غیداکى سؤزلری کتیریریک :

".... با یا تیلارین ۱۳۴۳- نجی ایلده تهریزده بؤراخیلان بیرینجی نشرینی هله ده سا خلایرام . بؤنسخه چوخ ایشلندیگی وال به ال گزدیگی اؤچون پؤزولوب دا غیلیدینی حالدا ، منی و میرلره منیم کیمی لری، دوغمه سا یوردومون خلق شعرینده ایشه آپاریلان گؤزه للیکلر ایله تانیش ائتمکدن علاوه ، او آغیر اختناق ایلرینده بیرنچه آیری کتا بلا یا بیلیدینی بیر معجزه سا بیلیدیفینا گوره ، هله ده او دا غیلیمیش نسخه نی سا خلایرام . البته با یا تیلارین سونراکی چا پلاریندا ن چوخلو نسخه لر آلیبه با یا تیلارین گیزلی وعبان گؤزه للیکلرینه مفتون قالان بیر چوخ دوستلارا هدیه ائتمیشم . سؤزون قیاسی ، بو اوزون اوزادی ایلرین کدرلی گونلرینده اونو ان یا خیبسن گونول سرداشی کیمی اؤزومله گزدیرمیشم ش . مشتاق " .

★★★

۱۶۱- کجاشی دوست ، کجا (هاردا سان دوست ، هاردا) ، علویه با با یوا ، ترجمه محمدعلی فرزانه ، ۴۹۵ صفحه ، چا پ اول ، پاییز ۶۹ ، انتشارات منظومه ، تهران .

عوب - ساپوا شمالی آذربایجان آدلی - سانلی یازچیلا ریندان اولموش و بیبر چوخ اجتماعی - تربیتی رومانلاری ایله بوگونکی یازچیلا - نسلی آراسیندا اؤزونه کؤرکملی یئر قازانمیشدیر. علویه با بایوانین قلمی اولدوقجا آخارلی و باخیشلاری اولدوقجا درین و هر طرفلی دیر. او اثرلرینین اساس موضوعونو معاصر حیاتدان و اوندان باش وئرن جوربه جور چارپیشمالار - دان و حادثه لردن آلیر. علویه با بایوا معاصر حیاتی تصویر اشدنده بئلسه، بیبر وظیفه اؤز قارشیسیندا قویور: "بوگونکو حیاتنا حصر اولونموش اثرین هر سطری الکتریک تظلی اولمالیدیر، الینی ووران کیمی بو تظلردن گرهک قینجیم ساچسین....".

اثرین عمومی مضمونو ایله تانیش اولماق اوچون اونون فارسی ترجمه سینه م. ع. فرزانه طرفیندن یازیلیمیش بیبجانم مقدمه دن ایکسی - اوچ پاراگراف نقل ائدیریک:

"رمان کجائی دوست، کجا؟" ازمعدود رمانهایی است که نه تنها در جمهوری آذربایجان، حتی در مقیاس اتحاد شوروی قبا از اعلام "پروستور-ویکا" و "کلاسنوست" نوشته شده و در آن نارواییها و نابسامانیهای موجود در روابط اجتماعی و معیارهای اخلاقی و اختلافها و ناهمگونیهای حاکم بر طرز تفکر و عملکرد افراد جامعه باشیوهای واقع گرایانه و شهادت آمیز مطرح شده است. موضوع اصلی رمان به مسایل روزنامه نگاری و زندگی روزنامه نگاران به خصوص در جریان سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ اختصاص دارد و صف بندیها و کشمکشهای دو گروه متمایز: گروه آزاداندیشان و گروه جزم گرایان را به شکل گسترده و دز برخورد با مسایل روزمره و حوادثی که از کانال ارتباط روزنامه با مردم پیش می آید بازگو میکند.

چهره ها و شخصیت های گوناگونی که در رمان تصویر شده اند، هر کدام سنجشها، برداشتها و حتی جهان نگرینهای روا و ناروای خود را بهمراه دارند و هر کدام ردپای فکر و سلیقه و دیدگاه خود را آنچنانکه هست، در صحنه ها بر جای میگذارند".



۳۶- گزیده های، از ترانه های روستایی فارسی (با ترجمه منظوم به ترکی آذری) به کوشش م. ع. فرزانه، ۱۸۰ صفحه، زمستان ۶۹ انتشارات منظومه تهران.

بیرینجی دفعه ایکی دیلده: فارس و آذری دیلینده نشر اولان بومجموعه اوچ یوزدن چوخ فارس خلق ترانه لرینین اصل متنلری ایله آذری تورکجه سینسه

منظوم ترجمه نمونه‌لری وثریلمیشدیر .

ساده خلقین صاف دویغولایندان جوشان واونون آروز ، حسرت ،شوینج
و کدرینی ترنم ائدن بودؤردلوکلر ابرانین غربیندن توتמוש تا تا جیکستان
و افغانستانا قدر فارس دیلمینده قونوشان خلقلرین سسینی ونفسینی اؤزونده
داشیماقدا دیر .

چؤللری ویا ما جلاری بزه بینوحشی گوللری خاطرلادان بوترا نه لری اولد-
وغو دیلدن باشقا دیله چئویرمک ،همده منظوم چئویرمک آسان ایش اولماسادا
بو ایش تام با جاریقلا یئرینه یئتیریلیمیشدیر : بهیز آشاغیدا بو ترانه لری
متنی ایله ترجمه لریندن نمونه لر وثریریگ :

اؤزون آیدیر ، اؤزون آیدیر ، اؤزون آ	رخت ماه ورخت ماه و رخت ماه
اؤزونون آغلیغی لاپ سحره تئای .	سفیدی صورتت مثل سحرگاه
اگر هرگون ایکی یوز بولگورمه سم ،	اگر روزی دو صدبارت نبینم ،
گوزومون یا شیریا دان اومار پای .	بریزه اشک چشم مثل دریا

بیر قاراگوز یاندان منه گوز ائیلر ،	سیا چشمی که چشمک برمن انداخت
کیچیک یا اشدان اوره گیمه غم چیلر .	مرا از کوچکی توی غم انداخت
اوشاق ایکن هنج بیرششقا نما زایدیم	که بودم کودک نادون نادون ،
اؤ ، بو اؤدو منیم جانیمالر	چنین آتش که برجون من انداخت

اللهیم ، بوچولده بول گؤسترمنه ،	بیا بونم ، خدا یا ، راه بنما ،
قارانلیق کئجه ده اول رهبرمنه ،	شهم تاره ، خدا یا راه بنما .
یوسف - زلیخا نین عشقی خاطره ،	قسم بریوسف و عشق زلیخا ،
غملی اوره گیمی شویندیسر بنه	دل ناشادما راشاد بنما .

ایکی جاذبه لی گوزون واریا ریم	دو چشم شوخ دلبرداری ، ای دوسته
ایکی دودا غیندان بال دامار ، باریم	دولب شیرین خوشکرداری ، ای دوست
گاهدان اوخویورسان ، گاهدان چالیرسا	کهی میخوانی وکه می نوازی ،
بیلیمیرم خیالین نه آزار ، یارسسه	نمی دانم چی درسرداری ، ای دوست

سلام وشردین ، سلامی نین فداسی ،
ایکی دودا غیندان اوپوش آلامی .

سلام کردی ، به قریون سلامت
میان هر دولب بوسم لبانت

بە چرەدە سالگى دل درتويستم ،
بە پىنژدە سالگى گىشتم غلامت

اۇن دۇرد ياشىندا يىدىم سەنە وۇرۇك رۇم .
اۇن بىشىمدە سەنە قۇرسان اۇلاسى

بە كوهەي وطن چشومنم افتاد
دوباره آتشی برجانم افتاد
فراق دوریت دارم بە سېنە ،
يکايک رخنه بر دندونم، افتاد

وطن دا غلارينا گۇزۇم ساتاشدى ،
بېر داها اۇد توتوب جانيم آليشىدى .
ھجران اۇزاقلىغى سېنمە دۇلموش ،
گۇر نىجە ديشلرېم جۇرودو ، دوشدو .

دلدار مراگفت :چوا غمگىنى ؟
درقيد کدام دلبر شيرىنىسى ؟
برجستم وآيينه بە دستش دادم
گفتم کہ درآيينه کہ رامى بينى؟

نازليم منەدەئدى : نيه غملىسىن؟
هانكى نازلى يارىن قا يىغىسىندا سان؟
ال آتدېم آينانى الينە وشردېم ،
دەئدېم :باخ آينادا كىمى گۇرۇرسن؟



ايوالفضل روزى طلب "شاهين" نە گۇزەل دى "

باييز اولما سايدى قيش اولما سايدى
با غلاردا قارقالار، قوش اولما سايدى
عجب صفا ليدى يا زين چا غىنىندا
زالديرين (۱) ارەدە ، قىلپنچ (۲) دا غىنىندا
بېر مجلس قۇرولاخا تون (۳) سۇيوندا
بېيزيم بۇ دا غلارين باھار تويۇندا
شمسيز عمرا شتسن قۇرخ يا شاما قدان
معناسيز ، دونيا دا چوخ يا شاما قدان
ھر گلن دنيا دان كۇچر آي ائللر
شاهين "دەپس، يا خشى سۇچر آي ائللر

بېلمزدېم دوغوردا ن يازنە گۇزەلدى
بېلمزدېم گۇللردە قازنە گۇزەلدى؟
سئيرا ئديپ گزەن يارىن با غىنىندا
كھلىكىن ائتدىكى نازنە گۇزەلدى
دوستلار را جمع اولالاھامىسى اوتىندا
عاشيغين چالديغى سازنە گۇزەلدى
من كى دۇيما ميشام يوخ ، يا شاما قدا
معنالى يا شاسان آزنسە گۇزەلدى
آيرىلىق شربتېن ايجر آي ائللر
دېيىئر قلمينە يازنە گۇزەلدى

۱ و ۲ و ۳ ميا بادا ان گۇمەلى يىثرلرېن آدلارى دېر .

يېئنى چىخا ن كتا بلار :

ع - م - گرچك

اگر نيازچى وشا غيرلر يميز ايسته ييرلر دوغما آنا ديل لر ينده يا زيب ياراتيقلارى اشلر ، مجموعه ميزده يېئنى چىخا ن كتا بلار بولومونده و خوجولار - يميزا تانيتديريلسين ، رجا اولونور اوز يېئنى اشلر يندن بيرنسخه وارليق مجموعه سينه گوندرسينلر .

۱- كتا بين آدى : آنا چينار ، مؤلف : عبدالله مراوى (بالاش) ، قطع رقى ، چاپخانه : فجر زنگ ن صحيفه : ۸۸ ، قيمتى : ۵۰ تومن .
بوشهر كتا بى آقاى محمد كاظم مكملينين مقدمه سيله باشلانير . او ، يا - زير "تورك دىلى ، آيرى دىل لركيمي يتر اوزونده بير وسيع منطقسه ده يا بيليب آنا چاق ايند بيه كيمي قويمو يوبلار تورك ديلينده نيشيب - يانلار بترقى بولوندا قدم گوتورسونلر ، اوزگه لر ، اها تتلى كلمه لرا يله ، ايل لر بويو بيزيم ديليميزه گولوبلر و صونرا محلى رادبودا ن وئريلن وئربليش لرى دوژگون اولارا ق تنقيدا نديرو گوستردىگى نمونه دن آيدىن جا سينا معلوم اولور ، رادبو دا دانيشيلان ديل نه زنجان دىلى ديرونده . باشقا تورك ديل لى خلق لريمزبن دىلى .

رادبودا ايشلنه نيلن جمله لر ين ۸۵ قايژى فارسجا دير . تاسف ايله گرهك دىيك بو بير حقيقت دير ، اما شاعرلر يميزيا راتديقلارى اشلر ينده ، ايسترو - ييل باخيميندان وايسترسده موضوع باخيميندان گئئت - گئده بويوك ناطليت لر الدهه ائديرلر . همين بو كتا بين مؤلفى ، بالاش "بيزيم ديل" عنوانى آلتيندا يازديغى و ياراتديغى شعيرده ، اقتخار انيله دئيبير ، آذرا ئلى بوتون شاعرير دوغولموش دور : "تكجه منيم آنام دئيبيل
نغمه قوشان سوز يارادان
سانكى بوتون آذرا ئلى
شاعير دوغولموش آنادان"

دوبون ! و رهك " آدلى شعيرنده شاعيرين قوشديغى سوزلر ، اينجه ، 'اخيچى و درين معنالى دير . او ، اولونو ، اوز اوره گينه توتور و خطا ليا " دئيبير ، من كوك سوز دئيبيلم ، منيم بودونيا دا درين كوكوم واردير ، باشيمدا ، اوره گيمده ، يازيب ياراتماق ايچون مين بيرسودا و ديله گيم وار -

دیر، قوی شاعیرین اؤز سوزلرین سؤیله یک : "یوخ هله دوشمه میشم کوکوم وار دیر بؤدونیا دا باشیمدا مین سۇدا گزیر، اؤره گیمده وارمین دیلک دؤ- بؤنمدهن دوشمه یئنه دویون حیا تین عشقینه بسله دیگیم دیلک لریم گؤل آچما یینجا اولمه ره م".... طارم فاجعه سی شاعیرین اؤره گینی یا ندیریر، بؤنونلا بئله اؤ دئیریر، بؤ فلاکتین قارشیمیندا اؤزوموزو ایتیرمیسه ک و بؤنا اینانا ق، بیز تاریخ بویو، بؤ، یازیق و محروم امکچی انسا نلارا بؤرچلویوق. اؤنلارین گره ک امک لرینی زای (ضایع) ائتمیه ک و شعرینی بؤ سؤزلر ایله قورتا ریر: "دایا نما سین ال لریمیز، بؤرولما سین قوللاریمیز بیخیلیما ائولریمیز اراده میز بیخیلما سین" ناعیرکتا بی نین مۇنوندا چتین لغت لری آیدینلاشدیریر. کتا بین قیمتی، چا پی کا غدی، ها موسی منا سب دیر. بیز جا وان شاعیرمیزه یئنی - یئنی نأ ثلیت لر آرزولاییرق و بوکتا بین مطالعه سینى اؤز اؤخوجولاریمیزا توصیه ائدیریک.

۲- کتا بین آدی : طبیعتین قوینوندا، قوشانی : م - شامی، انتشارات رودکی اؤرمیه، صحیفه : ۱۴۸ قیمتى ۵۵ تومان.

طبیعتین قوینوندا " عنوانی آلتیندا، آقای شامی کتا بی بئله باشلا- بیر، وطنین یام - یاشیل منشه لریندن، شور دنیزین صفا سیندان و بزه کلی بیر گلین کیمی بوردونون هر بؤجا غی، نازک حیا ل شاعیرلره الهام قاینا غی اولما غیندان سؤز آچیر و صؤنرا احساسی و وطن پروشا عیرلرین یارا تدیقلاری ائولرین، سس سیز - سمیرسیز آرادان گئتمه سینه حیفسیله نیر".

دئمک اؤلار بؤگونه کیمی بیزیم ادبیا تیمیزین طالعی، شاعیردییه ن کیمی اؤلموش اؤن لار ایله اؤنودولموش شاعیر، عاشیق، معارف خادمه سی یا زیجی و صنعتکار دؤغما آذربایجانیمیزین هر بیر گوشه سینده نگران یا تیب اؤنلارین یا زدایقلاری، یارا تدیقلاری، اؤره ک اؤخشا یا ن شعرلری، قوشمالاری، حکمت آمیز سؤزلری، آذربیر صؤرتده دیل لرده، آغیزلاردا گزیره ده آنجا ق بؤا ئرلری یارا دا نلاردا ن هئج بیر نم - نشان بوخودور، اؤخوجوبئله بیراحساس و اؤره ک آغیرسیلا بوکتابی باشلا ییر. شاعیر آذربایجان آدلی شعرینده، اؤز خلقی نین قهرمانلیقیندان و آنا دیلی نین شیرین لیگیندن، صمیمی و سا ه بییر شکیل ده صحبت آچیر: " قهرمان دیر ائللین سنین قانلی آچا رگؤنون سنین نه شیرین دیردیلمین سنین جانیم اؤلسون سنه قربان یاشا - یاشا آذربا - یجان " احساسی شاعیر شامی " تۆرک قهرمانلاری " شعرینده اؤز خلقی نین - افتخاریندان، صمیمیتیدن و وفاسیندان، یاد اجنبی لرقا رشمیندا مرد-

مردانه مقاومتىدىن سۆز آچىر: كۆرسە بۇردون اجىنبىلار اليندە مەكەندىكىل
 بىر كىچىك ياتا تۇرك باشان - باشا شرف، غىرت كانىدىر كىم كۆرۈپ
 دۇر اوز ائلىنى آتا، تورك". شاعىر قۇشۇغۇ شەرىن سۇنۇدا آرزولايىر،
 بۇتون تۇرك ائللرى بىرى - بىرىلن ال - الە وئرىب، مالى، مالا، جانى
 جانا قاتسىنلار. داغلار "آدلى شەرىندە، بۇوطن پىرور شاعىر وئىنىنى -
 قەھمانلارنى: "بايك"، "كورا وغلۇ"، "قاچاق نىبى" و باشقالارنى خا طىرلايىر
 بۇيوك آذربايجان شاعىرى "وورغون" دان الھام آلىر، "قايلار، قايلار قوش
 قونما زىنىر" مىراغىنى بىلە بىر شەكىلدە افدە ائدىر: "قوش قونما زىقا -
 لار، اۇجا ذىرولەر بۇلودلار باشىنا قار - ياغىشالر بۇاۋوزون عمرونە
 كۆرۈيدور نەلر ياغىشلى چىسكىنلى، توفانلى داغلار". شاعىر، كۆزەل و
 شاعىرانە ھر طرزە اوز مەھبەتىنى آنا يا نىسبەت كۆز اۋونۇدە جانلاندىرىر.
 و "آنا كۆنۈ"، "بۇيوك تەفە" عنوانلى شەرىندە، بىزىم اۋلكەدە آنا لارىن
 نە قەدەر حورمىتى و مقدس اۋلماغىنى بىلە سىلندىرىر: "آنا جان اۋرە كىدن
 سۇيرىم سنى سن منىم امىدىم، قىلە گاھىمىسان منىم بەشتىمىدىر
 اىستى قۇجاغىن سن منىم دونيا دا تىك پەناھىمىسان".

شاعىر شەرىن مەخلف نواعىندە اوز پارلاق استعدادىن سەپنا يىب و منجە
 اۋستون كلىپدىر. سۇيلەدىكى شەرىلر، اىستردىل باخىمىندان و اىسترسە موزوع
 باخىمىندان، كۆزەل، دەھىرلى، آخىجى و اۋرەگە ياتا ندىر. آقاي شامى "شاعىر
 آدلى اثرىندە شاعىر نىچە اۋلمايدىر بارەسىندە بىلە افادە ائدىر:
 " ھەرىتەن كىمەھىپە شاعىر دەھىر شاعىردە باشقا بىر فەاحت كىرەك
 بۇيوك روھ و اۋلا، اىنچە خىالى يا زىدىغى شەرىندە طراوت كىرەك قارا
 كىچەلدە بىر مەشەل كىمى يا نىب خلقى ائدە، ھەدايت كىرەك".

استعدادلى شاعىرىمىز آقاي شامىيە، ادبىيا تىمىزىن يۇلۇندا وار -
 قوھىيە، يۇرۇلما دان جالىشىپ، اۋنۇن چىچىكلنمەسى و انگشافى اۋغروندا
 داھا مىدرتلى اثرلر ياراتماغىنا امىتىك و عزىز اۋخۇجولارمىز بۇكتابى
 اۋخۇب و اۋندان بەھرەلىنمەيى تاپشۇرىق، .

۳ - كىتابىن آدى : بۇتۇرپا قلىپام ، مۇلف : عاشىق عزىز شەنازى ،
 قەغەز رەقى، صەھىفە : ۱۴۴ قىمىتى : ۷۵ تومان ، انتشارات : نىشرفرەنگ تىرىز .
 "بو تورپا قلىپام" كىتابى ، كۆز كىلى عاشىق عزىز شەنازى نىن ياراتىدىغى
 اثرلر ، مىنانالى عالىرضانىن ياردىم اىلە بۇ تىزەلىكەدە چاپدان چىقىمىشدىر .
 بۇ كىتابدا ، عاشىق صەنتى نىن مەخلفلىكى : استادنامە ، باغلاملار ، گىرايلى -

لاردان تۆتموش تا جناس لارا ، غزل لرد و قوشما لارا كيمي ، اوخوجونون گۆزلىرى
 اؤنۆنده جانلانمىز . بواحاسلى و وطن پرور عاشيق ، "گۆرموشم" عنوانلىسى
 استادنا مەسىندە اوز باغلىغىنى دۇغما يوردونا سىلندىرير . او ، دئيبىر
 يالتاقلار وفتنه وفساد يارادانلار ، آخىردا اوز يارا تديقلارى اؤدلار ايجى-
 نده يانيب كۆلە دۆنەجكلر ، قوى ، عاشيقين اؤزدىلىدىن سۆيلەيك : "وطنه
 باغلىام جاندان اۆرەكدن نانجىب بۇيۇمۇز حلال چۆرەكدن يالتاقللىق
 ائله يىب چىخان كلكدن آخىر اوز اووونا يانان گۆرموشم" . بۆتمىمىز
 اۆركلى شاشيق "دانىش" آدلى شعرينده عاشيق لرقىندە اوز نقطه نظرىنى
 آچىق - آيدىن سۆيلەيىر . عاشيق شهنازىه گۆره ، عاشيقين آنلايش و بىللىكى
 گرەك جوخ درىن اؤلا ، او ، طرىقت و شرىعتى منىمسه يە هر بىر ايشە عسار ف
 اولوب اوندان صونرا سۆزه باشلايا . عاشيقين اوز سوزو بئله افاده ، اولونور :
 " عاشيق گرەك عارفاؤلا ، سۆز قانا بىلىكده بنزه يە بحرمانه طرىقتله
 شرىعتله اركانا وارد اولسان آختار بول اوندان دانىش" . عاشيق "وطندى"
 قوشما سىندا ، اوز آلوانان و سونمز عشقىنى ، دوغما وطنينه احتراض و هيجانلا
 بيان ائدىر : او ، دئيبىر : " قوينوندا بىلە نىب آنالاركىمى محبتلى ، مهربانيم
 وطندى ناموسوم ، غيرتيم ، آرزوم ، دىلە بىيم دۆز ايلقاريم ، بول ارکا-
 نيم وطندى " . بۇ تورپاقلېيا ، م كتابى آغ كاغىذ اۆزە بىندە جوخ گۆزەل و
 ياخشى بىر شكىلده نشر اولونوبدور ، اوخومالى و ساخلامالى بىر ائردىر .
 بىز سۆيملى عاشىقىمىز عزيز شهنازىيە ، باشارلار آرزولايىب وداها دولغون
 داها قدرتلى وداها اينجه ، ظرىفا ئرلر يارادا ، اجاغينا امنىيك .

خلق ضرب المثل لرىندن
 فضولى درد اليندن داغا چىخدى
 دئدىلر: بختور يايلاغا چىخدى

سلامدان صورنا ، آذر شهردن عزیزقاردا شیمیز اباذر آقا ایما نیدن ۴-
صحیفه " قاراباغ فیتنه چیری" آدلی ملی محبتلی شعرینده ائل و بوردوموز
اولان صمیمیتدن باشقا ، بعضی تاریخی موضوعلاردا اشاره اولموشدومشلا:
نهایت داشنا کسیون کؤمه گیله تزار
اشندی اؤز تسلطین یوردوموزا برقرار

عزیز قاردا شیمیز حکیم غنی دن آلدیغیمیز محبتلی مکتوبلا وستا دشهر-
بارین فارسجا یازدیغی غزل لریندن تورکجه به چئویردیکلری ایدی و بویوک
فضولینین اولمز غزل لریندن ده نئچه سینی بئشله میشدی لار . بئشله مه لردن
بیرینی ائله بوما بی میزدا و ثرمیشیک آما بیثری گل می شکن بونودا دشه لی بیک
کی بعضا " بیر گؤزه ل شعرین ترجمه سی ویا بیر فضولی یانه گؤزه ل معنا واینجه
لیکلر داشیان غزلین بئشله مه سی آیریجا بیر غزل دشمکدن چتیندیرشا ع-
قاردا شلا ایمیز بوچتین لیکلری بیلره ک بو ایشه ال آتسالار دشمک اولارکی
گؤردوکلری آغیرلایشین مسولیتینی بیلبلر وایشلری ده نمره لی اولار .
مثلا" یا خشی بیر غزلی ترجمه ائدنده ویا بئشله ینده تما میله هما نغزلین
قوشانی کیمی بونون اینجه لیکلری دویوب و بودویما و بیلمه دن صورنا اونو
همان اولکی شاعرین با جاریق و مهارتی قده ر صنعتکار اولوب شعر ی خصوصیه
غزلی باشقا بیر دیله چئویره ویا بئشله یه .

قاردا شیمیز سیدخلیل ریاضی (آخار) دان آلدیغیمیز مکتوبدا وارلیق
مجله سینه گؤستردیکلری محبتدن ممنون اولدوق . مکتوبلاری بیله ایکی شعرده
گؤنده رمیشدی لر شعرلرین بیرینده وارلیغا اولان صمیمی محبت آیدین بللنمکد ؛
ایدی بیز بوردادوستوموز سیدخلیلین اوچ بندلیک قوشمالاریندا ن بیر بندینی
وشره رک شعر وادیبات ساحه سینده موفقیتلرین آرزو ائدیریک مثلا:"

گؤزلرین ایشیغی سونمه سین گؤروم
آدیمین گئری په دونمه سین گؤروم
دوسلارین صاغ اولسون اولمه سین گؤروم
یوردومون دیله یی ، سیردا شی وارلیق
با غریمین هاماشی بولدا شی وارلیق

طهران دان شاعره با جیمیز منیرالسادات طباطبائی دن مکتوب آلدیبق
 ایکی شعر گؤنده رمیشدیبلر شعرلری گلن صاییلاردا چاپ اولماق اوچون وئر-
 یلدی بدیعی باخیمدان شعره باخیلسین .
 اهردن بایرام عبدی قارداشیمیز دا ندا مکتوبلاریلا بیرشعر آلدیبق
 گلن صاییلار اوچون شعر کمیونونا وئریلدی .
 تبریزدن قارداشیمیز رحیم گؤزه لدن ده گؤنده ردیکلری ایکی شعری
 الیب وئردیک باخیلسین تا گلن صاییلاردا بلگه چاپ اولسون .
 دوستوموز الله وئردی آقا بدلاتی زاده دن آلدیغیمیز مکتوبلاریگمئچیه
 بایاتی و بیرقوشما گؤنده رمیشدیبلر ، لطف ائتدیکلری بایاتیلاریندا نهرینی
 سئجه بیلدیک .

خان اوغلان آی خان اوغلان
 سؤزلریمی قان اوغلان
 دوشمان هر نه صؤرؤشسا
 بیلدیگینی دان اهوغلان

اورومیهدن قارداشیمیز یوسف بهندون (دالغین) حضرتلریندن آلدیغی-
 میز جوخ صمیمی محبتلی مکتوبلاریندا گؤتردیکلری علاقه و محبت دن ممنون
 اولدوق ایکی اوزون شعرده گؤنده رمیشدیبلر وئردیک باخیلسین تا گلن صاییلار-
 دا چاپ اولماق اوچون احاضیرلانسین .

قارداشیمیز جناب دوقتور جمشید خیرابیدن الیمیزه چاتمیش گؤزه ل
 شعر و بایاتی لاریندا ن اورتک اولراق بوردایکی بایاتیلارین گتیریریکی:

قیزیل گولسن آچارسان	گؤزه لیم گوله بنزه ر
سن قلبیمه آچارسان	صاچی سؤنبوله بنزه ر
منی درده مالماغا	فراقوندا آغلارام
چاراسیزسان ، ناچارسان	گؤزیا شیم سئنه بنزه ر

مراغادار قارداشیمیز رضا شاه زاده نین دالغی لطف و محبتلری یلمه
 دولسو شعرلری الیمیزه چاتیپ ، کرج شهریندن عزیز قارداشیمیز ناظرشرف-
 خاتهای دن ده محبت پاییمیزی مکتوب و شعرلری الیمیشیق . لطف ائدیپ بیسمزه
 مکتوب گؤنده رهن باجی وقارداشلاریمیز آدرس لرین پاکتدن باشقا مکتوبلاریندا

یا زسینلار. و اثرلری نین بیر اوزونو اؤزلری ما خلاسنلار چونکو درگی—
 وئریلن مطلب لرحتی رسملر و شکیللرین بئله گئری وئریلمه سی مقدور دگیل.
 درگیده وئریلن یا زیلارین مسئولیتی ده اونلاری یا زانلارین اؤز بوینونلا
 رینا دیر. درگی هر بیر یا زینی چا پ ائدیپ ، اتمه مکده سربست و آزا ددیر .
 بیرده بیزه شعر ویا هر مطلبی گونده رهن با چی ، قارداشلاریمیزدان خواهش
 ائدیریک مطلبی بیزه گونده رمکدن اؤنجه صلاحیتلی دوستلارینا دا اؤخوسونلار
 اولغون و اولغون گؤرسه لر گؤندرسین لر . اولوتانریدان سیزلره ما غلیق و
 موفقیت دیله بیریک .

وارلیق.

ایکی بؤیوک ایتگی

او تایدان گلن آچی خبره گؤره گئچن آپریل آیتدا ()
 آذربایجان ادبیات و اجتماعی علم دونهاسی ایکی بؤیوک آدامینی الـدهـن
 وئردی . بلی دل آراء خانم علی اکبر قیزی علی یوا و آیدین محمدوف کیمی
 عالم و اجتماعی خادملریمیز شکی دن باکی یا گلرکن هیچ بیر عقله صیغما یان
 بیر اوتوموبیل قضاسی (ماشین تصادفو) نتیجه سینده جانلارینی فدا ائتمیشلر
 و وطنلرینه ایکی بؤیوک شهید داها قازان دیرمیشلار .
 دل آرا خانم ادبیات پروفیسورو، نظامی آدینا ادبیات انستیتوسونده
 شعبه مدیری و مجلس ده خلق نماینده سی ایدی . دوکتور آیدین محمدوف
 دیلچی - ادبیاتچی ، یازچی و ترجمه قورومونون مدیری ایدی و کئچنلرده بیر
 هیئت له حکومتیمیزین دعوتلیسی اولاراق ایرانا گل میشدی . دوکتور آیدینسی
 آنکارا داکا بین الملل تورکولوژی قورولتا ییندان تانیردیم . چوخ شویملی
 سوادلی ، خلقینه و وطنینه عاشق دئیله جک قدر محبتلی و باغلی ایدی .
 بو ایکی بؤیوک ایتگی یی اؤنلارین عزیز عائله و دوستلارینا ، بونسون
 آذربایجان یا رادیجیلارینا و آذربایجان خلقینه باش ساغلیقی وئریرکس
 اولو تانریدان اؤ مرحوملارین روحونا رحمت و قائلنلارینا اؤزون عمـرو
 دؤزوم دیله بیریم .

دوکتور جواد هئیت

*جسوبی ادربایجاندا درج
اولونان "وارلیق" مجموعہ سی
نیس نائری حراح ادیب جواد۔
ہتیتہ۔

بیجا ق - قلم

انمانا خدمتدیر مرا مین سنین،
جراح بیجا غیلا مین۔ مین خستہ نین
خستہ یلد برابر شوبندین سنده،
معنوی درد لیرہ قالدی علاج سیز،
جراح بیجا غیلا گوردون کی، یال نیز
بیر خلقین معنوی آغریلارینا
گوندوزلر بیجا قلا کمک بیر یانا،
یار یا بولونموش آنا وطنین
قارداش قوشا لاشدی سلا حین سنین
من سؤزد چتوبردین اضطرابلاری،
الینده بیرینین آزار بئزاری
گنجهده گوندوزده ہتی دویوشورمن،
حکیم نسخہ لری یازدین ہمیشہ
ادیب قلمیلہ یازدیغین نسخہ
یا زکی بوتؤو ایدیک، یارچالانمیشیق،
یا زکی، قلمیندن سوزولن ایشیق

سن عومرون بویونجا مؤمر اوزا تمیسان،
آغیر آجی سینی کسبب آتمیسان
جسمانی بیور درده علاج اشدندہ ...
بس اؤنون درمانی نہا ہمیش گورہن ؟
جسمانی آغرینی کحہ بیلرسن ...
علاجی، قارداشیم، قلمده گوردون،
گنجهلر الینہ قلم گوتتوردون،
بوگون سندن اومور دردینہ ملحہ
گوندوزلر - بیجا قدیر، گنجهلر - قلم
یازدین، بیور حسرتدن مین درد گویردی
دیلینده بیر خلقین یوزائللیک بردی
معنوی، جسمانی آغریلارلا
خستہن شفا تاپیب ما غالیدی.....
فقط،
بیر خلقین دردینہ شفا دیر البتہ !
اؤ تایدان دونیا یاسین اوجا لسن،
وطندن وطنہ بیر کورپو صالحین

اوقتیا بر ۱۹۸۲

ا ئلون سنە ياس ساغلايىر ،
باشينا قارا باغلايىر ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي ،

بودۇنيادا چۇخ اينجىدىن ،
نىسگىللى سۇز يازدىن ، دىدىن ،
ايلىر بويى حسرت جىكىدىن ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي باجىم لاي لاي ،

ا ئلىن باخا سىندا گزدۇن
گۈللىرىن باشىندا اسدۇن ،
ايلىنلارنىن باشىن ازدۇن ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي .

سن سۇز يازىپ ، نغمە قوشدۇن ،
دنىزكىمى جوتدۇن ، داشدۇن ،
بىر قوشكىمى اوجدۇن ، قاشدۇن ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي باجىم لاي لاي .

ايلىر بويى قايغى لاندۇن ،
"غ آيى" لارا آلداندۇن ،
اۋز ساچلاروندان ساللاندۇن ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي .

اولدوزلارى ساپا جكدۇن ،
ا ئلىن باخا سىندا اكدۇن ،
"نازكەلىك" ھارا شكۇن (۱)
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي .

(۲)
ا ئلى قىرغىن باسان ائلدىن
سن قوجالدىن دۇشدۇن دىلدىن ،
وداع قىلدىن بىزى بىردىن .
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي .

ا ئل گىجە - گۈندۈز آغلايىر ،
ا ئلىن سىنە بىل ساغلايىر ،
اۋلۇمۇن ا ئلى داغلايىر ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي ،

ا ئل سنى اونودما باجاق ،
سنى يادا ساتما باجاق ،
ايل گىددىكىن آتما باجاق ،
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي ،

ا ئلىن آغلىر سەھاي - ھاي
جاوان ، قوجا دىيىر : واي ، واي
آنالار اوخويور " لاي - لاي " .
مدىنە گۈلگۈنۈم لاي لاي ،
آ نام لاي لاي ، باجىم لاي لاي .

۱- سىمگ (СѸКМѸК) : كەلىگىن يىترىشىنە دىيىلەر .

۲ - اشارەدى كىچىن ايللىن قارا وانوار فاجەسىنە .

روشن سنە سۆز قوشا جاق ،
دسما ل چكيب آغليب جاق ،
ياسوندا جوشيب داشا جاق ،
مدينە گۆلگۆنۆم لاي ، لاي ،
آنام لاي لاي ، باجيم لاي لاي .

سئل آرازدان آشدى ، داشدى ،
"سئل سارامى قاپدى قاشدى"
ايندى خان چوبان "بالاشدى"
مدينە گۆلگۆنۆم لاي لاي ،
آنام لاي لاي ، باجيم لاي لاي .

عصيرلر گليب گئدە جك ،
كيشيلر آدى ايتە جك ،
چوخ گۆز آغلايب - گولە جك ،
مدينە گۆلگۆنۆم لاي لاي ،
آنام لاي لاي ، باجيم لاي لاي .

سنۆن يادون (گئدەميبە جك)
سنون آدون (ايتيميبە جك)
گلوگون تىك گۆل (بېيتيميبە جك)
مدينە گۆلگۆنۆم لاي ، لاي ،
آنام لاي لاي ، باجيم لاي ، لاي

"بالاش"ين باشى ساغ اولسون ،
گون بە گون اۆزى آغ اولسون ،
ائل اونا داغ - داياغ اولسون .
"ئوى ائله اوجاغ اولسون"
مدينە گۆلگۆنۆم لاي لاي ،
آنام لاي لاي ، باجيم لاي لاي .

روشن خياوى

عزيبيم گۆلە بيكار
بيردا نيشا گۆلە بيكار
هميشە غملى گۆردينيم
هش گۆرمەدديم گۆلە بيكار

عطا ۱۰۰۰ ميري - آتش بيگ

○ جناس بايا تيلار

عزيبيم قاتار گئدەدەر
دورنالار قاتار گئدەدەر
بار بار جان يانديرار
اۆزگە لرقاتار گئدەدەر

آمالار سۆزلىرى || تورک ادبىياتىندا ن ||

- حق سۆز آجىدىر .
- حيا ايمانين نورودىر .
- هر دۆشوش بىر اوڭرنىش .
- هر چۇخ آزدان اولور .
- گۆونمه وارلىغا دۆشرسن دارلىغا .
- دوشمان قارىنجا ايسه سن فيل فرضايت .
- غافيل قوشون اووچۇسى چۇخ اولور .
- گۆنشدە يانمىان كۆلگه نين قدرينى بيلمز .
- قۇردون اوڭلو قوزى اولماز .
- سۆيله يەن اكر دىنلە يەن بىچر .
- سۇرۇشان اول كى بىليجى اولاسان .
- سۇت سۆز قۇيون چوخ مه لـر .
- شيطانين دوستلوغو دار آغا جينا قدرديـر .
- اۇتان ، اۇتانما زدان ، قۇرخ ، قورخما زدان .
- ظلم اكن عميان بىچر .
- وئرەن ال كئسىلمز .
- بىرتيجى قوشون عومورى آز اولور .
- اوڭول (مکتب) قاپسى حبسانه (دوستاخ – زندان) قاپسىنا دوشمان دىر .
- صبر آجى آما ميوه سي دادلىدير .
- ما دىق دوستون نصيحتى آجىديـر .
- يىئىي ليك كيمي سرمايه اولماز .
- يىئىي اولاد آنا – بابا (آتا ، آنا سي) وزير ، كۆتو (پيس) اولار اۇنلارى رذيل ائديـر .
- اينما فدينين ياريسيديـر .
- قناعت تۆكئمز بىر خزينه دىـر .
- دوشمان دىلين آلتيندا دىـر .
- هنر صاحبين عزيز ائديـر .

آکادېمیا نین ، رئیسې نظامی سلیمانوف



آذربایجان ملی آکادېمیا سی نین بیلدیریشی :

آذربایجان ملی یارادیجیلیق قورومو بیرایلدن بیری ملی آکادېمیا سویه سینه بؤکسلمیش ودولت آکادېمیا سی طرفندن ده قبول ائدیلمیشدیر . بؤ آکادېمیا مهندس نظامی سلیمانوف و بیرنئچه عالم دوستلاری طرفندن قورولموش دور . آکادېمیا نین رئیسې (بزه زیدنت) نظامی سلیمانوف متالورژی متخصصی دیروچلیک استحصالیندا بیر کشفی سایه سینده چلیگی جوخ داها اوجوز قیمتده استحصال ائتمکده موفق اولموش و بؤ یوزدن آذربایجان دولتینه بؤیوک بئیر گلیر قایناغی الده ائتمیشدیر . وطنپرور عالم اوزومه عائد اولان گلیردن اؤنجه ملی یارادیجیلیق قورومو قورموش و آز مدتده عالم دوست و همکارلاری نین یاردیمی ایله بؤ قورومو آکادېمی سویه سینه بؤکسلمگی با جارمیشدیر .

بؤ ملی آکادېمی ده آذربایجان دولت آکادېمیسی نین اعضا سیندان بیر جوقلاری اؤجمله دن پرفسور ائلدار سالایف دولت آکادېمیا سی نین رئیسې ده عضو سئچیلیمیشلر ، پرفسور بختیار و اها بزا ده آکادېمیا نین ادبیات شعبه سی نین رئیسې دیر . پروفسور نورالدین رضایف دا آکادېمی نین عضوی سئچیلیمیتدیر .

ایران دان دوقتور جواد هیئت فخری دوقتور و آکادېمیک سئچیلیمیشدیر

آشا غیدا آکادېمیا نین بیلدیریشینی عینا" نقل ائدیریک :

عزیز دوست :

آذربایجان ملی یارادیجیلیق آکادېمیا سی یئنیجه یارانمیش سربست مستقل بیر علمی و یارادیجیلیق اؤجا غیدیر . او عالم تدقیقا تجی ، ادیب و دیگر یارادیجی شخترین علمی - یارادیجی فعالیتینی استقا متلندیریر ، اونون شمره لی اولما سینا کومکلیک گؤستریر ، علمله تجریه نین سنتزینی یارادییر ، بیرسیرا پروبلم لرین ملی پروسسینی سرعتلندیریر ، خلقین داها جوخ معارف -

لنمہ سینہ ، استعدادلارین اؤبیکتیف (واقعی) ضرائطہ اورہ جیخما سی۔
ندا ، رسپوبلیکا دا عالم ، تدقیقاتی و سائر یارادیجیلارین اثر، کشف
، اختراع ، تکلیف و تدبیرلرین یاییلما سینا و گنیٹلنمہ سینہ جدی شکلده سعی
گؤستریر، خیریه خطی یولو ایله کؤمکلیگه احتیاجی اولان کیمسه سیز ، شکست
خسته ، علیل لره یار دیم ائدیر .

ملی آکادمیاینین ترکیب حصہ سی اولان علمی لوہا را توریالار مرکز و شعبہ
لر اؤز علمی فعالیتلرینی، اجتماعی - کوتلہ وی تدبیرلرینی محض یوخاریدا
گؤستریلن اساسلار اؤزره قورور، یارادیجیلیقلا مشغول اولورلار .

ملی یارادیجیلیق آکادمیاینین نزدیکه فعالیت مرکز لردن بیرده
" گوروش " مدنی علاقہ لر مرکزیدیرکی، اؤ خارجی اولکهلرده یاشایان آذربا -
یجانلی ضیالیلارلا مدنی، علمی ، ادبی یارادیجیلیق علاقہ لری یاراتماق،
اوللارین علمی کارناتہکاسینی تشکیل ائتمک ، حیات ، معیشت و یارادیجیلقلار -
ینی عکس ائتدیره بیلن ملی موزہ نین ایلمک تمل داشلارینی قویماق ، علمی
تجربہ و توریست مبادلہ سیلہ مشغولدور .

" گوروش " مدنی علاقہ لر مرکزی سیزدن خواهش ائدیرکی آذربایجان ملی
یارادیجیلیق آکادمیایسیلہ علاقہ ساخالایا سینیز، بیزه اؤز دقیق عنوانلارینیزی
همچنین اؤز نوز حقدہ ، قیسا دا اولسا ، معلومات و نثره سینیز ، یارادیجیلیقینیز
حقدہ تصور یاراداسینیز ، کتاب و اثرلرییزی گؤندره سینیز . بؤکیم -
علاقہ لر آذربایجان خلقینین علمی، ادبی ، مدنی خزینہ سینیداهادا زنگین -
لشدیره ، انسیتی جوخالدار ، ضالبلارین یئنلی شمہ لی گوروشلرینہ بنی
امکان لار یارادار .

آذربایجان ملی یارادیجیلیق آکادمیایسینین

پریزیدنتی ، آکادمیک ن . م . سلیمانوف

" گوروش " مدنی علاقہ لر مرکزی نین دیرکتوری :

دکتر سہراب ظاہر .



غروب آفتاب فضیلت ۱

درگذشت دکتر غلامحسین صدیقی

از دکتر جواد هئیت .

دکتر غلامحسین صدیقی در نهم

اردیبهشت ۱۳۷۰ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

دکتر صدیقی اسناد دانشگاه تهران و مدیر

جامعه‌شناسی نوین ایران بود. او مردی

با فضیلت و تقوی، استادی دانشمند و

خوش‌بین،رجلی وارسته و آزادیخواه

و وطن‌دوست و انسانی والا و شرافتمند

بود. دکتر صدیقی در خداپرستی بمرحله ایقان رسیده و در انسان‌دوستی و ملت -
خواهی نیز در مرتبه‌کمال و ابثا رگری بود. او نمونه کامل انسانی بود که -
مکتب اسلام هزار روحها را در سال برای ساختن آن کوشیده و در این راه هزاران
شهید داده است او با آن همه عظمت روحی و وسعت علمی یک دنیا تواضع و فروتنی
و ادب بود. هرگز از خود تعریف نمی‌کرد و بر دیگران هم خُرده نمی‌گرفت. بهر
کسی حسد نمی‌ورزید و از کسی غیبت نمی‌کرد. او در علم کلام استاد و در ادبیات
فارسی کم‌نظیر بود. بجز آن‌مبتوان گفت که او فرهنگ شرق و غرب را در مرتبه
عالی میدانست و اگر مبالغه نشود بایده‌گفتا و دایرة‌المعارف رنده و متحرک
بود.

در باره زندگی پرافتخار علمی سیاسی و اجتماعی دکتر صدیقی مقالاتی
نوشته شده و بیش از اینهم نوشته خواهد شد شخصیت والا و کم نظیر و مؤثر او و
خدمات ارزنده‌ای که در دوران های حساس و بحرانی با این آب و خاک انجام داده
او را در تاریخ پرافتخار میهن ما جاودانی کرده است. سوبسنده این سطور که
بیش از نیم قرن افتخار شاگردی او را داشته‌ام در اینجا سعی نکاتی را که خود
شاهد زنده آن بوده و در ذهن و ژرفای دلم نقش بسته است بطور اختصار بازگو
می‌کنم و از اطلاله آلام یوزش می‌خواهم .

دکتر صدیقی را از سال ۱۳۱۷ یعنی یکسال بعد از بازگشت با ایران در

دبیرستان نظام تهران شناختم او معلم زبان فرانسه من بود. از همان سال

شیفته بیان و رفتار و عمق دانش او شدم . در آن سالها بخاطر تحصیل فرزندان

رضاشاه در دبیرستان نظام بهترین اساتید ایران مانند میرزا عبدالعظیم -

خان قریب، جلال همانی، نرافی‌ها، هورفر و هنربخش و اقبال آشتیانی معلمین ما بودند در میان این شخصیت‌های عظیم ادبی - علمی دکتر صدیقی که تازه جوانی از فرنگ رسیده بود در زمانی بسیار کوتاه جای ثابت خود را باز کرد و محبوبیت خاصی در میان محصلین پیدا نمود. من چون شاگرد اول کلاس و بسه اصطلاح آنروز نائب معلم بودم با ایشان تماس و نزدیکی بسیاری داشتم و همین امر سبب شناخت بیشتر و علاقه‌ای شد که سرانجام بد عشق و ارادت و مریدی و مرادی رسید.

شیوه تدریس او کولوکیا لویا گفتگویی بود که در آن زمان تا زنگی داشت و لذا استاد نیاز به مخاطب‌هایی داشت که جوابگوی سئوالات او باشند. در آن سالها این موهبت نسیب من شده بود. البته روابط ما را روزی - روزی نزدیکتر و شناخت‌ناگردد و استاد و یا بزیان درست‌تر مراد و مرید را از یکدیگر عمیق‌تر میکرد. بعد از مدتی ایشان استاد دانشکده ادبیات شد من هم به دانشکده پزشکی رفتم و دنبالش سرنوشت پزشکی تا روزی در پاریس در اطراف دانشگاه سوربون او را با زیافتم استاد برای ایراد سخنرانی بدانگاه سوربن دعوت شده بود. در مدت کوتاهی که با هم بودیم خاطرات گذشته با زگو شد و استاد مرا به ایران دعوت کرد. در سال ۱۳۳۱ من برای خدمت به میهن عزیز برگشتم او هم وزیر کابینه مرحوم مصدق بود. بمحض اطلاع بدیدم آمد و از زندگی و کار آینده‌ام جوینا شد. وقتی فهمید که شاگرد قدیمی‌اش معلمی را بهمه مقامات ترجیح میدهد خوشحال شد. و مرا در این راه تشویق کرد. از آنروز دیگر رابطه ما قطع نشد افسوس که وزارت ایشان دیری نماند و با سقوط دولت مصدق ایشان هم روانه زندان شدند. در زندان هم ارتباط ما قطع نشد همچنان در جلسات دادگاه همیشه پشت سر او نشسته و شاهد دفاع مردانه و بی‌باکانه بودم. آرمیز او بودم. در یکی از جلسات دادگاه وقتی بعنوان منم و شاهد بوسیله صحبت با او داده شد از جای برخاست و با بیانات سیوا و استدلال محکم و منقش خود حنان دادگاه را مسحور کرد که سپید آزموده دادستان بی‌دادگر آرتیش یکمرتبه متوجه شد و از جای برخاست و به دادگاه سدیداً اعتراض نمود که چرا مسحور سخنان سحرآمیز این متهم گناهکار که بمقدسات ما نوهین میکنند قرار گرفته و باو بیش از سه ربع ساعت اجازه صحبت داده است! دکتر صدیقی در صحبت‌های خود هرگز از خودش چیزی نمیگفت بلکه با نه بیت شهادت و استدلالی قوی از اصول مشروطه و قانون اساسی آنروز و حکومت دکتر مصدق دفاع میکرد. و در برابر تعار رایج آنروز (خدا، شاه، میهن) که دادستان آرتیش جزو مقدمات می‌شمرد گفته بود: "اگر مرا بکشند نمیتوانم نام شاه را پیش از نام میهن ببرم زیرا شاه برای میهن است نه میهن برای شاه".

دکتر صدیقی بعد از آزاد شدن از زندان مدتی رسماً بیکار بود. سردتدریس جامعه‌شناسی ادامه داد. او تمام عمر خود را مصروف مطالعه و تحقیق و تدریس نمود و شاگردانی را تربیت کرد که امروز زنده‌ها دشمنان معاصرما را تشکیل می‌دهند. من هر وقت در مطالعه فلسفه به مشکلی برمیخوردم برای تلمذ بمنزل او می‌رفتم، بیان مشکل‌گشای او حلال مشکلات من بود.

در روزهای بحرانی قبل از انقلاب بیشتر به خدمتش می‌رفتم قبل از حکومت بختیار شاه از شدت پریشانی و بیچارگی دست‌بدا من اوزد و بیچار کوشید که او را راضی کند تا با قبول نخست‌وزیری ایران شاهنشاهی و تاج و تخت از دست رفته را حفظ نماید. بیکار شهبانو در حدود دو ساعت التماس کرده ولی دکتر نپذیرفته بود. مذاکرات با شاه طول کشید، در این هنگام یاران دیرین جبهه ملی نیز اکثراً او را تنها گذاشتند و صدیقی تنها در برابر مقاومت کرد و بالاخره شرایطی را برای قبولی بپوشید که شاه هم با تبع آمریکا نتوانست بپذیرد. ناچار سکه بنام دیگری زده شد و دکتر صدیق هم از این صحرکه و مهلکه جان سلامت برد.

دکتر صدیقی از دولتمردان نامدار و ملی‌بودیه میهن خود عشق‌مور زید و در اعتلای فرهنگ ایران و زبان فارسی سخت‌کوشا بود ولی هرگز ما ننسند بعضی ملی‌گرایان افراطی انحصار طلب نبود. او زبان و ادبیات فارسی را بسار دوست میداشت ولی منکر زبانهای قومی هم‌میهنان خود نبود و آزاد دیرا درهمه ابعادش نه فقط برای خود بلکه برای همه ایرانیان میخواست. او وحدت را در برادری و برابری و ایمان به آرمان ایرانی با همه تنسوسوع و رنگارنگی آن پذیرفته و از جان و دل دوست میداشت. امروز دکتر صدیقی برا همیشه از میان ما رفته است مرگ او ولو ظاهری همه شاگردان و آشنایان و شیفتگان او را داغدار و عزادار کرده است. در تاریخ ۵۰ ساله معاصر کمتر کسی را می‌شناسم که چون دکتر غلامحسین صدیقی محبوب همه اقشار و طبقات و قاطبه ملت ایران بوده باشد. با اطمینان میتوان گفت که هر کسی او را می‌شناخت او را دوست میداشت و از نبودن او احساس حزن و اندوه و خلاء ملی می‌نماید. تنها تسلی من از اسن مصیبت عظمی در اینست که اولاً ما هم رفتنی هستیم و دیر یا زود به آن رادمرد خواهیم پیوست. ولی آنچه از دکتر صدیقی و بزرگانی مثل او می‌ماند و برای ما و نسل‌های آینده ارزشمند و آموزنده است خلق محمدی و مجموعه فضایل و میراث معنوی و آرمان اوست بنام مکتب صدیقی که باید حفظ شود و الگوئی برای شاگردان و دوستداران و ارادتمندان آن مرد بزرگ باشد. از خداوند رحمت‌بیکران برای آن بزرگمرد ایرانی را خواستارم.

میرزا علی لعلی

میرزا علی لعلی از جمله شعرای نامداری است که با افکار مترقی و سروده‌های نغز و حکمت آمیز توانسته است در تاریخ ادبیان معاصر آذربایجان منشاء اثر و تحول گردد، چراکه کلام او بکر و دارای مضامین اجتماعی نوین سخنانش شیرین و ظریف و بالاتر از همه، قابل فهم برای عالم و عامی است او سخنوری است با فکری روشن، اندیشه‌ای عمیق که با شناخت شرایط عصر خویش و گام زدن در پیشاپیش جامعه‌اش، نامش را به عنوان یکی از مفاخر آذربایجان جاودان ساخته است.

ادبای نام آور و صاحب نظرانی که درباره این مردنیک‌نام اظهار نظر کرده‌اند بجمگی بر قدرت استعداد، لطافت طبع، سرشاری قریحه، ظرافت ذوق و ملاحظت سخن وی اذعان کرده و او را یکی از شعرای بزرگ آذربایجان معرفی کرده‌اند.

استاد مسلم سخن، سید محمد حسین شهریار تبریزی درباره‌اش می‌نویسد:
" حکیم لعلی استاد مرحوم ایرج بود و با مطالعه دیوان او ریشه مذاق و مشرب و فوت و فن شاعرانه مرحوم ایرج را می‌توان یافت. بالاخره سبک ساده‌ای که ایرج تقدیم زبان پارسی کرده، قسمتی مدیون این مرد است" (۱).
مرحوم دکتر مهدی مجتهدی عقیده داشت: " لعلی شاعری قوی طبع بود. بعضی از اشعار او به قدری روان است که حد ندارد. بسیاری از اشعار او زیبا - نزد مردم تبریز است. وی علاوه بر شعر و شاعری در حاضر جوابی و بذله‌گوئی آیتی بود. لطایف منقول از او کاملاً ذوق سرشار او را می‌رساند.
اشعار ترکی لعلی نیز در غایت درجه لطف و روانی است. عده‌ای از ادبای تبریز معتقدند که در ترکی کمتر غزلی ما نند غزل مشهور و با مطلع " دیر حسنه یو خودور ای صنم " سروده شده است" (۲).

مدرس خیابانی نیز که بیوگرافی این همشهری با ذوقش را در ریحانه‌ها لادب نوشته درباره صاحب ترجمه اظهار می‌دارد: " لعلی علاون بر مراتب ۱ - آستاد شهریار - کلیات دیوان فارسی ص ۸۳ ۲ - دکتر مهدی مجتهدی - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ص ۲۰۴.

علمیه طبعه، در تاریخ و ادبیات نیز حظی وافر و در فنون شعری هم قریحه- ای وقاد و طبعی نقاد داشت. به هردوزبان ترکی و فارسی اشعار نغز و طرفه می‌گفت، معانی بکر را در قالب الفاظ فصیحه سلیس و روان، خالی از تعقید و تنافر کلمات، به سمع اهل ذوق و کمال می‌رسانید و بعضی از لطایف طبع او میان خاص و عام مشهور و زیانزد تبریزیان و در شمار امثال ساثره معدوده است^(۱).
خواهرزاده دانشمندش مرحوم حاج حسین نخجوانی نیز دانش را چنین معرفی می‌کند: "یکی از نوابغ حکمت و ادب در نیمه دوم قرن سزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری میرزا علی خان لعلی بود. این دانشمند بزرگ... طبعش به ادبیات و شعر و شاعری مایل بود و قریحه شعری فوق العاده داشت. اشعارش سهل و ساده و خالی از هرگونه تکلف می‌باشد و در عین حال بسیار شیوا و مضامین زیبا دارد." (۲)

لعلی در سال ۱۲۵۲ ه. ق در شهر ایروان دیده به هستی گشود و در ۲۰ سالگی همراه پدرش حاج آقا میرزا به تبریز آمده و در سرای میرزا جلیل مشغول کسب و کار شد. چون دارای استعداد فطری بود و به کسب علم و دانش علاقه وافر داشت از تجارت دست کشیده و به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت. در اندک مدتی، مقدمات علم و ادب را از سررگزار آموخته و مشغول فراگفتن علم شد. گردید و در حوزه درس مرحوم میرزا ابوالحسن حکیم ناسی که در آن هنگام از استادان بزرگ و محرابان فن بود حضور یافت. پس از درگذشت پدرش حنبدی در تبریز اقامت داشت، تا این که غریزه دانش پژوهی و کمال اندوزیتش او را واداشت که برای تکمیل تحصیلاتش راهی خارج از کشور گردد. وی به اسانبول رفته و در دانشگاه آن شهر به یادگیری علم پزشکی بوی برداشت تا موفق به دریافت دکترای خود گردید. او پس از چند سال اقامت در اسانبول، به تبریز بازگشت و با دایر کردن مطبعی در کوی راسته کوجه، در محلی که به دیکبای- شی معروف بود مشغول طبابت شد. و چون در کار خود حذاقب داشت، در اندک مدتی شهرت بسزائی یافت و پزشکان مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد وقت گردید.

لعلی پس از مدتی به تهران سفر کرد و بر اثر اشتهار به کمالات علمی و ادبی، با وزرای وقت و بزرگان با بتخت مأنوس گردیده و به همراه هیبتی، با ناصرالدین شاه به اروپا اعزام گردید. وی علاوه بر آن سفرهای دیگری به اروپا، اسانبول، مصر، روسیه و عراق داشته و در آن سیروسفرها، بی‌گمان به دانش و آگاهی خود افزوده است. او در زمان سلطنت مظفرالدین شاه به

۱ - مدرس خیابانی - ربانة الادبا - (ج ۵) - ص ۱۳۴

۲ - حاج حسن نخجوانی - مجله دانشکده ادبیات تبریز - بهار ۱۳۳۵ ص ۳۵

لقب شمس الحکمائی ملقب گردید.

صاحب ترجمه در سال هائى که در تبریز مشغول طبابت بود اغلب معالجه تشمؤثر واقع می‌شد، چراکه او علاوه بر تشخیص و مداوای بیماری‌های جسمی، با آن ذوق لطیف و مجلس آرائی‌های بی‌بدلش در واقع طبیب روحی بیماران نیز بود. سجع مهروی که آیه "وَإِنَّ لِعَلَىٰ حُكْمًا" بود به تنهائی برای پی بردن به تیزهوشی، قدرت روانشناختی و ذوق ادبی او کافی است و این انتخاب، نشانگر آن است که او دارای چه استعداد و قریحه‌ای بوده است. زیرا که اسمش علی تخلصش لعلی و شغلش طبابت بود که حکیم لعلی می‌گفتند. در این زمینه خود او چنین سروده است:

تو این پیام متین را ز قول من برسان صبا بگو به حسودان که سست پیمانند
به طبع شعر مرا خودنه افتخار بود که جمله صاحب طبع سلیم می‌دانند
مرا به قول خداوند در کلام مجید (وَإِنَّ لِعَلَىٰ حُكْمًا) می‌خوانند
و ی بسیار شوخ طبع، ظریف و حاضر جواب بود. اغلب بداهتاً شعر می‌گفت
صحبتهای شیرین و سخنان نمکینش هنوز در افواه مردم با ذوق سرسرایى و
جاری است. در هر مجلسی که حضور می‌یافت با سخنان نعت خود حصار با معنای و
شنوندگان را محفوظ میکرد. در اواخر عمر، مطبش را بسنه و در آن اسرار حب
بود. بعضی از رفقا با اظهار تأسف، علت بسته ماندن مطب را پرسیدند، در جواب
آن‌ها گفته بود عزرائیل را صفا و نازم نبود. جبار نامی از وی خواست سرد که
سجع مهر مناسبی برای او تهیه کند. فی‌الغور در جواب او گفته بود:
خدا دهد به همه کس رواجی با زار ذهب ز راست و حدید آهن عبده حیار
امرالله بیگ‌نا می‌نمزد از ایلات ائیل سئون سجع مهری تقاضا کرده بود،
در جواب وی گفته بود سجع مهر بسیار مناسبی برای تو از آیه شریفه پیدا
کردم که بهترین سجعی است که در حق تو از آسمان نازل شده است و آن اینست
(وَكَانَ أَمْرًا لِلَّهِ مَفْعُولًا).

از دیگر لطیفه‌های نقل شده از او، این که پس از رسیدن به مصر تلگراف کرد که "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي مِصْرٍ"، ظرفاً و ادبای تبریز انجمن کردند و بالاخره در جواب تلگراف کردند که "إِلَّا لَذِينَ آمَنُوا". اروی پرسیدند که در کجا منزل داری، او که در راسته کوچه نزدیک محله آرامنه سکونت داشت فی‌البداهه گفت:

هست ما را قرارگاه و مقام اول کفر آخر اسلام

لعلی اشعار و قطعات فکاهی زیاد دارد و با شوخی و ظرافت آنچه را که
گفتنی بود می‌گفت، چنانکه این قطعه را به یکی از وزرا که حق المعالجه اش

را نپرداخته بود گفته است :

حیف است خدا ز درد دورت سازد

ای مرده زنده گشته کومزد طبیب

در حق طبیبی که بر اثر سوء معالجاتی ، اغلب بیماران وی می مردند

این سه بیت را سروده است :

منک الموت رفت پیش خدا

یک طبیبی است در فلان کوجه

یا بفرما که قیض روح کنم

در عشق شفاء الملک تا می که در تغلیس طبابت میکرد و در مرض بسوا سیردا نه-

ای متخصص بود گفته است :

شفاء ملک بود مرغی به شاخه طب که طمعش همه از دانه بسوا سیراست

خطیب الممالک که خواسته بود بالعلی شوخی کنند نوشته بود که سنیده ام

مرده ای ، اگر میراثی باقی است به من حواله کن ، در جواب او نیز چنین نوشته

بود :

ای خطیب الممالک از پس مرگ

بجز از هشت یک ، ز میراثم

در عصر قاجار در اغلب شهرهای ایران ، برای جلوگیری از ازدان ، اسم شب

معمول بود . هر کسی پس از نصف شب ، نیاز به بیرون رفتن از منزل داشت ، لازم بود

قبل از وقت از داره بیگلربیگی یا داروغه گری به آن وقت محافظت شهر را

عهده دار بود اسم شب تحصیل میکرد . مامورین و محافظین از عابریین و شب گردها

اسم شب نمی پرسیدند اگر صحیح بود مرخصی آنها را تا صبح توقیف میکردند .

العلی غزلی در آن خصوص سروده است که این سه بیت باقی است .

کرد یک شب گذریه گوشه جسم

گفت چشم شبه زلفکای شبگرد

سرفرویرد زلف برگوشش

گفت آهسته اسم شب حسین است

این شاعر شیرین سخن سه زبان کردی نیز شعر گفته است . این شاعر بیدله گو

از روشنفکران عصر خودنیز به سمار میرفت . وی از اراکتمندان میرزا عبدا -

الرحیم طالبوف تبریزی بود که در تمرخان شور - یکی از شهرهای داغستان

اقامت داشت ، چنانکه خودگوید :

رسیدم جو بر حضرت شیخ شوره

حو انگور سربین شدم رفته رفته

مبدل به انگور گنتم جو غوره

سراب معرج سدم بالظن - روره

وی در قصیده گوئی و غزل سرایی نیز کم نظیر بود، به طوری که در این زمینه، آثار دلپذیری از خود به یادگار گذاشته است. او که اغلب نامه‌های دوستانش را نیز منظوم می‌نوشت، درجکاهای که در پاسخ به نامه‌ها لایحه‌نویس بوده است، ارادت و اعتقاد خود را نسبت به وی چنین نشان داده است:

زنده باشای حکیم پندآموز	زنده باشای مربی آدم
ای بنای وطن پرستی تو	استوار وقویم و مستحکم
وطن پیرما به غیر از تو	نیست زای بنای خوبشتر خرم
خامه موشکاف تو بگشود	ای بسا عقده‌ها چو جگر اصم
شهر گیرند از شهان با تیغ	توجهانی گرفته‌ای به قلم
وقت انشاء ز قدرت قلمت	ادبا لرزد و عطار دهم
به خدا فلیسوف ایرانی	تالیبت نیست درد یار عجم
گوشه شوره تا که مسکن تمت	هست این گوشه رشک با غارم
حاجتی نیست شرح فضل تورا	ای به شهرت جونیزاً عظم
لعلی از حضرت تو دارم چشم	گاه بنوا زیش به نوک قلم

لعلی با آن دید روشن و افکار منرقی، رویدادهای مشرق زمین را تعقیب میکرد و اغلب آن رخدادها را در اشعارش منعکس می‌نمود و دیوان او از این حیث از اهمیت تاریخی برخوردار است.

هنگام انتشار روزنامه بسیار مهم "شرق روس" که با مدیریت محمد آقا شاه تختینسکی متفکر بزرگ آذربایجان شمالی در شهر باکو منتشر می‌شد قصیده‌ای ساخته است که ابیاتی از آن چنین است:

حیرت ده قوبدی عالم اسلامی شرق روس	بی‌وزن نقابین آجدی بوت‌رکی‌زبا نروس
گفتاری صدق، نیستی خالص، لسانی پاک	نه اخذنه طمع نه مزور نه چاپلوس
بیول گوستریر آزانلارا چؤللرده چون چرس	ببدار انلیریا تانلاری انولرده چون خروس
انت کسب علم و صنعت و فن زراعتی	بس دیر حدیث رستم و سهراب و اشکیوس
سیمرغ تک عروج تلییب کوه قافس دن	بو سؤزلری خطا بائلرا سلامه شرق روس
هرکیم ائشیتسه سؤزلرینی گوش و هوشی لن	بشاشا اولور اگرچه اولافطرتا" عبوس
گول تک اولاهمیشه هوا خواهی سرخ‌رنگ	بدخواهی زردرو قالا ما نند سندروس

روزنامه الحدید نیز که از سال ۱۳۱۵ ه.ق به مدیریت سید حسین‌خان عدا- لت در تبریز منتشر می‌شد و اساس پشرفت را در آن روز صنعت دانسته و آهن را شالوده اصلی صنعت معرفی میکرد و به همین علت نام روزنامه، "الحدید"

انتخاب شده بود . میرزا علی لعلی این شاعر بیدار دل در تعریف آن روزنامه
 وزین که یکی از جراید قبل از مشروطیت بود که افکار مردم را برای آزادیخواه
 اهی و تجدد طلبی آماده میکرد، چنین گفته است :

هزار آفرین آن خردمند را	در آهنگش نقشه پند را
سخن را ز آهن گدازد با س	به الفاظ رنگین کند خوش لبها س
به اسلوب خوب و به طرز جدید	چنین گوید این نامه الحديد
مدار جهان از حديد است و بس	چنان چاره سازی ندیده است کس
همه ارتباط ملل ز آهن است	تن ملک را همچو پیراهن است
همین خون که سرمایه تن بود	قوا مش ز درات آهن بود
به قانون شیمی و طب جدید	تن از خون بود زنده خون ز حديد
سخن را نداین نامه زهر دری	به تخصیص از علم صنعتگری
بود سود صنعت در آن مندرج	به قسمی که از بعد شدت فرج
همان الحديد است عنوان آن	ز یزدان رسیده است فرمان آن
که خود وحی منزل بود الحديد	لکم فیه نفع و باس شدید

لعلی در مورد رویدادهای اجتماعی عصر خویش نیز ناظر بیطرفی نبود. از جمله
 اشعاری در نکوهش احتکار و محتکران گفته است و این ابیات خطاب به شکوهی
 نامی که از محتکران بود سروده شده است .

گرد گندم مگر آئید عزیزان زینهار که بسی شوم بود خوردن و انباشتنش
 آدم از خوردن گندم شده بیرون ز بهشت گشت رسوای " شکوهی" ز نگه داشتنش
 همچنین این قطعه را در باره دیوانخانه آن روزی تبریز گفته است :

حکمرانی و عدالت پیشگی	در حکومت خانه تبریز بین
هر که اینجا منشی و مستوفی است	خامه اش را خنجر خونریز بین
بهر قطع نان مظلوم ویتیم	هر یکی را کلک و دندان تیز بین
کس نداند حاکم و محکوم کیست	فاعل و مفعول بی تمیز بین
این زمان رذل گدا پرور شده	کشور شه پرور و شه خیز بین
ویض و بیض بیضه لایق خواهی اگر الدوله تبریز بین

لعلی درباره نهضت تحریم تنباکو این بیت را سروده است که باینک
 دیوان برابر است :

خصم این خسرو تنها نه گروه با با است این زمان خصم من البالبالی المحراب
 است

وی در آخرین سفر خود به استانبول، مدتی اشاهزاده با رفع الدوله

مؤانست داشت، تا آن که آب و هوای آن شهر با مزاجش سازگاری نمی‌کند و با تجویز پزشکان به تفلیس عزیمت کرده و در ساختمانی که ارفع الدوله ساخته بود سکونت می‌کند. در اثنای توقفش در تفلیس، دوبار به تبریز می‌آید. اولین دفعه در سال ۱۳۲۲ ه.ق، هنگامی که جنگ و ستیز در میان ارامنه و مسلمانان قفقاز آغاز می‌گردد و دومین بار در سال ۱۳۲۴ ه.ق موقعی که گوهی از رهبران آزا دیخواه تبریز در کنسولگری انگلیس متحصن می‌شوند. در اقامت دوسه ماهه خود در تبریز از هیچ گونه کمک فکری و تشویق مردم برای کمک به مشروطه فروگذار نکرده، حتی خواهرزاده خود مرحومان حاج محمد و حاج حسین نخجوانی را به تحصن در کنسولگری و شرکت در حرکات آزا دیخواهی ترغیب می‌نماید. در همان سال بیماریش که تنگی نفس یا برونشیت مزمن بود و از سال‌ها قبل ناراحتش کرده بود شدت می‌یابد، لذا مجبور می‌شود برای مداوا به تفلیس عزیمت کند. لکن این رفتن، فزونی بازگشت او بود. به طوری که در سال ۱۳۲۵ ه.ق در سن ۷۳ سالگی در همان شهر بدرود حیات می‌گوید. تاریخ درگذشت او را خواهرزاده دانشمندش زنده نام حاج محمد آقا نخجوانی این چنین سروده است:

چو پرسند از سال تاریخ فوتش "بسوی جنا نگو روان گشت لعلی"

کلیات آثار این شاعر و الامقام در دو جلد می‌باشد. جلد اول در ۱۶۶ صفحه است که ۱۸۵ صفحه آن فارسی و ۳۱ صفحه اش ترکی می‌باشد. جلد دومش که حاوی نوحه‌ها و مراسمی وی هست کلاً "به زبان ترکی آذری سروده شده است."

اینک چند نمونه‌ای از نثر آن مرحوم: "وقتی در سفارت استانبول بودم، دوروز به عید نوروز مانده یک نفر باغچه‌بان ماهر، در دو طرف بسیار قشنگی، خیار کاشته بود که در هر بوته آن، یک دو عدد خیار سبز تازه به بار آورده و بسه زمینیه آنها، توت‌فرنگی کاشته، که آن هم سبز و خرم و شاداب بود. و توت‌های متعدد درشت قرمز شده به عمل آورده، در نهایت قشنگی و زیبایی، منظره بسیار خوبی داشت، به سفارت تحفه آورده چند لیره عثمانی انعام داده شد و قرار شد به همان هئیت نگاه دارند تا در ساعت تحویل شمس در سراسینی هفت سین بگذارند و روز عید، در وسط مجلس باشد. اشخاصی که برای تبریک عید می‌آیند تماشا نمایند. در این حین یک نفر شاهزاده موسوم به عزالدوله برادر شاه شهید با پسرده ساله اش وارد اطلاق شدند، از تهران آمده بود که پسرش را برده، در بیروت به مکتب بسیار بعد از مراسم خوش آمدی و صرف قهوه و قلیان، همه از آن اطلاق بیرون رفتیم و در اطلاق‌های دیگر، هر کس مشغول کار خود شدیم. ده پانزده دقیقه طول نکشید که دوباره، به آن اطلاق آمدیم، چه

دیدیم، مسلمان نشنود کافر نبیند. دیدیم آن پدروپسر هردوروی صدلسی نشسته، تمام خیارها را که درحقیقت، هر یکی در آن وقت، عزیزتر از یک فرزند بود با تمام توت‌های فرنگی بریده و خورده‌اند و زالتاذ آن تعریف میکردند که خوب رسیده و بسیار لطیف و خوشمزه بود. در تهران هم، چنین چیزی در غیر فصلش ندیده بودم. باری ببینید که برما چه گذشت، از حرکات ناگوار و ناملائم این ابنای ملوک، این رباغی در آن خصوص گفته شد:

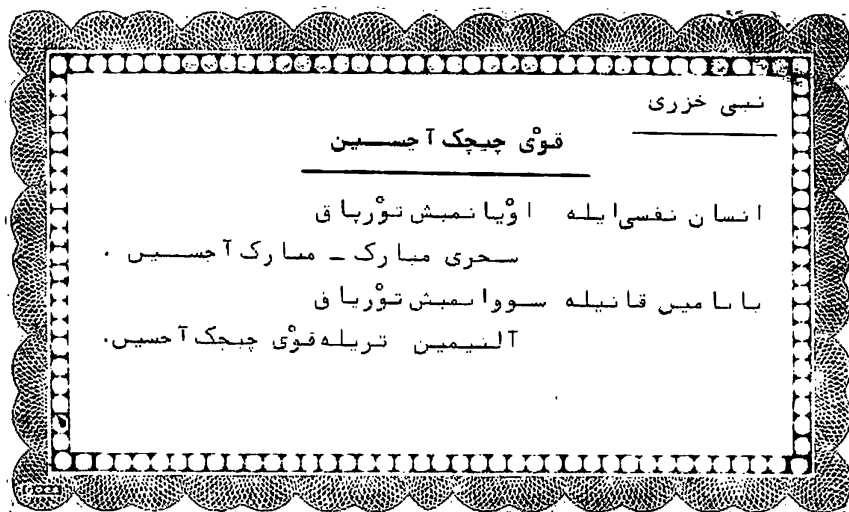
ای کرده خزان فصل بهار همه را ای تیره نموده روزگار همه را

حق داشت همه در آن خیار تازه خوردی تو به یک بار خیار همه را

در چهارم آذرماه ۱۳۲۵ شمسی، دبستان، نوینیادی که در مرحله قرا ملک تیرپرز احداث شده بود به مناسبت بزرگداشت این شاعر بزرگ، به نام "العلی" نامگذاری گردید.

در پایان، جهت حسن ختام، این مقاله را با قطعه‌ای زیبا، از سروده‌های آن سخنور توانا به پایان می‌بریم، باشد که موردپسند دوستداران و علاقه‌مندان ادبیات آذری قرار گیرد.

ای لب‌لری غنجه بی‌نله اسنجه کمرا ولما ز شبرین لب‌لعلون کیمی شه‌دوشکرا ولما ز آئینه ده مشکل‌گورؤنور عکس جمالون آئینه ده، آئینه گؤزل حلوه‌گرا ولما ز



حضرت امام خمینی نین

اؤاره و نون ایکینجی ایل دؤنومونو بوتون
مسلمانلارا خصوصاً شیعه عالمینه باش
صاغلیغی وئریریک

VRALIQ

PERSIAN AND TURKISH
JOURNAL

13-1b. Year No. 80-1

1991 Apr. May. Jun

Add. 151, Nord Felestin Ave

Dr. Javad Heyet

Tehran - Iran

وارلیق

مجله فرهنگي ، ادبي ، هنري

به زبانهای فارسی و ترکی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر جواد هیئت

تهران: خیابان فلسطین شمالی پلاک ۱۵۱

عصرهای زوج تلفن : ۶۶۶۳۶۶